



حاکمیت بر کشاورزی و غذای گوارا

نظام فرمانروایی بر غذای جهان
پروژه نفوذ و مواضع ملی

دکتر غلامحسین زمانی (استاد دانشگاه شیراز)

دکتر مجتبی پالوج (دانشیار وزارت جهاد کشاورزی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حاکمیت بر کشاورزی و غذای گوارا؛

نظام فرمانروایی بر غذای جهان

پروژه نفوذ؛ و مواضع ملی

دکتر غلامحسین زمانی

استاد دانشگاه شیراز

دکتر مجتبی پالوج

دانشیار مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی

و توسعه روستایی وزارت جهاد کشاورزی

انتشارات مرجع علم

۱۴۰۲

سرشناسه	:	زمانی، غلامحسین، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	:	حاکمیت بر کشاورزی و غذای گوارا: نظام فرمانروایی بر غذای جهان- پروژه نفوذ؛ و مواضع ملی/ پدیدآوردگان غلامحسین زمانی، مجتبی پالوج.
مشخصات نشر	:	شیراز: مرجع علم، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	:	ل، [۱۶۴] ص.: جدول، نمودار.
شابک	:	۳۰۰۰۰۰۰ ریال: 5-29-622-978
	:	ص.ع.به انگلیسی:
یادداشت	:	Golamhossein zamani, Mojtaba Palouj Sovereignty over agriculture and delightful food...
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۱۶۱-۱۶۰.
عنوان دیگر	:	نظام فرمانروایی بر غذای جهان- پروژه نفوذ؛ و مواضع ملی. امنیت غذایی Food security
موضوع	:	مواد غذایی-- صنعت و تجارت Food industry and trade مواد غذایی-- صنعت و تجارت-- ایران Food industry and trade-- Iran امنیت غذایی -- ایران -- سیاست دولت Food security -- Iran -- Government policy امنیت غذایی -- سیاست دولت Food security -- Government policy
شناسه افزوده	:	پالوج، مجتبی، ۱۳۴۶ -
رده بندی کنگره	:	HD ۹۰۰/۵
رده بندی دیویی	:	۳۳۸/۱۹
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۳۰۲۷۵۱



marjaeelm@gmail.com----- 09173323184

□□□

حاکمیت بر کشاورزی و غذای گوارا

نظام فرمانروایی بر غذای جهان - پروژه نفوذ؛ و مواضع ملی

□□□

پدیدآوردگان: غلامحسین زمانی و مجتبی پالوج

□□□

شابک: ۵-۲۹-۶۲۲-۷۷۶۶-۹۷۸ ISBN

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۴۰۲ / شمارگان: ۳۰۰ نسخه / قیمت: ۳۰۰۰۰۰ تومان

□□□

توزیع کتاب: www.16book.ir

نسخه رایگان الکترونیک را از www.ketabrah.ir بخواهید

□□□

Printed in the Islamic Republic of Iran- Shiraz

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار.....	ح
مقدمه.....	ی
فصل اول: کلیات.....	۱
معرفی فصل.....	۲
برگزیده‌ای از فصل سوم کتاب نظام مطلوب تأمین غذای جامعه.....	۳
مروری بر نظر چند اندیشمند داخلی پیرامون حاکمیت غذایی.....	۱۲
قانون حق بر غذا از کجا آغاز شد.....	۱۵
مفهوم امنیت غذایی در حق بر غذا.....	۱۶
چالش‌های عرضه غذا در جهان.....	۱۶
برگزیده‌ای از مبحث چالش‌های پیش‌روی امنیت غذایی.....	۱۹
محرك‌های مهم تغییر در قرن بیست‌ویکم.....	۲۴
ضرورت‌های حاکمیت غذایی.....	۲۵
فصل دوم: ظهور نظام فرمانروایی بر غذای جهان؛ و در مقابل آن، نهضت مردمی غذا.....	۲۷
معرفی فصل.....	۲۸
فرمانروایی بر غذا.....	۲۸
نگاهی به کشاورزی و غذا در ایالات متحده آمریکا.....	۴۷
دفاع از شرکت‌های بزرگ.....	۵۸
وابستگی‌ها برای تأمین نهاده‌ها.....	۵۹
فصل سوم: راهبردهای مطرح شده در جهان برای مقاومت و مقابله.....	۶۱
معرفی فصل.....	۶۲
راهبردهای عمده مقابله با نظام فرمانروایی بر غذای جهان.....	۶۲
جمع‌بندی.....	۸۳

فصل چهارم: رویکرد حاکمیت غذایی	۸۵
معرفی فصل	۸۶
سابقه بحث حاکمیت غذایی	۸۶
نهضت مردمی برای غذا" در مقابله با "نظام فرمانروایی بر غذای جهان"	۸۹
اهداف حاکمیت غذایی	۹۲
سابقه بروز تفکر حاکمیت غذایی	۹۳
گفتمان‌های پشتیبان فکری	۹۳
 فصل پنجم: حاکمیت غذایی و مواضع ملی	۹۷
معرفی فصل	۹۸
مفاهیمی از حاکمیت کشاورزی و غذایی	۹۸
شرح مختصری از حاکمیت بر غذا و کشاورزی در سطح ملی	۱۰۰
معیارهای تشخیص میزان حاکمیت بر کشاورزی کشور و غذای مردم	۱۰۷
سنجش میزان حاکمیت بر کشاورزی و غذا در ایران	۱۰۸
شرح هر یک از روش‌ها یا مؤلفه‌های سنجش حاکمیت	۱۰۹
نقد و نق‌های گویای وضعیت حاکمیت غذایی و کشاورزی کشور	۱۱۷
نتیجه‌گیری	۱۱۸
 فصل ششم: پروژه نفوذ برای دخالت در حاکمیت بر کشاورزی و غذای کشور	۱۱۹
معرفی فصل	۱۲۰
تعریف نفوذ	۱۲۰
تعریف نفوذ در بخش کشاورزی و غذایی	۱۲۱
الگوی فرایند نفوذ	۱۲۱
اهداف نفوذ	۱۲۲
ویژگی‌های نفوذ	۱۲۳
انواع نفوذ در بخش کشاورزی	۱۲۳
زمینه‌ها و شرایط مناسب برای نفوذ	۱۲۵
شگردهایی برای ناگزیر کردن کشورها برای عضو شدن در مؤسسات بین‌المللی	۱۲۸
ابزار نفوذ	۱۲۸

عنوان	صفحه
راهبردهای شیطان‌ی برای نفوذ بر بخش کشاورزی کشور	۱۲۸
آسیب‌ها و اثرات نفوذ بر بخش کشاورزی	۱۳۲
راهبردهای مقابله با نفوذ	۱۳۳
فصل هفتم: جمع‌بندی و برنامه حفظ و ارتقای حاکمیت کشور بر کشاورزی	۱۳۷
معرفی فصل	۱۳۸
توصیه‌هایی برای حفظ و ارتقای حاکمیت بر کشاورزی کشور و غذای مردم	۱۴۲
سخن پایانی	۱۴۴
منابع	۱۴۵
پیوست‌ها	۱۵۱

پیوست‌ها

- پیوست شماره ۱: فرم ارزیابی پیروی از حاکمیت ۱۵۲
- پیوست شماره ۲: فرم ارزیابی میزان مشارکت مردم و نیروهای ذیربط در حاکمیت بر... ۱۵۳
- پیوست شماره ۳: ارزیابی میزان مداخله بیگانگان در حاکمیت کشاورزی و غذایی کشور ... ۱۵۴
- پیوست شماره ۴: نمونه‌ای از نقدها گویای و نشانه تأثیرگذاری بر حاکمیت غذایی ۱۵۵
- پیوست شماره ۵: نمونه تحلیل نظام مصرف غذای ایرانیان ۱۵۷
- پیوست شماره ۶: کتاب‌شناسی و منابع علمی پیرامون نقد کشاورزی سرمایه‌داری،..... ۱۶۰

پیرابندها

- پیرابند شماره ۱-۱: ویژگی‌های نظام فرمانروایی بر کشاورزی و غذای جهان ک
- پیرابند شماره ۱-۲: فهرست چالش‌های فرا روی تأمین غذای جهان ۲۴
- پیرابند شماره ۱-۳: فهرست برخی از راهبردهای مقابله با نظام فرمانروایی غذایی ۸۴
- پیرابند شماره ۱-۵: فهرستی از موانع حاکمیت غذایی در ایران ۱۰۲
- پیرابند شماره ۲-۵: معیارهای سنجش حاکمیت بر کشاورزی و غذا به‌ترتیب اهمیت ۱۰۸

جداول

- جدول شماره ۱-۱: مقایسه امنیت غذایی با حاکمیت غذایی ۸
- جدول شماره ۱-۲: ده چالش عمده امنیت غذایی جهان ۲۰
- جدول شماره ۱-۲: روند کاهش تعداد و افزایش سطح مزرعه ظرف مدت ۸ سال ۵۲
- جدول شماره ۲-۲: اندازه مزرعه برحسب میزان و سطح اقتصادی ۵۲
- جدول شماره ۲-۳: سهم کشاورزان آمریکایی از هزینه غذایی که مردم پرداخت می‌کنند، سال ۲۰۲۱ ۵۷
- جدول شماره ۱-۴: حاکمیت غذایی: بدیلی نوظهور از نظام فرمانروایی غذایی ۸۹
- جدول شماره ۱-۵: تغییرات ضریب خوداتکایی محصولات اساسی طی سال‌های ۱۳۹۸-۹۹ ۱۱۱

عنوان

صفحه

جدول شماره ۵-۲: تغییرات ضریب خوداتکایی برحسب انرژی طی سال‌های ۹۹-۱۳۹۸ ...	۱۱۱
جدول شماره ۵-۳: میزان تولید و واردات گندم بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸	۱۱۲
جدول شماره ۵-۴: تأثیرگذاری ومداخله بیگانگان برکشاورزی و حاکمیت غذایی کشور	۱۱۴
جدول شماره ۵-۵: ارزیابی حاکمیت غذایی برمبنای میزان پیروی از دستورالعمل‌های کارشناسان داخلی	۱۱۶
جدول شماره ۵-۶: میزان مشارکت نیروهای ذیربط در برنامه‌ریزی‌ها، اجرا و نظارت و ارزیابی‌ها	۱۱۷
جدول شماره ۶-۱: مقایسه مفهومی نفوذپذیر با نفوذناپذیر	۱۲۱

نمودارها

نمودار شماره ۲-۱: تعداد مزارع ورشکسته ثبت شده در نظام قضایی آمریکا	۴۹
نمودار شماره ۲-۲: روند کاهش تعداد محصول از هر مزرعه در آمریکا	۵۱
نمودار شماره ۲-۳: میزان تملک و مدیریت مواد غذایی و کشاورزی توسط چهار شرکت آمریکایی	۵۳
نمودار شماره ۲-۴: فرایند استانداردسازی تا مصرف‌گرایی	۵۵
نمودار شماره ۲-۵: نظام الگوی مصرف و تأثیر بر کشاورزان، شرکت‌های بزرگ، مصرف‌کنندگان و محیط زیست	۵۶
نمودار شماره ۳-۱: فرایند غیرمتمرکز اصلاح بذر کشاورزان در تشکل کشاورزی زیستی پرگورد	۷۴
نمودار شماره ۵-۱: رابطه سه مؤلفه اصلی در حاکمیت غذایی	۱۰۰
نمودار شماره ۶-۱: الگوی سه رکنی نفوذ	۱۲۲
نمودار شماره ۶-۲: رابطه تقوا با فرقان و روشن بینی و تشخیص نفوذ	۱۳۵

منحنی‌ها

منحنی شماره ۲-۱: روند میزان صادرات محصولات کشاورزی از آمریکا	۵۰
منحنی شماره ۲-۲: گویای کاهش تعداد مزرعه و افزایش میانگین سطح مزارع	۵۱

پیشگفتار

از نیازهای جدی امروز جامعه، آگاهی بخشی به کلیه افراد و به ویژه کشاورزان و نیروهای فعال بخش کشاورزی و غذایی در زمینه های مختلف از جمله امور اقتصادی و سیاسی - اجتماعی می باشد. این امور بر تولید تا عرضه و حتی مصرف محصولات کشاورزی و غذایی نافذ و مؤثر بوده و به طور مستمر بر دامنه فعالیت و میزان اثرگذاری آنها افزوده می شود.

غذا بدین جهت که نیاز همه انسان ها است و از طریق آن می توان بر تمام شئون زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و ملت ها مسلط شد، مورد توجه نظام سرمایه داری بوده، و در برابر آن رویکرد متفاوتی برای تقابل با سلطه غذایی که به بومی و محلی بودن کشاورزی توجه دارد و در برابر سلطه مقاومت می کند به مفهوم "حاکمیت غذایی و تأمین غذای خود" مطرح شده است. حاکمیت غذایی هر کشور بخشی از تأمین امنیت ملی، حکمرانی و حاکمیت مطلوب آن کشور محسوب می شود.

کتاب حاضر با تبیین این موضوع و ضمن توجه به حاکمیت غذایی و مبتنی بر پژوهش با رویکرد مطالعات اسنادی و روش شناسی کتابخانه ای و تحلیل محتوا به بررسی جریان اقتصادی مهار و مدیریت (کنترل) کشاورزی و عرضه محصولات غذایی در سطح جهان، که ضمن ارائه خدماتی، آثار منفی فراوانی نیز بر جهان تحمیل کرده است، می پردازد. همزمان به تحلیل و تبیین جریان مخالف و مقاوم در برابر نظام سرمایه داری در حوزه غذا نیز تمرکز کرده است. جریان اول را نظام (رژیم) فرمانروایی و کنترلی بر غذای جهان و جریان دوم را نهضت جهانی مردمی برای تأمین غذا نامیده اند. برای این مهم ابتدا زمینه های اثرگذار و چند چالش عمده بخش کشاورزی مطرح و سپس نظرات و نقدهائی که بر نظام فرمانروایی به ویژه از سوی جریان دوم وارد شده است، با ارائه مصادیقی از کشاورزی ایالات متحده آمریکا، عرضه می شود. در قسمت بعد به تاریخچه و سیر شکل گیری نظام فرمانروایی و مکاتب فکری پشتوانه هر دو جریان مانند مکاتب نئولیبرالیسم، اصلاحات، ترقی خواه، و تغییرات اساسی اشاره می شود. تأکید اصلی نهضت جهانی مردمی برای غذا بر حاکمیت غذایی استوار است، لذا ابعاد رویکرد این نهضت در تأمین غذا مورد بحث قرار گرفت. از راهبردهای مداخله در حاکمیت غذایی، راهبرد نفوذ است که به دلیل اهمیت این مقوله، یک فصل بدان اختصاص یافت و زمینه های نفوذپذیری در بخش کشاورزی و راهبردهای مقابله با نفوذ به بحث گذاشته شد. سپس برخی از رویکردهای مطرح در کشورهای مختلف برای دفاع و حمایت از تولیدکنندگان روستایی و مصرف کنندگان محلی خود عرضه می گردد. در پایان وضعیت حاکمیت غذایی در ایران را مرور کرده و توصیه هایی برای تقویت جایگاه حاکمیت غذایی و نظام غذایی با تأکید بر توسعه زنجیره ارزش کشاورزی کشور ارائه شده است.

در این نوشتار اشاره هایی به اوضاع کشاورزی در ایالات متحده آمریکا، عملکرد نظام سرمایه داری لیبرال و تأثیرات آن بر کشاورزان آن کشور شده که جریانات گویای آنست که آگاهی و ایستادگی

در مقابل نظام سلطه و مافیای اقتصادی از درون ایالات متحده آغاز و در آمریکای جنوبی تقویت شده و توسط کشاورزان و اندیشمندان آزاده اروپایی نیز حمایت شده است. راهبردهایی که در کشورهای مختلف برای دفاع از کشاورزی و غذای خود طراحی و عملیاتی کرده‌اند می‌تواند آموزنده باشد و لذا این راهبردهای خنثی‌کننده سیاست‌های رژیم غذایی جهان نیز معرفی شده‌اند.

مقدمه

جهان در آینده با چالش‌های فزاینده‌ای روبرو است؛ از سویی با کاهش منابع آبی، فرسایش و محدودتر شدن منابع خاکی، تقلیل منابع سوختی و انرژی، تغییرات اقلیمی و کاهش تنوع زیستی؛ و از دیگر سو با افزایش جمعیت و تقاضا برای غذای بیشتر و با کیفیت بالاتر مواجه خواهد بود. این مسایل شریطی را بوجود می‌آورد که برخی آن را بحران غذایی^۱ نامیده‌اند و پیرامون آن مطالعات گسترده‌ای انجام داده و اقدامات فراوانی توسط نهادهای بین‌المللی صورت گرفته است. ریشه‌یابی بحران غذایی توسط اندیشمندانی از تفکرات و ایده‌ها و مکاتب مختلف علمی و با رویکردهای متنوعی تحقق یافته و هر فرد به یک یا چند عامل اشاره داشته است. برای نمونه: فیگوروآ-هلند و همکاران (۲۰۱۸) معتقدند که بحران غذایی نتیجه جهانی‌سازی، سامانه مدرن تولید صنعتی غذا، شرکت‌های بزرگ چند ملیتی و سرمایه‌گذاری و نظام اعتباری می‌باشد. این شرایط دست به دست هم داده و بحران غذا را شکل داده‌اند.

فریزر و همکاران (۲۰۱۶) مدعی اند که اکثر دانشمندان رشته‌های مختلف پیرامون عواملی مانند: فقر، افزایش جمعیت، بحران انرژی، تغییرات اقلیمی، کاهش منابع آبی، فرسایش خاک و مسایل اقتصادی- اجتماعی جهان که بر تخریب منابع و کاهش تدریجی امنیت غذایی مؤثرند با یکدیگر اختلافی ندارند؛ لکن نسبت به راهبردهای پیشگیری و یا اصلاح عوامل فوق برای تأمین غذای جهانیان در بلندمدت ضمن عدم توافق کلی بحث‌های متضاد و اختلاف جدی با یکدیگر دارند. معذالک، متفکرین و صاحب‌نظران عرصه‌های کشاورزی و غذا در جهان، از سال‌های پیش راهبردهایی برای رفع مشکلات و بهبود شرایط ارایه کرده‌اند؛ برخی از ایده‌ها و نظرات به برنامه‌های اجرایی تبدیل و توسط نهادهای دولتی و غیردولتی به اجرا درآمده است و مورد ارزیابی، توقف و یا گسترش در سطح جهان واقع شده است. در این بحبوحه دو جریان فعال شکل گرفته است:

- ۱) جریان اقتصادی-تجاری که در این نوشتار "نظام فرمانروایی بر غذای جهان" نامیده می‌شود؛
- ۲) جریان سیاسی- مقاومتی که در اعتراض با نظام فوق شکل گرفته و به "نهضت مردمی غذا" مشهور شده است.

با تشدید بحران غذا این دو جریان نیز فعال‌تر و منسجم‌تر گشته‌اند و با برنامه‌های نوشته یا نانوشته و پشتوانه‌های علمی و برخورداری از حمایت‌های حاکمیتی و یا مردمی در حال مبارزه و درگیری هستند. این نوشتار ضمن بررسی مبانی نظری این دو جریان و همچنین شیوه‌ها و رویکردهای آنها، سعی دارد هشدار به جاپاهای این دو جریان در کشور ارایه دهد. امید است که آگاهی و احساس مسئولیت نسبت به نفوذ و گسترش "نظام فرمانروایی غذایی" اقدامات لازم برای مهار و مدیریت آن شکل گرفته و کشور را از گرفتار شدن در چنبره آن نظام نجات دهد.

1. Food Crisis

برای نزدیک‌تر شدن به اهداف فوق لازم بود تعاریف شرکت‌های بزرگ، شرکت‌های فراملیتی یا چند ملیتی، هلدینگ، تراست، کارتل، شرکت‌های مادر، بنگاه اقتصادی، تعاونی و مانند اینها بررسی شود تا بتوان واژه مناسب به فارسی برای واقعیتی که برای حد اکثر سود توسط چند شرکت بسیار بزرگ دنبال می‌شود پیشنهاد گردد. برخی از دانشمندان غربی عبارت Corporation Food Regime یعنی رژیم متد از چند شرکت فعال در زمینه غذا را مطرح کرده‌اند. تتبع موضوع و مذاکره با اقتصاد دان‌ها با توجه به ویژگی‌های زیر (پیرایند شماره ۱-۱) مؤلفان را به عبارت "نظام فرمانروایی بر کشاورزی و غذای جهان" رساند.

پیرایند شماره ۱-۱: ویژگی‌های نظام فرمانروایی بر کشاورزی و غذای جهان

- تلاش به انحصاری کردن هرچه بیشتر زمینه‌های کاری،
- مجموعه‌ای از شرکت‌ها،
- استقرار شرکت مادر در آمریکا و شعب بسیار در کشورهای دیگر،
- در اختیار گرفتن کل چرخه از تولید تا عرضه و مصرف مواد غذایی،
- کنترل و تعیین قیمت محصولات و خدمات،
- تعیین نوع و کیفیت و کمیت تولید محصولات،
- نفوذ سیاسی و کسب حمایت از ساختارهای حاکمیتی،
- جلب وجهه فرهنگی-اجتماعی با ارتباط با مراکز علمی و دانشگاهی،
- ارائه خدمات به‌ظاهر بشردوستانه به فقراى جهان،
- حذف یا بلعیدن رقباى ضعیف،
- و پویایی و گسترش عمقی و عرضی خود با بهره‌گیری از آموزه‌های روانشناختی، اصول اقتصادی، مکاتب فکری، شناخت فرهنگ و خرده فرهنگ‌ها، و ترفندهای زیرکانه.

بنابراین این مجموعه از ویژگی‌ها را در قالب رژیم یا نظامی که برغذای جهانیان حاکمیت یافته و فرمانروایی می‌کند تعریف می‌شود.

ویتمن (۲۰۱۱) اظهار می‌دارد که در اواخر سال‌های ۱۹۸۰ فریدمن و مک میچل واژه رژیم غذا^۱ را برای اولین بار پیشنهاد دادند؛ اینان این واژه را به مفهوم: برج و مجموعه‌ای از مراتب و روابط قدرت بین کشورها (ایالت‌ها)، هنجارها، ضوابط سازمانی؛ و تخصص‌های کارشناسی بوم‌شناسی اجتماعی/جغرافیاشناسی مرتبط با روابط جهانی پیرامون تولید و مصرف غذا در چرخه انباشت سرمایه و ثروت ارائه کرده‌اند. ویتمن همچنین معتقد است که رویکرد رژیم‌های غذا عینکی یا بینشی را عرضه می‌کند که توسعه تاریخی نظام‌های کشاورزی- غذا و تغییر و تحولات آنها را در طول زمان با تأکید بر نظام‌های سیاسی و اصول اقتصادی (معیشتی) و ردگیری شبکه‌های کنشگران

از سطوح پایین در عرصه‌های انسانی، طبیعی و استدلالی بهتر درک کنند. ویتمن به نقل از لی‌هارون و لوپس، رژیم غذا را ترکیبی از پروژه‌های سیاسی و متفکرانه هوشمند دانسته که توانمندی تأثیرگذاری افزایشی در ابعاد مفهومی مختلف غذا به‌عنوان یک تولید و محصول، عنصر واسطه‌ای، ترکیبات، مواد مغذی، رفتار فرهنگی، روابط اجتماعی، نیاز انسانی داشته و به موارد زیر تسری پیدا می‌کند: دامنه‌ای وسیع از آنچه به انسان هویت می‌دهد، ایجاد تغییر در وجود زیستی- فیزیکی انسان و تغییر در ارزش‌ها و باورهای او.

رشد توسعه و گسترش "نظام فرمانروایی بر کشاورزی و غذای جهان" خطری جدی برای کشور و آینده جهان در پی دارد. یکی از مصادیق بارز این نظام، استفاده از داروهای آنتی بیوتیک به‌منظور ارتقاء رشد و درمان بیماری‌ها به‌صورت پیشگیرانه به‌طور گسترده در نظام‌های تولید دام و آبی‌پروری استفاده می‌شوند. بنابراین هزینه‌های تولید در هر کیلوگرم کاهش می‌یابد و غذا مقرون به صرفه‌تر می‌شود. اطلاعات دقیق کاربرد داروهای آنتی بیوتیک در دسترس نیست؛ اما داده‌های فروش نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۱، منطقه‌ی آسیا و اقیانوسیه نیمی از ارزش جهانی مواد ضد میکروبی مورد استفاده در پرورش دام را به خود اختصاص داده است (TMR, 2012). نزدیک به ۷۰ درصد از این موارد ضد میکروبی در پرورش طیور و خوک استفاده می‌شود. استفاده از آنتی بیوتیک، دارای معایب جدی است. هرچه این داروها بیشتر مورد استفاده قرار گیرند، میکروارگانیسم‌ها سریع‌تر نسبت به آن‌ها مقاومت پیدا می‌کنند. از آن‌جا که این داروها اغلب برای درمان بیماری‌های انسانی اهمیت دارند، توسعه‌ی باکتری‌هایی که به چندین نمونه (یا تمام) داروها مقاوم هستند، مسئله‌ی جدی برای مراقبت‌های بهداشتی جهانی ایجاد می‌کند. با توجه به رشد پیش‌بینی شده در تقاضا برای غذاهای حیوانی، اگر اقداماتی برای محدود کردن کاربرد آنتی بیوتیک‌ها صورت نگیرد، استفاده از آنتی بیوتیک‌ها می‌تواند به سرعت افزایش یابد (فائو ۲۰۱۸).

در نتیجه: ضرورت توجه و اقدامات پیشگیرانه یا مهارکننده آن نظام، مؤلفان را به تبیین موضع و زدن جرقه‌ای برای ترغیب دانش‌پژوهان به تعمیق و انجام مطالعات جامع و کامل‌تر، و جلب توجه سیاستمداران و تصمیم‌سازان بخش کشاورزی واداشت.

فصل اوّل

کلیّات

معرفی فصل

در این فصل پس از بیان روش‌های علمی به کار گرفته شده در پژوهش حاضر، نکاتی از مطالعه پیشین پیرامون حاکمیت غذایی و همچنین چالش‌های پیش روی امنیت غذایی در جهان برای ایجاد زمینه بحث اصلی که موضوع فصل‌های بعد است ارائه خواهد شد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به صورت مطالعات اسنادی و با روش تحقیق کتابخانه‌ای (Archival Methodology) و گردآوری منابع علمی معتبر پی‌ریزی شد و با روش تحلیل محتوی داده‌های به دست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و سپس با روش مفهوم‌سازی^۱ ایده‌ها و نظرات راهبردی تدوین گردید. در سنجش میزان حاکمیت بر کشاورزی و غذایی کشور برای اولین بار چهار روش معرفی و با مطالعه میدانی (فن پیمایش) هر روش را با نظر سنجی تعدادی از اساتید دانشگاه و متخصصین اقتصاد کشاورزی و یا ترویج و آموزش کشاورزی پیاده و ضمن تأیید، مطالعه به انجام رسید.

مروری مختصر بر نوشته قبلی

فصل سوم کتاب نظام تأمین غذای جامعه (زمانی، ۱۴۰۱) به حاکمیت غذایی اختصاص دارد؛ در آن نوشته این بحث برای مقایسه و نقد رویکرد امنیت غذایی و معرفی رویکرد رزق حلال و طیب مطرح شد. لکن در این کتاب سعی بر آن است که به طور جامع‌تری مبحث حاکمیت بر کشاورزی و غذای گوارا ارائه گردد. لازم است خلاصه‌ای از نوشته قبلی از نظر خوانندگان بگذرد و در صورت احساس نیاز به منبع مذکور مراجعه نمایند.

برگزیده‌ای از فصل سوم کتاب نظام مطلوب تأمین غذای جامعه (زمانی، ۱۴۰۱)

حاکمیت غذایی

رویکرد

اصلاح "امنیت غذایی"

مقدمه

نقدهایی که بر رویکرد امنیت غذایی و سوءاستفاده‌هایی که از آن می‌شد منجر به طرح رویکرد دیگری تحت‌عنوان حاکمیت غذایی شد. نظرات متنوع و شاید متضاد نسبت به این حرکت مطرح شده است؛ لکن تحلیل این دیدگاه‌ها گویای آن است که حاکمیت غذایی بدیل یا جایگزینی برای امنیت غذایی نیست، بلکه تلاش و مکملی است که ضعف‌های رویکرد امنیت غذایی را برطرف کرده و وضعیت تأمین غذا را بهبود خواهد بخشید.

تعاریفی از حاکمیت غذایی

واژه حکمرانی غذایی در پیامد جنبش کشاورزان در سال ۱۹۹۶ میلادی عنوان شد. کشاورزان معتقد بودند؛ مردمی که غذا تولید، توزیع و مصرف می‌کنند خود بایستی کنترل و مدیریت مکانیزم و سیاست‌های تولید و توزیع را به‌دست گیرند نه شرکت‌های بزرگ و نهادهای بازار و این افکار بر نظام جهانی غذا غلبه کرده است.

مفهوم حاکمیت غذایی

یک تعریف رایج: حاکمیت غذایی یعنی حمایت و تنظیم تولید و تجارت محصولات کشاورزی داخلی برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار هر محل تا مشخص شود که آن محل تا چه‌اندازه می‌خواهد به خود متکی باشد.

جنبش جهانی راه دهقانان "لا ویا کامپسینا" (La Via Campesina) چیست؟

گروه امنیت غذایی و خودکفایی در گزارش خود درخصوص معرفی جنبش راه دهقانان (La Via Campesina) (واژه اسپانیایی) بیان می‌کند که این جنبش برای نخستین بار در سال ۱۹۹۳ شکل گرفت تا حق انسان‌ها برای تعریف و کنترل نظام غذایی را به رسمیت بشناسد. در این جنبش که نشست بین‌المللی آن هر ۴ سال یک بار تشکیل می‌شود، ۸۰ کشور جهان عضویت دارند و محل استقرار مرکز آن در مونس بلژیک است. از نظر این جنبش حاکمیت غذایی به این معنا می‌باشد که زمین و منابع طبیعی باید به‌صورت محلی اداره شوند و سیاست‌های مربوط به "نظام جهانی

تجارت" و "صنایع کشاورزی" به آن تحمیل نشود، بنابراین همه انسان‌ها حق دسترسی به غذاهایی که از نظر فرهنگی مناسب و مغذی بوده و در شرایط سالم از نظر اکولوژی و به‌صورت عادلانه کشت شده‌اند را دارند.

زمینه‌های طرح رویکرد "حاکمیت غذایی"

هر ایده و فکر نو حاصل بحث‌ها و حتی رفتارهای گوناگون گذشته و حال است، به عبارت دیگر هیچ ایده و نظری بدون سابقه و چالش نبوده بلکه نتیجه طی شدن فرایند و گذر از فراز و نشیب‌هایی است که بر اثر عواملی متنوع شکل می‌گیرد. برای حاکمیت غذایی نیز این اصل جاری است: شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دنیا به نحوی پیش رفته است که کشاورزان ناراضی، اندیشمندان دلسوز و سیاست‌گذاران آگاه را به نقد "امنیت غذایی" و ارایه راهبردهایی بهتر برای برون رفت و یا کاهش مشکلات کشانده است. حاصل این تعاملات ظهور رویکرد "حاکمیت غذایی" گردیده است.

از شرایط بسیار مؤثر و زمینه‌ساز طرح حاکمیت غذایی نگاه و عملکرد نظام نئولیبرالیسم به "امنیت غذایی" بود؛ این تفکر تأکید داشت که تأمین غذای سالم، کافی و در دسترس مردم هر جامعه از طریق تجارت و فعالیت‌های اقتصادی لیبرال و آزاد ممکن است و در نتیجه شرکت‌های بزرگ به‌ویژه در قالب شرکت‌های فراملیتی و آنترپریزهای صنعتی بزرگ و جهانی مسئولیت را به‌عهده گرفته و نقش تعیین‌کنندگی را بخود اختصاص داده‌اند. این جریان که با شعارها و اکثراً مبانی نظری انسان دوستانه پیش آمده و گسترش یافته، متأسفانه وسیله سودجویی سرمایه‌داران لیبرال قرار گرفته است.

ضرورت توجه به کشاورزان خرد

آمارهای منتشره از سوی سازمان خواربار کشاورزی ملل متحد نشان می‌دهد که بالغ بر ۷۰ درصد از غذای جهان توسط کشاورزان خرد و به‌صورت کشاورزی خانوادگی تأمین می‌شود. این عدد از ۱۰۰ درصد که در گذشته بوده است به مرور کاهش یافته و روند نزولی را طی می‌کند. با توجه به جایگاه کشاورزی خرد و خانوادگی در خودکفایی و استقلال ملت‌ها این امر توسط اقتصاد لیبرال مورد هجوم آرام بوده و لذا ضرورت دارد مورد حمایت ویژه در رویکرد و نظام حاکمیت غذایی قرار گیرد.

انقلاب سبز و حاکمیت غذایی

از مباحث مرتبط دیگر با حاکمیت غذایی موضوع انقلاب سبز می‌باشد که از افتخارات امنیت غذایی است. انقلاب سبز به مجموعه‌ای از روش‌های کاربرد ماشین‌آلات کشاورزی، انتخاب گونه‌های پربازده، استفاده از کودها و آفت‌کش‌ها و بهبود روش‌های آبیاری اطلاق می‌شود که در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ از طریق سرمایه‌گذاری‌های عظیم دولتی و خصوصی در جریان بود.

استدلال‌های اصلی در مورد حاکمیت مواد غذایی چیست؟

گردهمایی نهضت حاکمیت غذایی سال ۲۰۰۷ پیرامون تقویت مفهوم حاکمیت غذایی مردم برگزار گردید و در بیانیه آن نکات زیر مورد تأکید قرار گرفت (Nyeleni Forum, 2007):

- نیاز به ریشه کن نمودن گرسنگی در جهان؛
- ضرورت تعیین قیمت مناسب محصولات تولیدی برای کشاورزان؛
- مبارزه با فقر؛
- رفاه همه تولیدکنندگان مواد غذایی؛
- نیاز به تولید غذای بیشتر در آینده؛
- حمایت از تولید مواد غذایی پایدار و تغییر تولید زیاد از عدم پایداری به پایدار؛
- سلب قدرت کردن از مدیریت و اعمال نفوذ شرکت‌های چند ملیتی؛
- احترام به جوامع محلی و تنوع فرهنگی؛
- حفظ مناظر (چشم‌اندازهای) فرهنگی ایجاد شده توسط جامعه‌ی روستایی؛
- امنیت ملی و توجیه و پشتوانه‌های سیاسی؛
- نیاز به قوانین تجارت عادلانه، انعطاف‌پذیر و متنوع.

مشکلات موجود در نظام غذایی

در دنیای امروز، قیمت و تهیه مواد غذایی به بحرانی بزرگ تبدیل شده است که افزایش گرسنگی و فقر و شورش را در چندین قاره در پی داشته است. پایین آوردن قیمت مواد غذایی توسط شرکت‌های بزرگ (با اتکا به سرمایه‌های کلان و به‌کارگیری تکنولوژی‌های پیشرفته) سبب می‌شود میلیون‌ها نفر از کشاورزان و دهقانان و خانواده‌های آنان توان رقابت را از دست داده و با ورشکستگی زمین‌های خود را رها کرده و به مهاجرت‌های ملی و بین‌المللی روی آورند.

نقش و رسالت حاکمیت غذایی

براساس گفتمان سال ۲۰۰۳ نهضت حاکمیت غذایی، این رویکرد ضمن تصریح و تأیید امور زیر به رسیدگی به آن‌ها پرداخت (La Via Campesina, 2003):

- اولویت‌بندی تولید کشاورزی محلی به‌منظور تغذیه مردم، دسترسی دهقانان و افراد بی‌زمین به زمین، آب، بذر و اعتبار. از این رو، به اصلاحات ارضی، مبارزه با محصولات تراریخته (دستکاری شده‌ی ژنتیکی)، دسترسی آزاد به بذرها و حفاظت پایدار از آب به‌عنوان یک کالای عمومی نیاز است.
- حق کشاورزان و دهقانان در تهیه مواد غذایی و حق مصرف کنندگان که می‌توانند تصمیم بگیرند که چه چیزی مصرف کنند؟ و چگونه و توسط چه کسی تولید شود؟
- حق کشورها برای محافظت از خود در برابر واردات محصولات کشاورزی ارزان قیمت.
- قیمت‌های کشاورزی مرتبط با هزینه‌های تولید: در صورت تعهد خود به نفع تولید پایدار مزرعه و در صورت کنترل تولید در بازار داخلی، اگر کشورها یا اتحادیه کشورها مجاز به اعمال مالیات بر واردات بیش از حد ارزان قیمت باشند، می‌توانند از واردات بیش از حد ارزان اجتناب کنند.
- به رسمیت شناختن حقوق زنان کشاورز که نقش عمده‌ای در تولید محصولات کشاورزی و مواد غذایی دارند.

تجربه برخی از کشورها در حاکمیت غذایی

پس از جنبش سال ۱۹۹۳ تلاش‌هایی در جهان دنبال شد که به‌طورمختصر به برخی از آنها اشاره می‌شود. در فوریه سال ۲۰۰۷ بالغ بر ۵۰۰ نماینده از ۸۰ کشور در سلینگو کشور مالی گرد هم آمدند و اعلامیه‌ای در زمینه حاکمیت غذایی تصویب کردند.

در آوریل سال ۲۰۰۸ نهاد "ارزیابی بین‌المللی علوم و فنون کشاورزی برای توسعه (IAASTD)" که با حمایت سازمان ملل متحد و بانک جهانی شکل گرفته بود تعریف زیر را مورد تأیید و قبول قرار داد:

"حاکمیت غذایی یعنی حق مردم و حاکمیت کشورها که با رعایت اصول دموکراسی، سیاست‌های کشاورزی و غذایی خود را تعیین و انتخاب نمایند."

در سپتامبر سال ۲۰۰۸ کشور اکوادور اولین کشوری در جهان شد که حق حاکمیت مواد غذایی را در قانون اساسی خود وارد کرد. پس از اکوادور کشورهای؛ ونزوئلا، مالی، بولیوی، نپال، سنگال و مصر نیز در قانون اساسی خود حاکمیت غذایی را منظور کرده‌اند. این نهضت در اروپا نیز تسری

یافت؛ در سال ۲۰۱۱ بیش از ۴۰۰ نفر از ۳۴ کشور اروپایی در کرمس اتریش گرد هم جمع شده تا حرکت به سوی حاکمیت غذایی را برنامه‌ریزی کنند.

سوئیس در یک همه پرسی حق حاکمیت غذایی را جهت تقویت کشاورزی محلی به رأی گذاشت.

دیدگاه حاکمیت غذا در مورد امنیت غذایی و مقایسه با هم

- گرچه تفکرات هر دو رویکرد امنیت غذایی و حاکمیت غذایی همپوشانی‌هایی با هم دارند، لکن در زمینه‌های مورد تأکید تفاوت‌هایی و یا حتی تضادهایی با یکدیگر نشان می‌دهند:
- بدون تحقق حاکمیت غذایی کشاورزان نمی‌توانند به‌طور مؤثری نسبت به اثرات تغییر اقلیم واکنش نشان داده و اقدام نمایند.
 - طرفداران دیدگاه حاکمیت غذایی اعتقاد دارند که تمام کشورها باید از نظر حق تولید و تأمین غذا مستقل باشند و از طریق کشاورزی ارگانیک و حفظ منابع طبیعی، موضوع پایداری تولید غذا را دنبال نمایند.
 - از دیدگاه حاکمیت غذایی مشکل گرسنگی در جهان، مشکل تولید غذا و کمبود آن در بازار نیست، بلکه گرسنگی مشکلی است که حاصل کمبود عدالت و پایداری شدن حق و حقوق کسانی است که در گرسنگی به سر می‌برند.

تفاوت امنیت غذایی و حاکمیت غذایی

نظرات متفاوتی درخصوص "امنیت غذایی" و "حاکمیت غذایی" و تفاوت بین آن‌ها در جهان مطرح شده است در این قسمت به برخی از این موارد اشاره خواهد شد. از دیدگاه نول و موردوک (Noll & Murdock, 2019) به‌طور کلی تمرکز "امنیت غذایی" بر اطمینان از دسترسی اقتصادی و فیزیکی افراد به مواد غذایی بی‌خطر و مغذی است، درحالی‌که اولویت "حاکمیت غذایی" (یا عدالت غذایی) "بر تعیین سیاست‌های کشاورزی توسط مردم و رعایت فرهنگ‌های غذایی آنان است و در واقع تعیین سیاست‌های کشاورزی و فرهنگ غذایی را حق مردم و جوامع می‌داند. امنیت غذایی مبتنی است بر الگویی خاص از عدالت (عدالت توزیعی) که حاکمیت و استقلال جوامع به‌عنوان تولیدکننده و مصرف‌کننده مواد غذایی را محدود می‌کند.

جدول شماره ۱-۱: مقایسه امنیت غذایی با حاکمیت غذایی		
مؤلفه‌ها	امنیت غذایی	حاکمیت غذایی
تفکر زیربنایی	تفکر نئولیبرال‌های راست	تفکر منتقدین چپ
مردم‌گرایی	بی‌توجهی به مبداء و تولیدکنندگان غذا	محترم و ذیحق شمردن تولیدکنندگان خرد
نظام مدیریتی	رویکرد از بالا به پائین	رویکرد از پائین به بالا
نگاه سیاسی	بی‌توجهی به اقتصاد سیاسی	وابستگی مردم محلی به یکدیگر
دیدگاه نسبت به طبیعت	منبع برای تولید و مصرف حداکثری	حفظ و توسعه پایدار اکولوژی محل
مقصد تولید	صادرات	مصرف محلی
نظام نظارتی	سرمایه‌داری	حاکمیت محلی
انگیزه‌ها	سود بیشتر	رفاه مشترک و ترویج عدالت
عوامل تولید	تکنولوژی برتر و هرچه پیچیده‌تر	ابزار ساده محلی و ساخت داخلی
روابط کاری	رقابت	همکاری
ارزش‌ها	بهره‌وری	تولید کارآمد

اصول، ویژگی‌ها و مشخصه‌های حاکمیت غذایی

حاکمیت غذایی بر موارد زیر تأکید دارد:

- تمرکز بر غذای مردم و حفظ ارزش‌های تولیدکنندگان غذا؛
- دوری از واردات مواد غذایی و توجه به تأمین غذای مورد نیاز در داخل هر کشور و منطقه؛
- حق انتخاب کشاورزان برای استفاده از منابع و نهاده‌های تولیدی؛
- تنظیم قوانین، مقررات کشاورزی ملی و عدم پذیرش شرایط تحمیلی شرکت‌های فراملیتی؛
- حفاظت از بازارهای داخلی و محلی؛ و کنترل و مدیریت محلی؛
- حق انتخاب و دسترسی انسان‌های هر محل به غذا و زمین مطابق با نیازها و اولویت‌های خود؛
- توجه به استعدادها و پتانسیل‌های اقلیمی هر منطقه با تفکر تولید بلندمدت و حفاظت از منابع طبیعی و تلاش به پایداری آن؛
- سازماندهی مجدد تجارت غذا؛ پایان دادن به جهانی شدن گرسنگی؛
- صلح و امنیت اجتماعی؛
- تدوین سیاست‌های مناسب کشاورزی برای حمایت از تولیدکنندگان خرد؛
- تشویق و حمایت از زنان به‌ویژه برای مبارزه با گرسنگی؛
- تولید و ترویج دانش و مهارت‌های کشاورزی و عنایت بیشتر به دانش بومی هر محل؛ و
- عدالت در توزیع و دسترسی به امکانات تولیدی

➤ حق غذا

حق غذا یک حق انسانی است که برای صدها میلیون انسان برآورده نمی‌شود. حاکمیت غذا حق غذایی را تحقق می‌بخشد.

➤ دسترسی و کنترل منابع تولیدی

حاکمیت غذا به معنای حق کشاورزان، ماهی‌گیران، گلچین‌ها، گله‌داران، جمع‌آوری‌کنندگان، مردمان بومی و سایر تولیدکنندگان مواد غذایی برای دسترسی و کنترل زمین، آب، بذر، منابع ژنتیکی، تنوع زیستی و سایر منابع تولیدی مانند اعتبار و آموزش است.

➤ تولیدات زراعی با رعایت مسائل زیست‌محیطی

حاکمیت مواد غذایی براساس تولید محصولات مبتنی بر مسائل زیست‌محیطی پایدار، قبل از هر چیز، از تولید زراعی دوست‌دار محیط زیست پشتیبانی می‌کند. حاکمیت غذا به کسی حق تخریب محیط زیست، کاهش تنوع زیستی یا هر وسیله دیگری را برای کاهش منابع طبیعی برای نسل‌های آینده نمی‌دهد.

➤ حقوق مصرف‌کنندگان

حاکمیت مواد غذایی بیان می‌کند که مصرف‌کنندگان حق دارند محصولات غذایی سالم، محلی و ارگانیک را طبق فرهنگ و ترجیحات خود انتخاب کنند.

➤ سیاست‌های تجاری و بازارهای محلی

این امر بازارهای محلی و ملی را به عنوان مهم‌ترین بازار تبلیغ می‌کند. تجارت نمی‌تواند به خودی خود به عنوان یک هدف تلقی شود بلکه به عنوان ابزاری برای تأمین غذای کافی مردم است.

➤ مکان محور بودن

اساساً این رویکرد از پایین به بالا برای توجه و اقدام از سطوح پایین یعنی از سطح مزرعه و روستا آغاز گشته و لذا در سیاست‌گذاری‌ها بایستی همواره این امر مدنظر باشد.

تهدیدها و مخالفت‌ها با حاکمیت غذایی

سیاست‌های نئولیبرال‌ها در تخریب حاکمیت مواد غذایی؛

نهضت راه دهقانان بیان می‌کند که "سیاست‌های نئولیبرال به جای فراهم کردن غذا برای مردم، تجارت بین‌المللی را اولویت قرار می‌دهد.

از موانع و تهدیدهای جدی دیگری که حاکمیت غذایی با آن مواجه می‌باشد این است که جبهه علمی در خدمت شرکت‌های غذایی است.

نقد حاکمیت غذایی

هر حرکت اجتماعی موافقین و مخالفینی دارد و توجه به نظرات هر یک از این گروه‌ها موجب پویایی و طی مسیری بهتر برای آن حرکت است. نسبت به حاکمیت غذایی نیز انتقادهایی وارد است که به آن‌ها اشاره می‌گردد:

- رویکرد حاکمیت غذایی دست مسئولین و دولت‌های محلی را باز گذاشته تا در امور بازار و سیاست‌های قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی مداخله کرده و در نتیجه در صورت عدم اعمال مدیریت مناسب، موجب گرانی مواد غذایی برای مردم محلی خواهند شد.
- نداشتن احساس مسئولیت و عدم توجه لازم نسبت به فقرا و نیازمندان غذای دیگر کشورها و ملت‌ها؛ و در نتیجه بسنده کردن به تولید محدود و امکان بروز مشکلات در دیگر ممالک،
- کم‌توجهی به رشد، توسعه و ابداع و به‌کارگیری تکنولوژی‌های پیشرفته؛ و تمرکز بیشتر به شرایط موجود و سطح علم و فناوری حال حاضر و در نتیجه انتظار از مردم به قبول وضعیت حال.
- ضعیف بودن و نداشتن قدرت سیاسی و مالی لازم برای رقابت و یا مقابله با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و نظام سرمایه‌داری که از امکانات گوناگون و رسانه‌های تبلیغاتی وسیع برخوردار بوده و با بی‌رحمی با رقبای خود رفتار می‌کنند.
- مساعد شدن شرایط برای نفوذ، رشد و تسلط دلالان محلی و توسعه واسطه‌گری، سلف‌خری، استثمار، رباخواری و غیره
- کم شدن حمایت و نظارت‌های نهادهای جهانی بر کشاورزی کشورهای ضعیف
- از آنجا که حاکمیت غذایی خود را مکمل امنیت غذایی دانسته و در درون این رویکرد می‌خواهد ایفای نقش کند در یک تحلیل این به مفهوم محدود کردن برخی سیاست‌ها و برنامه‌های خود در حوزه و دامنه امنیت غذایی است که این مساله در صورت عدم دقت لازم مطمئناً با مشکل مواجه خواهد شد، به عبارت دیگر نظام شکل گرفته مافیای اقتصادی و شرکت‌های بزرگ مقتدر غذایی اجازه نخواهند داد که تفکرات مخالف رشد کند و عملاً موفق گردند. این جریان‌ات مخالف با ظاهری دلسوزانه در حرکت حاکمیت غذایی نفوذ کرده و با استفاده از فرصت‌ها موجب ناکامی و یا انحراف این حرکت ارزشی خواهند شد.

توصیه‌ها و الزامات عملی شدن حاکمیت غذایی

برای دستیابی به حاکمیت غذایی توصیه‌های متنوعی ارائه شده است که اگر کشاورزان، دولت‌مردان و قاطبه مردم خواستار جدی حکمرانی و مدیریت تولید و توزیع و مصرف مواد غذایی خود هستند بایستی با همبستگی جهانی و هماهنگی لازم، فرایند اجرایی کردن الزامات را فراهم و اقدام کنند.

بار دیگر شعار "جهانی بیاندیشیم و محلی عمل کنیم" مورد تأکید قرار گرفته است؛ و خواسته می‌شود که تلاش برای خودکفایی از روستاها آغاز و با حمایت دولت‌ها در سطح مناطق و کشورها گسترش یابد تا دست شرکت‌های فراملیتی بزرگ کوتاه گردد و حاکمیت بر مقدرات غذایی ملت‌ها محقق شود.

جمع‌بندی

مباحث این فصل به رویکرد حاکمیت غذایی اختصاص یافت تا ابعاد آن مورد کنکاش قرار گیرد و درسی برای سیاست‌گذاران و دانش‌پژوهان از یک سو و از سوی دیگر زمینه‌ای برای طرح رویکردی جامع‌تر و جوابگو به نیازهای روز جهان در حیطه غذا و تغذیه واقع شود. رویکرد امنیت غذایی که پس از جنگ جهانی دوم برای رفع گرسنگی و قحطی به‌ویژه در کشورهای فقیر توسط نهادهای بین‌المللی سازمان یافت توانست مکتبی پر بار از ایده‌های انسان دوستانه و برنامه‌های عملی و خدماتی متنوعی را ایجاد کند لکن به‌مرور مورد سوءاستفاده شرکت‌های بزرگ غذایی و نظام استکباری برای تحمیل مقاصد استثمار و استعماری قرار گرفت. در پاسخ و واکنش به این انحراف‌ها کشاورزان مظلوم به‌ستوه آمده حرکتی را آغاز کرده و در سال ۱۹۹۶ جنبش جهانی راه دهقانان را شکل دادند. نتیجه این تلاش ظهور رویکرد "حاکمیت غذایی" شد. تعاریف و مفاهیم متنوعی برای این رویکرد ارایه شده است که اکثراً بر نکات زیر تأکید دارند: مردم هر محل و منطقه حق تصمیم‌گیری بر امکانات، شیوه و میزان تولید محصولات کشاورزی خود دارند و بایستی بر نحوه عرضه، تجارت و مصرف خوراک خود بتوانند مشارکت کرده و اعمال مدیریت کنند. حاکمیت غذایی جایگزین رویکرد امنیت غذایی نیست بلکه برای اصلاح و کنترل آن به‌ویژه در تولید غذای سالم (مثلاً غیر تراریخته)، جلوگیری از تسلط ظالمانه شرکت‌های فراملیتی غذایی و هضم نشدن در فرهنگ لیبرالیسم غربی و نهایتاً رفع ضعف‌های امنیت غذایی مطرح گشته است. جالب است که جریان اقتصادی لیبرال مارک چپ و یا سوسیالیستی بودن به این جنبش چسبانده‌اند؛ گرچه برخی از احزاب چپ و کشورهای حامی جنبش دیدگاه چپ دارند ولی کشاورزان ساده و روشنفکران مستقل فراوانی به این نهضت پیوسته‌اند. هرچند این جنبش نو پا است و هنوز مطالعات علمی لازم در شکل‌گیری و گسترش جهانی و استقبال مردمی به انجام نرسیده است لکن به‌دلیل ماهیت و اهداف با ارزش آن از مقبولیت خوبی برخوردار شده است. برخی دولت‌ها از این حرکت حمایت کرده و گروهی از آنها حتی در قانون اساسی خود این تفکر را گنجانده و مصوبات خوبی را گذرانده و اجرایی کرده‌اند. ضعف یا نقدهایی را می‌توان بر این رویکرد برشمرد، مانند: احتمال دخالت‌های ناصواب دولت‌ها در بسیاری از امور از جمله تعیین قیمت خوراکی‌ها به ضرر کشاورزان خرد، ندیده گرفتن نیاز فقرای کشورهای ضعیف، توسعه ناچیز به‌ویژه در استفاده از علوم و تکنولوژی‌های

پیشرفته و از همه مهمتر نداشتن قدرت لازم برای مقابله با نفوذ و توطئه‌های مافیای مواد غذایی و شرکت‌های فرا ملیتی.

مروری بر نظر چند اندیشمند داخلی پیرامون حاکمیت غذایی

• **خبرگزاری علم و فرهنگ** (سینا پرس، ۱۳۹۷) تحلیلی بر حاکمیت غذایی ارایه می‌کند که نکاتی از آن به شرح زیر ارایه می‌گردد:

"در حاکمیت غذایی، دولت‌ها مسایلی مانند هزینه تولید محصولات کشاورزی را محاسبه نمی‌کنند بلکه مهم این است که این محصول در آن کشور تولید شود تا حاکمیت غذایی‌شان را حفظ کنند. در این نظام، غذایی که منجر به ادامه حیات و زندگی می‌شود باید در داخل کشور تولید شود و واردات محصول مهمی مانند گندم به بهانه صرفه اقتصادی آن، درست نیست. این دقیقاً یکی از مبانی اختلاف ایدئولوژی‌هایی است که در سرتاسر جهان در رابطه با مقوله غذا وجود دارد.

حاکمیت غذایی حق کنترل مکانیزم و سیاست‌های تولید، توزیع و مصرف مواد غذایی را به شرکت‌ها و نهادهای بازار که بر سیستم جهانی غذا تسلط دارند نمی‌دهد، بلکه به خود تولیدکننده‌ها و مصرف‌کنندگان می‌دهد. به عبارت دیگر حاکمیت غذایی حق انسان‌ها را در تولید و مصرف غذای سالم و سازگار با فرهنگ بومی خود با استفاده از روش‌های پایدار به رسمیت می‌شناسد و بر حق انتخاب غذا و سیستم‌های کشاورزی محلی تأکید می‌کند. در واقع همان گونه که نسبی‌گرایی فرهنگی برای فرهنگ‌های گوناگون احترام قائل می‌شود، حاکمیت غذایی نیز برای روش‌های زندگی، شیوه‌های تولید بومی و به رسمیت شناختن حق تولید غذا توسط جوامع محلی ارزش قائل می‌شود و هم‌صدا با سایر جنبش‌های ضدجهانی‌سازی چپ از ادغام شدن سیستم غذای محلی در سیستم‌های جهانی غذا پرهیز می‌کند. در مقابل رویکرد نئولیبرال به امنیت غذایی که بیشتر به راه‌حل‌های صنعتی بزرگ و اغلب جهانی و یکدست برای تأمین نیاز غذایی مردم توجه دارد، حاکمیت غذایی با در نظر گرفتن پایداری منابع طبیعی، توجه به نقش زنان در تولیدات کشاورزی و احترام به حق انتخاب کشاورزان روستایی و جوامع بومی، ظرفیتی گسترده در مبارزه با گرسنگی در سطوح محلی تا بین‌المللی فراهم می‌کند.

حاکمیت غذایی دسترسی همه انسان‌ها به غذا را از نظر فرهنگی مناسب و از نظر زیست‌محیطی و عدالت در شرایط سالم کشت شده را به عنوان یک حق به رسمیت می‌شناسد. از جمله اصول مهم حاکمیت غذایی در مقابل رویکرد نئولیبرالی به امنیت غذایی می‌توان به مواردی مانند اهمیت‌دهی به دسترسی به بازارهای ملی و محلی، تولید و مصرف غذا در بازارها و جوامع محلی، پرداخت یارانه به خرده‌کشاورزان و تولیدکنندگان کوچک، تثبیت قیمت کالاهای کشاورزی، حمایت از کشت

ارگانیک و نگرش به غذا به عنوان یک حق انسانی اشاره کرد. حاکمیت غذایی تولید و مصرف غذا را مطابق با نیازها و اولویت‌های جوامع محلی سازماندهی می‌کند و حق تنظیم قوانین و مقررات در حوزه تولید ملی کشاورزی و دامپروری و حفاظت از بازار داخلی را در مقابل واردات بی‌رویه از سایر کشورها تضمین می‌کند.

حاکمیت غذایی به عنوان رویکردی از پایین به بالا عمدتاً توسط جوامع بومی، کشاورزان کوچک، سازمان‌های غیردولتی و محققان دانشگاهی که دغدغه عدالت دارند، شکل گرفته است. این دیدگاه باعث ایجاد یک نظام کشاورزی و فرهنگ غذایی منحصر بفرد بر پایه اکولوژی و جوامع محلی شده است. تأکید اولیه حاکمیت غذایی بر تولید محلی برای مصرف محلی و وابستگی متقابل مردم به یکدیگر است؛ نوعی تمرکز بر توسعه محلی که در آن منافع خانواده‌ها، دوستان و همسایگان بسیار متفاوت از چشم‌انداز نئولیبرالی است که جهان را یکپارچه و متشکل از افراد منطقی، مستقل و منفعت‌طلب تصور می‌کند."

• **پزشکی (۱۳۹۰):** حاکمیت غذایی را کلید دستیابی به حکمرانی خوب دانسته و موضوع را چنین توصیف می‌کند:

"حکمرانی خوب (Good governance) اصطلاحی است که در دو دهه اخیر در مجامع داخلی و بین‌المللی به کرات از سوی نهادها و بازیگران توسعه مورد استفاده قرار گرفته است و می‌توان آن را مهم‌ترین مؤلفه تأثیرگذار برای مقابله با فقر و گام نهادن در مسیر پیشرفت دانست. عبارت حکمرانی خوب را نخستین بار بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ در گزارشی که در مورد توسعه در صحرای آفریقا تهیه شده بود، وارد مبانی نظری مدیریتی و حاکمیتی کرد. حکمرانی خوب مفهومی است مشتمل بر معیارها و استانداردها، رویه‌ها و اصول حکومتداری که دولت‌ها از طریق آن امور عمومی را به انجام می‌رسانند، منابع را اداره می‌کنند و حقوق بشر را تضمین می‌کنند. حکمرانی خوب، هشت مشخصه اصلی دارد: مشارکتی، اجماع محور، مسئولیت‌پذیر، شفاف، پاسخگو، اثربخش و کارا، منصفانه و همه گیر، و پیرو حکومت قانون.

حکمرانی خوب نقش مهمی در تأمین امنیت غذایی در سطوح محلی، ملی و جهانی دارد. عوامل ایجادکننده ناامنی غذایی طیف بسیار وسیعی از موضوعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... را در بر می‌گیرد که ریشه بسیاری از آنها را می‌توان در حکمرانی ضعیف کشورها جست‌وجو کرد. تنها در یک حکمرانی خوب است که خشونت و بی‌ثباتی‌های سیاسی و نیز فسادهای ویران‌کننده رنگ می‌بازد و در نتیجه رقابت‌های سالم اقتصادی و سیاسی، ثبات و پایداری کشور تضمین شده و زمینه برای تأمین امنیت غذایی فراهم می‌شود. به همین علت است که در سال‌های

اخیر، حاکمیت غذایی (Food Sovereignty) به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حکمرانی خوب تبدیل شده است.

همان گونه که مفهوم حکمرانی خوب عمدتاً ریشه در نظریات اقتصادی نهادگرایی در مقابل نئوکلاسیک دارد، مفهوم حاکمیت غذایی نیز در مقابل رویکرد نئولیبرالی به امنیت غذایی پدید آمده است. حاکمیت غذایی حق کنترل مکانیزم و سیاست‌های تولید، توزیع و مصرف مواد غذایی را نه به شرکت‌ها و نهادهای بازار - که بر سیستم جهانی غذا تسلط دارند - بلکه به خود تولیدکننده‌ها و مصرف‌کنندگان محلی می‌دهد و با ادغام شدن در سیستم‌های جهانی غذا مخالفت می‌ورزد. به عبارت دیگر حاکمیت غذایی حق انسان‌ها را در تولید و مصرف غذای سالم و سازگار با فرهنگ بومی خود با استفاده از روش‌های پایدار به رسمیت می‌شناسد و بر حق انتخاب غذا و سیستم‌های کشاورزی محلی تأکید می‌کند. ازجمله اصول مهم حاکمیت غذایی می‌توان به مواردی همچون اهمیت‌دهی به دسترسی به بازارهای ملی و محلی، تولید و مصرف غذا در بازارها و جوامع محلی، پرداخت یارانه به خرده‌کشاورزان و تولیدکنندگان کوچک، تثبیت قیمت کالاهای کشاورزی، ممانعت از واردات بی‌رویه غذا، حمایت از کشت ارگانیک و نگرش به غذا به‌عنوان یک حق انسانی اشاره کرد. اکوادور اولین کشور جهان است که حق حاکمیت مواد غذایی را در قانون اساسی خود وارد کرده است. مدتی پیش نیز سوئیس در یک همه‌پرسی حق حاکمیت غذایی را جهت تقویت کشاورزی محلی به رأی گذاشت...

در این میان، شرکت‌های بزرگ دنیا با آگاهی از شرایط آینده و با علم به اینکه تجارت در حوزه کشاورزی به‌ویژه بذر، بسیار پول‌ساز و از نظر تأمین امنیت غذایی و سیاسی با اهمیت خواهد بود، از هم‌اکنون نبض این تجارت را در دست گرفته‌اند. بر همین اساس باید به سرعت برای خودکفایی غذایی در چارچوب حاکمیت غذایی اقدام کرد و از نگاه به بیرون مرزها جهت تأمین امنیت غذایی چشم فرو بست.

در مقابل رویکردهای نئولیبرالی در حوزه تأمین امنیت غذایی که بیشتر به راه‌حل‌های صنعتی بزرگ، اغلب جهانی و یکدست و واردات غذا از سایر کشورها برای تأمین نیاز غذایی مردم توجه دارند، حاکمیت غذایی با در نظر گرفتن پایداری منابع طبیعی، احترام به حق انتخاب کشاورزان روستایی و جوامع بومی، ظرفیتی گسترده در مبارزه با گرسنگی در سطوح محلی تا بین‌المللی فراهم می‌کند. حاکمیت غذایی تولید و مصرف غذا را مطابق با نیازها و اولویت‌های جوامع محلی سازماندهی می‌کند و حق تنظیم قوانین و مقررات در حوزه تولید ملی کشاورزی و دامپروری و حفاظت از بازار داخلی را در مقابل واردات بی‌رویه از سایر کشورها تضمین می‌کند. حاکمیت غذایی پایه اصلی امنیت ملی یک کشور است که کم‌وکیف آن، امنیت ملی را در هر کشور تعیین می‌کند. فصل سیزدهم قانون اساسی، اصل ۱۷۶ که شامل سه بند است، مربوط به امنیت ملی و دو اصل

مربوط به کشاورزی و امنیت غذایی است که تبیین این اصول می‌تواند جایگاه امنیت غذایی را در میان شاخص‌های امنیت ملی نشان دهد. قوانین برنامه‌های دوم تا ششم توسعه و همچنین سند چشم‌انداز ملی افق ۱۴۰۴ نیز به مباحث امنیت ملی و امنیت غذایی توجه ویژه‌ای داشته‌اند. تجربه کشورهای کمتر توسعه‌یافته حاکی از این است که وابستگی آنها به واردات مواد غذایی از کشورهای توسعه یافته باعث ضربه‌پذیری سیاسی‌شان شده و امنیت ملی‌شان همواره از این محل در معرض تهدید بوده است. با توجه به اهمیت این موضوع نمی‌توان امنیت غذایی کشور را به بیرون از مرزها گره زد و هر چه زودتر باید به سمت پیاده‌سازی اصول حاکمیت غذا به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب در کشور حرکت کنیم."

• صادقی گرمارودی (۱۳۹۸): پیرامون حق غذا در نظام حقوق بین‌الملل می‌گوید:

"حق بر غذا، یک حق انسانی است که حق همه افراد را برای داشتن یک زندگی در شأن و منزلت آنها، داشتن آزادی، از بین بردن ناامنی و کمبود مواد غذایی و سوءتغذیه محافظت می‌کند. حق بر غذا تحت قانون بین‌المللی حقوق بشر و حقوق انسانی محافظت می‌شود. در واقع حق بر غذا به حق دسترسی به‌طور منظم، دائمی و بدون محدودیت، به‌طور مستقیم یا به‌صورت خریدهای غیرانتفاعی و به‌اندازه کافی و با کیفیت و مناسب است که مربوط به سبک فرهنگی مردم است که مصرف‌کننده متعلق به آنجا است، چه فیزیکی و ذهنی، چه فردی و جمعی.

قانون حق بر غذا از کجا آغاز شد؟

بیشتر گزارش‌های مربوط به حق بر غذا توسط فرانکلین دلانو روزولت به‌عنوان نقطه شروع این حق منتشر شد. نظریه جامع حقوق بشر متعاقباً در اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ که شامل حق تأمین اجتماعی، پوشاک، مسکن و مراقبت‌های پزشکی بود، بیان شد.

تعریف حق بر غذا در قانون به‌عنوان یک حق انسانی. در ماده ۲۵- بند ۱، اعلامیه جهانی حقوق بشر حق بر غذا، اینگونه تعریف شده است:

هر کس حق زندگی مناسب برای خود و خانواده اش از جمله غذا، لباس، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات ضروری اجتماعی را لازم دارد. همچنین حق برخورداری از امنیت در بیکاری، بیماری، ناتوانی، بیوگی، پیری و یا فقدان معیشت را دارد.

براساس ماده ۱۱ پیمان بین‌المللی حق بر غذا که در سال ۱۹۷۶ اجرا شد، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته می‌شود. دبیرکل سازمان ملل متحد که به‌طور فعال در تهیه پیش‌نویس ماده ۱۱ شرکت داشته است، ماده ۲ را به حق بر غذا اضافه کرد که در آن حق آزادی از گرسنگی مجزا است و در ماده ۱۱ می‌نویسد:

کشورهای طرف این پیمان، ملزم هستند حق هر فردی را برای داشتن رفاه کافی برای خود و خانواده‌اش از جمله غذا، پوشاک و مسکن مناسب و بهبود شرایط زندگی به رسمیت بشناسند. کشورهای طرف گام‌های مناسب برای تحقق این حق اتخاذ خواهند کرد که این امر اهمیت اساسی همکاری بیشتر براساس رضایت آزادانه را نشان می‌دهد. کشورهای طرف پیمان حق بر غذا که حق اساسی هر کس را از گرسنگی به رسمیت می‌شناسند، به تنهایی و از طریق همکاری بین‌المللی با انتشار دانش اصول فنی و توسعه و یا اصلاح سیستم‌های ارضی به منظور دستیابی به توسعه مؤثر و بهره‌برداری از منابع طبیعی و توزیع عادلانه ذخایر غذایی جهان را متناسب با نیاز به ضرورت، به کار می‌گیرند.

مفهوم امنیت غذایی در حق بر غذا

حق بر غذا باید از مفاهیم امنیت غذایی و حاکمیت مواد غذایی متمایز باشد. یکی از تعاریف مورد استفاده در مورد امنیت غذایی که بیانگر این است که امنیت غذایی زمانی وجود دارد که همه مردم در هر زمانی به غذای مفید و کافی برای تأمین نیازهایی غذایی خود می‌توانند دسترسی داشته باشند. امنیت غذایی به معنای وسیع‌تر در بحث‌های جهانی درباره دانشنامه غذایی و اخلاق کشاورزی می‌باشد. گرسنگی و سوءتغذیه معمولاً توسط سازمان ملل متحد، سازمان‌های توسعه‌ای و دولت‌ها در سراسر جهان مورد بررسی قرار می‌گیرد. حاکمیت غذایی به نوبه خود مفهومی است که در سال ۱۹۹۶ توسط یک جنبش اجتماعی فراملی از دهقانان و بومیان شکل گرفت.

حاکمیت غذایی از حقوق جوامع و ملل محلی برای تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌های غذایی خویش استفاده می‌کند. تعداد زیادی از سازمان‌ها از جمله دولت‌ها، مفهوم حاکمیت غذایی را به اصطلاح خود اضافه کرده و به توسعه بیشتر آن کمک کرده‌اند. حاکمیت غذایی به عنوان حق مردم برای داشتن غذای سالم و مناسب فرهنگ آنها که از طریق روش‌های زیست‌محیطی و پایدار فراهم می‌شود و حق تعیین تعرفه‌های مواد غذایی و سیستم‌های کشاورزی آنها تعریف شده است. انجمن صنفی حاکمیت غذایی بر خلاف امنیت غذایی، حاکمیت غذایی را به‌طور کلی به عنوان یک مفهوم مبتنی بر حقوق تعریف می‌کند، زیرا شامل حق بر غذا و حق تولید مواد غذایی و همچنین تعدادی از حقوق مرتبط با آن می‌باشد."

چالش‌های عرضه غذا در جهان

چالش‌های اساسی پیش‌روی تولیدات کشاورزی و غذا که توسط سازمان خواروبار کشاورزی ملل متحد (فائو) مورد بررسی قرار گرفته است ناظر بر سه گروه چالش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است که تمام آنها در سیاستگذاری‌های کلان آینده بخش کشاورزی و منابع طبیعی در کشورهای

در حال توسعه اثرگذار بوده و به تبع آن تصمیمات مدیران مزرعه و تولیدکنندگان بخش کشاورزی و بهره‌برداران از منابع طبیعی و محیط زیست را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

حدود ۸۰۰ میلیون نفر همچنان از گرسنگی رنج می‌برند و بیش از ۲ میلیارد نفر با کمبود دریافت مواد مغذی یا انواع بیش‌خواری (دریافت بیش از حد مواد مغذی) مواجه هستند. به علاوه امنیت جهانی غذا ممکن است با توجه به رویه‌های فعلی صیانت و بهره‌برداری از منابع طبیعی و تغییرات اقلیمی به مخاطره بیافتد؛ لذا این عوامل، پایداری سیستم‌های غذا را به نحو قابل ملاحظه‌ای تهدید می‌کنند. اگر روندهای کنونی متوقف نشود، مرزهای سیاره زمین ممکن است به نحو نامطلوبی متحول شود، و روندهای جهانی امنیت غذا، فقر و کل پایداری سیستم‌های کشاورزی و غذا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتظار می‌رود جمعیت جهان تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۱۰ میلیارد نفر افزایش یابد، این مسئله باعث افزایش تقاضا در بخش کشاورزی می‌شود. رشد درآمد در کشورهایی با سطح درآمد پایین و متوسط باعث تسریع تغییر رژیم غذایی به سوی مصرف بالاتر گوشت، میوه و سبزیجات نسبت به غلات خواهد شد که نیازمند تغییرات متناسب در تولید و افزایش فشار بر روی منابع طبیعی می‌باشد.

تغییرات اقلیمی به شکلی ناهمگون در مناطق مختلف جهان، بر نا امنی غذایی تأثیر می‌گذارد، به علاوه تولید محصولات کشاورزی و دامی و ذخایر ماهی و شیلات به مخاطره می‌افتد. افزایش تقاضا در بخش کشاورزی با رویه‌های کشاورزی کنونی، احتمالاً منجر به تشدید رقابت برای استفاده بیشتر از منابع طبیعی، افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای و جنگل‌زدایی و میزان بیشتر تخریب زمین می‌شود.

افزون بر نکات فوق؛ بخش‌های حیاتی سیستم‌های غذا در آینده سرمایه‌برتر خواهند بود، به صورت عمودی ادغام خواهند شد، بر روی مسائل کمتری متمرکز می‌شوند، و از تأمین مواد اولیه گرفته تا توزیع غذا با این چالش‌ها مواجه خواهند بود.

از سوی دیگر تعداد و شدت منازعات، بحران‌ها و بلایای طبیعی رو به افزایش است و باعث اختلال در دسترسی به غذا و مراقبت‌های بهداشتی و تخریب سیستم‌های حفاظت اجتماعی می‌شود. از طرف دیگر بسیاری از افراد تحت تأثیر فقر و گرسنگی ناگزیر به مهاجرت شده و در نتیجه موجب افزایش نیاز به کمک‌های بشردوستانه می‌شود.

در صورت تخریب جنگل‌ها، تداوم کمبود آب، تخریب خاک و انتشار گازهای گلخانه‌ای نظام‌های کشاورزی نمی‌توانند پایداری تولید در بخش کشاورزی و غذا را ایجاد کنند بنابراین به روش‌هایی مانند اگرواکولوژی (کشاورزی بوم‌گرا)، اگرو فارستری (زراعت جنگل)، کشاورزی هوشمند و سازگار به شرایط تغییرات اقلیمی و کشاورزی حفاظتی مبتنی بر دانش بومی و سنتی که از منابع طبیعی محافظت کرده و بهره‌وری را افزایش دهند. نیاز است.

برای ریشه‌کن کردن فقر شدید و حصول اطمینان از عدم بازگشت افراد آسیب‌پذیر که از فقر رهایی یافته‌اند، لازم است اقداماتی در جهت کاهش نابرابری‌ها انجام شود.

رشد نرخ کاهش فقر باید مسائلی فراتر از کشاورزی را نیز تحت پوشش قرار دهد، حفاظت اجتماعی به همراه رشد نرخ کاهش فقر به حل و فصل چالش ریشه‌کن کردن گرسنگی کمک می‌کند و از طریق برنامه‌های غذایی سالم‌تر به اهداف سه‌گانه سوءتغذیه، ریشه‌کن کردن دائمی گرسنگی و فقر شدید بپردازد. به علاوه باید از طریق ارتقای توسعه و پیشرفت فراگیر و برابری در جهان از منازعات جلوگیری کند.

تجدیدنظر بر روی نظام‌های تولید و توزیع غذا و نظارت برای حل و فصل چالش‌های کنونی و آتی ضروری می‌باشد. نظام‌های بزرگ تولید و توزیع غذا که همراه با سرمایه‌گذاری‌های سنگین هست باید نگرانی برای معیشت کشاورزان کم‌درآمد را برطرف نموده و منجر به مهار و مدیریت آثار زیست‌محیطی و تکمیل زنجیره‌های تأمین غذا و حفظ تنوع زیستی شود. این نگرانی‌ها لازم است از طریق ایجاد نظام‌های غذا که تأثیرگذارتر، فراگیرتر و انعطاف‌پذیرتر هستند حل و فصل شوند.

در مسیر توسعه پایدار، تمامی کشورها به یکدیگر وابسته هستند. توسعه پایدار یک چالش جهانی و مسئولیتی جمعی برای تمامی کشورها است و نیازمند تغییرات اساسی در شیوه تولید و مصرف غذا در تمامی جوامع می‌باشد.

طی قرن گذشته، پیشرفت‌های بی‌شماری در زمینه ارتقای رفاه بشر در سرتاسر جهان حاصل شده است. جوامع با توجه به رشد قابل توجه و سریع فناوری، رشد سریع شهرنشینی و نوآوری‌ها در سیستم‌های تولید، به شکل اساسی و گسترده‌ای تغییر کرده‌اند. با این وجود، شرایط جهان امروز بسیار با آنچه به‌عنوان اصول سازمان ملل متحد در مورد «جهانی آزاد از ترس و نیاز» تصور شده تفاوت دارد. به همین ترتیب اقدامات بسیاری باقی مانده تا چشم‌انداز سازمان خوار و بار کشاورزی ملل متحد (فائو) به‌طور کامل تحقق یابد، که در واقع ساخت جهانی عاری از گرسنگی و سوءتغذیه است، جهانی که کشاورزی و غذا منجر به ارتقای استانداردهای زندگی همه افراد به‌ویژه افراد فقیر از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و از نظر محیط زیستی پایدار شود.

اگرچه پیشرفت‌های بسیاری صورت گرفته است، اما هنوز هم میلیون‌ها نفر در سرتاسر جهان از فقر شدید، نابرابری‌های فاحش، بیکاری، تخریب زیست‌محیطی، بیماری و محرومیت رنج می‌برند. اگرچه سیستم‌های کشاورزی و غذا در حال حاضر به نحوی قابل ملاحظه تغییر کرده‌اند، اما نیازمند مطابقت بیشتر با فضای جهانی رو به رشد خواهند بود. تولید کشاورزی بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۵ بیش از سه برابر شد، این موضوع تا حدی به‌دلیل فناوری‌های انقلاب سبز که بهره‌وری را ارتقا می‌دهد و همچنین افزایش قابل توجه استفاده از زمین، آب و سایر منابع طبیعی برای

اهداف کشاورزی بوده است. در همین دوره زمانی، پیشرفت چشمگیری در صنعتی‌سازی و جهانی شدن کشاورزی و غذا مشاهده شد. از آنجا که فاصله بین مزرعه تا سفره افزایش یافته است، زنجیره‌های تأمین غذا به میزان زیادی طولانی شده‌است؛ به علاوه تقریباً در تمامی مناطق به غیر از جوامع روستایی دور افتاده، مصرف غذاهای فرآوری شده، بسته‌بندی و از پیش آماده افزایش یافته است.

با این وجود، تداوم و گسترش گرسنگی و سوءتغذیه همچنان چالشی مهم در بسیاری از مناطق جهان به شمار می‌رود. نرخ کنونی پیشرفت برای ریشه‌کن شدن گرسنگی تا سال ۲۰۳۰ و حتی تا سال ۲۰۵۰ کافی نخواهد بود. در همین دوره، تکامل سیستم‌های غذا به هر دو معضل پاسخ می‌دهد و منجر به تغییر اولویت‌های رژیم غذایی و الگوهای مصرف بیش از حد می‌شود، مسئله‌ای که می‌توان در افزایش شیوع اضافه وزن و چاقی در سرتاسر جهان مشاهده کرد.

نگاه به چالش‌های پیش روی جهان در زمینه غذا عمق بحران و جدی بودن شرایط سخت آینده را هشدار می‌دهد. برای طراحی و اجرای برنامه‌ای پیرامون کشاورزی و حاکمیت غذایی، ضرورت دارد که آن چالش‌ها بهتر شناخته شود و مبنای تحلیل قرار گیرد. برای این منظور خلاصه‌ای از مبحث چالش‌های امنیت غذایی که در کتاب نظام مطلوب تأمین غذای جامعه (زمانی، ۱۴۰۱) آمده است عرضه می‌شود، و سپس چند چالش با شرح بیشتری ارائه می‌گردد:

برگزیده‌ای از مبحث چالش‌های پیش‌روی امنیت غذایی (زمانی، ۱۴۰۱):

انجمن آکادمی‌های علوم و مجامع علمی آسیا در سال ۱۳۹۷ درخصوص چالش‌های جهانی غذا چنین بیان می‌کند "یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که بشر در قرن ۲۱ با آن مواجه است، عرضه تضمینی غذاهای با کیفیت و سالم برای جمعیت به‌سرعت در حال رشد جهان است که به روشی مناسب، از لحاظ اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی تولید شود. علاوه بر این، با توجه به محدودیت‌های گوناگونی نظیر کمبود زمین، آب و سایر منابع و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی تغییرات اقلیمی و آب و هوا در جهان و نیاز به مقدار بیشتری از مواد غذایی، چالش دشواری پیش رو است. تولید و عرضه مواد غذایی دارای شبکه پیچیده‌ای از عوامل تعاملی است. از میان این عوامل، طیف گسترده‌ای از عوامل غیرفنی ارتباط زیادی بر این موضوع اثر دارند و نیازمند به توجه بیشتر است. بی‌تردید علم و فناوری نقش اساسی در امنیت غذایی و تغذیه آینده ایفا می‌کنند. تولید غذا به روشی پایدار، فرآوری و ذخیره‌سازی غذا، به حداقل رساندن اتلاف غذا و رواج رژیم غذایی سالم و سازگار با شرایط و جمعیت محلی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. کاربرد اطلاعات علمی موجود از طریق آموزش پیشرفته و روش‌های توسعه، توسعه اطلاعات علمی جدید

در زمینه‌های مورد نظر و توسعه فناوری‌های مرتبط، همگی از لحاظ پرداختن به چالش‌های جهانی غذا، ضروری خواهند بود.^۱

جمینی و همکاران در سال ۱۳۹۶ در پژوهش خود به نقل از لستر براون^۱ بنیان‌گذار و رئیس مؤسسه سیاست زمین^۲ واشنگتن دی‌سی ده چالش عمده امنیت غذایی جهان را به‌صورت زیر عنوان کرد (جدول ۱-۲).

جدول شماره ۱-۲: ده چالش عمده امنیت غذایی جهان

چالش	شرح
افزایش جمعیت	روزانه ۲۱۹۰۰۰ نفر به جمعیت دنیا افزوده می‌شود.
افزایش درآمد و تغییر رژیم غذایی	بهبود شرایط اقتصادی بعضی از کشورها مانند چین که سالانه ۸ میلیون نفر به جمعیت آن اضافه می‌شود و غذای اصلی آنها غلات بوده، سبب گرایش آنها به مصرف غذاهای غربی شده و با توجه به جمعیت ۱/۴ میلیارد نفری این کشور، در آینده نیاز بیشتری به تولید دام، طیور و غذاهای غنی شده خواهد بود.
کاهش آب سفره‌های زیرزمینی (Brown, 2013)	در هند با برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی فقط حدود ۱۹۰ میلیون نفر از طریق کشت غلات تغذیه می‌شوند و این مقدار برای چین حدود ۱۳۰ میلیون نفر است. سه کشور چین، هند و ایالات متحده که نیمی از غلات جهان را تأمین می‌کنند، با افت سطح آب‌های زیرزمینی مواجه‌اند که در نتیجه تولید غلات را تهدید می‌کند.
افزایش روزهای بدون غذا (Brown, 2013)	در کشور نیجریه، ۲۷ درصد خانواده‌ها "روز بدون غذا" را تجربه کرده‌اند. این میزان در هند ۲۴ درصد خانواده‌ها و در پرو ۱۴ درصد خانوار است. با وجود افزایش محدودیت‌ها و کاهش تولید هر سال ۸۰ میلیون نفر به جمعیت جهان افزوده می‌شود.
روند کند آبیاری (Brown, 2013)	در حال حاضر تأمین آب اصلی‌ترین محدودیت برای تلاش در گسترش تولید جهانی مواد غذایی است. در طول نیمه‌ی آخر قرن بیستم، مناطق تحت آبیاری جهان بیش از ۱۰۱ میلیون هکتار در سال ۱۹۵۰ به حدود ۲۸۳ میلیون در سال ۲۰۰۰ گسترش یافت این سه برابر شدن کشت با آبیاری طی ۵۰ سال در طول تاریخ بی‌سابقه بوده است. از آن زمان، رشد آبیاری تقریباً متوقف شده است و بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ تنها ۱۰ درصد گسترش یافته است.
افزایش فرسایش خاک	خاک سطحی حدود یک‌سوم از اراضی زراعی در جهان در حال فرسایش است و این فرسایش با کاهش حاصلخیزی خاک، تهدیدی برای تولید مواد غذایی است.
تغییر اقلیم	کشاورزی حدود ۱۱ هزار سال با شرایط نسبتاً ثابت آب و هوایی تکامل و توسعه پیدا کرده است و با این شرایط آب و هوایی حداکثر تولید از کشاورزی حاصل شده است. در حال حاضر به‌طور ناگهانی آب و هوا در حال تغییر است و هر سال به‌صورت فزاینده‌ای ناهماهنگی بین کشاورزی و سیستم اقلیمی بیشتر می‌شود.

1. Lester Brown

2. Earth Policy Institute

ادامه جدول شماره ۱-۲: ده چالش عمده امنیت غذایی جهان

چالش	شرح
ذوب شدن ذخایر آبی	کوه‌های یخی در کوه‌های آند، راکی، آلپ و یخچال‌های طبیعی در هیمالیا و تبت در حال ذوب شدن هستند. با ذوب شدن یخچال‌ها، کشاورزی اطراف رودخانه‌های سند، یانگ‌تسه و حوضه‌های مجاور آنها که به‌شدت به این یخچال‌ها وابسته هستند، تهدید می‌شوند و سبب کمبود غذایی در آینده شود.
تثبیت بازدهی محصولات	پس از چند دهه افزایش عملکرد، کشاورزان در کشورهای پیشرفته به تولید محصولات به سقف شیشه‌ای (مانع ناپیدا و نامعتبر بر سر راه پیشرفت Glass cieling) رسیده‌اند. این سقف تحمیل شده، به‌واسطه‌ی محدودیت‌های فتوسنتز است. کشور ژاپن سردمدار بالا بردن بهره‌وری برنج است و افزایش عملکرد این محصول در این کشور در سال ۱۸۸۰ آغاز شد و در سال ۱۹۹۶، این افزایش متوقف شد. چنین اتفاقی برای محصول گندم در کشورهایی با کشاورزی پیشرفته از جمله فرانسه، آلمان و انگلستان که جزء پیشروان تولید گندم در اروپا هستند، در یک دهه پیش اتفاق افتاده است. همچنین، بازدهی محصول ذرت در آمریکا که ۴۰ درصد ذرت جهان را تولید می‌کند و دیگر محصولات در کشورهای آرژانتین، فرانسه و ایتالیا با رکود مواجه شده است.
محدودیت زمان برای آماده‌سازی (Brown, 2013)	واضح است که ما در شرایط سخت و خطرناکی قرار داریم. امروزه جهان به‌شدت نیازمند هدایت و رهبری در موضوع امنیت غذایی است. هر پیشرفت دیگری نیاز به بازسازی کامل اقتصاد دارد. شدت و اضطراب اوضاع سخت‌گیرانه مواد غذایی به حدی است که ما به‌دنبال بحران در سال ۲۰۳۰ یا ۲۰۵۰ نیستیم. بلکه هر لحظه ممکن است شاهد یک اختلال ناگهانی (غیر منتظره) در عرضه‌ی مواد غذایی جهان باشیم که می‌تواند تنها در نتیجه‌ی یک فصل برداشت ضعیف باشد.

انتظار مهدی و همکاران، در سال ۱۳۹۷، سه چالش مهم غذایی- تغذیه‌ای از دیدگاه بانک جهانی را نام برده‌اند که عبارتند از:

چالش اول: افزایش گرسنگی در سطح جهان

اوایل دهه ۱۹۹۰، افزایش تعداد افراد گرسنه در سطح جهان پس از طی دو دهه سیر نزولی دچار تغییر فاحشی شد و از آن پس به‌دلیل افزایش قیمت غذا در اثر بحران مالی روبه افزایش گذاشت.

چالش دوم: نبود تعادل در رژیم غذایی

عدم وجود تعادل در رژیم غذایی روزانه افراد، از دیگر چالش‌هایی است که اگرچه سوءتغذیه ناشی از فقر که یکی از دلایل عمده مرگ در سراسر جهان به‌حساب می‌آید ولی امروزه بیماری‌های مرتبط با رژیم غذایی از جمله چاقی، بیماری‌های قلبی، انفارکتوس و دیابت نیز بسیار گسترش یافته است.

چالش سوّم: لطمه‌پذیری محیط‌زیست

چالش دیگر در زمینه‌ی تولید غذا، نابودی محیط‌زیست است. تخریب محیط‌زیست از دو جنبه با غذا در ارتباط است. این مسأله با محدود کردن محصولات غذایی، تولید مواد غذایی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، این مسأله حاصل فعالیت‌های نادرست کشاورزی است. مشکلاتی مانند فرسایش خاک، آلودگی آب، انتشار گازهای گلخانه‌ای و از بین رفتن تنوع زیست‌محیطی، تهدیدی جدی علیه تولید جهانی غذا به شمار می‌رود.

افزون بر چالش‌های فوق، جباری در پژوهش خود در سال ۱۳۹۸ به نقل از گزارش جهانی تغذیه در سال ۲۰۱۸ مهم‌ترین چالش‌های تغذیه‌ای حال حاضر و پیش روی جهان که عمده‌ی آن دربرگیرنده‌ی اشکال مختلف سوءتغذیه است را به شرح زیر بیان کرده است:

۱. سوءتغذیه و ارتباط آن با علل مرگ و ناتوانی؛
۲. سوءتغذیه‌ی کودکان؛
۳. چاقی و اضافه وزن بزرگسالان؛
۴. سوءتغذیه‌ی ویتامین و مواد معدنی (شامل آنمی فقر آهن، کمبود ویتامین آ، کمبود ید)؛ و
۵. سوءتغذیه (در مفهوم کم غذایی)

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) نیز چالش‌های اساسی در امنیت غذایی در قرن بیست و یک را به شرح زیر مورد تأکید قرار داده است:

۱- گرسنگی و پویایی جمعیت

جهان غذای کافی برای تغذیه همه تولید می‌کند، با این حال هنوز حدود یک میلیارد نفر از مردم جهان از گرسنگی رنج می‌برند. چالش‌های قدیمی و جدید برای رفع گرسنگی عبارتند از:

- کند شدن رشد بازدهی محصولات؛
 - کاهش سهم کشاورزی در کمک‌های توسعه؛
 - کاهش بودجه برای تحقیق و توسعه.
- بالغ بر ۹/۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۵۰ باید تغذیه شوند.

۲- زمین و منابع آب

تقریباً یک سوّم از اراضی قابل کشت جهان در اثر فرسایش طی حدود نیم قرن گذشته از بین رفته است و این فرسایش با بیش از ۱۰ میلیون هکتار در سال ادامه دارد. مدیریت و کنترل آب شیرین آبیاری به‌هم‌منظور تولید محصولات کشاورزی، دام‌های آبی و آبی‌پروری برای تأمین معیشت و توسعه اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد. بدون کنترل و مدیریت منابع آب شیرین، سیستم‌های کشاورزی جهان قادر به پاسخگویی به افزایش‌های بی‌امان تقاضا برای مواد غذایی و فیبر نیستند.

۳- تنوع زیستی

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهان در این قرن برای دستیابی به امنیت جهانی غذا حفظ منابع بیولوژیکی و تنوع آن است. مقاومت آنها در برابر بیماری‌ها، آفات و انگل‌ها با تنوع ژنتیکی کار کرده‌اند.

۴- تهدید تغییرات اقلیمی

تغییرات اقلیمی بر امنیت غذایی بسیاری از کشورهای فقیر تأثیرگذار است، هرچند این تهدید مطمئناً فقط متوجه کشورهای فقیر نیست. کشورهای ثروتمند و فقیر به‌طور یکسان تأثیر آن را به‌صورت تغییر الگوهای بارندگی، حوادث شدید هوا و افزایش سطح دریا احساس خواهند کرد. تفاوت این است که کشورهای فقیر و گروه‌های آسیب‌پذیر در آن کشورها فاقد این منابع مالی هستند و کشورهای ثروتمند با منابع مالی در دسترس خود این خطر را کاهش می‌دهند.

۵- تجارت بین‌المللی و دسترسی به بازار

تجارت بین‌المللی می‌تواند تأثیر عمده‌ای در کاهش گرسنگی و فقر در کشورهای در حال توسعه داشته باشد. مشارکت در تجارت امکان دسترسی به بازارهای بزرگ‌تر و فرصت‌هایی را برای تخصص در تولید و اقتصاد باز می‌کند. این امر می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برای کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه برای کشورهای کوچک که نمی‌توانند از تمام پتانسیل بازارهای داخلی‌شان استفاده کنند، فراهم کند.

۶- تملک زمین‌های بزرگ برای صادرات مواد غذایی

در طول چند سال گذشته، تملک اراضی بزرگ کشاورزی در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیای مرکزی و جنوب شرقی مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه‌گذاران بین‌المللی اکنون به‌طور فعال به دنبال زمین‌هایی هستند که قبلاً به آنها علاقه‌ای نداشتند و ارزش کمی داشتند. چالش‌ها و مواردی که در بالا شرح داده شده به‌صورت خلاصه در پیرامند ۱-۲ خلاصه شده است.

پیرایند شماره ۱-۲: فهرست چالش‌های فرا روی تأمین غذای جهان

- افزایش گرسنگی در سطح جهان
- نبود تعادل در رژیم غذایی
- لطمه‌پذیری محیط‌زیست
- سوءتغذیه و ارتباط آن با علل مرگ و ناتوانی
- سوءتغذیه کودکان
- چاقی و اضافه وزن در بزرگسالان
- سوءتغذیه‌ی ویتامین و مواد معدنی
- سوءتغذیه در مفهوم کم غذایی
- گرسنگی و پویایی جمعیت
- فشار بر زمین و منابع آب
- حفظ تنوع زیستی و منابع بیولوژیکی
- تهدید تغییر اقلیمی
- دسترسی به تجارت بین‌المللی و دسترسی بازار
- تملک زمین‌های بزرگ برای صادرات مواد غذایی

محورک‌های مهم تغییر در قرن بیست‌ویکم

عوامل گوناگونی بر کشاورزی و حاکمیت غذایی اثرگذار است، که به‌صورت فهرست به اهم آنها اشاره می‌شود:

- (۱) رشد جمعیت، شهرنشینی و سالخوردگی
- (۲) رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تجارت در جهان
- (۳) افزایش رقابت برای بهره‌برداری از منابع طبیعی
- (۴) تغییرات اقلیمی
- (۵) بهره‌وری و نوآوری‌ها در بخش کشاورزی
- (۶) بیماری‌ها و آفات فرامرزی
- (۷) منازعات، بحران‌ها و بلایای طبیعی
- (۸) فقر، نابرابری و نا امنی غذا
- (۹) تغذیه و سلامت
- (۱۰) تغییر ساختاری و اشتغال
- (۱۱) مهاجرت و کشاورزی
- (۱۲) تغییر در سیستم‌های غذایی
- (۱۳) ضایعات و هدررفت غذا

۱۴) نظارت بر امنیت غذا و تغذیه

۱۵) تأمین و توسعه منابع مالی

ضرورت‌های حاکمیت غذایی

✓ حاکمیت غذایی به عنوان رویکردی از پایین به بالا عمدتاً توسط جوامع بومی، کشاورزان کوچک، سازمان‌های غیردولتی و محققان دانشگاهی که دغدغه عدالت دارند، شکل گرفته است. این دیدگاه باعث ایجاد یک نظام کشاورزی و فرهنگ غذایی منحصر بفرد بر پایه اکولوژی و جوامع محلی شده است. تأکید اولیه حاکمیت غذایی بر تولید محلی برای مصرف محلی و وابستگی متقابل مردم به یکدیگر است؛ نوعی تمرکز بر توسعه محلی که در آن منافع خانواده‌ها، دوستان و همسایگان بسیار متفاوت از چشم‌انداز نئولیبرالی است که جهان را یکپارچه و متشکل از افراد منطقی، مستقل و منفعت‌طلب تصور می‌کند.

✓ مفهوم حاکمیت غذایی نیز در مقابل رویکرد نئولیبرالیسم به امنیت غذایی پدید آمده است و حق کنترل مکانیزم و سیاست‌های تولید، توزیع و مصرف مواد غذایی را به خود تولیدکننده‌ها و مصرف‌کنندگان محلی می‌دهد و حق انسان‌ها را در تولید و مصرف غذای سالم و سازگار با فرهنگ بومی خود با استفاده از روش‌های پایدار به رسمیت می‌شناسد و بر حق انتخاب غذا و سیستم‌های کشاورزی محلی تأکید می‌کند.

✓ حاکمیت غذایی مشوق تجارت شفاف است که تضمین‌کننده منافع همه مردم در مهار و مدیریت غذا و تغذیه خود می‌باشد و از حقوق تولیدکنندگان در مدیریت اراضی، مالکیت، آب، بذر، دام و تنوع زیستی خود حمایت می‌کند. حاکمیت غذایی همچنین به روابط اجتماعی بدون فشار و دور از نابرابری‌های جنسیتی، نژادی، اجتماعی، اقتصادی و غیره بین مردم معتقد است.

✓ هیچ برنامه خوبی بدون حمایت مردم به موفقیت نخواهد رسید؛ این اصل برای حاکمیت غذایی نیز صادق است. اگر مردم تحت تأثیر برنامه‌های طراحی شده استثماری شرکت‌های بزرگ بین‌المللی به خرید مایحتاج خود از واردات بپردازند بزرگ‌ترین مانع بر سر راه حاکمیت غذایی ایجاد کرده‌اند. با آموزش، تقبیح وابستگی، تشویق استقلال و نشان دادن اثرات حاکمیت غذایی در بلندمدت می‌توان عزم ملی را برای حاکمیت بر سر نوشت خود ارتقا داد.

فصل دوّم

**ظهور نظام فرمانروایی بر غذای جهان؛
و در مقابل آن، نهضت مردمی غذا**

معرفی فصل

در این فصل شرایط و زمینه‌های بروز و ظهور یک نظام اقتصادی در حال گسترش که مدیریت و کنترل غذای جهان را در اختیار گرفته است همراه با جریان یا نهضتی که با نظام فوق به مخالفت پرداخته است مرور می‌شود. از زمینه‌های آغازین نظام فرمانروایی، فعالیت شرکت‌های تجاری و عرضه مواد غذایی بوده است؛ به مرور شرکت‌های کوچک، قوی شده و با شگردهای گوناگونی و با الهام از آموزه‌های اقتصاد لیبرال توانسته‌اند هم قدرت اقتصادی و هم سیاسی بلامنازع‌ای بیابند. بنابراین اطلاعاتی پیرامون این شرایط که ابتدا از داخل ایالات متحده آمریکا شروع شد، و سپس سیطره خود را با اشکال و قالب‌های متناسب با هر فرهنگ در سطح جهان توسعه داده است، همراه با نگاهی به چند واقعیت آماری، وضعیت کشاورزی در آمریکا، مختصری از برخی عوامل مؤثر یا متأثر و سپس مکاتب فکری پشتیبان، در این فصل ارائه می‌گردد.

فرمانروایی بر غذا

○ چند واقعیت آماری

آمار و اطلاعات متنوع و فراوانی از مراجع مختلف به‌ویژه فائو، منتشر شده است که وضعیت گرسنگان جهان در دو قرن اخیر را بیان می‌کند. فائو اعلام می‌دارد که در فاصله سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ نسبت کسانی که کمتر از نیاز واقعی خود غذا دریافت کرده‌اند کاهش یافته است (FAO, 2013a)؛ این امر به دلیل دسترسی بهتر و هزینه کمتر محقق شده است. در دو دهه و در فاصله ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ بالغ بر ۱۷۳ میلیون نفر از جمع گرسنگان جهان کاهش یافته است، به عبارت دیگر گرسنگان در ۱۹۹۰ حدود ۱۰۱۵ میلیون نفر و نسبت به جمعیت آن زمان ۱۹ درصد بوده است در حالی که در ۲۰۱۳ به ۸۴۸ میلیون نفر یعنی به ۱۲ درصد جمعیت جهان رسیده است. نویسنده مذکور پس از تأیید دستاوردهای مثبت نظام تولید صنعتی و عرضه کالایی غذا در کاهش فقر و بهبود تغذیه، جمع‌بندی کرده و اظهار می‌دارد که این دستاوردها بی‌هزینه نبوده و اثرات و پیامدهای منفی آن اکنون مشاهده می‌شود.

در این رابطه یعنی پیامدهای منفی برنامه کاهش فقر و رفع گرسنگی، هالتز جیمینز و شاتوک (۲۰۱۱) با بررسی منابع مختلف و معتبر، گزارشی از واقعیت‌های آماری ارائه کرده‌اند که به‌طور مختصر به آنها اشاره می‌شود:

- ۸۰ درصد غلات جهان در مدیریت و کنترل سه شرکت ADM, Cargill, Bunge است.
- ۶۵ درصد بازار ذرت در اختیار دو شرکت شیمیایی مونسانتو و دوپونت می‌باشد.

- ۸۳/۵ درصد عرضه گوشت گوساله در آمریکا در اختیار ۴ شرکت Tyson, Cargill, Swift, شرکت National Beef Paking co قرار دارد.
- گرسنگان جهان از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۸ از ۷۰۰ به ۸۰۰ میلیون نفر رسیده است.
- بنا به گزارش فائو تولید غلات جهان با سرعت رشد سالانه ۲ درصد در ۲۰۰۸ به ۲۲۸۷ میلیون تن رسید در حالی که رشد جمعیت ۱/۲ درصد بوده است. یعنی افزایش تولید بیش از افزایش تقاضا می باشد.
- پس از سه دهه از گسترش اقتصاد لیبرال اکثر کشورهای در حال توسعه به طور افزایشی به بازارهای جهانی برای تأمین غذاهای اصلی و غلات خود وابسته شده اند؛ به عنوان شاهد در دهه ۱۹۷۰ این کشورها بالغ بر یک میلیارد دلار صادرات محصولات کشاورزی مازاد خود را داشته اند، در حالی که در سال ۲۰۰۰ با کسری غذایی تا حدود ۱۱ میلیارد دلار در سال رسیده اند.
- در اوج بحران غذایی کشورهای کم درآمد بالغ بر ۳۸ میلیارد دلار واردات غلات داشته اند. این محققین با ارایه و تحلیل آمار فوق نتیجه گیری می کنند که این وضعیت آسیب پذیر نتیجه عوامل زیر است:
 - تولید فراوان و برنامه کمک غذایی کشورهای برخوردار شمال
 - اعمال سیاست های مؤسسات اعتباری جهانی
 - برنامه سازگاری ساختاری^۱
 - موافقت های تجارت آزاد
 - الگوی کشاورزی براساس دستورالعمل انقلاب سبز
 - و عدم حمایت دولت ها از توسعه کشاورزی که اساساً همه این موارد ریشه در تفکر و رویکرد "نظام فرمانروایی بر غذای جهان" دارد. در این خصوص بعداً به تفصیل مبحثی ارایه خواهد شد.

○ آینده پژوهی و نیاز افزایشی به غذا

- مطالعات فراوانی نشان می دهد که به دو دلیل عمده نیاز به غذا رو به افزایش است:
- (۱) جمعیت جهان مسیر افزایشی به ویژه در آفریقا و آسیا طی می کند. پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۵۰ و سپس تا سال ۲۱۰۰ جمعیت جهان به ترتیب به ۹/۸ و ۱۰/۸۵ میلیارد نفر برسد.

۲) بالارفتن انتظار مردم برای دریافت غذای بیشتر و با کیفیت بالاتر (مصرف بیشتر گوشت و لبنیات). لذا پیش‌بینی می‌شود که تقاضا برای غذا تا سال ۲۰۵۰ تا ۷۰ درصد افزایش یابد. معذالک، دانشمندان مربوطه با توجه به عدم اطمینان‌هایی که پیرامون آینده تحولات سیاسی-اجتماعی و تغییرات اقلیمی وجود دارد با تردید نسبت به آینده صحبت می‌کنند.

○ الگوهای نامناسب غربی و مرفهین جهان

سبک زندگی و الگوی مصرف غذا در غرب براساس شرایط تولیدی و استانداردهایی که مبتنی بر فرهنگ محلی آنها است تبلیغ و ترویج می‌شود، از سوی دیگر شیوه‌های تولید غذا در کشورهای برخوردار با بهره‌مندی از تکنولوژی‌های سرمایه بر و شرایط اقلیمی خوب دنبال می‌گردد. تجربه جهانی گویای آنست که این الگوهای تولید و مصرف غذا نه تنها قابلیت عمل در کشورهای ضعیف نداشته که به آشفتگی داخلی بیشتر و وابستگی پیچیده‌تر آنها به کشورهای استکباری انجامیده است. برای مثال: مرغ بومی با خوراک‌های ساده و موجود محلی رشد کرده و نیازی به خوراک‌های لوکس غربی ندارد، ولی صنعت وارداتی پرورش طیور به خوراکی مانند کنجاله سویا، ذرت و سایر مواد افزودنی و ویتامین‌ها نیاز دارد که عمدتاً باید از کشورهای برخوردار و آن هم از طریق شرکت‌های بزرگ تهیه گردد.

○ توزیع ناعادلانه غذا

برخی از دانشمندان عرصه امنیت غذایی معتقدند که گرسنگی و سوءتغذیه مردم جهان که طبق گزارش فائو (۲۰۱۵) بالغ بر ۸۰۰ میلیون نفر برآورد شده و در حال افزایش نیز می‌باشد، به‌دلیل توزیع ناعادلانه غذا می‌باشد. این در حالی است که جمعیت کثیری مبتلا به اضافه وزن و چاقی مفرط شده‌اند. پاپکین و همکاران (۲۰۱۲) روند توسعه چاقی و اضافه وزن در کشورهای در حال توسعه را مورد بررسی قرار داده‌اند و نتیجه را در مقاله‌ای منتشر نمودند که یکی از پربیننده‌ترین مقاله‌ها شد. ایشان برآورد کرده‌اند که اضافه وزن و چاقی بالغ بر ۱/۵ میلیارد نفر از بزرگسالان جهان را در سال ۲۰۰۸ فرا گرفته و براساس آمار برآورد کرده‌اند که تا سال ۲۰۳۰ جمعیت با اضافه وزن به ۲/۱۶ و افراد مبتلا به چاقی به ۱/۱۲ میلیارد نفر در سطح جهان خواهد رسید. هرچند بخشی از اضافه وزن ناشی از سیری شکمی به جای سیری سلولی است و این خود نوعی از سوءتغذیه است. آنها معتقدند که ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی این شرایط چاقی و اضافه وزن را مدیریت کرده و توفیقات خوبی داشته‌اند (گرچه هنوز این کشورهای ثروتمند در

مصرف، دور ریز و اسراف در مواد غذایی غیرمنصفانه سهم مظلومین جهان را به هدر می‌دهند؛ ولی این پدیده در کشورهای آسیایی، خاورمیانه، آمریکای جنوبی، و آفریقا رو به گسترش می‌باشد. بنابراین، غذا به حد کافی وجود دارد ولی به دلیل فقر و عواملی سیاسی-اجتماعی، جمعیتی از جهان دسترسی لازم به غذای کافی ندارند. فریزر و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی موضوع، اظهار می‌دارند که میزان خوراکی که اکنون تولید می‌شود بالغ بر ۲۸۵۰ کیلوکالری سرانه برای تمام مردم جهان تأمین می‌کند و برای جمعیت ۹ میلیارد نفری سال ۲۰۵۰ این میزان به حداقل ۲۲۰۰ کیلوکالری می‌رسد که کافی است. بنابراین اگر از ضایعات مواد غذایی و محصولات کشاورزی کاسته شده و غذای موجود به طور عادلانه در دسترس همگان قرار گیرد مشکل گرسنگی و سوءتغذیه حل خواهد شد. این نکته را یادآور می‌شود که بیشتر ضایعات غذایی در کشورهای در حال توسعه در مرحله تولید و پس از آن، و در کشورهای پیشرفته در مرحله مصرف است و مدیریت هر یک متفاوت می‌باشد.

ملک‌زاده (۱۴۰۰) معتقد است که: "روند پرخوری و بی‌حرکی در کشور نگران‌کننده است... در حال حاضر ۷۰ درصد ایرانیان به چاقی یا اضافه وزن، (۴۷ درصد اضافه وزن و ۲۳ درصد چاقی) مبتلا هستند و ۴/۵ درصد جمعیت کشور نیز چاقی مفرط دارند. شمار افراد چاق در ایران از سال ۱۹۸۰ یا ۱۳۵۹ تا کنون ۵/۵ برابر و تعداد افراد دارای اضافه وزن ۳/۵ برابر شده است... عمده‌ترین علت این میزان از رشد چاقی در ایران همانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه، رژیم غذایی ناسالم، پرخوری و کم تحرکی است. میزان مصرف کالری روزانه ایرانی‌ها در دو دهه گذشته از ۲ هزار به ۳ هزار کالری رسیده و این درحالی است که ۹۰ درصد ایرانیان (هر دو جنس) فعالیت فیزیکی کافی ندارند. سهم زنان در کم تحرکی بیشتر از مردان است. عوارض حاد اپیدمی چاقی به عنوان یک بیماری مزمن اجتماعی قابل پیشگیری است. اگرچه به آشکاری اپیدمی بیماری عفونی کووید-۱۹ خود را نشان نمی‌دهد اما قطعاً خطرناکتر و ماندگارتر است. افزایش سه برابری چاقی در جهان از سال ۱۹۷۵ تا کنون از ابتدای حدود ۲ میلیارد بزرگسال ۱۸ سال و بالاتر به اضافه وزن و چاقی و از این تعداد ۶۵۰ میلیون نفر را افراد چاق تشکیل می‌دهند. همچنین ۳۸ میلیون کودک زیر ۵ سال و بیش از ۳۴۰ میلیون کودک و نوجوان ۵ تا ۱۹ سال جهان به اضافه وزن و چاقی مبتلا هستند و شیوع اضافه وزن و چاقی در بین کودکان و نوجوانان از چهار درصد در سال به ۱۸ درصد در حال حاضر رسیده است. وی همچنین با اشاره به ۱۰ برابر شدن میزان مرگ‌های ناشی از بیماری‌های مرتبط با چاقی در جهان از ۱۹۹۵ تا کنون، گفت: هشت درصد از مرگ‌های جهانی، ناشی از بیماری‌های مرتبط با چاقی است که این سهم به طور قابل توجهی در جهان متفاوت است و در برخی کشورها که عمدتاً کم درآمد یا دارای درآمد متوسط هستند به ۱۵ درصد هم می‌رسد.

سهم چاقی در مرگ‌های زودرس ناشی از بیماری‌ها، نیز قابل توجه است. بیشترین سهم چاقی در مرگ‌های زودرس ناشی از بیمارها، مربوط به مرگ‌های قلبی - عروقی با سهم ۷۰ درصدی است. همچنین یک‌سوم سرطان‌ها با چاقی مرتبط هستند. در پاندمی اخیر بیماری عفونی کووید-۱۹، تحقیقات انجام شده نشان داد شانس مرگ در بیماران چاق مبتلا به شکل حاد کووید-۱۹ نسبت به مبتلایان غیرچاق بالاتر است. افزایش دو برابری مرگ‌های ناشی از بیماری‌های مرتبط با چاقی در سه دهه گذشته در ایران سالانه ۳۸۰ هزار مرگ در کشور رخ می‌دهد که ۱۷۷ هزار مورد آنها زودرس (زیر ۷۰ سال) هستند. از این میزان ۸۸ هزار مرگ خیلی زودرس (زیر ۵۰ سال) است. ایسکمیک قلبی، سکته مغزی، سرطان‌ها، دیابت، انسداد ریوی مزمن، نارسایی مزمن کلیوی، نارسایی مزمن کبدی از مهمترین علل مرگ‌های زودرس در ایران هستند که چاقی با تمام این بیماری‌ها رابطه بسیار نزدیکی دارد."

یادآور می‌شود که هرچند جهانی شدن فزاینده و تجارت محصولات کشاورزی فواید زیادی برای شرکت‌های بزرگ و کشورهای استعمارگر دارد اما می‌تواند گسترش بیماری‌های دامی را نیز تشدید کند. هنگامی که این بیماری‌ها به انسان منتقل می‌شوند، تأثیراتی فراتر از اثرات مثبت دارند و می‌تواند هزینه‌ها را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد. به‌عنوان مثال، هزینه‌های همه‌گیری سارس در سال ۲۰۰۳ نزدیک به ۵۴ میلیارد دلار تخمین زده شد (Lee and McKibbin, 2004) و بیش از ۱۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۰۹ بر اثر اپیدمی آنفلوآنزای خوک H1N1 جان خود را از دست دادند (Simonsen et al., 2013). در واقع، بیش از ۶۰ درصد از پاتوژن‌های موجود و در حال ظهور که بر انسان تأثیر می‌گذارند از حیوانات منشأ می‌گیرند (Morens and Fauci, 2013).

○ جایگاه کشاورزان روستایی خرده پا

کشاورزان خرده پا که نقش بسیار مؤثری در تأمین غذای جهانیان داشته‌اند، مورد تهدید شدید و جدی قرار گرفته‌اند، بنحوی که جمعی از آنان ناگزیر به مهاجرت، تغییر حرفه، تغییر کاربری اراضی خود، بیکاری، خودکشی و سایر لطمات اجتماعی واقع شده‌اند. در این قسمت به ریشه‌یابی این جریان و تبیین نقش، اهمیت و لزوم حفظ و حمایت از آنان پرداخته خواهد شد.

به نقل از گنزالز (۲۰۱۴) بالغ بر یک میلیارد نفر از جمعیت جهان دچار سوءتغذیه هستند که اکثر آنان در مناطق روستایی زندگی کرده درحالی‌که بیش از ۷۰ درصد خوراک جهان توسط روستاییان تهیه می‌شود این جامعه مولد برای ادامه حیات خود قسمت اعظم تولید خود را به بازار عرضه می‌کنند. از سوی دیگر تولیدات محلی این کشاورزان توانسته است تا حدی تنوع زیستی و گونه‌های بومی گیاهی را حفظ کند.

"نهضت کشاورزان جهان" به نقل از مک-میچل (۲۰۱۴) معتقد است که با وجود و حمایت از کشاورزان خرده پا می‌توان بحران‌های زیست‌محیطی را کاهش داد و به تولید غذای پایدار برای همگان نیز امیدوار بود.

برخی از دانشمندان معتقدند که با کشاورزی خُرد نمی‌توان غذای مردم جهان را تأمین کرد. لوئیزه فرسکو به نقل از کاسترز و لامرز (۲۰۱۳) در آخرین کتاب خود تحت‌عنوان "همبرگرها در بهشت: خوراک در شرایط کمبود و فراوانی" بحث مفصلی ارائه می‌دهد که با کشاورزی ارگانیک توسط زارعین خرده پا نمی‌توان جمعیت رو به رشد جهان را تغذیه کرد. این ادعا مورد نقد و تحلیل فراوان قرار گرفته است.

○ فقر و فقر روستایی

از مباحثی که پیرامون آن مطالعات بسیار گسترده‌ای صورت گرفته و برای آن توسط نهادهای بین‌المللی برنامه‌های گوناگونی در دو قرن اخیر اجرا شده است موضوع فقر به‌ویژه فقر روستایی است. در این مختصر نکاتی کوتاه مرتبط با بحث شرکت‌های بزرگ و نظام فرمانروایی غذایی ارائه می‌شود.

چاپل و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند که کشاورزی صنعتی عامل فقر روستایی و همچنین تخریب تنوع زیستی شده است. در این رابطه تعریفی از تله‌های فقر در روستاها عرضه می‌دارند که مفهوم آن عبارت است از: مکانیسم‌های خود تقویتی فقرزا، ناشی از ترکیب و هم‌کنشی نظام‌های سیاسی-اجتماعی با نظام محیط طبیعی (اکولوژی) که در سطح پائین زندگی ماندگار می‌گردد. در این خصوص تحلیلی ارائه می‌کنند که ظاهراً فقر روستایی با تنوع زیستی در تضاد و تقابل هستند؛ به عبارت دیگر برای از بین بردن فقر روستایی باید تنوع زیستی را فدا کرد (استفاده حداکثری از آب و خاک و منابع طبیعی برای تولید غذا) و برای حفظ و ارتقای تنوع زیستی باید فقر را تحمل نمود. درحالی‌که اینان بر این باورند که بر میناهای نظری و هم شواهد تجربی می‌توان موقعیت برد-برد را ایجاد کرد یعنی ضمن فقرزدایی محیط زیست و تنوع زیستی را نیز حفظ کرد. در این خصوص اشاره می‌کنند که عوامل بیرونی موجب بروز تله‌های فقر شده‌اند و مثال می‌زنند که توسعه سریع کشاورزی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ اثری بر فقرا و کشاورزان ضعیف که نابرابری‌های تاریخی را تحمل می‌کنند نداشته است. همان محققین با بررسی وضعیت در آمریکای لاتین نقش سیاست‌های استعمارنو/ نئولیبرالیسم را در الگوی صادرات محصولات کشاورزی بر فقر تحلیل کرده‌اند و اظهار می‌دارند که در این منطقه بالغ بر ۵۲ درصد از روستائیان همچنان در فقر بسر می‌برند، با شواهدی از فقر جدی مرتبط با تخریب محیط زیست، ناشی از کشاورزی متمرکز و ورود به صادرات جهانی محصولات کشاورزی. این محققین شواهدی از رابطه تنوع زیستی در نظام‌های

زراعی خرده مالکی ارایه می‌دهند که کشاورزی خرده پا - با رعایت اصول کشاورزی بوم‌گرا- ضمن تأمین زندگی کشاورزان در حفظ محیط زیست هم موفق بوده‌اند.

○ برنامه کمک غذایی

آیا برنامه توزیع غذا در کشورهای فقیر خدمتی مخلصانه و مفید بوده است، یا اهداف و سیاست‌های غیرانسانی در کار بوده و در نتیجه غیرمفید و خسارت‌زا شده است؟ گرچه بررسی این موضوع به فرصتی جداگانه نیاز دارد لکن در اینجا به اختصار نکاتی عرضه می‌گردد.

اساس توزیع غذا بر این مبنا استوار است که ملتهایی غذای فراوان و بیش از نیاز خود در اختیار دارند درحالی که برخی دیگر دسترسی کمی به غذا دارند؛ لذا توزیع مجدد غذا یا پخش غذا از گروه اول به گروه دوم راه‌حل رفع مشکل است که تحت‌عنوان توزیع غذا شکل گرفته است.

به نقل از ویکیپدیا: "برنامه جهانی غذا به انگلیسی (World Food Programme (WFP): شاخه کمک غذایی سازمان ملل متحد و بزرگترین نهاد انسانی جهان در زمینه امنیت غذایی و رفع گرسنگی است. این سازمان از طریق اداره مرکزی خود در رم و بیش از ۸۰ دفتر در کشورهای دیگر، جهت کمک به مردمی که قادر به تأمین غذای کافی جهت اعضای خانواده خود نیستند تلاش می‌کند. برنامه جهانی غذا در سال ۱۹۶۱ پس از کنفرانس سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO) در ۱۹۶۰ تأسیس شد، زمانی که جورج مک گاورن، مدیر برنامه‌های غذا برای صلح ایالات متحده، پیشنهاد ایجاد یک برنامه کمک غذایی چندجانبه را ارائه داد. برنامه جهانی غذا اولین برنامه‌های خود را در سال ۱۹۶۳ توسط فائو و مجمع عمومی سازمان ملل متحد به صورت آزمایشی سه ساله و با پشتیبانی از جمعیت نوبیا در وادی هلفا سودان آغاز کرد. در سال ۱۹۶۵، برنامه به طور مستمر گسترش یافت. "گرچه ظاهراً برنامه کمک غذایی حرکتی انسان دوستانه می‌باشد که از سوی آمریکا پیشنهاد شده و همه ساله مورد حمایت مالی قرار گرفته است، این امر مانند سایر پروژه‌های آمریکا چندوجهی و با اهداف اقتصادی و سیاسی همراه بوده و لذا از عملکرد این برنامه ارزیابی‌های بسیار و نقد فراوان ارایه شده است. برنامه توزیع غذا به عنوان صدقه و بخشش کشورهای برخوردار به کشورهای فقیر مطرح شده است. از سال‌های گذشته افرادی اثر بخشی برنامه توزیع غذا را برای بلندمدت زیر سؤال برده‌اند (سینگر، به نفل از فریزر ۲۰۱۶). "منتقدین برنامه توزیع غذا بیشتر بر اثرات منفی این جریان بر کاهش شدید درآمد مزرعه در کشورهای دریافت‌کننده غذا نظر داده‌اند. لذا برخی از صاحب‌نظران از جمله برنامه غذایی جهان (۲۰۱۰) معتقدند که فقط برای شرایط بحرانی و کوتاه‌مدت توزیع غذا بین نیازمندان به عنوان تلاش‌های بشردوستانه کاری مثبت است و برنامه کمک غذایی را به یاری غذایی تغییر داده‌اند (Food aid to food assistance).

از توصیه‌های دیگری که برای توزیع غذا به نیازمندان ارایه شده است پیشنهاد مصرف کمتر گوشت است و یا مصرف گوشت دام‌هایی که از مراتع استفاده می‌کنند (نه تولید گوشت با تغذیه دانه‌های غلات، تا این غلات برای تغذیه مستقیم انسان‌ها مصرف گردد). این توصیه در شرایطی ارایه می‌شود که روند مصرف گوشت و لبنیات به دلیل ثروتمند شدن بالغ بر یک میلیارد نفر از جمعیت جهان رو به افزایش است.

○ نقش شرکت‌های تولیدی، صنعتی و تجاری محصولات کشاورزی

- گنزالز (۲۰۰۹) معتقد است که ریشه سوءتغذیه در جهان و خطر نابودی تنوع زیستی، وجود و فعالیت‌های شرکت‌های بزرگ صنعتی کشاورزی و غذایی در جهان است.
- آمار زیر گویای قدرت و تسلط شرکت‌های بزرگ غربی بر کشاورزی و غذای جهان است: دو شرکت کنترل ۷۵ درصد تجارت غلات جهان را در دست دارند؛ شش شرکت تولیدکننده مواد شیمیایی کشاورزی ۷۵ درصد از فروش این مواد را در دست داشته و بر بازار بذر جهان غلبه دارند. ده شرکت کنترل ۶۷ درصد از حق مالکیت بازار بذر و نزدیک به ۹۰ درصد بازار مواد شیمیایی کشاورزی و ۴۰ درصد عرضه خوار و بار جهان را مالکیت و مدیریت می‌کنند (گنزالز، ۲۰۰۹).
- این قدرت و سیطره بر بازار غذایی و تولید محصولات کشاورزی، این شرکت‌ها را مجاز به پرداخت کمترین وجه به کشاورزان خرده پا برای منابع و تولیدات خام آنها و حداکثر دریافت قیمت برای محصولات صنعتی و سایر تولیدات و نهاده‌های کشاورزی تولیدی خود می‌کند.
- گنزالز (۲۰۱۴) معتقد است که یکی از عوامل مؤثر در بحران غذا در جهان تسلط شرکت‌های تأمین‌کننده خوراک می‌باشد. او اضافه می‌کند که نابودی و کاهش منابع محلی نیز در این امر بسیار مؤثر است و تأکید می‌کند که تولیدات محلی ضمن عرضه غذای سالم به حفظ پایدار کشاورزی و اعمال عدالت اجتماعی نیز کمک می‌کند.

○ استفاده از غلات برای تأمین غذا یا سوخت؟

از نیازهای اساسی امروز جهان انرژی است. انرژی از منابع گوناگونی مانند: منابع فسیلی، ذغال سنگ، منابع گیاهی (تهیه اتانول از ذرت)، شکاف هسته‌ای و غیره حاصل می‌گردد. ارزان‌ترین که بیشترین محصولات شیمیایی نیز به‌همراه دارد منابع فسیلی است. عمر این منابع محدود و تمام شدنی است و در اختیار برخی از کشورها از جمله ایران می‌باشد. بنابراین اکثر کشورها به فکر منابع جایگزین شده‌اند؛ جمعی به انرژی هسته‌ای، برخی به انرژی خورشیدی و گروهی به سوخت‌های

زیستی و چند کشور برای تهیه انرژی مورد نیاز خود ضمن ذخیره نفت به تمامی منابع دیگر نیز توجه کرده و برنامه‌ریزی نموده‌اند.

یکی از این تلاش‌ها تهیه انرژی از منابع گیاهی می‌باشد که با اصطلاح جامع‌تر به سوخت‌های زیستی شهرت یافته است. در حال حاضر کشوری مثل ایالات متحده آمریکا به کشورهای غرب آسیا غذا را در قبال دریافت نفت عرضه می‌کند؛ درحالی‌که خود در مقیاس محدود از ذرت نیز الکل برای مصرف انرژی استخراج می‌نماید. خطری که پیش روی است، این است که بزودی نفت ما تمام خواهد شد، و آمریکا از منابع غنی و محصولات کشاورزی خود سوخت و انرژی مورد نیاز خود را تأمین خواهد کرد. در این شرایط کشوری مثل ایران که منابع تولید مواد غذایی محدود و فرسوده دارد از یک سو کمبود شدید مواد غذایی خواهد داشت و از سوی دیگر نفت برای فروش و تهیه غذا ندارد. این پدیده توجه‌اندیشمندان آینده نگر را بخود جلب کرده و هشدارهای مؤکدی را ارائه کرده‌اند.

ازجمله: گراهام روو به نقل از فریزر و همکاران (۲۰۱۶) معتقد است ۱۰ درصد ذرت تولیدی که می‌تواند مصرف غذایی انسانی بشود برای تولید سوخت استفاده می‌شود؛ این مقدار در ایالات متحده به ۴۰ درصد می‌رسد و بقیه صرف خوراک دام و طیور یا تولید شربت و روغن ذرت می‌گردد. بنابراین نعمتی را که خداوند کریم برای تغذیه انسان‌ها عطا کرده است به ناحق برای مصارف دیگر به‌کارگرفته می‌شود و در آینده این امر جدیت یافته و بحران‌زا خواهد شد.

○ چالش تنوع زیستی در کشاورزی (Agrobiodiversity)

شامل تنوع در گونه‌های ژنتیکی حیوانی، گیاهی و میکرواورگانیزم‌ها که همگی در استمرار عملیات حیات کشاورزی مؤثرند می‌باشد. بر روی کره زمین بالغ بر ۷۵۰۰۰ گیاه قابل خوردن وجود دارد که از این مقدار حدود ۳۰۰۰ گونه در طول تاریخ توسط انسان استفاده خوراکی شده است و فقط ۱۵۰ گونه در سطح نسبتاً وسیع کشت گشته است (مایرز، ۱۹۹۷).

بنابر گزارش فائو (۲۰۰۹) بالغ بر ۷۵ درصد از تنوع ژنتیکی گیاهان زراعی بر اثر مصرف واریته‌های محدود و اصلاح شده پُر تولید در قرن اخیر از بین رفته است. از هزاران گیاه زراعی که خوراک بشر را تا کنون تأمین کرده است، در این ایام به تعداد بسیار کمی محدود شده، مثلاً ۱۲ محصول ۸۰ درصد و تنها؛ گندم، برنج، سیب‌زمینی و ذرت ۶۰ درصد غذای جهان را تأمین می‌کند (همان منبع). به عبارت دیگر جهان وابسته به تعداد بسیار محدودی گیاه زراعی و هر یک از اینها هم محدود به واریته‌های اصلاح شده کمی شده است و ادامه این روند خطر جدی برای ادامه حیات خواهد بود. پیکون و تاسل (۲۰۰۲) گزارش کرده‌اند که ۷۰ درصد ذرت، ۵۰ درصد

گندم، ۷۵ درصد برنج دنیا از چند واریته اصلاح شده استفاده می‌شود و از ۳۰۰۰۰ واریته برنجی که تا ۱۹۵۰ در هند کشت می‌شده امروزه به کمتر از ۵۰ واریته رسیده است.

○ دلایل و عوامل بحران‌زا در وضعیت تنوع زیستی کشاورزی در سطح جهان

✓ گسترده شدن سریع کشاورزی صنعتی در جهان
✓ انقلاب سبز؛ که با هدف رفع گرسنگی در جهان با افزایش تولید شکل گرفت. این جریان توسط بنیادهای فورد و راکفلر برای تولید واریته‌های پُر تولید یا پُر محصول ذرت، برنج و گندم (با مصرف کودهای شیمیایی و آب بیشتر) سرمایه‌گذاری شد. این انقلاب فاصله طبقاتی بین کشاورزان خرده پا با کشاورزان برخوردار را افزایش داد، زیرا کشاورزان ضعیف توان خرید و تأمین سم، کود، تجهیزات آبیاری و ماشین‌های کشاورزی را نداشتند ولی کشاورزان بزرگ و برخوردار توانستند تولید و در نتیجه درآمد خود را افزایش داده و فشار بر کشاورزان کوچک و کشورهای ضعیف برای واردات مواد غذایی توسعه یابد. بنابر بررسی ۳۰۰ گزارش رسمی توسط گنزالز (۲۰۱۴)، طی سی سال (از انقلاب سبز)، فقر و نابرابری روستایی در کشورهای مبتلا به انقلاب سبز افزایش یافته است. از سوی دیگر انقلاب سبز موجب از بین رفتن تنوع زیستی با جایگزینی واریته‌های پُر تولید یا پُر محصول به‌جای واریته‌های بومی شد. افزون بر این‌ها، وابستگی به واردات بذور اصلاح شده، کودهای شیمیایی، سموم صنعتی و سایر نهاده‌های مورد نیاز در انقلاب سبز که توسط شرکت‌های بزرگ کشورهای صنعتی به‌ویژه آمریکا ساخته می‌شد به شدت افزایش یافت. پیامدهای این وابستگی در تحمیل برنامه‌های اقتصادی نظیر صادر کردن منابع خام با قیمت ناچیز به کشورهای برخوردار، سیاسی-اجتماعی و فرهنگی نیز بسیار چشمگیر و مخرب بوده است. در نتیجه بسیاری از کشورهای در حال توسعه مبتلا به کشاورزی تک محصولی (با مدیریت تولید و عرضه توسط آمریکا) و نابودی و فقر شدید روستایی شده‌اند.

✓ جهانی شدن نظام غذایی و در نتیجه به حاشیه کشیده شدن کشاورزان خرده پا،
✓ جایگزینی گونه‌های گیاهی محلی با به‌کارگیری گونه‌های غیربومی اصلاح شده،
✓ از بین رفتن دانش بومی و شیوه‌های سنتی و مناسب تولید با استفاده از فناوری‌های وارداتی که در کوتاه‌مدت تولید و درآمد کشاورزان را بالا می‌برد.

اخیراً بنیادهای راکفلر و بیل و ملیندا گیتس برای ترویج انقلاب سبز در آفریقا پروژه‌ای تعریف کرده و سرمایه‌گذاری نموده‌اند. ظاهر قضیه که توسط سازمان فائو هم تأیید و حمایت فکری می‌شود افزایش تولید برای رفع گرسنگی و بهبود تغذیه جهانیان است. موضوع توسط برخی از اندیشمندانی

که انقلاب سبز مکزیک و هند و دیگر مناطق را بررسی کرده‌اند مورد نقد قرار گرفته و نسبت به پیامدهای آن هشدار داده‌اند. هولتز-گیمنز و همکاران (۲۰۰۶) با نقد عملکرد مؤسسه انقلاب سبز و هزینه ۳۵۰ میلیون دلاری سالیانه آن نهاد که ۴۰ تا ۴۵ درصد آن صرف تحقیقات می‌شود تحلیل می‌کنند که اگر انقلاب سبز اولیه موفق بود خود بخود در آفریقا نیز گسترش می‌یافت؛ اگر شکست خورده یا به دلیل عملکرد آن مؤسسه بوده، یا به دلیل اصل ناکارآمدی انقلاب سبز، یا هر دو بوده است و این نبوده که انقلاب سبز آفریقا را نادیده گرفته بلکه شکست خورده است. ایشان با ارایه ده دلیل عدم موفقیت پروژه سبز در آفریقا را از پیش شکست خورده عنوان کرده و نسبت به پیامدها و خسارات مربوطه به‌طور جد هشدار داده‌اند. این ۱۰ دلیل به شرح زیر است:

(۱) انقلاب سبز به شدت فاصله بین کشاورزان فقیر و غنی را عمیق‌تر می‌کند؛ کشاورزان خرده‌پا و ضعیف را ناتوان‌تر کرده تا ناگزیر به ترک کشاورزی شده و مهاجرت کنند و کشاورزان برخوردار را در نظام سرمایه‌داری لیبرال قوی‌تر نموده تا هم خود بیشتر بهره‌برند و هم به شرکت‌های تأمین‌کننده نهاده‌ها بیشتر خدمت نمایند.

(۲) به مرور زمان، فناوری‌های انقلاب سبز بوم‌شناسی کشاورزی (اکوسیستم-کشاورزی) مناطق گرم استوایی را تضعیف کرده و خطرات زیست‌محیطی را افزایش می‌دهد.

(۳) انقلاب سبز تنوع زیستی در بخش کشاورزی که امنیت زندگی کشاورزان خرده‌پا را تضمین می‌کند و از سوی دیگر پایداری بخش کشاورزی را مستحکم می‌نماید را تحت تأثیر قرار داده است.

(۴) گرسنگی نتیجه عدم تولید به حد کافی نیست، بلکه گرسنگان قدرت خرید مایحتاج غذایی خود را ندارند.

(۵) بدون تمرکز و هدف قراردادن نابرابری‌های ساختاری در نظام‌های سیاسی و بازار، تأکید و تمرکز بر تزریق تکنولوژی‌های پیشرفته شکست خواهد خورد.

(۶) بخش خصوصی به تنهایی قادر به حل مسایل تولید، بازار و تجارت و توزیع نخواهد بود.

(۷) معرفی و ترویج مهندسی ژنتیک (نیروی محرک و پنهان پشت برنامه توسعه کشاورزی در آفریقا) موجب آسیب‌پذیری بیشتر کشاورزان خرده‌پا در آفریقا خواهد شد.

(۸) معرفی و ترویج گیاهان اصلاح شده ژنتیکی به کشاورزان خرده‌پا و کوچک اینان را به‌سوی قرض و بدهکاری وام‌های مربوطه خواهد کشید.

(۹) شعار انقلاب سبز آفریقا: انتخابی دیگر وجود ندارد؛ این شعار بسیاری از برنامه‌های موفق کشاورزی بوم‌گرا و رویکردهای غیر از شرکت‌های بزرگ غذایی برای توسعه کشاورزی را نادیده

می‌گیرد؛ جالب است که این برنامه‌ها و رویکردها در جریان بیداری و توجه به شکست‌های گذشته انقلاب سبز در دیگر کشورها رشد کرده و مطرح شده‌اند.

۱۰) اتحادیه و گروه مجری برنامه انقلاب سبز آفریقا اجازه حضور کشاورزان روستایی را به‌عنوان نیروهای اصلی و پایه‌ای در توسعه کشاورزی را نمی‌دهد.

○ پدیده تغییر اقلیم

تغییر اقلیم واقعی است که قابل مشاهده و امروزه مورد تأیید اغلب صاحب‌نظران است. بحران و فجایعی نظیر: خشکسالی، سیل، طغیان بیماری‌ها و آفات گیاهی که بر اثر واکنش‌های آب و هوایی رخ داده است، نسبت به گذشته بسیار شدید و متکثر شده است. در این رابطه سازمان خوار و بار کشاورزی ملل متحد (فائو، ۲۰۰۸) اعلام کرده است از حدود ۱۲۰ فاجعه ناشی از جریان‌های آب و هوایی در سال‌های ۱۹۸۰، اکنون به ۵۰۰ مورد در سال رسیده‌ایم. اثرات منفی و خسارات این جریان‌ها بیشتر گریبانگیر مردم فقیر به‌ویژه روستائیان و کشاورزان خرده پا شده و در نتیجه بر نظام تولید و توزیع محصولات کشاورزی و غذا به ضرر کشورهای در حال رشد در جریان است. این اتفاقات و اثرات مخرب تغییر اقلیم همچنین بر محیط زیست و تنوع زیستی اثرات بسیار مهلکی را تحمیل کرده است؛ یعنی بسیاری از حشرات و گونه‌های گیاهی طبیعی بر اثر خشکسالی‌ها و سیل و غیره در معرض نابودی و انقراض هستند که این امر بر پایداری تولید محصولات کشاورزی و غذا بسیار اثرگذار بوده و خواهد بود. کلاین (۲۰۰۷) برآورد کرد که تا ۲۰۸۰ در قاره آفریقا تولیدات کشاورزی ۲۸ درصد، در آمریکای لاتین ۲۴ درصد و در آسیا ۱۹ درصد کاهش خواهد یافت.

○ اثر تغییر اقلیم بر تولید شیلات و آبی‌پروری

اکثر مطالعات و اقدامات مرتبط با تغییر اقلیم در حوزه‌های غذا، جنگل‌ها و مراتع و سیاست‌های مدیریت زمین دور میزند؛ گرچه این امر بر بخش ماهیگیری و آبی‌پروری نیز به شدت تأثیرگذار است ولیکن کمتر به آن توجه شده است. میلز (۲۰۱۸) موضوع را مورد واکاوی قرار داده و معتقد است که این بحث اخیراً به‌طور چشمگیری نُقل محافل شده است. ایشان بر این باورند که همانند نهضت کشاورزان، مقاومت ماهیگیران برای تلاش کاهنده اثرات تغییر اقلیم و منابع همچنان در مطالعات علمی و نهادهای سیاستگذاری کمترین توجه را بخود جلب کرده است. از سوی دیگر موضعگیری‌های ماهیگیران به هم‌افزایی‌هایی رسیده و به حرکت و نهضت عدالت‌خواهانه ماهیگیران منجر شده است. میلز چهار برنامه درهم تنیده برای حضور فعال ماهیگیران در کاهش اثرات منفی تغییر اقلیم به شرح زیر ارائه می‌کند:

۱) اصول حاکمیت غذایی

(۲) توافق و هم افزایی بین حرکت‌های مختلف

(۳) دسترسی و تضاد و درگیری نسبت به منابع

(۴) نظرات و انتخاب‌های متنوع ماهیگیران

○ نهضت غذای سنتی خانگی علیه غذای حاضری بازاری

یکی از پدیده‌های عصر حاضر ابداع و انتشار سریع مصرف خوراک ساده و سریع تحت‌عنوان فست فود^۱ می‌باشد؛ جستجویی برای یافتن معادل فارسی برای فست فود انجام شد که از بین همه پیشنهادها واژه غذای حاضری بازاری مناسب‌تر تشخیص داده شد. لازم است پیرامون این پدیده مطالعه‌ای جداگانه انجام و ابعاد این حرکت، بررسی‌های وسیعی صورت گیرد، لکن در این جا به چند نکته اشاره می‌گردد.

ضمن برخورداری جنبه‌های مثبت و منفی غذای حاضری بازاری نقدهایی بر آن انجام و حرکتی علیه آن شکل گرفته است تحت‌عنوان اسلو فود مومنت^۲ که گویاترین واژه برای آن نهضت غذای سنتی خانگی شناخته شد.

ویکی پدیا نهضت غذای سنتی خانگی را این گونه تعریف می‌کند: "اسلو فود تشکلی است که غذاهای محلی و آشپزی سنتی را تبلیغ می‌کند. ایده این حرکت توسط کارلو پترینی در ایتالیا در سال ۱۹۸۶ مطرح شد و از آن زمان در سراسر جهان گسترش یافته است - در سال ۲۰۱۱ بالغ بر ۱۰۰ هزار عضو در ۱۳۲ کشور جهان داشته است. این تفکر و سبک مصرف غذا که به‌عنوان جایگزینی برای فست فود تبلیغ می‌شود، تلاش می‌کند غذاهای سنتی و منطقه‌ای را حفظ کرده و کشت گیاهان، دانه‌ها و پرورش دام‌هایی که ویژگی‌های اکوسیستم محلی دارند را تشویق و کسب و کارهای کوچک محلی و غذاهای پایدار را ترویج کند. همچنین به جای کمیت، بر کیفیت غذا تمرکز دارد. این جنبش آهسته و گسترده علیه تولید بیش از حد و هدر رفتن مواد غذایی سخن می‌گوید، جهانی شدن را فرآیندی می‌داند که در آن کشاورزان کوچک و محلی و تولیدکنندگان غذا باید به‌طور همزمان از سیستم غذایی جهانی محافظت و در آن گنجانده شوند."

باسیلیکو (۲۰۱۵) معتقد است که نهضت غذای سنتی خانگی یک تشکل فرهنگی سیاسی است که شعارش غذای خوب، تمیز و منصفانه می‌باشد. برای هریک از این واژه‌ها بحث‌های علمی و فرهنگی مبسوطی وجود دارد و در واکنش نسبت به جهانی شدن غذا که توسط شرکت‌های فرا

1. Fast Food

2. Slow Food Movement

ملیتی و همچنین فرهنگ غذای حاضری بازاری (فست فود) متولد شده است. نکاتی برگرفته از مقاله ایشان به شکل زیر ارایه می‌گردد:

✓ در مقابله با هجمه فرهنگی آمریکا بر جهان و آمریکایی کردن^۱ دنیا و پروژه جهانی سازی^۲ آمریکا، مقاومت‌ها و نهضت‌هایی در دنیا حتی توسط اروپایی‌ها شکل گرفته است، از جمله رویکرد جهانی فکر کن و محلی عمل نما^۳ که معتقد است نمی‌توان از بازارهای جهانی دور بود و آنرا نفی کرد بلکه باید بازار جهانی، خود را با شرایط هر محل سازگار کند- برای مثال مک دونالد که پرچم جهانی و آمریکایی شدن است در کشورهای مختلف با استفاده از منابع محلی و فرهنگ و معتقدات مذهبی هر محل خود را تطبیق و سازگار کرده است. در مالزی ساندویچ مک دونالد با گوشت حلال عرضه می‌شود و در ایران تبلیغات ایران برگر با تأکید بر ارایه ساندویچ با نان مک دونالد همراه است.

✓ در جهانی سازی و بازار جهانی که از برنامه و اعتقادات سرمایه‌داری نئولیبرال است بر کشاورزی متمرکز و فشرده^۴ تأکید می‌شود که در آن مثلاً میوه تازه در تمام طول سال عرضه می‌گردد ولی به قیمت فشار بر زمین‌های زراعی و محیط زیست و عرضه میوه‌های بی‌مزه خارج از فصل. ✓ زمانیکه فست فود به عنوان ابزار جهانی و آمریکایی سازی به کار گرفته شد رویکرد اسلو فود (غذای سنتی خانگی) ابداع و جایگزین گلوکالیزیشن (جهانی فکر کن و محلی عمل نما) گردید. ✓ گرچه رویکرد گلوکالیزیشن حمل و نقل و جابجایی محصولات کشاورزی را تشویق نمی‌کند ولی نهضت اسلو فود مشوق جابجایی انسان‌ها است برای آشنایی با تولیدات هر محل، مذاکره و ارتباط با انسان‌های هر محل و تبادل فکر و تجربه با آنها همزمان با بهره‌مندی و معامله محصولات کشاورزی و غذایی آنها.

✓ با گسترش تفکر اسلو فود، در سایر زمینه‌ها نیز این فکر تسری پیدا کرد؛ و واژه اسلو لیف در مقابل فست لیف^۵ (زندگی با شتاب و فعالیت‌های سریع و همراه با ایده حداکثر بهره‌وری ولی با فشار روانی و هزینه کردن فرصت‌های زندگی آرام) نیز مطرح شده است.

✓ از مزایای غذای آهسته، غذای سنتی خانگی یا اسلو فود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کوتاه کردن زنجیره تولید تا توزیع و لذا کاهش حمل و نقل و در نتیجه کاهش مصرف انرژی و کاهش نشر گاز کربنیک و آلودگی هوا

-
1. Americanisation
 2. Globalization
 3. Think globally and act locally
 4. Intensive Agriculture
 5. Slow Life Vs Fast Life

- کاهش نیاز به سردخانه، بسته‌بندی و انبارداری
- مهار و مدیریت (کنترل) بحران‌های اقتصادی
- کاهش مهاجرت روستائیان
- رفع بیکاری جوانان روستایی
- پایداری بهتر بخش کشاورزی و ارتقای وضعیت محیط زیست
- و بالاخره ترویج و تقویت اخلاق کشاورزی در تمامی چرخه غذایی.

○ ضایعات و دور ریز مواد غذایی و محصولات کشاورزی

حجم قابل توجهی از محصولات کشاورزی در جریان تولید، برداشت، حمل‌ونقل و تبدیل و فراوری ضایع شده و از مسیر عرضه به بازار مصرف خارج می‌گردد. فائو میزان ضایعات کشاورزی در ایران را چند برابر کشورهای پیشرفته دنیا اعلام کرده و در بخش ضایعات میوه، رتبه اول در دنیا را دارد. فائو می‌گوید در کشورهای مختلف به‌ویژه در کشورهای برخوردار، بیش از یک‌سوم خوراک تولید شده قبل از مصرف دور ریز می‌شود (فائو، ۲۰۱۱).

○ خطر جدی برای خاک‌های زراعی

آب، خاک و هوا از عناصر اصلی تولید غذا، شمرده می‌شوند؛ اکثر صاحب‌نظران آب را عنصری ذی‌قیمت و حساس‌تر از سایر عناصر دانسته‌اند. لکن به نظر می‌رسد که خاک عنصر اصلی و ضرورت وجودی آن مقدم بر آب باشد. وجود خاک را بدیهی فرض کرده و لذا به آب فکر می‌شود، درحالی‌که بی‌توجهی به خاک خطری مهیب پیش روی تأمین غذای جهانیان قرار داده است.

خاک بزرگ‌ترین سرمایه هر ملتی است و جایگزینی خاک از بین رفته بسیار سخت و با هزینه‌های سنگین و طی چند قرن ممکن می‌شود. مباحث بسیاری پیرامون خطراتی که برای خاک‌ها در جریان است مطرح گشته و دانشمندان مختلفی در تخصص‌های متنوعی تحقیق کرده و نظر داده‌اند. از بین آن چالش‌ها، در این نوشتار به‌طور مختصر به بحث‌های مرتبط با امنیت و حاکمیت غذایی پرداخته خواهد شد. از موضوعات چالشی روز، بحث غصب و تصرف زمین‌های زراعی (Land Grab) توسط شرکت‌های بزرگ غذایی و در نتیجه خارج کردن کشاورزان روستایی از گردونه بخش کشاورزی است. مک-میچل (۲۰۱۴) نظریات مخالف و موافق این جریان را بررسی و تحلیل کرده و معتقد است که طرفداران کشاورزی خانوادگی بر این باورند که شرکت‌های بزرگ زمین‌های زراعی را با شگردهای مختلف از چنگ کشاورزان درآورده و با غصب اراضی آنان موجب آوارگی، مهاجرت و خارج شدن کشاورزان محلی از روستا می‌شوند و افزون بر این در تخریب محیط

زیست، بهره‌کشی حداکثری از آب و خاک خسارات زیادی وارد می‌کنند. نظر طرفداران کشاورزی صنعتی آنست که زمین‌های جدید و بازسازی شده غصب نبوده بلکه تملک قانونی است (land acquisition) و با مزارع بزرگ صنعتی است که می‌شود از فناوری‌های روز و ماشین‌های کشاورزی پیشرفته استفاده کرده و حداکثر تولید را داشت تا غذای مردم و گرسنگان جهان تأمین شود. شرکت‌های مواد غذایی می‌توانند زمین‌های کم بازده را به‌ویژه در کشورهای در حال پیشرفت در اختیار گرفته و به حاصلخیزی اراضی کمک کرده و در نتیجه غذای مورد نیاز را با قیمت کمتر عرضه نمایند. این شرکت‌ها با کمک بانک‌ها به افزایش ثروت توجه داشته و از قدرت سرمایه‌گذاری کلان و برقراری روابط لازم با حاکمیت و دولت‌ها برای پیش برد امور برخوردارند. مک-میچل پس از بحث طولانی پیرامون دیدگاه‌های طرفداران کشاورزان خرده پا و رویکرد غصب اراضی با رویکرد طرفداران شرکت‌ها و واژه تملک قانونی و اقتصادی اراضی، رویکرد حاکمیت بر اراضی کشاورزی (Land Sovereignty) را مطرح می‌نماید. وی معتقد است که فعالیت زراعی بجای مصرف‌کننده انرژی به تبدیل‌کننده انرژی مطرح خواهد شد و با تأیید حقوق کشاورزان خرده پا ضمن تأمین غذا نسبت به حفظ محیط زیست نیز موفق خواهند شد.

از رویدادهایی که در این ایام نسبت به مدیریت اراضی رخ داده است ورود سازمان ملل تحت‌عنوان ارزیابی اکوسیستم هزاره (Millennium Ecosystem Assessment (MEA)) می‌باشد. روانبخش سنگجوبی (۱۳۸۹) ارزیاب اکوسیستم هزاره را به شرح زیر تعریف می‌کند: "برنامه‌ای تحقیقاتی است که به تغییرات اکوسیستم در دهه‌های اخیر و پیش‌بینی تغییرات آنها در آینده می‌پردازد. این برنامه در سال ۲۰۰۱ با حمایت سازمان ملل شروع و در سال ۲۰۰۵ نتایج اولین مطالعه چهار ساله چپاول (غصب) انواع منابع طبیعی زمین منتشر شد. اولین گزارش هشدار داد که جهان در حال تخریب و افت قابل توجه منابع طبیعی در تمام بخشها است؛ پیامد منفی این سیر نزولی، به معنی شرایط وخیم‌تر در ۵۰ سال آینده است. ارزیابی اکوسیستم هزاره، چهار سناریو که آینده احتمالی اکوسیستم‌ها و رفاه انسانی تا سال ۲۰۵۰ را بررسی می‌کند، معرفی کرده است." مک-میچل (۲۰۱۴) هدف ارزیابی اکوسیستم هزاره را به‌شرح زیر نقل می‌کند: "توسعه کشاورزی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر کاهش تنوع زیستی ادامه خواهد یافت. لکن با توسعه، ارزیابی‌های تحقیقاتی و نشر فناوری‌ها و بدون زیان‌های ناشی از مصرف فراوان آب، مواد شیمیایی و سموم و کودها که در کشاورزی صنعتی مطرح است می‌توان افزایش تولید در واحد سطح را داشت که بر کاهش فشار نسبت به محیط زیست نیز بسیار مؤثر خواهد بود."

○ توسعه علمی و فناوری و تأثیر بر چالش‌های بخش کشاورزی

بی‌تردید و بدون مبالغه پیشرفت‌های علمی و ورود تکنولوژی به بخش کشاورزی به‌ویژه در قرن نوزدهم و بیستم اثرات شگرفی را بر بخش کشاورزی داشته و در تأمین غذای جهانی نقش تعیین‌کننده‌ای از خود نشان داده است. لکن این عامل برای کشاورزان پیشرو و برخوردار از قدرت مالی و سیاسی دوجندان بوده است و اینان توانسته‌اند نسبت به تهیه و به‌کارگیری فناوری‌ها سریع اقدام کرده و از فرصت‌ها به‌موقع بهره‌مند گردند؛ ولی کشاورزان ضعیف به‌دلیل نداشتن توانمندی‌های مذکور در رقابت‌ها جا مانده و لطمه دیده‌اند.

○ جنگل، جنگل‌نشینان، روستائیان وابسته به جنگل و حاکمیت و امنیت غذایی

اصل کلی آنست که وضعیت جنگل‌ها با زندگی کسانی که به جنگل وابسته‌اند به‌هم گره خورده است، بنابراین این دو پدیده را بایستی یکجا مورد بررسی قرار داد.

از چالش‌هایی که به‌سرعت در حال فزونی است، توسعه کشاورزی در مناطق جنگلی است. تبدیل جنگل‌ها به مزارع کشاورزی به‌ویژه توسط شرکت‌های زراعی بزرگ و نسبتاً بزرگ، آینده جنگل‌ها و نقش فراوان آنها در محیط زیست را به‌خطر انداخته است.

○ نقش سازمان‌های بین‌المللی در کشاورزی و غذا:

شرحی و تبیینی از سازمان‌های بین‌المللی که در زمینه‌های کشاورزی و غذا فعالیت دارند در کتاب جهانی‌سازی کشاورزی (زمانی، ۱۳۹۸) ارائه شده است، که پیام و به‌دیگر سخن جان کلام این است که این سازمان‌ها اکثراً (به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم) توسط کشورهای برخوردار و مسلط بر جهان برای مهار و مدیریت (کنترل) کشاورزی و غذای مردم طراحی و عملیاتی شده و یا در اینگونه مؤسسات از نوع غیرمتمتعده نفوذ کرده و در جهت‌دهی و مهار حرکت‌ها فعالیت می‌کنند؛ به‌عبارت دیگر از نظر کسینجر سیاستمدار و نظریه‌پرداز صهیونیست و وزیر امور خارجه اسبق آمریکا چنین می‌گوید که ایالات متحده آمریکا یا فرصت ایجاد می‌کند یا از فرصت‌های ایجاد شده استفاده می‌نماید. در اینجا به نکاتی پیرامون سازمان تجارت جهانی ارائه می‌شود و خوانندگان علاقمند به ملاحظه آن کتاب دعوت می‌شوند.

پس از جنگ دوم جهانی کشورهای غالب و به‌سرکردگی آمریکا نهادی را شکل دادند تا بیشترین منافع از صادرات محصولات خود به‌دست آورند. این نهاد را گات نامیدند و به نقل از ویکی پدیا چنین تعریف شده است: "موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت"^۱ یا به اختصار گات (GATT) توسط ۲۳ کشور در سال ۱۹۴۷ در شهر ژنو تهیه شد. موافقت‌نامه در اصل بخشی از یک پیش‌نویس

منشور سازمان تجارت بین‌المللی بود که در کنفرانس برتون وودز تنظیم شده بود، که پس از جنگ جهانی، همراه با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی معرفی شد. منشورها و آنا نه تنها GATT را شامل می‌شد بلکه مدیریت تجارت را نیز در بر می‌گرفت. گستره قوانین مربوط به اشتغال، موافقت‌نامه‌های کالا، شیوه‌های محدود کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری بین‌المللی و خدمات نیز بخش‌هایی بود که در محدوده خود قرار داده بود، درحالی‌که گات خود، یک فهرست بزرگ از معافیت‌های تجاری مذاکره و قواعد رفتاری را در برداشت. تمام کشورهای امضاکننده گات ضمن برخورداری از امتیاز دولت‌های عضو و تعرفه‌های ترجیحی یک دیگر، از تدابیر گمرکی برای حمایت از کالاهای خود نیز بهره‌مند می‌شدند.

سیاست‌ها و اصولی که از طریق گات اعمال می‌شد کشورهای ضعیف بخصوص کشورهای آمریکای جنوبی را متوجه کرد تا برای روابطی عادلانه در معاملات بین کشورها اعتراض کرده و شرایطی بهتر را مطالبه کنند. این امر به ظهور سازمان تجارت جهانی^۱ انجامید. شواهد و بررسی‌های دانشمندان آزاده گویای آن است که این سازمان نیز تحت نفوذ و فشار صاحبان زور و زر استکبار شده و در چارچوب برنامه‌های نئولیبرال و در راستای حمایت از رونق اقتصادی کشورهای برخوردار قدم بر می‌دارد. نقدهای علمی و مستند فراوانی نسبت به سیاست‌ها و اقدامات سازمان جهانی تجارت به‌عنوان عامل و مجری برنامه شرکت‌های بزرگ و رژیم غذا عرضه شده است که در این جا به نمونه‌ای بسنده می‌شود.

ویتمن (۲۰۱۱) در بررسی رژیم غذایی (نظام فرمانروایی بر غذای جهان) برای تبیین موضوع به ارایه مثال‌هایی می‌پردازد از جمله شیوه عمل و اثرات سازمان جهانی تجارت. او می‌گوید "که تغییر یک نظام غذایی به نظام دیگر موجب بروز روابطی متضاد و بحران‌هایی در نظام جدید می‌شود به‌عنوان مثال: نظام سنتی فروش محصولات کشاورزی روستائیان و تهیه سایر مایحتاج خود به نظام کشاورزی صنعتی – فروش منابع و تهیه غذا یا نهاده‌ها برای روستائیان از جمله مصادیق قابل ذکر است. هنجارها و ضوابط حاکم بر توزیع قدرت و ثروت مورد مناقشه قرار گرفته و در اکثر موارد از طریق نهضت‌های اجتماعی، روابط جاری مستحکم تخریب شده و زمینه برای بروز ایده‌ای جدید برای تولید و مصرف و همچنین مکانیزم‌هایی برای مهار و مدیریت نظام‌های غذایی فراهم می‌گردد. پریچارد (۲۰۰۹) اشاره می‌کند به مذاکرات مهم و چندجانبه پیرامون تجارت محصولات کشاورزی در سازمان جهانی تجارت برای رفع مشکلات ناشی از فروپاشی دومین رژیم غذا (بروز کشاورزی صنعتی و انقلاب سبز)؛ پیوستن دولت کشورها در سال ۱۹۹۵ به سازمان جهانی تجارت بدین معنی است که آنها از تمام حقوق بر سیاست‌های کشاورزی و غذای خود صرف‌نظر کرده و آن را

به جریان یک جانبه آن سازمان سپرده‌اند. الزامات سازمان جهانی تجارت موجب شد که تغییر ساختاری اساسی در برنامه امنیت غذایی و زندگی روستائیان در کشورهای در حال توسعه پدید آید اما اثرگذاری ورود کشاورزی به این سازمان هیچ اصلاحاتی در کشاورزی جهانی مرتبط با روابط تجاری نداشته بلکه وضعیت فعلی نظام غذایی جهانی را بدتر کرده است. نهضت و ایستادگی روستائیان، کشاورزان و سازمان‌های مردم نهاد به ضوابط و دستورالعمل‌های راه کشاورزان برای نظام چندجانبه تجارت، مطالبه این شعار است که کشاورزی را از سازمان جهانی تجارت خارج کنید^۵ به عبارت دیگر: کشاورزی جهان باید از چنگال سازمان جهانی تجارت آزاد شود.

مک میچل به نقل از ویتمن (۲۰۱۱) اظهار می‌دارد: پُر تکل‌های سازمان جهانی تجارت از جمله تفاهم‌ها و موافقت‌نامه‌های مرتبط با کشاورزی حمایت از قیمت محصولات کشاورزی را در کشورهای ضعیف به اصطلاح جنوب ممنوع می‌کند، درحالی‌که کشورهای توسعه یافته را مجاز دانسته تا به کشاورزی خود از طریق اعطای یارانه حمایت کنند؛ در نتیجه کشاورزان خرده پا در دنیا قادر به رقابت در دهه‌های اخیر با کشاورزان کشورهای برخوردار نبوده‌اند.

از اثرات دیگر سازمان جهانی تجارت می‌توان به روستایی زدایی^۱ اشاره کرد؛ بر پایه برآورد فائو در دهه پس از تأسیس سازمان جهانی تجارت بیش از ۳۰ میلیون روستایی دسترسی به زمین زراعی را از دست داده‌اند که این روند بیش از دوره روستایی زدایی نیمه دوم قرن بیستم است (مک میچل، ۲۰۰۹).

○ گفتمان‌های: غذا از هیچ جا^۲؛ غذا از هر جا^۳؛ غذا از جایی^۴؛ غذا از اینجا^۵

اندیشمندان چاره جو ایده‌های فراوانی را برای برون رفت از بحران غذا تحت عنوان بدیل‌های شبکه غذایی^۶ ارائه کرده و طرح‌ها و نقدهای متنوعی عرضه داشته‌اند که لازم است در فرصتی دیگر به تحلیل آنها پرداخت و در اینجا فقط به برخی از عنوان‌ها اشاره شد.

-
1. Depeasantization
 2. Food from nowhere
 3. Food from somewhere
 4. Food from elsewhere
 5. Food from here
 6. Alternative food network

نگاهی به کشاورزی و غذا در ایالات متحده آمریکا

دلیل این بحث؟:

به نظر می‌رسد که آنچه در ایالات متحده آمریکا در قرن گذشته تا کنون رخ داده است برای سایر کشورهای جهان از جمله ایران نیز طراحی و در حال گسترش است. چنانچه ملاحظه خواهد شد اولین قربانیان نظام سرمایه‌داری لیبرال، کشاورزان و روستائیان آمریکایی بوده‌اند. لذا درس گرفتن از این اطلاعات لازم و مفید خواهد بود. منابع اطلاعات این بخش، وزارت کشاورزی ایالات متحده و یا دانشمندان آن کشور هستند و در اینجا فقط گوشه‌هایی از نقدها و واقعیت‌ها عرضه می‌شود – "تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل".

چند واقعیت آماری از کشاورزی ایالات متحده

صادرات محصولات کشاورزی (عمدتاً استراتژیک) ۱۴۰ میلیارد دلار در ۲۰۱۸، و ۱۹۱ میلیارد دلار در ۲۰۲۲.

✓ واردات محصولات کشاورزی (محصولات غیرراهبردی: مشروبات، محصولات باغی و میوه جات، قهوه، موز و...) به مبلغ ۱۲۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸؛ مبلغ ۱۴۳.۴ در سال ۲۰۲۰ و مبلغ ۱۶۳.۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱.

✓ تورم و افزایش قیمت مواد غذایی بین ۲۰۲۰-۲۰۲۱ برای همه محصولات ۳/۵ درصد؛ و شاخص امنیت غذایی ۸۹.۵ درصد

✓ سهم غذا و کشاورزی در اقتصاد آمریکا: ۱.۰۵۵ تریلیون دلار، ۵ درصد GDP

✓ سهم مزارع در تولید ناخالص داخلی: ۱۳۴.۷ میلیارد دلار یا ۰/۶ درصد GDP

✓ تعداد مزرعه از ۷ میلیون در سال ۱۹۳۵ به ۲.۱ میلیون مزرعه در ۲۰۲۰ رسیده و روند ادامه دارد.

✓ وسعت اراضی کشاورزی ۹۱۴ میلیون ایکر یا ۳۷۰ میلیون هکتار است

✓ ۹۸ درصد مزارع تحت مالکیت خانوادگی اداره می‌شود

✓ نصف مزارع کوچک هستند؛ یعنی زیر ۱۰۰۰\$ در سال درآمد دارد

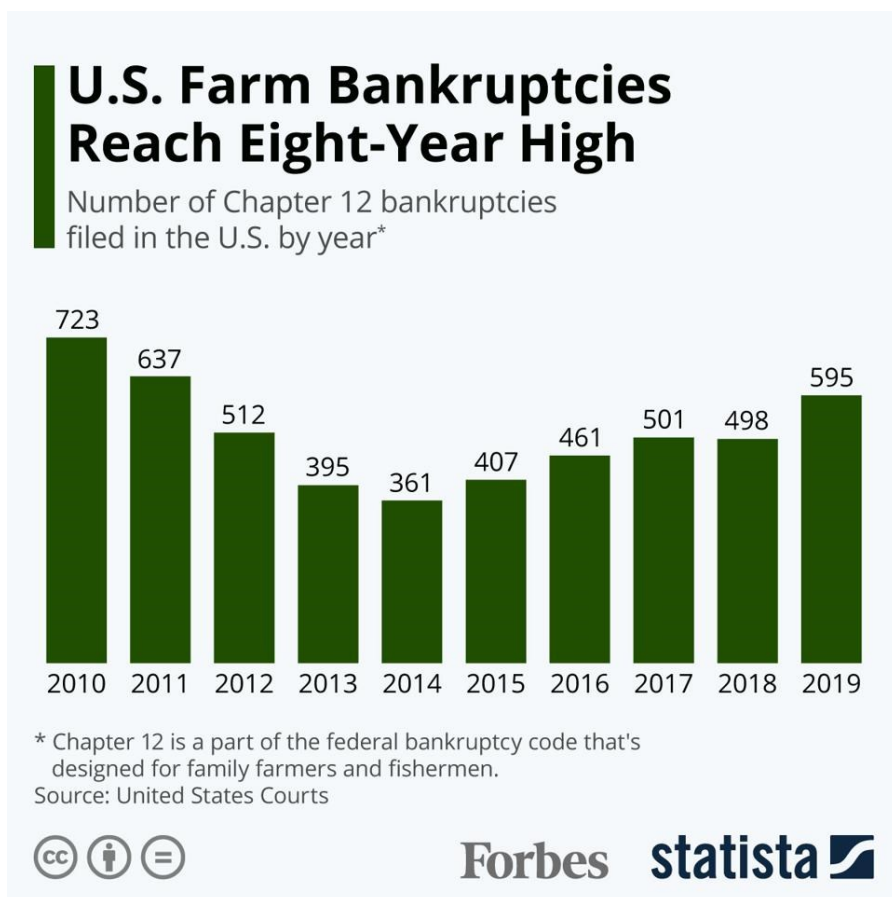
✓ میانگین وسعت مزارع ۴۳۵ ایکر است (۱۷۶ هکتار)

✓ بالغ بر ۳ میلیون نفر به کشاورزی مشغول هستند؛ ۲ درصد جمعیت کشور، و ۱ درصد از حقوق بگیران

✓ از پس از جنگ جهانی تا کنون شاغلین بخش کشاورزی نصف شده است

✓ ۹۵ درصد کشاورزان آمریکا سفید پوست هستند

- ✓ میانگین سنی کشاورزان ۵۸ سال است (در دهه گذشته ۱،۲ سال افزایش یافته؛ یعنی مسن‌تر شده‌اند)
 - ✓ ۳۰ درصد کشاورزان زن هستند
 - ✓ ۱ درصد مزارع آمریکا آرگانیک هستند؛ قسمت اعظم خوراک‌های آرگانیک وارد می‌شود
 - ✓ کشاورزی آمریکا حدود ۱ درصد تولید ناخالص داخلی را تأمین می‌کند
 - ✓ ۹۰ درصد مزارع زیر ۳۵۰۰۰۰ دلار در سال درآمد دارند
 - ✓ مزارع بزرگ خانوادگی حدود ۲،۵ درصد مزارع را تشکیل می‌دهد، ولی ۵۰ درصد تولیدات (گوشت و لبنیات و میوه) را تأمین می‌کنند؛ و سالیانه ۵-۱ میلیون دلار درآمد دارند
 - ✓ در سال ۲۰۲۰ ورشکستگی مزارع آمریکا به ۲۳ درصد رسید؛ نمودار ۱ گویای تعداد مزارع ورشکسته در هر سال است.
 - ✓ میانگین درآمد خانوار هر کشاورز ۷۶۰۰۰ دلار در سال؛ و میانگین درآمد سالیانه هر آمریکایی ۶۱۰۰۰ دلار است
 - ✓ دو سوّم کشاورزان آمریکا برای امرار معاش ناگزیر به شغل دوم هستند
 - ✓ از اراضی آمریکا ۴۵،۶ میلیون ایکر (۱۸،۵ میلیون هکتار) زیر کشت گندم است و ۱۰ درصد تولید جهان می‌باشد
 - ✓ بزرگ‌ترین صادرکننده ذرت در جهان است
 - ✓ ۲۰ درصد صادرات گوشت جهان در اختیار آمریکا است.
- (منبع: Stacker, 2022)



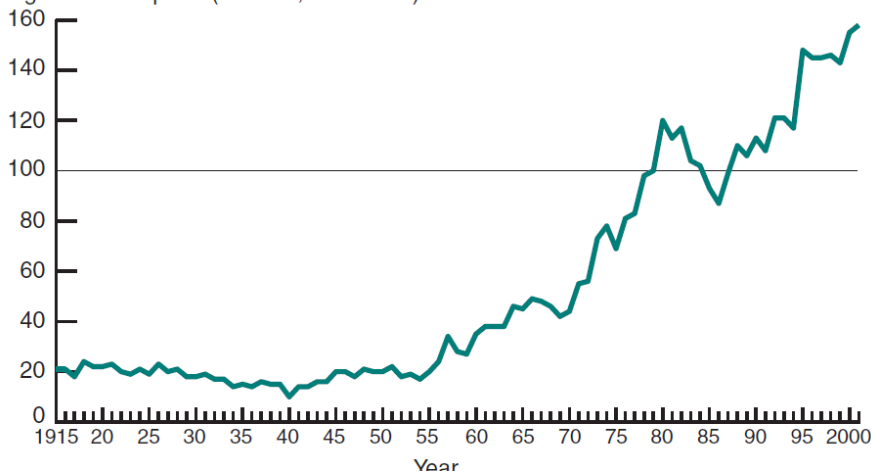
نمودار شماره ۲-۱: تعداد مزارع ورشکسته ثبت شده در نظام قضایی آمریکا

وضعیت صادرات محصولات کشاورزی آمریکا

منحنی شماره ۲-۱ گویای رشد سریع صادرات محصولات کشاورزی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم می‌باشد. در این برهه از زمان به بهانه کمک به فقرای جهان و ارسال غذا به کشورهای ضعیف به توسعه کشاورزی خود پرداخت و با به‌کارگیری فنون جدید، کود، سم، ماشین‌های کشاورزی و بذور اصلاح شده افزایش فراوانی در تولیدات کشاورزی داشته و از این راه ضمن کمک به اقتصاد خود در ایجاد وابستگی کشورها بخود، نفوذ سیاسی در سایر کشورها و مهار و مدیریت آنها همت گماشته است.

U.S. exports grew dramatically in the last half of the century

Agricultural exports (indexed, 1987=100)



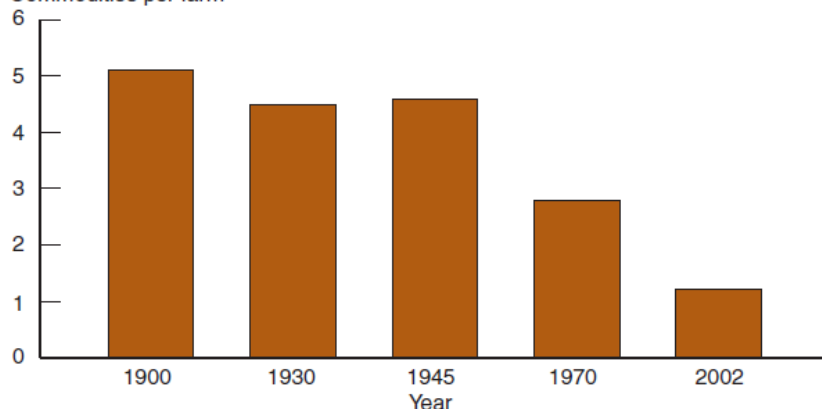
منحنی شماره ۱-۲: روند میزان صادرات محصولات کشاورزی از آمریکا

○ روند کاهشی تعداد مزارع در آمریکا

دیمیتری و همکاران (۲۰۰۵) معتقدند که از سال‌های ۱۹۰۰ به بعد مرتباً کشاورزان آمریکایی ناگزیر به خروج از کشاورزی شده و مزارع خود را به همسایگان واگذار کرده‌اند؛ به عبارت دیگر تعداد مزارع کاهش یافته ولی میانگین سطح مزارع افزایش یافته است؛ منحنی ۲-۲ زیر گویای این امر است. از سوی دیگر تعداد محصول تولید شده هر کشاورز از ۶ محصول به ۱/۲ محصول رسیده است؛ این روند با تخصیص کردن مزارع ادامه دارد. منتقدین آمریکایی، این وضعیت را نتیجه سیاست‌های شرکت‌های بزرگ برای مهار و مدیریت (کنترل) کشاورزان و ناگزیر کردن آنها به فروش محصولات با شرایط تعیین شده به شرکت‌ها و تهیه مواد و نهادهای خود از این شرکت‌ها دانسته‌اند (نمودار شماره ۲-۲).

As farms have become more specialized, the number of commodities produced per farm has decreased

Commodities per farm

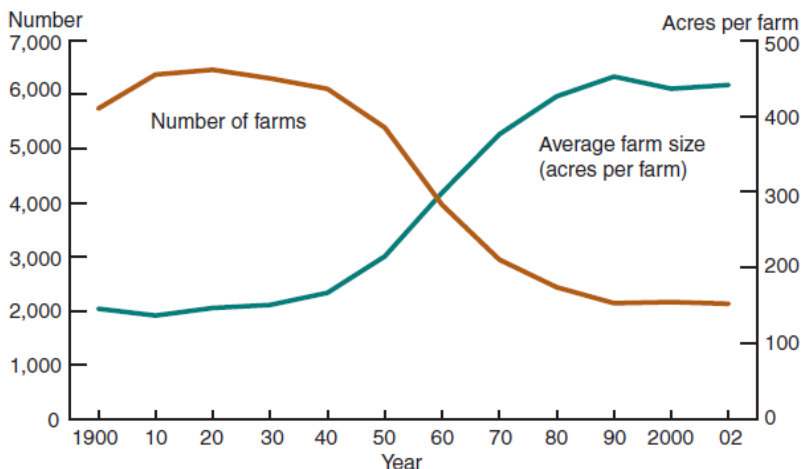


Note: The average number of commodities per farm is a simple average of the number of farms producing different commodities (corn, sorghum, wheat, oats, barley, rice, soybeans, peanuts, alfalfa, cotton, tobacco, sugar beets, potatoes, cattle, pigs, sheep, and chickens) divided by the total number of farms.

Source: Compiled by Economic Research Service, USDA, using data from *Census of Agriculture, Census of the United States*, and Gardner (2002).

نمودار شماره ۲-۲: روند کاهش تعداد محصول از هر مزرعه در آمریکا

As the number of farms declined, their average size increased



Source: Compiled by Economic Research Service, USDA, using data from *Census of*

منحنی شماره ۲-۲: گویای کاهش تعداد مزرعه و افزایش میانگین سطح مزارع

دو جدول زیر (۲-۲ و ۱-۲) گویای آنست که ظرف ۸ سال میانگین وسعت مزارع از ۴۳۳ ایکر به ۴۴۴ ایکر رسیده است و در این مدت ۸۶۴۱۰ مزرعه در مزارع دیگر ادغام شده است؛ یعنی تعداد مزارع سالیانه حدود ۱۰ هزار مزرعه کاهش یافته است؛

جدول شماره ۲-۱: روند کاهش تعداد و افزایش سطح مزرعه ظرف مدت ۸ سال

Number of Farms, Land in Farms and Average Farm Size – United States: 2012-2019			
Year	Number of farms	Land in farms	Average farm size
(number)	(1,000 acres)	(acres)	
2012.....	2,109,810	914,600	433
2013.....	2,100,350	911,720	434
2014.....	2,082,440	908,920	436
2015.....	2,063,890	905,790	439
2016.....	2,055,340	902,680	439
2017.....	2,042,000	900,370	441
2018.....	2,029,200	899,500	443
2019.....	2,023,400	897,400	444

(Farms and Land in Farms 2019 Summary (February 2020) 5 USDA, National Agricultural Statistics Service (منبع:)

جدول شماره ۲-۲: اندازه مزرعه برحسب میزان و سطح اقتصادی

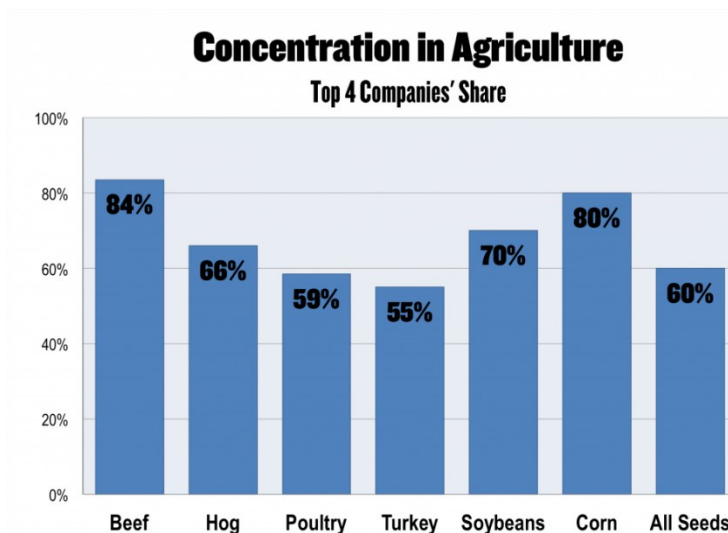
Number of Farms, Land in Farms and Average Farm Size by Economics Sales Class – United States: 2012-2019						
Economic sales class	Percent of total				Average farm size	
	Number of Farms		Land in Farms			
	2018	2019	2018	2019	2018	2019
	(percent)	(percent)	(percent)	(percent)	(acres)	(acres)
1,000-9,999\$	51.0	51.1	9.4	9.4	81	81
10,000-99,999\$	30.5	30.4	20.8	20.8	302	304
100,000-249,999\$	6.7	6.7	14.8	14.7	987	976
250,000-499,999\$	4.4	4.4	14.3	14.3	1,450	1,448
500,000-999,999\$	3.6	3.5	15.4	15.4	1,925	1,940
1,000,000\$ or more	3.9	3.9	25.3	25.4	2,897	2,910
Total ¹	100.0	100.0	100.0	100.0	443	444

1. Percent of total may not add to 100 due to rounding.

تحلیل

نظام اقتصاد لیبرال برای بهره‌برداری حداکثری از منابع و با ایجاد رقابت بی‌قاعده بین کشاورزان برای تحصیل حداکثر سود، فشار فراوانی را بر کشاورزان وارد می‌کند؛ در مقابله با این فشار گروهی از کشاورزان ترجیح داده که مزارع خود را فروخته و از بخش کشاورزی خارج شده و به سایر فعالیت‌های اقتصادی در شهرها مشغول می‌شوند. گروه دیگری ممکن است به خودکشی دست زده و یا به بیماری‌های روانی مبتلا شده‌اند. بنابراین کاهش تعداد مزارع از روی اجبار و علی‌رغم میل باطنی کشاورزان خانوادگی رخ داده است.

نمودار شماره ۲-۳ سهم ۴ شرکت بزرگ آمریکایی در تملک و مدیریت انواع محصولات کشاورزی استراتژیک را نشان می‌دهد. جالب این است که بقیه در اختیار شرکت‌های کوچک‌تری است که تلاش برای ماندن داشته و در حال رقابت هستند و روند، چنین است که چون تاب نمی‌آورند به مرور در شرکت‌های بزرگ ادغام و یا بوسیله شرکت‌های بزرگ بلعیده می‌شوند.



نمودار شماره ۲-۳: میزان تملک و مدیریت مواد غذایی و کشاورزی توسط چهار شرکت آمریکایی

• تأثیر شرکت‌های بزرگ بر کشاورزان

کشاورزان خانوادگی در آمریکا از دو جهت مورد سوءاستفاده و ظلم از سوی شرکت‌های بزرگ واقع شده‌اند:

(۱) تهیه و خرید نهاده‌ها مانند بذر، سم، کود، جوجه، خوراک دام و طیور، داروها، ماشین و ادوات و غیره که در کنترل شرکت‌های بزرگ بوده و به هر مبلغ که شرکت‌های بزرگ مطالبه کنند کشاورزان خانوادگی ناگزیر به پرداخت و قبول تحمیل هستند و همچنین دریافت وام از بانک‌های وابسته به شرکت‌ها.

(۲) فروش محصولات و تولیدات کشاورزان خانوادگی به شرکت‌های صنایع تبدیلی و فراوری و شرکت‌های بسته‌بندی‌کننده و عرضه‌کننده که اکثراً در تملک و زیرمجموعه شرکت‌های بزرگ هستند به قیمت‌های ناچیزی که شرکت‌های بزرگ تعیین می‌کنند.

• تأثیر شرکت‌های بزرگ بر مصرف‌کنندگان

شرکت‌های بزرگ با سه رویکرد بر مصرف‌کنندگان اثرگذار هستند:

- (۱) با در اختیار داشتن عرضه، قیمت‌های مورد نظر خود را به بازار مصرف تحمیل می‌کنند؛
- (۲) انتخاب نوع مایحتاج خوارباری مصرف‌کنندگان را محدودتر می‌کنند؛
- (۳) عرضه محصولاتی که سالم بودن آنها زیر سؤال است مانند محصولات تراریخته، مواد غذایی با مصرف نگهدارنده‌ها و رنگ و طعم‌دهنده‌ها و غیره.

نکته ۱: فشارهایی که بر کشاورزان خانوادگی وارد می‌شود افزون بر خارج شدن از بخش کشاورزی سالیانه تعدادی نیز دست به خودکشی می‌زنند؛ مطالعه‌ای که در ۲۰۱۷ در دانشکده سلامت عمومی ایالت آیووا انجام شده است گویای آن است که بین ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۰ بالغ بر ۲۳۰ کشاورز در آمریکا خودکشی کرده‌اند؛ این مطالعه نشان داد که رشد خودکشی کشاورزان در آن مدت از ۰/۳۶ نفر از ۱۰۰ هزار کشاورز به ۰/۹۵ رسیده است. درحالی که خودکشی بین سایر مشاغل از ۰/۱۹ نفر در ۱۰۰ هزار نفر تجاوز نکرده است (منبع سایت دانشکده سلامت آیووا).

فشار شرکت‌ها در سایر کشورها نیز وضعیتی مشابه دارد، برای نمونه در هند تعداد خودکشی کشاورزان از سالی ده هزار نفر به بالغ بر ۱۶۰۰۰ هزار نفر رسیده است. جایدیپ در ۲۰۲۱ بررسی کرده که بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۸ بیش از ۴۰۰ هزار نفر کشاورز در هند اقدام به خودکشی کرده‌اند. به نقل از ویکی پیدیا در استرالیا هر چهار روز یک کشاورز، در انگلستان هر هفته و در فرانسه هر دو روز یک کشاورز اقدام به خودکشی می‌کند.

نکته ۲: تأثیر ارتقای مستمر الگوی مصرف و استانداردسازی‌ها: انسان کمال جو به‌طور طبیعی خواهان وضعیت و شرایط بهتر از قبل بوده و بهترین امکانات رفاهی و زیستی را مطالبه می‌کند. این پدیده از یک سو مثبت و در توسعه و ارتقای تمدن‌ها تأثیرگذار بوده و از سوی دیگر مورد سوءاستفاده غیراخلاقی برخی از انسان‌ها واقع شده است. در نظام تولید تا مصرف مواد غذایی نیز

این امر صادق است؛ مطالبه غذای کافی، سالم و باکیفیت موجب سلامت، رفاه، توسعه علم و تکنولوژی و ارتقای سطح فرهنگ و تمدن می‌گردد؛ و از دیگر سو شرایط سوءاستفاده را برای فعالین بد اخلاق در فرایند تولید تا مصرف مواد غذایی مهیا می‌سازد. به عبارت دیگر هرچه حجم و شدت تقاضا برای غذای با کیفیت بالاتر رود آن دو تأثیرپذیری نیز واکنشی بیشتر نشان خواهند داد. بنابراین شرکت‌های بزرگ که در پی حداکثرسازی سود دائمی خود هستند، تلاش و حمایت می‌کنند که این تقاضای عمومی برای غذای با کیفیت و استاندارد بالاتر مرتباً بیشتر گردد؛ حمایت از پژوهش در موضوعات مختلف خوراکی و ترویج نتایج حاصله در رسانه‌های متنوع تلاشی است در این راستا. تبلیغات رسانه‌ای، همایش‌ها، نمایشگاه‌ها، نشریات گوناگون و غیره ابزارهایی هستند که بسیار زیرکانه و برای اهداف فرهنگ‌سازی، القای استانداردهای به اصطلاح علمی‌تر، ذائقه‌سازی، الگو و سبک زندگی و مصرف پیشرفته، برنامه‌ریزی و دنبال می‌گردد. براحتی می‌توان نمونه‌هایی از این اقدامات را مشاهده کرد: تعداد زیادی از کانال‌های تلویزیونی برنامه‌های فارسی خود را به پخش برنامه‌های آشپزی اختصاص داده‌اند، از آن جمله کانال Me Chef و Gem Food به‌طور شبانه روزی آموزش آشپزی به زبان فارسی را پخش می‌کنند. جالب‌تر اینکه در اکثر کانال‌های سیمای ایران نیز به تقلید و یا واکنش انفجالی، اشرافی‌گری و مصرف‌گرایی را در برنامه‌های آشپزی، تهیه و مصرف مواد غذایی نیز آموزش می‌دهند. پخش این برنامه‌های آگاهی‌بخش و سرگرم‌کننده بدون اطلاع از اهداف و سوءاستفاده‌های فرهنگی و اقتصادی سودجویان استثمارگر و ناآگاهی مسئولین و مخاطبین مربوطه خدمت مجانی به شرکت‌های بزرگ استعماری است. فرایند تأثیرگذاری ارتقای مستمر استانداردها و سبک و الگوی مصرف مواد غذایی در نمودار شماره ۲-۴ ارایه گردیده؛ و اثرات مثبت و منفی این جریان بر شرکت‌های بزرگ، کشاورزان و تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و مردم و محیط زیست تبیین گشته است (نمودار ۲-۵).



نمودار شماره ۲-۴: فرایند استانداردسازی تا مصرف‌گرایی



نمودار شماره ۲-۵: نظام الگوی مصرف و تأثیر بر کشاورزان، شرکت های بزرگ، مصرف کنندگان، و محیط زیست

نکته ۳: سهم کشاورزان از هزینه مواد غذایی که مردم آمریکا پرداخت می کنند: تقاضای روزافزون مردم برای بهتر زیستن و برخورداری از غذای جذاب تر که قسمتی ناشی از هجمه تبلیغاتی، و معرفی استانداردهای پیشرفته تر و الگوهای زیبای اشرافی گری است، فرصتی را برای جریانات مختلف برای کسب سود بیشتر از بازار غذا فراهم آورده است. این پدیده به کاهش مستمر سهم کشاورزان و مزارع آنان از هزینه های غذای مردم منجر شده است و روند کاهشی همچنان ادامه دارد. مرکز تحقیقات اقتصادی وزارت کشاورزی آمریکا (۲۰۲۱) با مطالعه ای مستند از هر یک دلاری که مردم آمریکا در سال ۲۰۱۹ برای غذا پرداخت کرده اند محاسبه نمود که ۱۴/۳ سنت سهم مزرعه می شود که از این مقدار ۶/۷ سنت برای تهیه مواد و نهاده ها و سایر ملزومات هزینه شده است و نهایتاً ۱/۲ سنت سهم مزد نیروی کارگری و سود به کشاورز می رسد. درحالی که از ۵۱/۵ سنت ارزش افزوده، سهم تبلیغات ۱/۲ سنت، سهم فروشگاه ها ۶/۴ سنت، سهم انرژی مصرف شده در فرایند عرضه ۴/۱ و سهم صنعت و شرکت های واسطه ای ۲۴ سنت از هر دلار هزینه غذا بوده است (جدول ۲-۳).

جدول شماره ۲-۳: سهم کشاورزان آمریکایی از هزینه غذایی که مردم پرداخت می‌کنند، سال ۲۰۲۱

Industry group	Total (cents)	Imports (cents)	Output taxes (cents)	Property income (cents)	Salary and benefits (cents)
All industries	100.0	5.0	9.7	33.9	51.5
Agribusiness	2.0	0.5	0.1	1.0	0.6
Farm production	7.6	0.7	0.9	4.8	1.2
Food processing	14.7	0.8	0.7	5.2	8.1
Packaging	2.3	0.7	0.1	0.6	1.0
Transportation	3.4	0.2	0.1	1.2	1.9
Wholesale trade	8.4	-0.1	1.6	2.8	4.1
Retail trade	12.1	0.3	2.0	3.4	6.4
Food services	38.5	0.6	3.7	10.2	24.0
Energy	4.1	1.1	0.4	1.8	0.8
Finance & insurance	3.0	0.1	0.1	1.3	1.6
Advertising	2.6	0.1	0.1	1.2	1.2
Legal & accounting	1.3	0.0	0.0	0.5	0.7
Note: Values may not add to totals due to rounding. Source: USDA, Economic Research Service, Food Dollar Series, 2021.					

بنابر گزارش (Growing America, 2019) از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۷ سهم مزرعه از هزینه غذای هر آمریکایی که خارج از منزل مصرف شده است نصف شده و در سال ۲۰۱۷ به ۴/۴ سنت از هر دلار هزینه شده رسیده است ولی روند کاهشی سهم مزرعه از کل هزینه غذایی از ۱۷/۵ به ۱۴/۶ سنت از ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۷ کاهش یافته است.

اثرات مثبت کشاورزی آمریکا در جهان

گرچه نظام سرمایه‌داری و اقتصاد لیبرال اثرات منفی فراوانی بر کشاورزان خُرد و دهقانی، محیط زیست و مصرف‌کنندگان و غیره داشته است؛ لکن توانسته با اثرات مثبت، خود را توجیه و حمایت طرفداران فراوانی را بخود جلب نماید؛ از اثرات مثبت و مؤثر واقعی توسعه کشاورزی ایالات متحده آمریکا (تحت فرمان مکتب نئولیبرالیسم) بر جهان می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- پیشرو بودن در تولید علم، و ارتقا و ترویج و نشر دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی در جهان
- افزایش تولید محصولات کشاورزی
- کمک غذایی به کشورهای فقیر
- آموزش و تربیت نیروی انسانی به‌ویژه در سطوح عالی برای دیگر کشورها
- تأسیس نهادهای، مؤسسات و مراکز تحقیقاتی در بسیاری از کشورها و...

اثرات منفی کشاورزی آمریکا بر جهان

- مهار و مدیریت کشاورزی دیگر کشورها
- حفظ و گسترش وابستگی کشورها به نظام آمریکا
- گسترش فرهنگ و نظام اقتصاد لیبرال و نئولیبرالیسم بر جهان
- دستکاری ژنتیکی بذور برای مقاصد ضد انسانی (کاهش زاد و ولد انسانی)
- بهره‌کشی از کشاورزان و تولیدکنندگان محصولات کشاورزی سایر کشورها
- محصولات کشاورزان به بهای دلخواه و فرآوری آنها، کنترل بازار فروش و تحمیل شروط
- اعمال سیاست‌های برنامه‌ریزی شده مانند تک محصولی کردن کشورها (سومالی، مکزیک)
- کسب سود سرشار با عرضه نهاده‌ها و محصولات کشاورزی؛ و از سوی دیگر خرید منابع.

دفاع از شرکت‌های بزرگ

راوی شانکر کاپور (۲۰۲۱) در مقاله‌ای نگرش نسبت به شرکت‌های بزرگ و روابط آنها با زارعین را مورد بررسی قرار داده و به این نگرش‌ها عنوان افسانه داده و انتقادات وارده را پاسخ و با زبانی دیگر توجیه کرده ولی خدمات و اثرات مثبت این شرکت‌ها را ارزشمند می‌شمارد.

ایشان معتقد است که شرکت‌های بزرگ چون توسط رسانه‌ها از یک سو، و از سوی دیگر در بازار مصرف در قضاوت عمومی قرار دارد ناگزیرند منصفانه، رفتاری قابل قبول داشته باشند. وی اظهار می‌دارد که موضعگیری علیه این شرکت‌ها توسط افراد دُغم و غیرمنطقی صورت می‌گیرد. برخی از نظرات مخالفین شرکت‌های بزرگ را چنین بیان می‌دارد:

- شرکت‌های بزرگ خون کشاورزان و مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی را می‌مکند.
 - عامل و مروج رشوه در نظام اداری کشور هستند،
 - کشاورزان را می‌چاپند،
 - از کارکنان خود بهره‌کشی می‌کنند،
 - برای ادامه فعالیت‌های خود قانون شکنی می‌کنند و یا قوانین را دور می‌زنند.
 - به شگردهای فرارهای مالیاتی مسلط و اعمال می‌کنند،
 - نسبت به حفظ محیط زیست بی‌توجهی هستند،
- از سوی دیگر نکات مثبت این شرکت‌ها را چنین بیان می‌دارد:
- اعتبار این شرکت‌ها بنحوی است که افراد دوست دارند در آنها کار کنند،
 - تجار و بازاریان تمایل دارند با شرکت‌های بزرگ و معتبر کار کنند،
 - کارآفرینان و صاحبان ایده توسط شرکت‌های بزرگ مورد حمایت قرار می‌گیرند،
 - شرکت‌های بزرگ با توان مالی خود از پروژه‌های علمی و تحقیقاتی برای توسعه علم و تکنولوژی حمایت مالی و آکادمیکی می‌نمایند.

و جمع‌بندی می‌کند که انتقاد به این شرکت‌ها بیشتر به‌دلیل آموزش‌های سوسیالیستی در نظام آموزشی می‌باشد، و گرنه این شرکت‌ها قابل اعتماد کشاورزان و همچنین مردم می‌باشند.

وابستگی‌ها برای تأمین نهاده‌ها

همواره ملت‌ها و کشورها به‌دنبال استقلال و خودکفایی هستند، از سوی دیگر بهره‌گیری عادلانه از ظرفیت‌ها و دستاوردهای دیگران منطقی و مطلوب است. خوی زیاده‌خواهی و تمامیت‌طلبی شرکت‌های بزرگ و دولت‌های استثمارگر معادله فوق را به‌هم زده و با شگردهای متنوعی سعی به بهره‌کشی از دیگران دارند. از راهبردهایی که معمول گشته و رو به گسترش دارد ایجاد وابستگی از طریق تأمین نیاز ملت‌ها است. سیاست‌های پیچیده و وسیعی در این راستا طراحی و پیاده شده است که معرفی و تحلیل آنها به نوشتار مستقلی نیاز دارد و از حوصله این فرصت خارج است، لکن به چند نکته اشاره می‌گردد.

انواع وابستگی‌ها

- وابستگی‌ها را می‌توان به شکل زیر گروه‌بندی کرد:
- برای تأمین غذا و محصولات کشاورزی،

- برای تأمین نهاده‌های تولیدی،
 - برای کسب علم و تکنولوژی مؤثرتر در بخش کشاورزی.
- گرچه پیچیده و سخت‌ترین نوع آنها وابستگی علمی و تکنولوژیکی است و جداگانه بحث خواهد شد، در این جا پیرامون وابستگی به نهاده‌ها با تأکید بر تهیه بذر نکاتی عرضه می‌شود.
- شرکت‌های بزرگ، سیاست و سعی دارند که خود کل چرخه تولید تا بازرگانی و عرضه را در اختیار داشته و مدیریت کنند؛ و برنامه و روابط حقوقی و اقتصادی را طوری می‌چینند که سایر تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان به‌ویژه در سطح خُرد چاره‌ای جز تبعیت و مشارکت با آنها نداشته باشند. برای مثال کشاورزان برای عرضه محصولات خود ناگزیر به فروش به شرکت‌ها هستند زیرا عرضه مستقیم به مصرف‌کننده یا ممکن نیست یا بسیار پر هزینه و غیراقتصادی می‌شود.
 - تولید نهاده‌های برتر که با هزینه کمتر بیشترین بازده را داشته باشد نیاز به سرمایه، امکانات و حمایت‌های حاکمیتی دارد و هر سه این عوامل در اختیار شرکت‌ها قرار گرفته است.
 - بذر از نهاده‌های حساس، مؤثر و پُر مناقشه است. شرکت‌های تولید و عرضه‌کننده بذر سودهای بسیار کلانی را به‌دست آورده و تجربیات فراوانی را در مهار بازار بذر کسب کرده‌اند.
 - عرضه بذرهای پرتولید دو اثر عمده برجا گذاشته که مورد بحث در محافل ضد استثماری است:
 - (۱) از بین رفتن بذرهای بومی مناسب هر منطقه به‌دلیل عدم استفاده طی سالیان متمادی و
 - (۲) فراموش شدن و نابودی دانش بومی مرتبط با بذرهای محلی فوق به‌ویژه دانش چگونگی بذرگیری و روش‌های انتخاب بذرهای مناسب.
 - اتفاقات طبیعی و یا ساختگی موجب شده که دولت‌ها بخصوص در اروپا و برخی از کشورهای تحت سلطه مانند شورهای از آمریکای لاتین قوانینی تصویب و اجرا کرده‌اند که منحصراً بذرهای ثبت شده با مارک شرکت‌های مشخص مجوز عرضه و خرید و فروش در بازار را دارند. در نتیجه بذرهای محلی خوب کنار گذاشته شده و از چرخه تکثیر و استفاده خارج شده‌اند و از سال ۱۹۶۰ تجارت آنها از نظر قانون ممنوع شده است.
 - قانون حق مالکیت فکری به کمک شرکت‌های تولید و عرضه‌کننده بذر آمده و در سند ۲۰۳۰ نیز به همه کشورها تصویب این قانون تکلیف و تحمیل شده است. خوشبختانه در ایران بدلالی چند از جمله متهم شدن مدعیان تولیدکننده بذر برنج تراریخته (که در اصل واردکننده و ترویج‌کننده بذرهای تراریخته خارجی بودند) و برای فرار از عواقب آن قانون با تصویب مخالفت کردند (با لابی‌های خط به اصطلاح اصلاحات در مجلس).

فصل سوّم

راهبردهای مطرح شده در جهان

برای مقاومت و مقابله با "نظام فرمانروایی غذایی"

معرفی فصل

همزمان با فعالیت و توسعه شرکت‌های مواد غذایی و تبدیل شدن آنها به غولی عظیم تحت‌عنوان نظام (رژیم) فرمانروایی غذایی، مخالفت‌ها و مقاومت‌ها در ابعاد علمی و آکادمیک، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز شکل گرفت و در حال رشد است. در این فصل به برخی از تفکرات، برنامه‌ها، تجربیات، و موضعگیری‌هایی که عمدتاً از درون جامعه آمریکا علیه آن نظام و رژیم بروز یافته و سپس در جهان دنبال شده است عرضه می‌گردد.

از آنجا که شرکت‌های بزرگ و نظام فرمانروایی بر غذای جهان با بهره‌گیری از فعالیت‌های علمی در زمینه‌های اقتصادی، روانشناختی، جامعه‌شناختی، و سیاسی - فرهنگی به‌طور پیچیده و جامع رشد یافته است، و از سوی دیگر مشکلات و چالش‌های ناشی از تغییر اقلیم و تولید و تجارت محصولات کشاورزی چند ریشه‌ای است، حل آنها نیز بایستی جامع و شامل عواملی هماهنگ و به‌هم پیوسته باشد. راهبردهای بسیار متنوع از دیدگاه‌های مختلف مطرح شده که در بسیاری از آنها توافقی بین دانشمندان نیست، بلکه برای برخی از راهبردها مخالفین جدی وجود دارد. برای مثال برخی به توسعه انقلاب سبز در آفریقا تأکید دارند، درحالی‌که برخی از دانشمندان براساس عملکرد منفی بلندمدت انقلاب سبز در آمریکای جنوبی و هند و غیره به شدت با این رویکرد مخالفت کرده و پا می‌فشارند.

گرچه بیشتر راهبردهای مطرح، حول افزایش تولید دور می‌زند و از سایر زمینه‌ها به عمد یا با بی‌توجهی غفلت می‌شود لکن راهبردهای پیشنهادی و مطرح برای تغذیه جهانیان را می‌توان در بخش‌های تولیدی، فراوری و تبدیل، توزیع و تجارت، و الگوی مصرف دسته‌بندی کرد ولی در این نوشتار به‌صورت کلی و برای آشنایی بیشتر به معرفی آنها مبادرت می‌شود و دانش‌پژوهان علاقمند باید برای هر راهبرد مطالعه مستقل و عمیق خود را طراحی و اجرا نمایند.

راهبردهای عمده مقابله با نظام فرمانروایی بر غذای جهان

(۱) حمایت از کشاورزی و کشاورزان خُرد: گونزالز (۲۰۱۴) معتقد است که مزارع و کشاورزی‌های خرد استعداد و پتانسیل مقابله با اثرات تغییر اقلیم، بحران‌های غذایی و تنوع زیستی، داشته و لذا توصیه می‌کند که جامعه بین‌المللی باید با گذراندن قوانین و ضوابطی تولیدات کشاورزی را که از نظر زیست‌محیطی پایدار و از نظر اجتماعی عادلانه باشد از کشاورزی خرده پا حمایت کند.

(۲) کاهش متصاعد شدن گازهای گلخانه‌ای

(۳) تکیه بر نهادهای محلی

(۴) تقویت اقتصاد روستایی از محل سایر فعالیت‌های غیرزراعی

(۵) برقراری ارتباط مستقیم‌تر تولیدکنندگان با مصرف‌کنندگان

(۶) توسعه و ترویج تنوع گیاهان زراعی بومی هر محل که تضمینی در مقابل تغییرات اقلیمی نسبت به بروز بیماری‌ها و آفات گیاهی و حتی بحران‌های اقتصادی-اجتماعی خواهد بود.

(۷) رعایت اصول کشاورزی پایدار می‌تواند کشاورزان را تا حد بسیار زیادی در مقابل خشکسالی‌ها، سیل‌ها و سایر بلایای طبیعی مقاوم و موفق نماید. مطالعاتی که در آمریکای جنوبی پس از طوفان میچ انجام شد نشان داد که اراضی کشاورزانی که اصول کشاورزی پایدار را رعایت کرده‌اند بیش از ۴۰ درصد از خاک سطحی آنان حفظ شده و افزون بر آن رطوبت و پوشش گیاهی بیشتری داشته و از کمترین فرسایش خاکی برخوردار بوده‌اند. به نظر Holt-Gimenez (۲۰۰۲) انجام اصول کشاورزی پایدار حاصلخیزی خاک‌ها را برگردانده و تولید را در مقایسه با مصرف کودهای شیمیایی بیشتر افزایش می‌دهد. نامبرده معتقد است که اصول کشاورزی پایدار ضمن حفاظت از تأمین غذای پایدار از کشاورزان خرده پا حمایت می‌کند، در کاهش گازهای گلخانه‌ای و در حفظ تنوع زیستی نیز بسیار مؤثر است. اصول کشاورزی پایدار ضمن حفظ دانش بومی که در مقابله با بلایای طبیعی و مبارزه با آفات و امراض گیاهی به‌صورت سالم مؤثر است از کشاورزی سنتی نیز برتر بوده و موجب افزایش تولید بیشتر نیز می‌شود. در این خصوص پرتی (۲۰۰۶) معتقد است که در کشورهای در حال توسعه تولید محصولات کشاورزی با اصول کشاورزی پایدار بالغ بر ۸۰ درصد بیش از کشاورزی سنتی می‌باشد. این موضوع توسط دانشمندان بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است: فریزر و همکاران از قول بدگلی و پرفکتوس که در مقاله‌ای تحت‌عنوان: آیا کشاورزی ارگانیک می‌تواند مردم جهان را تغذیه کند؟ نتیجه‌گیری می‌کنند که کشاورزان خرده پا با رعایت تناوب زراعی و عدم مصرف نهادهای شیمیایی ظرفیت بر طرف کردن نیاز غذایی جهان را دارند. از طرف دیگر، بر علیه مقاله فوق عده‌ای از دانشمندان علوم غذایی تحریک شده و مطالبی نوشتند که کشاورزی ارگانیک نمی‌تواند مردم جهان را تغذیه کند (سوئفتر به نقل از فریزر، ۲۰۱۶).

۸) عزم و اراده جهانی برای حمایت از کشاورزی و غذای همه مردم؛ در این خصوص سازمان‌های مختلف بین‌المللی که هرکدام بنحوی مدعی حفظ حقوق گروه خود هستند باید متوجه باشند که زیربنایی‌ترین حق‌ها حق غذا می‌باشد و اگر این حق (حفظ محیط پایدار کشاورزی و حق روستائیان فقیر به داشتن غذای کافی و سالم) رعایت گردد سایر حقوق انسانی نیز تأمین شده است.

۹) اصلاح یارانه‌های بخش کشاورزی؛ که در کشورهای برخوردار موجب ارزان‌تر تمام شدن محصول شده و رقابت تولید را برای کشاورزان خرده پا سخت می‌کند باید به نفع گروه اخیر تنظیم شود؛ دو نوع یارانه در بخش کشاورزی بیشتر مطرح شده است: ۱) یارانه مستقیم و عیان که معمولاً به صورت نقدی یا اعطای وام‌های کم بهره، بیمه محصولات کشاورزی، ارایه خدمات مانند حمل و نقل مجانی برای صادرات، عرضه نهاده‌ها با قیمت‌های ناچیز و غیره؛ ۲) یارانه‌های غیرمستقیم و پنهان مانند فراهم کردن امکانات و تجهیزات تحقیقاتی، آموزشی و ترویجی، ارتقای زیر ساخت‌ها مانند جاده‌ها و بنادر صادراتی و وارداتی مناسب، و غیره. کشورهای در حال پیشرفت ناگزیرند برای حمایت از تولید بومی خود به ارایه انواع یارانه‌های مذکور روی آورند، ولی ضعف اقتصادی و شرایط سیاسی- اجتماعی آنان محدودیت‌ها و موانعی برای این امر ایجاد کرده است.

۱۰) تنظیم مالیات و تعرفه‌های گمرکی در جهت حمایت از تولید داخلی؛ هدف دوم سند ۲۰۳۰، مصوبات دور دوحه قطر (یعنی حذف تعرفه گمرکی بر واردات محصولات کشاورزی و غذایی) را توجیه می‌کند که این امر در حمایت کشورهای صادرکننده مواد غذایی و به زیان کشورهای واردکننده که تولیدات آنها با واردات ارزان توان رقابت را ندارد خواهد بود.

۱۱) ایجاد آگاهی و تحلیل عملکرد شرکت‌های بزرگ؛ برای مدیریت و مهار کردن شرکت‌های تولیدکننده بذر و سایر نهاده‌ها و همچنین شرکت‌های چند ملیتی تولید و عرضه‌کننده محصولات کشاورزی و غذایی لازم است آگاهی‌های عمومی افزایش یابد و درک جامعی از عملکرد این شرکت‌ها در محافل علمی و سیاستگذاری کشورها ایجاد شود و سپس با گذراندن قوانین و ضوابطی در سطح بین‌المللی و داخلی برنامه‌های استعماری و استثمارگری آنها محدود گردد.

۱۲) **توسعه نظام غذایی محلی:** این راهبرد بر این باور استوار است که هر منطقه اگر نظام تولید، عرضه و مصرف غذای خود را مشخص و خود رأساً اعمال سیاست نماید برای بلندمدت وضعیت غذایی سالم و پایدار خواهد داشت (Connelly Markey, & Roseland, 2011). این ایده موضوع اصلی مبحث حاکمیت غذایی است که تحت عناوین متنوعی در تحلیل‌های علمی گوناگون مطرح شده و این نوشتار حول آن متمرکز شده است. ضمناً این راهبرد مورد نقد بسیاری قرار گرفته است؛ محور اصلی انتقادات حول دو بحث عمده ارایه شده است: ۱) بازده و عملکرد که منتقدین معتقدند که با کشاورزی ارگانیک نمی‌توان به حد کافی غذا برای جهانیان تهیه کرد؛ ۲) سطح عمل؛ که کشاورزی محلی و ارگانیک شاید برای گروهی در سطحی کم عملی باشد ولی برای جهان غیرمؤثر است، زیرا کشاورزی ارگانیک در سطح کم نیروی کار زیادی می‌طلبد و افزون بر آن سخت‌تر و نیازمند صرف وقت و انرژی بیشتر است. فیگوروآ-هلند و همکاران (۲۰۱۸) تعاملات ساختارهای قدرت که غذای جهانیان را مدیریت می‌کنند مورد کنکاش قرار داده و بر این باورند که نهضت حاکمیت غذایی توانسته است "نظام فرمانروایی بر غذا" را با ارایه نظام‌های بدیل غذایی که بر کشاورزان خُرده پا متمرکز بوده، بیشترین نیروی انسانی را به کار می‌گیرد، بهره‌وری انرژی بیشتری دارد و روش‌های زراعی متنوعی را به کار می‌گیرد به چالش کشیده؛ و این تفکر ریشه در آگاهی و دانش استعمارزدایی^۱ و همچنین محوریت دانش کشاورزی بوم‌گرا^۲ دارد.

۱۳) **بهره‌گیری بیشتر از فناوری‌های نوین:** بسیاری از دانشمندان معتقدند که با راهبردهایی که برای تولید بیشتر غذا از طریق به‌کارگیری و توسعه علمی و فناوری‌های رو به گسترش مانند مهندسی ژنتیک، برنامه‌های اصلاح و تکثیر نباتات، تولید گیاهان و واریته‌های مقاوم به خشکی و شوری و بیماری‌ها و آفات گیاهی، و... و تولید واریته‌های پر تولید می‌توان خوراک مردم جهان را تأمین کرد. دیگر دانشمندان مخالف معتقدند که با تکنولوژی‌های پیشرفته نظام طبیعی به هم ریخته و پایداری نظام کشاورزی و غذایی را در بلندمدت متزلزل می‌کند؛ افزون بر این خسارت تکنولوژی‌های پیشرفته انرژی برتر بوده و بیشتر در خدمت شرکت‌ها و بزرگ مالکان برخوردار خواهد بود. نقد مخالفین بر پایه تحقیقات انجام شده تأکید دارد که گیاهانی که با مهندسی ژنتیک و برای مثلاً مقاومت نسبت به بیماری یا آفت خاصی تولید شده است پس از مدتی بیماری‌ها و یا آفات دیگری طغیان کرده‌اند. یا علف‌کش‌هایی که برای علف‌های

1. Decolonization

2. Agroecology

مزارع ذرت و پنبه و غیره تولید و مصرف شده‌اند اکنون بی‌اثر شده و علف‌های هرز این مزارع نسبت به علف‌کش‌ها مقاوم شده‌اند. برخی از این دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که با مهندسی ژنتیک که خصوصیات یک ژن را مورد دستکاری قرار می‌دهد در بلندمدت با شکست مواجه خواهد شد؛ و از این گروه افرادی به این نتیجه رسیده‌اند که این گونه مطالعات بایستی جامع و در شرایط واقعی انجام گیرد که تمام عوامل مؤثر را یکجا بررسی نماید.

۱۴) توسعه کشاورزی ارگانیک: از راهبردهای پُر طرفدار برای تأمین غذای سالم و کافی برای تمامی جمعیت جهان توسعه کشاورزی ارگانیک می‌باشد. سؤالی که از منتقدین این راهبرد مطرح می‌شود این است که آیا با این شیوه تولید، غذا به حد کافی برای همه تولید می‌شود؟ تاکور (۲۰۲۱) معتقد است که این راهبرد در مرحله مقدماتی است و با بازچرخانی منابع در دوره زمانی مناسب می‌توان فرسایش خاکی، اثرات منفی ناشی از مصرف مواد شیمیایی (کودهای شیمیایی، سموم و...) که حاصلخیزی خاک‌ها و تولید را کاهش داده‌اند بر طرف کرد. از سوی دیگر بایستی با افزایش آگاهی‌های عمومی و آموزش کشاورزان شیوه‌های تولید ارگانیک را منتشر و اعمال نمود؛ زنجیره تأمین غذا را ارتقا داد؛ بازاریابی و بازاریابی بهینه را معمول داشت؛ و سبک مصرف و الگوی مناسب بهره‌گیری از محصولات کشاورزی و غذایی را ترویج نمود. نامبرده اضافه و تبیین می‌نماید که سبک الگوی مصرف غذا در حال ارتقا بوده و از تقاضای خوراک با کیفیت بالاتر است. نگرش مردم جهان نسبت به غذای با کیفیت از خوراکی‌های سنگین و چرب به سمت سالم و بی‌ضرر بودن متمایل و افزایشی است. مردم با کسب آگاهی از اثرات آنتی اکسیدان‌ها، ویتامین‌ها به‌ویژه ویتامین سی، متابولیت مرحله دوم (تولید مواد ارگانیک از طریق باکتری‌ها)، اسیدهای چرب غیراشباع، باقی مانده سموم و کادمیوم و غیره به شدت به سوی محصولات ارگانیک گرایش پیدا کرده و آمادگی پرداخت هزینه بیشتر برای دریافت غذای سالم‌تر می‌شوند. ایشان تحلیل کرده و اظهار می‌دارد که بدیهی است تا مدتی تولید با مصرف مواد شیمیایی بیشتر از تولید محصولات ارگانیک خواهد بود و دولت‌ها بخصوص در کشورهای فقیر ناگزیرند از تولید بیشتر با مصرف مواد شیمیایی حمایت کنند. لکن با تولید تکنولوژی‌های مناسب برای کشت ارگانیک، حداقل شخم، کمترین مصرف مواد شیمیایی در کوتاه‌مدت، یارانه‌های تولید، اصلاح الگوی مصرف و کاهش ضایعات و دور ریز مواد غذایی و غیره می‌توان غذای سالم و کافی برای مردم جهان عرضه کرده و از محیط زیست حفاظت پایدار نمود.

(۱۵) **زراعت طبیعی بی‌هزینه**^۱: هند به یکی از قطب‌های اقتصادی جهان تبدیل شده است، و محور اصلی اقتصاد آن کشاورزی با صادرات محصولات متنوع می‌باشد. در این جریان به کشاورزان هندی فشار روانی فراوانی وارد می‌شود تا آنجا که سالیانه بیش از ۱۰ هزار و به نقلی در حال حاضر سالیانه ۱۶ هزار کشاورز اقدام به خودکشی می‌کنند. ریشه عمده این رفتار را بدهکاری و عدم توان پرداخت اقساط وام ذکر کرده‌اند. از راهبردهایی که برای این امر ابداع و در حال نشر است زراعت طبیعی بی‌هزینه است. در این راهبرد تأکید بر عدم مصرف کودهای شیمیایی، سموم گیاهی و سایر مواد و نهاده‌هایی است که کشاورز برای تهیه آنها ناگزیر به دریافت وام می‌شود. برای جایگزینی مواد مذکور، کود و فضولات دامی و حیوانات، بقایای گیاهی و سایر مواد طبیعی توصیه شده است. این امر نه تنها کشاورز را گرفتار وام نمی‌کند، محصولات ارگانیک سالم تولید شده و قیمت بالاتر این محصولات جبران کاهش اندک تولید با مقایسه تولید با مصرف مواد شیمیایی کرده و در حفاظت از محیط زیست و کشاورزی پایدار نیز بسیار مؤثر واقع گشته است.

با تحلیل این جریان، می‌توان متوجه شد که دلیل گنجاندن "دریافت وام و اعتبارات" به‌عنوان عامل توسعه یافتگی در پروژه‌های تحقیقاتی که به تقلید از محققین آمریکایی دنبال می‌شود گرفتار کردن کشاورزان در چرخه مصرف مواد شیمیایی تولیدی شرکت‌های بزرگ و بانک‌ها و بهره‌کشی بیشتر از آنان بوده است. طی سال‌ها با نشان دادن نتایج تحقیقات سفارشی و حمایتی اثبات کرده‌اند که موفقیت کشاورزان در گرو مصرف مواد شیمیایی و بذور و نهاده‌های تولیدی این شرکت‌ها با دریافت وام و اعتبارات می‌باشد. دولت هند برای حمایت از کشاورزان به‌ویژه خرده پا به تشویق و ترویج کشاورزی طبیعی بی‌هزینه روی آورده است و دانشمندان فهیم آن کشور نیز به ارایه نظرات سازنده به این جریان کمک می‌کنند. محققینی نیز به مقایسه عملکرد شیوه‌های سنتی، کشاورزی پیشرفته با مصرف مواد شیمیایی، با کشاورزی طبیعی بی‌هزینه پرداخته‌اند و نظرات و بحث‌های گوناگونی در این خصوص در جریان است؛ از جمله دودیکان و همکاران (۲۰۲۲) با یک مطالعه میدانی دریافتند که با کشاورزی طبیعی بی‌هزینه نمی‌توان زیان و جریمه‌ای برای تولید متصور شد، یعنی در نهایت درآمد کشاورز کاهش نمی‌یابد.

(۱۶) **مدیریت ضایعات**: آمار و اطلاعاتی که از میزان دورریز و هدررفت محصولات کشاورزی در مراحل مختلف و چرخه تولید تا مصرف بسیار تکان‌دهنده است. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که در سطح جهان سالیانه ۱/۴ میلیارد تن محصولات و مواد غذایی ضایع می‌شود. از این

میزان سهم آمریکا ۴۰ میلیون تن، و سهم ایران نیز ۲۵ میلیون از ۱۳۰ میلیون تن کل تولید خود است. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) گزارش می‌دهد که در سال ۲۰۲۱ میزان دور ریز غذا در جهان ۱/۳ میلیارد تن برآورد می‌شود، که ایران ۲/۷ درصد یا ۳۵ میلیون تن شامل نان، میوه‌ها، سبزیجات و برنج سالیانه دورریز غذا دارند. بختیاری (۱۴۰۱) در مجله بین‌المللی تهران تایمز گزارش می‌دهد که در بین کشورهای غرب آسیا ایران کمترین دورریز را داشته است. ایشان اشاره می‌کند که ۱۷ درصد غذای جهان ضایع می‌شود که از این مقدار ۶۱ درصد از طریق خانواده‌ها، ۲۶ درصد از طریق خدمات غذایی (تبدیل، بسته‌بندی و غیره) و ۱۳ درصد از طریق فروشگاه‌های عرضه محصولات غذایی ضایع می‌شود.

راهبردهای بسیار متنوع برای کاهش و بهره‌گیری از ضایعات محصولات و مواد غذایی و نظرات بسیاری همراه با مطالعات فراوانی عرضه شده است. در این مختصر به نمونه‌ای اشاره می‌گردد: ابوخلف (۲۰۲۱) با بررسی جامعی در این زمینه، به ۴ اقدام در مدیریت ضایعات رسیده است که باید به ترتیب زیر عملیاتی گردد:

(۱) تقلیل^۱

با کاهش میزان مصرف، تولید ضایعات نیز به تبع آن کاهش می‌یابد؛ یعنی کاهش اسراف و تبذیر در مواد مصرفی غذایی و تولید به حد نیاز بازار و براساس الگوی کشت نیاز پایه.

(۲) تمديد^۲

استفاده مجدد از مواد ضایعاتی و دور ریزها؛ جمع‌آوری دورریزها پس از برداشت، جمع‌آوری غذاهای دور ریخته شده در زباله‌ها و تمیز و بسته‌بندی مناسب برای عرضه به نیازمندان و گرسنگان.

(۳) تجدید^۳

بازیافت که مواد ضایعاتی به مواد خام اولیه بازگردانده می‌شود و تولید جدید صورت می‌گیرد؛ تولید کمپوست و کود سبز و از این طریق بازگرداندن مواد دور ریز به خاک و تقویت آن، استفاده از دورریز مواد غذایی برای تغذیه حیوانات (غذای دام و طیور).

(۴) تعدیل^۴

استفاده از مواد ضایعاتی غیرقابل بازیافت برای مواردی مانند تولید انرژی؛ نهایتاً اگر از مواد خارج شده از چرخه مصرف هیچگونه استفاده‌ای نشود، می‌توان از آنها برای سوخت و تولید انرژی

-
1. Reduce
 2. Reuse
 3. Recycle
 4. Recover

(بیوگاز) استفاده کرد. مرحوم دکتر بسکی معتقد بود که هیچ مواد ضایع و بدرد نخوری در طبیعت وجود ندارد بلکه در چرخه طبیعت همه چیز به کار گرفته می شود.

۱۷) **توزیع منصفانه غذا در جهان:** همانگونه که قبلاً گفته شد، با همین میزان تولید غذا اگر توزیع عادلانه صورت گیرد می توان همه جهانیان را تغذیه کرد. راهبردهای مؤثر برای این مهم را می توان در سر فصل های زیر بررسی کرد:

- فقرزدایی
- کاهش مصرف گوشت قرمز
- کاهش مصرف غلات برای تولید سوخت های زیستی؛ این بحث گسترده ای در محافل علمی است و از آن مقابله غذا و سوخت یاد می شود ("food versus fuel").
- اعمال تجارت عادلانه
- اصلاح الگوی مصرف
- کاهش ضایعات
- توسعه اخلاق در بازار رسانی، مبادله و بازرگانی و مصرف مواد غذایی
- دانشمندانی هستند که معتقدند اگر فقر کاهش یابد، ثروت جهان منصفانه توزیع گردد، آموزش به ویژه برای زنان گسترش یابد گرسنگی در جهان برچیده شده و فشار بر توسعه تولید محصولات کشاورزی کم خواهد شد.

۱۸) **نظام غذایی در حاکمیت هر محل:** در کشورهای ثروتمند تلاش هایی که برای ارتقای وضعیت غذا صورت می گیرد تحت عنوان حرکت های غذایی محلی^۱ مطرح است، در حالی که در کشورهای ضعیف حاکمیت غذایی محلی^۲ را دنبال می کنند.

۱۹) **نظام غذای اشتراکی^۳:** ویورو-پل (۲۰۱۷) با اعتقاد بر این که غذا حق و موضوع مشترک همه انسان ها است و با پیشنهاد "نظام غذای اشتراکی" و عمومی مردم به نقد "نظام غذایی صنعتی" و تبدیل شدن غذا به کالا (commodification) که بر تمرکز تک بعدی همه ارزش ها به غذا فقط به عنوان یک کالا پرداخته و با بررسی "نظریه نظام غذایی"، "شبکه های متنوع غذای شهری"، و "حاکمیت غذایی روستایی" مسیر انتقالی به "نظام غذای اشتراکی" که در

1. local food movements
2. local and sovereign food systems
3. common food regime

آن بر ابعاد ارزشی مختلف غذا متمرکز است تبیین می‌نماید. وی معتقد است که برای رسیدن به هدف فوق باید نهضت حاکمیت غذایی همراه و هماهنگ با شبکه متنوع غذای شهری فعالیت نمایند. به عبارت دیگر نهضت و رویکرد حاکمیت غذایی به تنهایی نمی‌تواند توفیق چندانی در مقابله با نظام موجود صنعتی غذا به دست آورد. او بر این باور است که لازمه رسیدن به هدف فوق باید چند دهه تلاش و تجربه با حضور فعال سه زیر نظام حاکمیتی (تعاونی‌های شهری و روستایی در زمینه غذا، همکاری و همراهی کشورها و مناطق، و شرکت‌های خصوصی و جامعه) ممکن می‌شود، تا غذا با مشارکت عمومی تولید، عرضه و تجارت شده و دانش غذایی مردم رشد یابد. از ضرورت‌های دیگری که در راستای هدف فوق ترسیم می‌کند: توسعه فرهنگ همکاری، سهم کردن دیگران، مساوات، خود تولیدی، پایداری، تعاون، استقرار مستحکم و مردم سالاری از پائین به بالا تا سطح جهانی می‌باشد. نتیجه‌گیری می‌کند که این حرکت بر اقتصاد، روابط سیاسی و اجتماعی افزون بر پوشش غذایی جهانی تأثیرگذار خواهد بود.

گرچه نظرات این نویسنده بوی تفکر کمونیستی و مارکسیستی می‌دهد، ولی شاید بیانگر جهت مقابله با نظام سرمایه‌داری و نئولیبرالیسم چپاول گر باشد و یا گویای حرکتی جدید بعد از رویکرد حاکمیت غذایی؛ معذالک ضمن احترام به تلاش‌ها و مقاله ارزنده آن نویسنده اظهار می‌دارم که جامع‌تر و برتر از مقاصدی که اینان دنبال می‌کنند در رویکرد رزق حلال و طیب مشاهده می‌شود.

۲۰) **نگرش معنوی و اخلاقی یا نظام توسعه پایدار بر پایه اخلاقیات:** برخی از دانشمندان و متفکران مذهبی و یا غیر آن بر این باورند که در فرایند و چرخه تأمین غذا اگر انسان رعایت اصول اخلاقی نموده و پایبند آموزه‌های مذهبی باشد مشکلات رفع و شرایط تغذیه همه انسان‌ها عادلانه فراهم می‌گردد. لذا اینان نظام اخلاقی غذایی را پیشنهاد می‌کنند. از این گروه حسینی (۲۰۲۱) استاد یکی از دانشگاه‌های کشور نیجریه پس از تحلیل وضعیت فعلی با مروری بر نظریه‌های صاحب‌نظران به ارایه ۸ اصل‌ه‌انور پرداخته و در تکمیل آن خود نیز مواردی را توصیه می‌کند. در این نوشتار نکاتی از این مباحث عرضه می‌گردد. ایشان از قول Foudraine نقل می‌کند که با ورود تکنولوژی از یک درب، انسانیت از درِیچه دیگری خارج شده است؛ نویسنده به نقل از Perry Minnis in Huggins اظهار می‌دارد "که شما نمی‌توانید شرکتی (مانند یک واحد تولیدی غذایی) را اخلاق مدار بنامید اگر اصول پایداری را رعایت نمی‌کند و همچنین آن شرکت و واحد تولیدی را پایدار بدانید زمانی که براساس اصول اخلاقی بنا نهاده نشده و عمل نمی‌نماید؛ این دو موضوع مفاهیم درهم تنیده‌اند". این نویسنده به برشماری برخی از چالش‌هایی که پایداری با آن مواجه است به شرح زیر پرداخته: کاهش و فرسایش

منابع طبیعی، افزایش جمعیت و رشد مصرف، اثرات گلخانه‌ای، صدمه دیدن لایه اوزون، جاری شدن مواد سمی و زباله‌های هسته‌ای، نابودی حیات وحش، از بین رفتن تنوع زیستی و خارج شدن برخی گونه‌های گیاهی و حیوانی. نتیجه‌گیری می‌کند که برای فائق آمدن بر این همه مشکلات رویکرد اخلاقی ضرورت داشته و باید از آن بهره گرفت. با اجرا و ممارست اصول اخلاقی زندگی انسان‌ها سالم و بر محیط زیست آنها که با مشکلات حاصل از شهرنشینی، صنعتی شدن و گسترش روزافزون فناوری‌ها مواجه است اثرگذار خواهد بود. او معتقد است که اجرای اصول اخلاقی با دشواری‌هایی برخاسته از تمایل انسان‌ها به جهانی شدن، بازارگرایی و فناوری برترپذیری مواجه است و این موارد هویت فرهنگی ملت‌ها را نیز خدشه دار کرده و حقوق طبیعی آنان را ضایع نموده است؛ گرچه ظاهراً از نظر ارزشی بی‌جهت یا خنثی نامیده می‌شوند ولی در باطن آنها بی‌انصافی و سوءاستفاده نهفته است. بنابراین با ارایه اصول اخلاقی هشت گانه‌ها (شهری در آلمان) می‌توان بر حق انسانی پای فشرد و با همزیستی سالم، حمایت و مساعدت جمعی، شرایط متنوع و پایدار اصول زیر را جاری ساخت:

- ✓ قبول اصل به هم وابسته بودن بشر
- ✓ محترم شمردن روابط بین روح و جسم
- ✓ قبول مسؤولیت نسبت به عواقب تصمیماتی که برای زندگی انسان‌ها اتخاذ می‌شود، نسبت به نظام‌های طبیعی محیط زیست و حق همزیستی آنان
- ✓ طراحی اهداف و ارزش‌های بلندمدت؛ و به خطر نیانداختن زندگی آیندگان
- ✓ حذف مفهوم ضایعات؛ همه چیز قابلیت باز استفاده و برگشت به طبیعت دارد
- ✓ تکیه بر جریان‌های طبیعی انرژی
- ✓ درک محدودیت‌های بشری در طراحی و برنامه‌ریزی‌ها؛ هیچ انسانی حیات جاودان ندارد، و هیچ برنامه‌ای تمامی مشکلات را حل نمی‌کند؛ بایستی در مقابل الگوی طبیعت خاشع و متواضع بود نه اینکه بر آن تاخت و کنترل کرد.
- ✓ پویایی و تلاش مستمر برای بهبود وضعیت با اشتراک دانش و علم با یکدیگر

حسینی (۲۰۲۱) افزون بر اصول فوق و با الهام از آموزه‌های اسلامی کتاب حاضر مبتنی بر پژوهش موارد زیر را نیز توصیه می‌نماید:

- ✓ قبول حاکمیت خداوند قادر و درک همزیستی همه موجودات به‌عنوان راز و رمزی مقدس برای پایداری طبیعت
- ✓ درک شناخت خالق و گرداننده طبیعت و وظیفه انسان به‌عنوان خلیفه و جانشین او

- ✓ خود کوچک بینی و توجه به عواقب خودکامگی ناشی از جهل و رفتار نسبت به طبیعت
- ✓ و نهایتاً درک ضرورت بنا نهادن توسعه بر اخلاقیات برای پایداری محیط زیست.

۲۱) نظام‌های غذایی پایدار: برخی از صاحب‌نظران عرصه مدیریت غذایی حرکت از رویکرد سنتی امنیت غذایی به سمت وضعیتی پایدار تحت‌عنوان "نظام‌های غذایی پایدار" را مطرح می‌کنند (بیلالی و همکاران، ۲۰۱۸). اینان معتقدند که حل مسایل محیط زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سلامتی که از نظام سنتی بوجود آمده است را باید در یک نظام جامع دنبال کرد. نظام مورد نظر این نویسندگان با افقی بلندمدت در حیطه‌های فراهمی غذا، دسترسی، مصرف و پایداری به موضوع نگاه دارد؛ بنحوی که این ابعاد باید پایدار، برگشت‌پذیر و کارآ (sustainable, resilient, and efficient) باشند. این دانشمندان براین باورند که رسیدن به نظام‌های غذایی پایدار نیازمند اقداماتی است مانند حرکت از تمرکز بر کشاورزی به‌سوی تمرکز بر مجموعه به‌هم پیوسته‌ای از تحقیقات و سیاست‌های نظام غذایی به‌عبارت دیگر از کشاورزی به غذا و تغذیه باید رسید.

۲۲) تشکیل تعاونی‌های مردمی هدفمند: کشاورزان آگاه و مقاوم برزیلی با تشکیل تعاونی‌هایی که اصول رویکرد حاکمیت غذایی را دنبال می‌کنند با جدیت به تولید و عرضه محصولات کشاورزی می‌پردازند. نمونه این تعاونی‌ها Terra Livre Cooperative می‌باشد؛ در اساسنامه آن آمده است که هدف اصلی این تعاونی ترغیب سازمان یافته تولید و تجاری کردن غذای سالم با به‌کار بستن اصول تولید کشاورزی بوم‌گرا، پرهیز از استفاده از سموم دفع آفات و امراض گیاهی و همچنین عدم به‌کارگیری بذور گیاهان تراریخته می‌باشد. این تعاونی ضمناً به مطالعه و بررسی وضعیت تولیدکنندگان محصولات کشاورزی به‌صورت صنعتی و به عبارتی مزارع بزرگ که توسط شرکت‌های بزرگ یا فراملیتی و با به‌کارگیری ماشین‌های بزرگ، کود و سم فراوان، و بذور اصلاح شده پُر تولید... پرداخته و تلاش به عرضه محصولات با کیفیت، قیمت منصفانه، اشتغال‌زا، درآمدزا و بهبود بخش شرایط زیستی خانواده‌های کشاورزان روستائی می‌باشد. این تعاونی با تبلیغات مناسب به معرفی محصولات خود با قابلیت صادرات و عرضه در بازارهای جهانی اقدام کرده است.

۲۳) به رسمیت‌شناسی کشاورزان روستایی و عدالت شناختی در کشاورزی بوم‌گرا: کشاورزی صنعتی با پشتیبانی مؤسسات علمی و سرمایه‌های کلان نظام سرمایه‌داری توانسته

است جایگاهی پیدا کند که در نتیجه آن کشاورزان خرده پای روستایی به کنار زده شده و از مرکز توجه و حمایت خارج شده‌اند. پشتیبانی مؤسسات علمی بدین طریق است که دولت‌ها به دنبال ارتقای جایگاه علمی کشور، حداکثر تولید، صادرات و افزایش درآمد با کمترین هزینه ممکن هستند؛ لذا پروژه‌های به اصطلاح علمی که هماهنگ با نظام کشاورزی صنعتی است را از نظر مالی و ساختاری حمایت می‌کنند و این مؤسسات در این مسیر ناگزیر به حرکت هستند. این مؤسسات معمولاً دور از شأن خود می‌دانند که به تبیین ریشه‌های علمی کشاورزی و دانش بومی بپردازند و اگر چنین اقدامی صورت گیرد خدمات آنان خریداری نداشته و مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد.

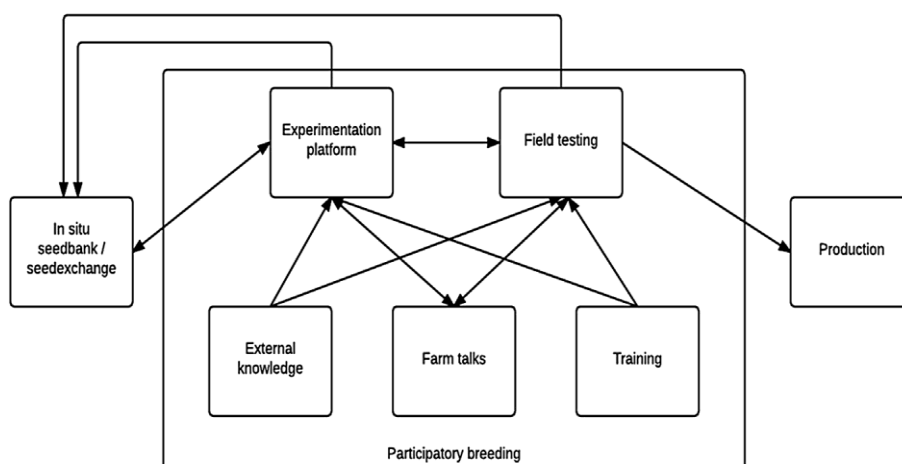
عدالت شناختی از نظر کولسائت (۲۰۱۶) به مفهوم تفکر ضد استعماری دربرگیرنده فعالیت‌های همزیستی و حضور فعال در تمام مراحل نظام‌های دانش بخش کشاورزی است. نامبرده معتقد است که هژمونی و عظمتی که برای کشاورزی صنعتی با مصرف فراوان نهاده‌ها ایجاد شده است اقدامات و فعالیت‌های زراعی از جمله کشاورزی بوم‌گرا را تحت الشعاع قرار داده و بی‌اهمیت جلوه داده است؛ و برای به چالش کشیدن کشاورزی صنعتی نیاز به احترام به فعالیت‌های متنوع زراعی و حضور فعال در شناخت روش‌های زراعی مرسوم می‌باشد. ایشان با ارایه نمونه‌ای از مشارکت کشاورزان فرانسه برای تولید ذرت به تحلیل جنبش‌های ضد استعماری (شرکت‌های بزرگ صنعتی کشاورزی) در اروپا با پیروی از اصول کشاورزی بوم‌گرا، به کارگیری علوم جدید زراعی، دانش زیست‌محیطی و مهارت افزایی در کشاورزان پرداخته است.

(۲۴) تشکیل خانه‌های بذر: محور و اهرم قوی در دست "نظام فرمانروایی بر غذا" بذر است. در واکنش به سلطه و مدیریت انحصاری تولید و عرضه بذره‌های گواهی شدهٔ پرتولید شرکت‌های بزرگ فراملیتی، اقدامات و جنبش‌های فراوانی شکل گرفته و صاحب‌نظران بسیاری موضوع را علمی بررسی و نقد کرده‌اند. در آمریکای جنوبی، کشاورزان در تشکل "راه و روش کشاورزان" و رویکرد حاکمیت غذایی از تولید بذره‌های محلی با به کارگیری علوم و فناوری‌های جدید حمایت کرده و بر اختیار و ابتکار کشاورزان کوچک و متوسط به تولید و مبادله بذره‌های خود پا فشرده‌اند. در اروپا نیز این موضوع با اقدامات گسترده‌ای دنبال شده است و یکی از این ایده‌ها "خانه‌های بذر" یا 'Seed Houses' می‌باشد. کولسائت (۲۰۱۶) در بررسی‌های میدانی خود به گزارش چند مصاحبه با کشاورزان فعال ضد استثماری اشاره دارد؛ از جمله توضیحات زیر توسط یکی از کشاورزان: "حقیقتاً ما مفهوم و اهداف زیر را دنبال می‌کنیم: هر کشاورز خود به تکثیر، تولید و حفظ گونه‌ها و نژادهای تعدادی از بذر می‌پردازد. هر کس بذور و گیاهان خود را نگهداری (ذخیره) می‌کند. انبارهای بذر به یک مجموعه به هم پیوسته در نظام مبادله تبدیل

شده است. "دیگری اظهار داشته است: اولین تجربه و در شروع برنامه، نتایج مایوس کننده بود، بخصوص در قالب میزان تولید. نبود دانش و اطلاعات کافی به یک عامل جدی و تعیین کننده برای استفاده از این بذرها با نژادهای محلی و بومی تبدیل شده بود. دیگری بیان می دارد که داشتن بذر محلی کافی نیست، بلکه افزون بر آن همه احتیاج دارند که دانش فراموش شده گذشته در بذرگیری و انتخاب بذرهای مناسب و سازگار با شرایط هرمحیط زیست را مجدداً به دست آورند."

پیرامون جنبش ها و تحركات ضد شرکت های صنعتی تولید بذر (seed industry) اقدامات فراوان دیگر شکل گرفته است؛ یکی از فعالان این جریان به نقل از کولسائت (۲۰۱۶) اظهار می دارد: دانش کشاورزی صنعتی خطری را برای نسل های آینده در پی خواهد داشت و توجه به نیاز نسل های آینده ناگزیر و به طور حتم ما را به شکلی از تولید دانش غیرمتمرکز هدایت خواهد کرد، به عبارت دیگر، هر محل دانش تولید بذر خود را داشته باشد.

کولسائت (۲۰۱۶) نیز به تشکیل شبکه ای از روستائیان تولیدکننده بذر (Peasant Seed Network) پرداخته و عملکرد شبکه را با نمودار شماره ۳-۱ به نمایش می گذارد.



نمودار شماره ۳-۱: فرایند غیرمتمرکز اصلاح بذر کشاورزان در تشکیل کشاورزی زیستی پرگورد

در کشور ما نیز به صورت روشی معمول، کشاورزان از بهترین محصولات خود، بذر مورد نیاز را انتخاب می کنند. در سال های اخیر نیز شاهد معرفی چند بذر پر محصول که با روش انتخاب اصلح توسط کشاورزان مجرب تولید و عرضه شده است می باشیم؛ مانند برنج هاشمی و برنج علی کاظمی.

روش کار و داستان چگونگی کشف و عرضه این دو برنج توسط دو کشاورز را از گزارش پایگاه عصر اسلام (۱۴۰۰) ملاحظه فرمائید:

"این دو بزرگوار در سالهای دهه ۱۳۶۰ این دو نوع از برنج را کشف و به کاشت و ترویج این محصول خدادادی همت گماردند که از آن پس در گیلان و ایران معروف شد، به طوریکه امروزه پر مصرف ترین ارقام برنج در ایران محسوب می شوند.

در رابطه با برنج کاظمی گفته می شود؛ علی کاظمی در سال ۱۳۶۰ در شالیزار خود چهار خوشه را یافت که با خوشه های برنج بی نامی که همیشه می کاشت فرق می کردند. در آن زمان بیشتر کشاورزان برنج های بینام، صدری و خزر را می کاشتند.

و این چهار خوشه متفاوت را پس از رسیدن به طور جداگانه جمع آوری کرد و بذرها را در سال بعد دوباره کشت داد و خودش آنها را نشاء زد. این خوشه های جدید در سال دوم به هفتاد خوشه تبدیل شد و هفت سال طول کشید که به یک هکتار رسید.

در سال ۱۳۶۷ آوازه برنج علی کاظمی به گوش کشاورزان رسید و پس از آن تعداد بیشتری از کشاورزان با گرفتن بذرها از علی کاظمی آن را در شالیزارهای خود می کاشتند. برنج علی کاظمی در میان مردم به سرعت طرفدار پیدا کرد. چرا که خوش بوتر و خوش پخت تر از برنج های بینام و خزر آن دوره بود و همچنین پس از پخت ماندگاری بالاتری داشت و نرم می ماند. بدین ترتیب در کنار سایر برنج ها در فروشگاه ها فروخته می شد.

گفتنی است؛ برنج کاظمی از خانواده برنج های صدری بوده و نژاد آن متعلق به گونه برنج بی نام می باشد. امروزه پنجاه هزار هکتار از شالیزارهای کشور و بیست درصد شالیزارهای استان گیلان زیر کشت برنج علی کاظمی است و جزو برنج های پر محصول می باشد.

اما تنها چهار سال پس از کشف برنج کاظمی، یعنی در سال شصت و چهار یوسف هاشمی نیز در نقطه دیگری از استان گیلان در شالیزار خود برنج "هاشمی" را کشف کرد. یوسف هاشمی در این سال متوجه چند خوشه برنج در شالیزارش شد. این خوشه ها با دیگر خوشه های برنج متفاوت بودند. آنها بلندتر از خوشه های برنج بی نام بودند و ساقه باریک تری هم داشتند. او این خوشه های ویژه را جمع آوری کرد و تا سال بعد، آنها را کنار گذاشت. سپس در آغاز فصل بهار، خزانه جدا گانه ای برای آنها گرفت.

آنها را نشاء کرد و در فصل برداشت، جدا گانه و با احتیاط، آنها را درو نمود. او چندین سال این کار را انجام داد به طوریکه در سال پنجم، یک مشت خوشه ای که در ابتدا پیدا کرده بود به بالای یک تن رسید. او این شلتوک ها را به شالی کوبی روستا برد. مدیر کارخانه با دیدن برنج هاشمی متوجه شد که با برنجی سر و کار دارد که با بقیه برنج هایی که کشاورزان دیگر می آورند تفاوت دارد.

از هاشمی پرسید که نام این برنج چیست؟ هاشمی پاسخ داد که نامی برای آن نگذاشته ام. مدیر کارخانه برنج کوبی، نام آن را "هاشمی" گذاشت و بدین گونه برنج هاشمی کشف شد."

۲۵) نهضت حاکمیت بذر: بذر از نهاده‌های اصلی و حساس و محور فعالیت‌های شرکت‌های بزرگ برای مدیریت کشاورزی و غذا می‌باشد. به همین دلیل کشاورزان آگاه و دانشمندان دلسوز و انقلابی حاکمیت بر بذر را اساس حاکمیت غذایی قرار داده‌اند. لوپز و همکاران (۲۰۱۹) گزارشی از فعالیت‌های شبکه آزاد بذر در کشور کلمبیا را ارزیابی و تحلیل می‌کنند. اینان معتقدند که بهبود و التیام، حفاظت و دفاع از بذور بومی دو اثر بر ترویج و گسترش کشاورزی بوم‌گرا بجا گذارده است:

➤ تأثیر افقی یا اثر گسترش محیطی که این اقدامات موجب پذیرش توصیه‌های کشاورزی بوم‌گرا و در نتیجه شیوع دانش، اصول و اقدامات لازم بین متولیان و متصدیان امور بذر، جامعه و سازمان‌های مربوطه و شبکه‌های این نهادها شده است؛

➤ تأثیر عمقی در زمینه‌ای:

۱) تأکید و یا بوجود آوردن هویتی جدید برای روستائیان و دانش بومی و همچنین راه و رسم زندگی کردن،

۲) بهبود، حفاظت و دفاع از بذور یک نظام و فرایند چند بعدی مادی، سیاسی، و سمبولیک

(الگوی شعائری) را شکل داده که موجب تعمیق ریشه‌های فرهنگی و وطنی شده است،

۳) تقویت و انسجام روابط سازمانی - اجتماعی مجموعه اقدامات و راهبردهایی که توسط متصدیان امور بذر در مناطق خود در دفاع از بذور بومی اعمال می‌کنند شده است.

ایشان اضافه می‌کنند که تلاش‌های فوق بستر مستعدی را برای گسترش کشاورزی بوم‌گرای روستایی فراهم کرده و درساماندهی به حاکمیت بذر که اساس مجاهدت برای حفظ و بازتولید بذور بومی است مؤثر واقع شده است. این محققین گزارشی ارایه می‌دهند از قوانینی که در کشورهای آمریکای لاتین در این چند سال (از ۲۰۱۰ بعد) مانند مکزیک، برزیل و ونزوئلا برای حمایت از تولید و مبادله بذر توسط کشاورزان (متوسط و کوچک) در مقابل شرکت‌های بزرگ تولیدکننده بذر به صورت صنعتی بتصویب رسانده‌اند.

تفکر حاکمیت بذر بر تولید و مصرف بذر خود کشاورز تأکید دارد و سه جریان؛ متولیان و متصدیان امور بذر که در انتخاب و نگهداشت خوب بذر تلاش می‌کنند، سازمان‌های روستایی و شبکه‌های فعال که در آموزش و مبادله بذور خدمت می‌نمایند با مسئولیت‌های مشخص و برنامه‌های معین این مهم را به عهده دارند؛

دلایل و توجیه‌های این جریان عبارتند از:

- (۱) بذر بومی با شرایط محل سازگار است،
- (۲) هزینه‌های تأمین نهاده را کاهش می‌دهد
- (۳) ابتکار عمل کشاورزان و حاکمیت آنان را بر امور خود تقویت می‌کند (ذخیره بذر توسط کشاورز بجای تلاش برای خرید)،
- (۴) انعطاف‌پذیری و توان مقاومت کشاورزان را در برابر شوک و بحران‌های خارجی را که بر نظام کشاورزی تحمیل می‌شود را مانند تغییرات اقلیمی افزایش می‌دهد و
- (۵) تنوع زیستی در بذور کشاورزی که برای پایداری بخش ضروری است را ارتقا می‌دهد.

لوپز و همکاران (۲۰۱۹) نتایج تحقیق میدانی خود را پیرامون موارد زیر گزارش کرده‌اند که رؤیت اصل مقاله به علاقمندان توصیه می‌شود:

- (۱) تشریح مکانیزم چگونگی کنترلی که بر بذر در دنیا اعمال می‌شود و مقاومت‌هایی که در سطح جهانی شکل گرفته است،
- (۲) مطالعه شرایط محیطی و سیاسی- اجتماعی سازمان‌های جوامع روستایی
- (۳) پذیرش کشاورزی بوم‌گرا و تفکر دفاع از بذر
- (۴) نقش متولیان و متصدیان امور بذر در سازمان‌های خویش
- (۵) مجموعه اقدامات و راهبردهایی که توسط سازمان‌های جوامع روستایی در فرایند مصرف، حفظ و مدیریت بذر به اجرا در آمده است
- (۶) فرایند جریانات اجتماعی در مناطقی که درگیر و فعال با بذر بوده و عملیات کشاورزی بوم‌گرا را تجربه می‌کنند
- (۷) و نهایتاً گزارش و بحث پیرامون چگونگی تأثیرگذاری حاکمیت بذر بر گسترش برنامه‌های کشاورزی بوم‌گرا.

۲۶) رویکرد کشاورز محور در فرایند تحقیقات علمی و فناوری‌ها: در تولید و ترویج علم و

فناوری‌های نوین در کشاورزی و به‌کارگیری آنها دو الگوی زیر مطرح بوده است:

- (۱) الگوی کشش تقاضا Demand – Pull Model که با توجه به تقاضا، استقبال و حمایت بازیگران بازار (Market Players) دانشمندان عمل کرده و فعالیت‌های علمی خود را سامان داده و نتایج را عرضه می‌نمایند؛ یعنی شرکت‌های فروشنده فناوری‌ها تعیین‌کننده می‌باشند و تولیدکنندگان علم و تکنولوژی براساس سفارش و حمایت مالی این گونه شرکت‌ها فعالیت می‌کنند.

۲) الگوی فشار عرضه Supply – Push Model فعالیت‌های علمی و فناوری‌های تولیدی دانشمندان با تشخیص و سلیقه اینان تعیین و نتایج حاصله نیز با تبلیغ و ترویج در اختیار کاربران و بازیگران بازار قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر نظر و برنامه محققین تعیین‌کننده نوع و کیفیت فناوری می‌باشد.

در این دو نوع الگو و رویکرد یا طرح، کشاورز به‌ویژه کشاورزان خرده پا نقشی در تعیین موضوع نداشته و حضوری در فرایند تحقیق برای رفع مشکل یا توسعه کشاورزی ندارد. تحلیل و نقد عملکرد این دو جریان موجب شد که صاحب‌نظران به رویکرد سومی توجه پیدا کنند به نام "رویکرد کشاورز محور" (Farmer-Centered Approach). در این رویکرد سعی بر آن است که کشاورز و مسایل او محور تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری قرار گیرد و در کلیه مراحل پژوهش و تولید و عرضه فناوری حضور فعال داشته باشد. برای نمونه فرییس (۲۰۱۹) در بررسی توسعه کشاورزی در آفریقا به این نتیجه رسید که اگر تکنولوژی مناسب با وضعیت کشاورزان خرده پا انتخاب و ترویج گردد اثرات بسیار خوبی خواهد داشت. برای این ادعا مثال و مواردی را ارائه می‌دهد؛ از جمله: ۱۰۰ دستگاه تراکتور توسط دولت مالاوی با هدف کمک به کشاورزان خرده پا از هندوستان خریداری می‌شود، لکن این تراکتورها توسط مدیران دولتی و سیاسیون تملک شده و به کشاورزان متوسط و بزرگ اجاره داده می‌شود. نمونه دیگر: آموزش و پیام رسانی در چند بحران آب و هوایی از طریق تلفن همراه توانسته است کشاورزان بسیاری را به موقع به کار لازم کشاورزی برساند که اگر از طریق برنامه‌های ترویجی معمول می‌خواست عمل شود این پیام رسانی ماه‌ها بطول می‌انجامید و فرصت از دست می‌رفت. نهایتاً او معتقد است که کشاورزان خرده پا که بالغ بر ۵۰۰ میلیون نفر در سطح جهان می‌باشند بیش از دو سوم غذای جهان را تهیه می‌کنند و به عنوان ستون فقرات جامعه عمل می‌نمایند و بخش کشاورزی باید هوشمندانه‌تر حرکت کرده و با در اختیار قرار دادن فناوری‌ها مناسب به تولیدکنندگان خرده پا مؤثرتر رفتار کند. او تأکید می‌کند که: "مطمئن باشیم که باید دولت‌ها و بخش خصوصی و نهادهای همکار در توسعه، سازمان‌های بین‌المللی و غیره کمک کنند تا کشاورزان کار خود را خودشان بهتر به انجام برسانند و کشاورزان خرده پا را به عنوان همکار و همراه تلقی کنند، نه اینکه آنان را صرفاً دریافت‌کنندگان مساعدت‌های یارانه‌ای بدانند و این امر به رسیدن به هدف مورد نظر کمک خواهد کرد."

لازم به ذکر است که تفکر و الگوی دیگری نیز مطرح می‌باشد تحت عنوان تحقیقات کشاورزی بوم‌گرا^۱ که ضمن توجه به شرایط کشاورزان خرده پا، به شرایط محیطی نیز در طراحی و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی توجه جدی دارد.

(۲۷) آموزش روستائیان در زمینه کشاورزی بوم‌گرا: همانگونه که گفته شد رویکرد کشاورزی بوم‌گرا (آگرواکولوژیک) عامل مؤثری بر ایجاد حاکمیت بر کشاورزی و نظام غذایی می‌باشد. در این خصوص، کشاورزان روستایی که در مقایسه با شرکت‌ها و آنترپریزها اصلی‌ترین تولیدکنندگان محصولات و مواد غذایی هستند می‌توانند بیشترین نگرانی و مواظبت از محیط زیست را نیز داشته باشند. این امر منوط به داشتن دانش کشاورزی بوم‌گرا و آگاهی لازم و همچنین مهارت کافی و برخورداری از شرایط مناسب مربوطه می‌باشد.

مک-کیون و سانچز (۲۰۱۸) دو رویکرد عمده در راستای هدف ایجاد دانش و مهارت در کشاورزان خواهان استقلال و حاکمیت بر کشاورزی بوم‌گرای خود عرضه می‌نمایند. اولین رویکرد بر الگوی یکدیگر آموزی (کشاورز - کشاورز) استوار است؛ در این الگو کشاورزان تسهیل‌گر و ارایه‌کننده تجربیات و دانسته‌های خود در زمینه کشاورزی به سایر کشاورزان منطقه و نشر در سایر مناطق می‌باشند. دومین الگویی که معرفی می‌کنند مدارس کشاورزی بوم‌گرا که قلب جنبش راه کشاورزان (La Via Campesina) بوده است می‌باشد. ایشان با بررسی میدانی این دو الگو که هر دو مرتباً در حال ارتقا و پویایی هستند به این نتیجه رسیده‌اند که الگوهای آموزشی گذشته و جاری فرد محور و براساس نیازها و خواست افراد طراحی و اجرا می‌شده است، حال آنکه محتوا و فرایند این دو الگو بر محیط محور بودن آموزش‌ها تأکید دارند.

اندرسون و همکاران (۲۰۱۹) در جمع‌بندی سمپوزیوم پیرامون آموزش بزرگسالان در زمینه حاکمیت غذایی اظهار می‌دارند: باید توجه خاص به نقش و اهمیتی که یادگیری، آموزش، و فراگیری بزرگسالان می‌تواند در تحولات اجتماعی برای حاکمیت غذایی و عدالت ایفا می‌کند داشت که این یک سنت و آداب و رسومی است که از آن به‌طور گسترده به یادگیری برای تحول یاد می‌شود. اینان ارکان آموزش (چرایی، کجایی، و...) را برای حاکمیت غذایی واری کرده و نتیجه را شرح داده‌اند؛ که فشرده گفتارشان به نحو زیر است:

- ✓ چرایی: آموزش نقاد در صحنه بحران‌های چندوجهی؛ پایبندی به آموزش نقاد کلید آینده غذا و کشاورزی و همچنین تحولات اجتماعی مربوطه خواهد بود. در حقیقت یادگیری نقاد و انتقادی از ملزومات تعمیق دیدگاه تحول‌آفرین و محور نهضت‌های اجتماعی است.
- ✓ کجایی: آموزش برای تحول، یا درونی، یا بین عوامل و یا مافوق فضاهای آموزش رسمی و غیررسمی مطرح است؛ آموزش تحول‌آفرین در جایی تحقق می‌یابد که انعکاسی از روابط درونی، بیرونی (علیه) و قدرت غالب باشد و ساختارهایی از طبیعت یادگیری و آموزش را شکل می‌دهد.

✓ چگونگی: آموزش بزرگسالان پی و بنیاد آموزش تحول‌آفرین را مستحکم می‌کند؛ آموزش بزرگسالان در زمینه حاکمیت غذایی و کشاورزی بوم‌گرا موجب مهار و مدیریت (کنترل) عوامل سیاسی و فیزیکی مؤثر بر نظام‌های غذایی و همچنین حکمرانی محلی می‌شود. ال بلالی (۲۰۱۹) نسبت به آموزش کشاورزی بوم‌گرا (آگرواکولوژی) بیان می‌دارد که "کشاورزی بوم‌گرا از محدود رویکردهایی است که می‌تواند نوآوری و پایداری را در کشاورزی درهم بیامیزد. در این شرایط حرکت موفق و اصیل به سمت پایداری کشاورزی-غذا که در برگیرنده همه ابعاد پایداری (اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی) می‌باشد در جریان قرار خواهد گرفت. هر چند باید در نظر داشت که تمامی تجربیات سنتی کشاورزان و تمامی نوآوری‌های کشاورزان را نمی‌توان به عنوان سوابق و پشتوانه کشاورزی بوم‌گرا (آگرو اکولوژی) قلمداد کرد. افزون بر این، روابط سه جانبه بین مؤلفه‌های عمده کشاورزی بوم‌گرا (علم، نهضت مردمی و تجربه میدانی) نیازمند تبیین بیشتری می‌باشد تا به توانمندی بیشینه و حداکثری در تحول کشاورزی بتوان دست یافت."

۲۸) تغییر و اصلاح نگرش نسبت به "زمین": از منبعی برای کشاورزی به موجودی دوست داشتنی و نیازمند مراقبت: هس و رز (۲۰۱۹) اظهار میدارند که آنچه در خارج از استرالیا تحت عنوان کشاورزی بوم‌گرا و ارگانیک مطرح است در استرالیا به عنوان کشاورزی باز تولید یا احیاکننده (Regenerative Agriculture) مورد بحث است. اینان معتقدند که این مباحث که امروزه بسیار مطرح است موضوعات جدیدی نیستند، بلکه همواره به عنوان دانش بومی بخش کشاورزی دنبال می‌شده است. برای این ادعا شواهدی را عرضه کرده و نقل قول‌هایی را ارائه می‌دهند که بازگشت به دانش بومی برای مدیریت زمین نشان می‌دهد که "روابط متقابل انسان با زمین یک تجربه تاریخی" است. از شواهدی که می‌آورد تاریخچه استرالیا را مثال می‌زنند که بیش از ۸۰۰۰ سال مردم بومی با ارتباط خوب از زمین‌های زراعی مراقبت کرده و از آنها بهره می‌گرفته‌اند، لکن از ۱۷۸۸ با ورود مهاجرین مدرن‌گرا با فرهنگ و دیدگاه مکانیکی مادی به دنیا و سرمایه‌داری، کشاورزی را به سمت صنعتی شدن و حداکثر بهره‌کشی از زمین سوق دادند. مکتب و دیدگاه مکانیکی مادی را این گونه توصیف می‌کنند:

✓ اصل عقلانیت که هر چیزی را با صرف منابع مربوطه می‌شود شناخت،

✓ امپریالیسم که آنچه شناخته شده را می‌توان کنترل و مدیریت کرد،

✓ تفکر جزء نگر خطی که معتقد است می‌توان مسائل را به اجزایی تقسیم و با درک هر تکه آنرا حل نمود،

✓ و اصل بیگانگی و تسلط به معنی اینکه خود را از طبیعت جدا دانسته و لذا مُحِق بوده و می‌توانیم بر آن غلبه یابیم.

و اضافه می‌کنند که: "امروزه ایده و عمل مواظبتِ پرورشانه و رابطه قیومیت و نظارت سرپرستانه با زمین دوباره مورد توجه قرار گرفته است، آن هم به دلیل آنکه کشاورزان و سایر اقشار دلسوز اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که کشاورزی مبتنی بر بهره‌کشی و فناوری‌های عصاره‌کشی از زمین (استفاده یک سویه) موجب نابودی سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، و کشاورزی خواهد شد." ایشان در این مقاله پُر محتوای خود به تحول و اصلاح ضرب‌المثل قدیمی بجای ماهی دادن ماهی‌گیری را آموزش دهید نیز پرداخته و اضافه کردن عبارت زیر را توصیه می‌کنند:

"به فرد، عشق ورزی با دریا را آموزش دهید تا هر دو (انسان، و دریا - محیط زیست) کامیاب و بهره‌مند شوند."^۱

این نگرش را ایده کلی نظام و جهان بینی کشاورزی بوم‌گرای احیاکننده (بازیابی حیات مستمر) دانسته و معتقدند که باید تفکر کشاورزی از بهره‌گیری یکسویه از زمین به تفکر مواظبت دلسوزانه و مادرانه نسبت به زمین تغییر کند.

۲۹) مقابله با جهانی‌سازی کشاورزی و غذا: در کتاب جهانی‌سازی کشاورزی (زمانی، ۱۳۹۸)

به تفصیل این موضوع شرح داده شده است؛ لکن به مقاله‌ای جالب و مرتبط با غذا حاوی نکات ارزشمند و آموزه‌های مفیدی است که ذکر می‌شود. فالک (۱۹۹۷) مقاله‌ای ارایه کرده است تحت‌عنوان "مقاومت در برابر جهانی شدن از بالا - از طریق جهانی شدن از پایین". وی ضمن برشمردن اثر جهانی شدن به‌ویژه در جریان فقر زدایی برخی از کشورها تأثیر اساسی که از اهداف پنهان دنبال‌کنندگان جهانی‌سازی هستند را اینگونه بیان می‌دارد: "سیاست‌های اقتصادی به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌شود که دولت‌ها، احزاب سیاسی، رهبران و حتی نخبگان را به انقیاد درآورده و مهار و مدیریت می‌کند و از سوی دیگر موجب تشدید به هم ریختگی روانی و آسیب‌پذیری مردم در کشورهای تحت سلطه می‌گردد". انتقادهایی که از جهانی شدن به عمل آمده است بسیار بوده و گویای آنست که جهانی شدن از بالا به معنی تبعیت دولت‌ها از سیاست‌های اقتصادی مراکز قدرت جهان و اعمال آن بر ملت‌ها می‌باشد. در مقابل مقاومت ملت‌ها و سعی بر پذیرفتن تجربیات مثبت جهانی مفهوم جهانی شدن از پایین را تبیین می‌کند. بزعم فالک جهانی‌سازی از بالا تمایل به یکنواختی و وحدت رویه در سطح جهانی دارد؛

1. 'Teach a person to love the ocean and they will both thrive'.

درحالی که جهانی شدن از پائین بر تنوع و گوناگونی اقدامات متناسب با وضعیت هر محل تأکید می‌کند.

۳۰) **بهره‌مندی از زنجیره‌های ارزش:** زنجیره‌های ارزش^۱، یا مجموعه‌ای از خدمات که از پژوهش‌های مربوطه حاصل شده است و موجب ارتقای کیفیت کالا و در نتیجه ارزش آن می‌شود گفته می‌شود؛ و عامل کارکردهای اساسی شده که در نهایت به مصرف‌کنندگان اجازه می‌دهد تا غذای تولید شده توسط کشاورزان را پس از فرایند زیر مصرف نمایند: گردآوری، ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل، فرآوری و توزیع. دگرگونی ساختاری اقتصاد و تغییرات مرتبط در تقاضای مصرف‌کنندگان. اگرچه پیچیدگی فزاینده‌ی زنجیره‌های ارزش، تنوع غذایی بیشتری را امکان‌پذیر ساخته است اما به‌طور همزمان چالش‌های جدیدی را برای اطمینان از دسترسی همه‌ی افراد به رژیم‌های غذایی سالم و پایدار معرفی می‌نماید. دولت‌ها نیاز به درک مناسبی از نحوه‌ی تبدیل و انتقال غذا از سر مزرعه به سر میز^۲ و چرایی و چگونگی انتخاب‌های غذایی مردم دارند تا بتوانند سیاست‌های بهتری برای تولید و مصرف مواد غذایی مغذی‌تر تنظیم کنند. در انجام این کارکردها، زنجیره‌ی ارزش باید فراگیر، کارآمد و حساس به تغذیه باشد. زنجیره‌های ارزش فراگیر، زمینه‌های مشارکت خانوارهای کوچک مزرعه‌دار، روستائیان بی‌زمین، فقرای شهری و مردان و زنان را در طول زنجیره تسهیل می‌کنند تا بتوانند معیشت و تغذیه خود را بهبود بخشند. به‌عنوان مثال، جاده‌های روستایی، زنجیره‌های سرد^۳ و تجارت الکترونیکی در اینترنت می‌توانند کشاورزان را تشویق به تولید و فروش مقادیر بیشتری از محصول از طریق بازارهای جدید کنند. چنین زیرساختی همچنین می‌تواند قیمت‌های مواد غذایی پایین‌تری را برای فقرای شهری (و روستایی) فراهم کند. زنجیره‌های ارزش بهبود یافته به مزارع اجازه می‌دهند تا تنوع و رشد محصولات با ارزش افزوده‌ی بالاتر (یعنی میوه‌جات، سبزیجات، محصولات لبنی، دام و ماهی) را افزایش دهند. این امر، می‌تواند فرصت‌های کارآفرینی ایجاد کند که به عملیات جدید تجارت کشاورزی و اشتغال دستمزدی برای کشاورزان، سایر روستائیان و ساکنان شهری منجر خواهد شد. زنجیره‌های ارزش کارآمد باعث کاهش هزینه‌های تجمیع، ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل و توزیع که در انتقال محصولات از مزرعه به بازار تحمیل می‌شوند، خواهند گردید. کاهش هزینه‌ها، قیمت‌های بالاتر را برای کشاورزان و قیمت‌های پایین‌تر و مقرون به صرفه‌تر را برای مصرف‌کنندگان فراهم می‌کند که برای اقشار فقیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌عنوان مثال، بهبود زیرساخت‌های

1. Value Chain

2. From Farm to Fork

3. Cold Chains

جاده می‌تواند زمان حمل‌ونقل، هزینه‌ها و ضایعات اقلام فاسد شدنی را کاهش دهد. وقتی زنجیره‌های ارزش، تلفات و ضایعات مواد غذایی را کاهش می‌دهند، نه تنها باعث کاهش حاشیه‌های بازاریابی می‌شوند، بلکه با اطمینان از عدم به‌کارگیری منابع طبیعی برای تولید مواد غذایی که هرگز مصرف نمی‌شوند، به بهبود محیط‌زیست نیز کمک می‌کنند.

زنجیره‌های ارزش حساس به تغذیه^۱ به بهبود تحویل مواد غذایی مغذی به مصرف‌کنندگان کمک می‌کنند. از آن‌جا که بسیاری از غذاهای مغذی، فاسد شدنی‌تر از غلات اصلی هستند، زنجیره‌های سرد برای اطمینان از این‌که غذا بدون پژمردگی یا پوسیدگی به دست مصرف‌کننده می‌رسد، ضروری هستند. زنجیره‌های ارزش کارآمدتر همچنین می‌توانند از طریق جلوگیری از بدتر شدن کیفیت مواد مغذی، که در برخی مواد غذایی در طول زمان یا در معرض عناصر قرار می‌گیرند، به تغذیه حساس باشند (فائو، ۲۰۲۱). بنابراین با این رویکرد، می‌توان به حمایت از کشاورزان محلی پرداخت و در مقابل با نظام فرمانروایی بر غذای جهان، نسبت به حاکمیت غذایی اقدام مؤثری را شاهد بود.

جمع‌بندی

از درون نظام سرمایه‌داری و سایر نظام‌های فکری، سیاسی و اقتصادی جهان ضمن مخالفت با "نظام (رژیم) فرمانروایی غذایی" راهبردهای متنوعی نیز ارائه شده که در این فصل به تعدادی از آنها اشاره شد. فهرستی از این راهبردهای مدیریت و مهارکننده (کنترل) نظام فرمانروایی غذایی در پیرامند شماره ۳-۱ عرضه می‌گردد.

پیرابند شماره ۳-۱: فهرست برخی از راهبردهای مقابله با نظام فرمانروایی غذایی

- ایجاد آگاهی و تحلیل عملکرد شرکت‌های بزرگ
- عزم و اراده جهانی برای حمایت از کشاورزی و غذای همه مردم
- حمایت از کشاورزی و کشاورزان خُرد
- اصلاح پارانه‌های بخش کشاورزی
- تنظیم مالیات و تعرفه‌های گمرکی در جهت حمایت از تولید داخلی
- توسعه نظام غذایی محلی:
- بهره‌گیری بیشتر از فناوری‌های نوین
- توسعه کشاورزی ارگانیک
- زراعت طبیعی بی‌هزینه
- مدیریت ضایعات
- توزیع منصفانه غذا در جهان
- نظام غذایی در حاکمیت هر محل
- نظام غذای اشتراکی
- نگرش معنوی و اخلاقی یا نظام توسعه پایدار بر پایه اخلاقیات
- نظام غذایی پایدار
- تشکیل تعاونی‌های مردمی
- به‌رسمیت شناختن کشاورزان روستایی و کشاورزی بوم‌گرا (آگرو اکولوژی)
- تشکیل خانه‌های بذر / نهضت حاکمیت بذر
- رویکرد کشاورز محور در فرایند تحقیقات و تولید علم و فناوری‌های مناسب
- آموزش کشاورزی بوم‌گرا (آگرو اکولوژی)
- تغییر و اصلاح نگرش نسبت به زمین
- مقابله با تفکر و برنامه جهانی‌سازی کشاورزی
- کاهش متصاعد شدن گازهای گلخانه‌ای
- تکیه بر نهاده‌های محلی
- تقویت اقتصاد روستایی از محل سایر فعالیت‌های غیرزراعی
- برقراری ارتباط مستقیم‌تر تولیدکنندگان با مصرف‌کنندگان
- توسعه و ترویج تنوع گیاهان زراعی بومی هر محل

فصل چهارم

رویکرد حاکمیت غذایی؛

نگاهی انسان دوستانه برای مقابله با

نظام (رژیم) استثماری

"فرمانروایی بر غذای جهانیان"

معرفی فصل

در این فصل چگونگی شکل‌گیری تفکر، مکتب و رویکرد حاکمیت غذایی ارایه می‌شود. این رویکرد کامل‌کننده رویکرد امنیت غذایی و برطرف‌کننده ضعف‌ها و زمینه‌های سوءاستفاده از آن است. بنابراین اشاره‌ای به سوابق موضوع، مفاهیم و نهاد و نهضت مردمی برای غذا که از دستاوردهای تشکل "راه و روش کشاورزان" می‌باشد به‌طور مختصر ارایه می‌گردد. گرچه در کتاب "نظام مطلوب تأمین غذای جامعه" (زمانی، ۱۴۰۱) یک فصل به این موضوع اختصاص یافته است، لکن در این جا به برخی از مباحث مربوطه دیگر اشاره می‌شود.

سابقه بحث حاکمیت غذایی

ویتمن (۲۰۱۱) در بررسی جامعی که از منابع علمی پیرامون حاکمیت غذایی انجام داد، سابقه امر را به‌طور مختصر به‌شرح زیر ارایه می‌کند: "در سال ۱۹۹۶، یک ائتلاف بین‌المللی از دهقانان، کشاورزان، زنان روستایی و جنبش‌های مردم بومی در تلاکسالا، مکزیک گرد هم آمدند تا در مورد نگرانی‌های مشترک خود نسبت به اثرات نظام رو به گسترش و فزاینده متمرکز کشاورزی-غذایی جهانی (نظام فرمانروایی بر غذای جهانیان) بر معیشت، جوامع و اکولوژی (محیط زیست) بحث کنند. این ائتلاف در سال ۱۹۹۳ به‌عنوان La Via Campesina یا "راه و روش کشاورزان" تثبیت شد. در حال حاضر یکی از بزرگترین و پر جنب و جوش‌ترین جنبش‌های اجتماعی در جهان است که بیش از ۱۴۸ سازمان در شصت‌ونه کشور در آن حضور فعال دارند. جلسه Tlaxcala، اعضای La Via Campesina یک پارادایم جایگزین به نام "حاکمیت غذایی" را به‌عنوان یک مفهوم و چارچوبی که پایه‌های نظام کشاورزی-غذایی فعلی را به چالش می‌کشد و همچنین مجموعه‌ای از جایگزین‌های مشخص با مبانی نظری قوی و توصیه‌هایی برای عمل، ارایه داد. رومان-آلاکا (۲۰۱۷) موضع‌گیری و حرف اصلی جنبش راه و روش کشاورزان را چنین نقل می‌کند:

"ما نیازمند جایگزین کردن نظام سرمایه‌داری با نظامی نو که انسان را با طبیعت هماهنگ نماید هستیم؛ نه ادامه نظام سرمایه‌داری که با الگوی رشد بی‌هدف، فقط به‌دنبال به‌دست آوردن سود بیشتر و بیشتر، جهت‌گیری و تلاش می‌کند."

از زمان کنفرانس Tlaxcala تا کنون مفهوم حاکمیت غذایی توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است. از جنبش‌های اجتماعی مردمی و بخش غیردولتی، سپس در عرصه‌های سیاست‌گذاری، به‌ویژه اجلاس جهانی غذا در سال ۲۰۰۲ در رم و نشست‌های سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های مدنی در مورد حاکمیت غذایی. در سال ۲۰۰۷، یک مجمع بین‌المللی در مورد حاکمیت غذایی در

Nyéleni، مالی برگزار شد، با حضور ۵۰۰ نماینده از هشتاد کشور و حاکمیت غذایی را به شرح زیر تعریف کردند:

"حاکمیت غذایی عبارت است از تأکید بر حق مردم به داشتن غذای سالم که از طریق اصول صحیح و منطقی بوم‌گرای پایدار و هماهنگ با فرهنگ هر محل تولید شده باشد؛ و نیز حق آن مردم بر نظام‌های کشاورزی و غذایی خود. این امر آرمان‌ها و نیازهای تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان را در مرکز توجه خود قرار داده و در جهت عکس به تقاضای بازار و شرکت‌های بزرگ بی‌توجه است. حاکمیت غذایی برای منافع و حق نسل‌های آینده دفاع کرده و بر راهبرد مقاومت و متلاشی و حذف کردن شرکت‌های مسلط فعلی و نظام فرمانروایی بر غذا فعالیت می‌کند. این رویکرد در حیطه‌های غذا، زراعت، منابع طبیعی و شیلات توصیه‌هایی ارائه کرده تا تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان هر محل مدیریت خود را بر امور خود اعمال نمایند. حاکمیت غذایی اولویت را بر اقتصاد و بازارهای محلی و ملی و توانمندی روستائیان و کشاورزی خانوادگی قرار داده و بر بهره‌گیری حفاظتی از منابع طبیعی، تولید و توزیع غذا و مصرف براساس پایداری زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی تأکید دارد. حاکمیت غذایی مشوق تجارت شفاف است که تضمین‌کننده منافع همه مردم در مهار و مدیریت غذا و تغذیه خود می‌باشد و از حقوق تولیدکنندگان در مدیریت اراضی، مالکیت، آب، بذر، دام و تنوع زیستی خود حمایت می‌کند. حاکمیت غذایی همچنین به روابط اجتماعی بدون فشار و دور از نابرابری‌های جنسیتی، نژادی، اجتماعی، اقتصادی و غیره بین مردم معتقد است." در این کنفرانس ۶ اصل مورد تأکید "جنبش راه و روش کشاورزان" به تصویب رسید که بنابر نقل رومان-الاکا (۲۰۱۷) عبارتند از:

➤ تمرکز بر غذا برای تغذیه انسان‌ها (نه برای سود و منفعت)

➤ ارج نهادن به تأمین‌کنندگان غذا

➤ محلی و بومی کردن نظام‌های غذایی

➤ مهار و مدیریت (کنترل) محلی

➤ ساخت و تولید دانش و مهارت لازم

➤ کار و هماهنگی با طبیعت

مطالعات گسترده‌ای در ابعاد مختلف روی حاکمیت غذایی توسط دانشمندان علوم سیاسی، جغرافیا، انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان، متخصصین تغذیه، آگرونومیست‌ها و آگرواکولوژیست‌ها در جریان است (ویتمن، ۲۰۱۱) و بقول کسّام (۲۰۰۹) این رویکرد به یک دیسپلین جدید علمی یا "علم نوظهور پیش‌بینی نشده"^۱ تبدیل شده است. فرور به نقل از اسلام‌زاده و مغانی (۱۳۹۵)

1. "E mergent science" (Kassam 2009),

در اهمیت و جایگاه حاکمیت غذایی اظهار می‌دارد: "بدون حاکمیت غذایی به امنیت غذایی نمی‌رسیم و بدون امنیت غذایی به توسعه پایدار نمی‌رسیم."

از دیگر کشورهایی که موضوع حاکمیت غذایی را در برنامه‌ریزی‌های توسعه خود قرار داده است کشور چین است. بررسی این امر در چین لازم است، زیرا چین اقتصاد دوم فعلی و اول آینده جهان و خود در تجارت و صادرات محصولات کشاورزی به کشورهای گوناگون و تأثیرگذاری بر اقتصاد کشاورزی جهان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. به عبارت دیگر شرکت‌های چینی که در حال حاضر در رقابت با شرکت‌های غربی و نظام فرمانروایی بر غذا فعالیت می‌کنند در آینده نزدیک جانشین آنها بوده و از خط مشی و تجربیات آنها بهره گرفته و به احتمال قوی دنباله رو سیاست‌های آنها خواهند شد. بنابراین شاید بتوان نتیجه‌گیری کرد که چین برای حمایت از کشاورزان و همچنین مصرف‌کنندگان خود و از سوی دیگر جلب احساسات جهانیان به رویکرد حاکمیت غذایی روی آورده و از توصیه‌های این رویکرد بهره می‌گیرد؛ ولی در تجارت بین‌المللی و کسب حداکثر سود از معاملات جهانی، سیاست‌های اقتصاد نئولیبرال را دنبال خواهد کرد. لین (۲۰۱۷) در واکاوی گرایش چین به پیوستن به نهضت جهانی غذا و حاکمیت غذایی معتقد است که در ۲۰۱۳ رویکرد حاکمیت غذایی به جامعه چین معرفی شد، درحالی‌که نظام‌های کشاورزی چین به تبعیت از ساختار "نظام فرمانروایی بر غذا" متمرکز شده و به بهره‌کشی و دوشیدن کشاورزان خرده پا متمرکز شده است. به نظر این محقق همچنان که دولت چین به نظام حکمرانی برای امنیت غذایی متکی بر نظام فرمانروایی غذایی معتقد و دنبال می‌کند و فضای اجتماعی را فشرده‌تر می‌نماید، اثرات برنامه حاکمیت غذایی چین مبهم و غیرشفاف خواهد ماند.

ویتمن (۲۰۱۱) مقایسه‌ای بین نظام فرمانروایی بر غذا و رویکرد حاکمیت غذایی انجام داده است که جالب و آموزنده می‌باشد، جدول شماره ۴-۱ این مقایسه را عرضه می‌دارد.

جدول شماره ۴-۱: حاکمیت غذایی: بدیلی نوظهور از نظام فرمانروایی غذایی (برگرفته از ویتمن، ۲۰۱۱)

مؤلفه‌ها	نظام فرمانروایی بر غذا	رویکرد حاکمیت غذایی
تغذیه جهانیان	دسترسی به غذا/ امنیت غذایی از طریق تمرکز بر حداکثر تولید براساس اصول مزایای نسبی و توزیع از طریق مکانیزم‌های بازار	دسترسی به غذا/ امنیت غذایی از طریق اولویت دادن به تولید محصولات کشاورزی در هر محل و حفاظت از بازارهای محلی و مقابله با دامپینگ/ غذاهای یارانه‌ای وارداتی
نقش کشاورزی در پیشبرد توسعه ملی	افزایش موازنه مثبت تجاری از طریق صادرات محصولات کشاورزی. و در نتیجه با اقتصاد موفق، برای امکانات زندگی بهتر در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری خواهد شد. (بیمارستان، مدرسه و...)	کشاورزی پایدار به‌عنوان قسمتی از انواع برنامه‌های اقتصادی از طریق اطمینان از امنیت غذایی و محیط زیست سالم امکانات زندگی را بهبود خواهد بخشید. و تجارت منصفانه رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت.
نقش فناوری در توسعه کشاورزی	افزایش تولید و بهره‌وری از طریق نوآوری علمی، پذیرش فناوری‌ها، و مدیریت بروز حاصل می‌گردد. رفع مسایل کشاورزی با رویکرد پژوهشی تفکیک موضوعات به حاصلخیزی خاک، بیماری‌شناسی، و... میسر می‌گردد.	کشاورزان باید بهره و قدرت رقابت خود را از طریق تولید محصولات متنوع، به‌کارگیری فناوری‌های بدیل، و به حداقل رساندن مصرف نهاده‌های وارداتی بالا ببرند. حل مسایل کشاورزی براساس رویکرد کلی و جامع نگر در پذیرش فناوری‌های مناسب و کشاورزی بوم‌گرا دنبال می‌شود
مباشرت و حفاظت از محیط زیست	مناطق حفاظت شده، پارک‌های ملی و ضوابط زیست‌محیطی کافی هستند، آن هم تا زمانی که به توسعه صادرات محصولات کشاورزی لطمه‌ای وارد نکنند	سیاست‌های کشاورزی و زیست‌محیطی به‌هم پیوسته‌اند و جداسدنی نیستند. کشاورزی پایدار تنوع زیستی را تقویت کرده و فضای لازم برای مناطق حفاظت شده منظور می‌دارد.

مشارکت‌کنندگان همایش حاکمیت غذایی (نایلنی) تأکید داشتند که داشتن یک چارچوب مشترک سخت است و نمی‌توان فقط یک راهکار و نسخه واحد برای رسیدن به حاکمیت غذایی برای همه جا ارایه داد. این از وظائف و مسئولیت‌های هر منطقه، ملت و جامعه‌ای است که براساس مجموعه‌ای از عوامل خاص محل خود حاکمیت غذایی خود را تعریف کنند (اسشیوانی، ۲۰۰۹).

"نهضت مردمی برای غذا" در مقابله با "نظام فرمانروایی بر غذای جهان"

شرکت‌های بزرگ غذایی، اکثراً آمریکایی و برخی با ظاهری موجه و با سهیم کردن افراد با نفوذ محلی به‌عنوان شرکت‌های فراملیتی تحت فرمان و تأثیر مکتب فکری نئولیبرالیزم، مهار و مدیریت شرکت غذای جهان را در دست دارند. با موضع‌گیری‌ها و انتقاداتی که علیه آنها شده است احساس خطر کرده و اصلاحاتی را به‌عنوان مکتب اصلاحات مطرح کرده‌اند تا از شدت مخالفت‌ها بکاهند.

در مقابل این جریان مسلط نهضت‌هایی شکل گرفته که در این بخش به شرح هردو جریان پرداخته می‌شود.

بنابر تعریف‌هالتزجیمینز و شاتوک (۲۰۱۱) "نظام و رژیم فرمانروایی و متحد غذایی" عبارت است از: ترکیبی از اقتصاد سیاسی، زیست بوم سیاسی و تجزیه و تحلیل‌های گذشته نگر برای تشریح روابط خاص از تولید و مصرف غذا که محور فعالیت‌ها و پویایی نظام سرمایه‌داری جهانی می‌باشد؛ و به‌طور خلاصه فرمانروایی بر تولید تا مصرف مواد غذایی در مقیاس جهانی. این مفاهیم در قالب نظریه رژیم غذایی^۱ بین فعالان علم غذا از دیسپلین‌های مختلف علمی مورد توجه قرار گرفته است. نویسندگان فوق سیر تاریخی این فرمانروایی بر غذای جهان را به سه دوره تاریخی یا نسل تقسیم کرده‌اند؛ ویژگی‌های هر دوره به‌طور مختصر عبارتند از:

۱) نسل اول فرمانروایی جهانی بر غذا (۱۹۳۰-۱۸۷۰)؛ در این دوره غذا و مواد خام ارزان از مناطق معتدل و گرمسیری جهان به اروپای صنعتی سرازیر شده و از برخی ایالات متحده نیز گندم و گوشت برای اروپا و بسته‌های تغذیه‌ای برای کارگران صنعتی تأمین می‌شد.

۲) نسل دوم حکومت و فرمانروایی غذایی (۱۹۷۰-۱۹۵۰)؛ در این دوره عرضه غذا برعکس شده و از کشورهای برخوردار و به اصطلاح شمال به سمت کشورهای در حال توسعه و مشهور به جنوب جریان یافت. این دوره با انقلاب سبز تعریف شده و با صنعتی کردن کشاورزی، مصرف بذره‌های اصلاح شده پُر تولید و به‌کارگیری ماشین‌های کشاورزی، مصرف سنگین کودهای شیمیایی و سموم گیاهی همراه بوده است. از نتایج این دوره نقدهای بسیاری نگاشته شده است، از جمله: تضعیف کشاورزان روستایی و تقویت صاحبان اراضی بزرگ و قدرتمند (در این دوره تعداد مزارع در ایالات متحده از ۷ میلیون در ۱۹۳۵ به ۲/۱ میلیون در ۱۹۹۷ رسیده است)، نتایج اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این دوره و خارج شدن کشاورزان از روستاها و یا بخش کشاورزی مورد بررسی‌های عمیقی قرار گرفته و از سوی دیگر انسجام و قدرت "نظام فرمانروایی بر غذا" را به‌شدت افزایش داده بنحوی که این نظام فرمانروایی افزون بر بخش کشاورزی و محیط زیست در امور مختلف اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی کشورها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مداخله کرده است.

۳) نسل سوم فرمانروایی نظام غذایی از سال‌های ۱۹۷۰ تا کنون؛ این دوره به دوره گسترش تفکر سرمایه‌داری نئولیبرال اختصاص دارد. شوک‌های اقتصادی جهانی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ موجب شد که سازمان‌ها، تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهای جهانی شکل گیرد که در ریل‌گذاری، تعیین اهداف، سیاست‌ها، نظام مدیریتی و نظارتی آنها شرکت‌های بزرگ و صاحبان نفوذ

آمریکایی تعیین‌کننده و تصمیم‌ساز بوده‌اند. این جریان دولت‌های محلی را منفعل و ناگزیر به تسلیم و پذیرش ضوابط تعیین شده توسط "نظام فرمانروایی غذایی" کرده است.

از ویژگی‌های بارز و در جریان این دوره می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

- ✓ قدرت و سود کلان بی‌سابقه این شرکت‌ها با تسلط انحصاری بر چرخه کشاورزی-غذایی جهان،
- ✓ جهانی کردن چرخه عرضه پروتئین حیوانی،
- ✓ رشد رابطه بین منابع سوختی با غذا،
- ✓ توسعه فروشگاه‌های بزرگ (مارکت، سوپر مارکت، هایپر مارکت، شهر... و...)،
- ✓ گسترش تفکر بازارآزاد در تجارت غذایی جهانی؛
- ✓ و در مقابل مخالفت‌ها و رشد نهضت‌های جهانی علیه این نظام مافیایی فرمانروایی غذایی جهانی.

نشست‌های سازمان و "نهضت راه و روش کشاورزان"

این سازمان در ماه مه سال ۱۹۹۳ در مونس بلژیک به‌عنوان سازمانی جهانی تأسیس شد. کنفرانس‌های بین‌المللی آن هر چهار سال یک بار تشکیل می‌شود؛ و تا به امروز در تالاکسکالای مکزیک در ۱۹۶۶، در بنگلور هند در سال ۲۰۰۰، در سائوپولوی برزیل در سال ۲۰۰۴، در مپوتوی موزامبیک در سال ۲۰۰۸، در جاکارتای اندونزی در ۲۰۱۳، و در ویتوریای باسک در سال ۲۰۱۷ با هدف تقویت همبستگی و اتحاد میان خرده کشاورزان تشکیل جلسه داده است. این جنبش، حاکمیت غذایی را بر پایه شش اصل بنا کرد (Altieri, 2009) که در شروع همین فصل به آنها اشاره گردید.

حاکمیت غذایی از کشاورزی پایدار مبتنی بر مدل‌های زراعی دهقانی و خانوادگی که منابع محلی را در هماهنگی با فرهنگ و سنت‌های محلی استفاده می‌نماید، حمایت می‌کند و به‌دنبال تولید کالاها برای مصرف خانوادگی و بازارهای داخلی است. (Pimbert, 2009) در این چارچوب در کنار حق اساسی برای غذا، کشاورزی باید بر تولید محلی برای مصرف محلی تمرکز کند و دسترسی بهتری به زمین، آب، بذر، دام، شیلات و تنوع زیستی برای خرده کشاورزان و افراد فاقد زمین فراهم گردد. منابع مشترکی نظیر آب باید به‌عنوان کالاهای عمومی در نظر گرفته شده و به‌طور عادلانه و پایدار توزیع گردد. علاوه بر این، کشاورزان باید از حق ثبت اختراعات در مورد بذرها، نژادهای دامی و ژن‌ها محافظت شوند (Altieri & Toledo, 2011).

اهداف حاکمیت غذایی

با وجود اینکه تعریف و سیاست‌های حاکمیت غذایی همچنان در حال تکمیل شدن است، موضوعات زیر را می‌توان به‌عنوان اهداف اصلی حاکمیت غذایی جمع‌بندی کرد. کمیته بین‌المللی برنامه‌ریزی برای حاکمیت غذا (IPC) خلاصه‌ای از اهداف این جنبش را به‌صورت زیر بیان کرده است:

- در کنار حق اساسی غذا، تولید محصولات کشاورزی باید برای تولید محلی و برای مصرف محلی متمرکز باشد.
- کشاورزان خرده مالک دارای مزرعه‌های کوچک و افراد بی‌زمین باید دسترسی بهتری به زمین، آب، بذر و دام داشته باشند.
- کشاورزان باید از امتیاز انحصاری بذرها، نژادهای دام و ژن‌ها برخوردار شوند انحصار شرکت‌های بزرگ کشاورزی باید از بین برود.
- منابع مشترک مانند آب، کالا عمومی و غیرقابل جانشین است و باید عادلانه و پایدار توزیع و استفاده شود.
- در مورد اصلاحات کشاورزی، توزیع زمین باید به نحو عادلانه باشد.
- کشاورزان خرده مالک باید مجاز به تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه بذری را می‌کارند و چگونه و به چه کسی محصول خود را می‌فروشند باشد.
- بخشی از این تلاش‌ها شامل حق کشورها برای محافظت از خود در برابر واردات ارزان‌قیمت محصولات کشاورزی و غذایی و همچنین حذف همه انواع دامپینگ (شکستن قیمت‌ها) خواهد بود. به عبارت دیگر، کشورها باید مجاز به استفاده از حق وضع مالیات بر واردات کالاهای بیش از حد ارزان باشند.
- علاوه بر این، کشاورزان و به‌طور خاص کشاورزان زن، برای مشارکت در تصمیم‌گیری سیاست‌های محلی کشاورزی، به آزادی‌های بیشتری نیاز دارند.
- براساس این جنبش، این اهداف می‌توانند از طریق روش‌های کشاورزی زراعی (اگرواکولوژی) محقق شوند که پتانسیل دستیابی به معیشت پایدار و حفظ محیط زیست را فراهم می‌کنند. پیشنهاد‌های اساسی مطرح شده، نشان‌دهنده ماهیت خاص تقاضا برای حاکمیت غذاست که به مردم نشان می‌دهد چگونه در زندگی انتخاب کنند، چه چیزی را برای تولید و مصرف خود انتخاب کنند و چگونه یک جهان عادلانه‌تر، برابرتر و دموکراتیک‌تر بسازند.

سابقه بروز تفکر حاکمیت غذایی

والانته و مونتس (۲۰۱۶) اظهار می‌دارند که از پایان جنگ جهانی دوم یک درگیری و مشاجره بین دو دیدگاه و تفکر در زمینه امنیت غذا و تغذیه در جریان بوده است. اولین دیدگاه نماینده کشورهای صنعتی و صادرکننده می‌باشد که مدعی است که ناامنی غذایی و سوءتغذیه را می‌توان به‌طور کامل با یک نظام بین‌المللی تجارت غذا مرتفع کرد؛ با این شرط که باید تضمین لازم و شرایط محیطی برای سرمایه‌گذاران فراهم گردد - همانگونه که به‌طور شفاف در مذاکرات و "تفاهم‌نامه کشورهای صنعتی گروه ۷ پیرامون امنیت غذا و تغذیه در آفریقا" آمده است ولی دومین دیدگاه تأکید عمده را بر این اصل قرار داده که همه انسان‌ها باید دسترسی پایداری به انواع غذاها با ویژگی‌های زیر داشته باشند: به‌طور مستقیم خود به‌دست آورند (از راه تولید یا خرید)، از طریق بازارهای محلی، با ارتباط با تولیدکنندگان خرد، در محیط ملی یا بین‌المللی، با ضوابط منافع ملی، بر طبق اصول و چارچوب حاکمیت غذایی و تبعیت و منعکس‌کننده ضوابط ملی و بین‌المللی که برای نهادها و دولت‌ها ترسیم شده است.

گفتمان‌های پشتیبان فکری

هالتز جیمینز و شاتوک (۲۰۱۱) چهار گفتمان و جریان را (دو مورد پیرامون 'نظام فرمانروایی غذایی جهان'؛ و دو مورد مربوط به 'نهضت غذا' برای مقابله با جریان قبل) معرفی کرده و هر کدام را به‌طور مشروح تحلیل نموده‌اند که خوانندگان را به مطالعه اصل مقاله توصیه می‌کنم؛ ولی این گفتمان‌ها به‌طور خلاصه عبارتند از:

۱) گفتمان نئولیبرال^۱

با هیمنه و هژمونی، متکی بر پیشینه فکری و اقتصادی، بازار پایه، فعال بر مدیریت شرکت‌های انحصاری غذایی و با حمایت و زیر نظر مؤسساتی مانند وزارت کشاورزی آمریکا، سازمان سیاست‌گذاری کشاورزی مشترک (زیر نظر اتحادیه اروپا)، سازمان جهانی تجارت، بخش‌های خصوصی که بازوی بانک جهانی هستند و سازمان اعتبار پولی بین‌المللی.

۲) گفتمان اصلاحات^۲

این گفتمان در حقیقت زیر مجموعه گفتمان قبلی یعنی گفتمان نئولیبرال ولی با ظاهری متفاوت و بشردوستانه می‌باشد؛ با مدیریت‌های ضعیف‌تر در همان سازمان‌ها عمل می‌کند (فائو به نمایندگی از سازمان ملل، گروه مشورتی تحقیقات کشاورزی بین‌المللی CGIAR و...). رسالت اصلی گفتمان

1. Neoliberal

2. Reformist

اصلاحات تسکین دادن و آرام کردن تحرک‌های اجتماعی علیه "نظام فرمانروایی غذایی" و با ظاهری موجه به طرفداری از محیط زیست ولی ادامه همان روند نئولیبرالی برای تجدید قوا و ادامه نظام فرمانروایی غذایی. این گفتمان توصیه‌هایی با نیت سوپاپ اطمینان ارایه می‌کند؛ مانند: توصیه‌های بهداشتی و سلامتی غذایی، بازار رسانی بهتر مواد غذایی و غیره. از راهبردهای جالب جاری این گفتمان "امنیت غذایی" است که مستمسک جریان‌های مختلف قرار گرفته است. پیرامون آن و چگونگی سوءاستفاده از یک واژه ظاهراً ارزشی قبلاً شرح مفصلی ارایه شده است. در یک جمله: تلاش اصلاحات رفع مشکلات و گرسنگی به‌طور ریشه‌ای نبوده بلکه بر توزیع سرریز تولیدات غذای اضافی نظام سرمایه‌داری برای فقرا و گرسنگان جهان در قالب برنامه‌های به‌ظاهر بشردوستانه با منابع بنیادهای خیریه سرمایه‌داری و فشار سیاسی بر دولت‌های دست‌نشانده کشورهای فقیر برای تأمین هزینه‌ها بوده است.

این دو گفتمان هر دو ریشه در قدرت کشورهای جی ۸، شرکت‌های انحصاری بزرگ و مؤسسات و بنیادهای ظاهراً انسان دوستانه دارند.

۳) گفتمان ترقی خواه^۱

گفتمان ترقی خواه و گفتمان تحول اساسی هردو نشأت گرفته از "نهضت غذایی جهانی" می‌باشند. در گفتمان ترقی خواه که اساساً از سال‌های ۱۹۲۰ میلادی در واکنش به نظام سرمایه‌داری و صنعتی آغاز شد، سعی بر این است که رویکردهایی را در نظام سرمایه‌داری غذایی موجود مانند موارد زیر ایجاد و یا تزریق کند: راهبرد پایداری در کشاورزی و محیط زیست، کشاورزی زیست‌بوم‌گرا، کشاورزی ارگانیک، شبکه محلی کشاورز- مصرف‌کننده، حمایت از کشاورزی خانوادگی و ترویج غذای خوب سالم و اقتصادی برای همه. این موضعگیری‌ها با شعارها و ارزش‌هایی مانند حق غذا برای همه، عدالت غذایی (برای گروه‌های ضعیف اجتماعی، جنسیتی، گروه‌های اقتصادی-اجتماعی)، رفاه و جذابیت مواد خوراکی، کیفیت غذا، اعتبار و اعتماد به مواد خوراکی عرضه شده.

این گفتمان به سرعت نشر یافته و بیشتر در کشورهای به اصطلاح شمال بین کشاورزان واقعی روستایی ضعیف شده برای رفع ظلم و تحمیل‌های سیاسی و اقتصادی در جهت قدرتمند شدن با خودباوری و خوداحترامی و سازماندهی نهادهای اجتماعی دنبال می‌شود؛ جوانان روستایی آمریکایی و سازمان‌های مردم نهاد (NGOs) از این گفتمان دفاع می‌کنند. از برنامه‌های این گفتمان می‌توان به بازارهای عرضه محصولات به‌طور مستقیم توسط کشاورزان، حمایت و پشتیبانی محلی و اجتماعی از کشاورزی و غیره نام برد.

هالتز جیمینز و همکاران (۲۰۱۲) گفتار زیبایی از یک کشاورز فعال سیاسی نقل می‌کنند که گویای مفاهیم عمیقی است: ما جزایری از غذای خوب و محله‌های اجتماعی خوب در دریایی از خبرهای بد هستیم.^۱

۴) گفتمان تحول اساسی^۲

این گفتمان بر تغییر اساسی در نظام غذایی و حقوق واقعی جریانات مرتبط (تولیدکننده و مصرف‌کننده) تأکید دارد؛ اصلاح اساسی در ساختارهای بازار و مالکیت‌ها، توزیع عادلانه و ضروری زمین و آب و نهاده‌ها در قالب تفکر حاکمیت غذایی مفهومی که توسط نهضت جهانی راه کشاورزان مطرح شده است از محورهای اساسی این گفتمان است (حاکمیت غذایی به معنی حق همگان بر تعیین کشاورزی و غذای خود). توجه و تمرکز حاکمیت غذایی بر تفکراتی مانند ضد امپریالیستی، ضد اتحادیه‌های شرکت‌های بزرگ، ضد سرمایه‌داری بودن شکل گرفته است. طرفداران این گفتمان معتقدند که همانگونه که نظام سرمایه‌داری و نئولیبرال تمام شئون اجتماعی را هدف قرارداده است برای مقابله با آنها نیز باید تغییرات و تحولات اساسی در تمام ارکان اجتماعی بوجود آید. این جریان برعکس گفتمان ترقی خواه که بر کشاورزان روستایی تکیه دارد بر حرکت کل اجتماع نظر افکنده است. تفکر این گفتمان بر استحقاق و توزیع دوباره ثروت و قدرت در نظام غذایی متمرکز بوده؛ و معتقد است که پدیده گرسنگی در جهان نتیجه ضعیف بودن میزان تولید، بیکاری، مزد کم و توزیع ناکافی نیست بلکه این پدیده حاصل نابرابری‌ها در عوامل تولید و فراوری و عرضه می‌باشد. گفتمان ترقی خواه بیشترین تأکید بر عملیات زراعی برای بهبود وضعیت و رقابت در تولید و عرضه محصولات کشاورزی با نظام معمول و صنعتی دارد؛ درحالی که گفتمان تحول اساسی توسل به راهبردهای سیاسی و دفاع از کشاورزان روستایی و خرده پا روی آورده است.

گرچه رویکرد امنیت غذایی بر حق مردم به دسترسی به غذا تأکید دارد، این گفتمان و حاکمیت غذایی بر حق مردم بر تمام ارکان و ابعاد غذا تأکید دارد. حق تصمیم‌گیری بر نوع و میزان تولید تا نحوه فراوری، توزیع و مصرف. محور اصلی این گفتمان رویکرد و نهضت راه کشاورزان می‌باشد که توسط ۱۴۸ تشکل و سازمان مستقل از ۶۹ کشور دنبال می‌شود.

همانگونه که گفتمان‌های نئولیبرال و اصلاحات دو روی یک سکه نظام فرمانروایی غذایی هستند، دو گفتمان ترقی خواه و تحول اساسی نیز دو روی سکه نهضت غذایی می‌باشند.

نویسندگان فوق پس از تحلیل مفصل از شرایط و سناریوهای مختلف پیش رو، جمع‌بندی کرده و نتیجه‌گیری‌های ارزنده‌ای را ارایه می‌دهند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1. 'We are islands of good food and good community in a sea of bad news'

2. Radical

- بحران غذا به‌طور آرام و خزنده در درون نظام فرمانروایی غذایی پیش می‌رود
- همچنان که بحران‌های غذا، سوخت و انرژی، تغییر اقلیم و امور مالی-اقتصادی روبه‌روز شدیدتر می‌شود، تضاد بین نظام فرمانروایی غذایی با نهضت و حرکت‌های مردمی برای غذا عمیق و عمیق‌تر خواهد شد؛ به عبارت دیگر جریان‌ات اصلاحات، ترقی خواه و سیاست‌های نئولیبرال‌ها نخواهند توانست تضاد را کاهش دهد.
- بحران غذا در جهان موجب تضعیف گفتمان نئولیبرالی شده و اصلاحات این گفتمان را ضعیف نشان داده است، و از سوی دیگر نهضت‌های فراوانی را در جهان شکل داده است که رو به رشد بوده و در حال به چالش کشیدن پایگاه‌های به‌ظاهر قانونی و هیبت و هژمونی نظام فرمانروایی غذایی می‌باشند.
- بدور از تغییر و تحول عمیق، آن نظام چرخه لیبرالی - اصلاحات خود را ادامه خواهد داد، و در نتیجه جهان را با بحران شدیدتر غذا مواجه خواهد کرد.
- برای پایان دادن به گرسنگی باید عملیات زراعی، ضوابط و دستورالعمل‌ها و سازمان‌های تصمیم گیرنده جهانی (نسبت به نظام‌های غذایی جهانی) همگی باید متحول شده و تغییر کنند. این به معنی تغییر رژیم و نظام فرمانروایی غذایی جهانی است.
- نهضت ضد رژیم فرمانروایی غذایی در سراسر جهان با تحمل فشار و با مشقات فراوان تجلی پیدا می‌کند؛ همانند "شکستن و خروج گیاهان از شکاف‌های آسفالت".
- گفتمان ترقی خواه با داشتن انرژی فراوان، خلاقیت و تنوع فعالیت می‌تواند فقط در سطح کوچک محلی و روی مسئله‌ای خاص مؤثر واقع شود ولی برای ایجاد تحول در نظام غذایی ناتوان خواهد بود.
- جدایی و ایجاد فاصله بین فعالان نهضت غذایی در سیاست‌ها (رهبری جریان‌ات) و راهبردها به وضوح قابل مشاهده است، برخی برای کمک رسانی غذایی فوری به گرسنگان تلاش می‌کنند، درحالی‌که گروهی دیگر در تلاشند با تغییر ساختاری گرسنگی را از ریشه برطرف کرده و از آن پیشگیری کنند.
- برای دگرگونی در نظام فرمانروایی غذایی نیاز به حرکت زیربنایی و تغییر موضع اساسی از محاط بودن جامعه در نظام اقتصادی بازار به محاط کردن نظام اقتصادی بازار در جامعه‌های انسانی می‌باشد.
- نهایتاً حل بحران غذا در جهان نیازمند کوشش همه‌جانبه برای تغییر بنیانی نظام فرمانروایی غذایی می‌باشد.

فصل پنجم

حاکمیت غذایی و مواضع ملی

معرفی فصل

برای ترویج تفکر حاکمیت غذایی و نهادینه کردن آن لازم است شناختی از وضعیت موجود حاکمیت بر کشاورزی و غذایی در کشور داشت و ضمن توجه به مبانی فکری و تجربیات جهانی به شرایط فعلی و آرمان‌های ملی توجه نمود. برای تبیین و رصد جایگاه حاکمیت بر کشاورزی و غذایی کشور که اساس برنامه‌ریزی برای ارتقای این رویکرد که مفاهیم آن در قانون اساسی و سایر سندهای بالادستی بوضوح آمده است باید شاخصی علمی و معتبر طراحی می‌شد. در راستای این اهداف در این فصل، ضمن معرفی ۴ روش ابداعی سنجش حاکمیت غذایی، زمینه و عناصری از شاخص حاکمیت غذایی و نتایج بررسی‌های میدانی برای توجه به وضعیت حاکمیت بر کشاورزی و غذای کشور عرضه می‌گردد. شایسته است دانش‌پژوهان به این امر برای اصلاح و توسعه روش‌ها و شاخص‌های ارایه شده اهتمام جدی مبذول نمایند.

مفاهیمی از حاکمیت کشاورزی و غذایی

حاکمیت غذایی را می‌توان در سطوح زیر مورد بررسی قرارداد:

الف- در سطح فردی؛ که هر انسانی برحسب نیاز فیزیولوژیکی، امکانات، طبع و خواست خویش بتواند نوع، کمیت، کیفیت و شرایط تهیه و مصرف غذای خویش را تعیین نماید.

ب- در سطح خانوادگی؛ افراد در محیط خانواده ممکن است سلاقی مختلفی در انتخاب و شرایط مصرف غذا داشته باشند، ولی چون با هم زندگی می‌کنند ناگزیرند با یکدیگر هماهنگ و از وضعیت غالب تبعیت کنند.

ج- در سطح جامعه محلی؛ هر شهر و هر قوم، آداب و رسوم خاصی دارند و برای نوع و چگونگی تهیه غذا برنامه مشخصی را دنبال می‌کنند.

د- در سطح ملی؛ فرهنگ کلان کشور که فرهنگی ایرانی-اسلامی است و در بر دارنده اصول و رسومی است که طی زمان‌های طولانی تجربه و با شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی سازگار شده است. و در این نوشتار محور اصلی بحث حول حاکمیت غذایی در سطح ملی می‌چرخد (گرچه تتبّع در هر یک از سطوح دیگر لازم و جذاب می‌باشد و بایستی در فرصتی دیگر مورد توجه قرار گیرد).
* گونه دیگری از مطالعه پیرامون حاکمیت غذایی می‌تواند برحسب نوع محصولات و منابع اولیه تهیه غذا شکل بگیرد؛ و از این بابت می‌توان گونه‌های زیر را داشت:

❖ حاکمیت فقط بر مواد اولیه و محصولات غذایی راهبردی؛ مانند نان و گندم، برنج، گوشت قرمز،

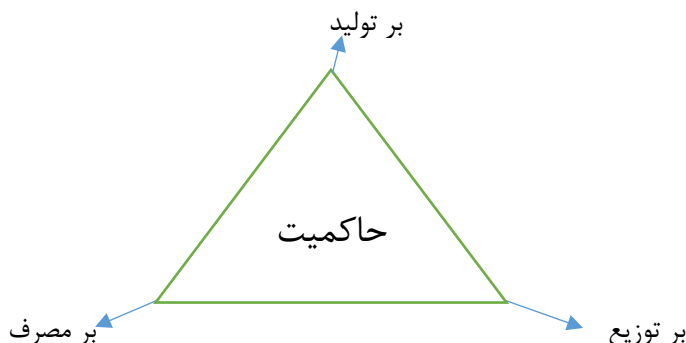
مرغ و تخم‌مرغ، روغن خوراکی، سیب‌زمینی و مانند این‌ها

- ❖ حاکمیت موردی؛ مانند حاکمیت نسبت به محصولات تراریخته و غیر آن؛ ندادن مجوز به واردات برخی محصولات و یا غذاهایی که بار ارزشی و نماد فرهنگی مطرود دارند.
 - ❖ حاکمیت کامل و جامع؛ که تمام محصولات، منابع و نهاده‌های تولید، فرایند فرآوری و تبدیل و عرضه، و شرایط و سبک مصرف را در بر می‌گیرد.
- در تبیین وضعیت حاکمیت غذایی در ایران و ارایه راهبرد و راهکارهای عملی از الگوی "رها" (زمانی، ۱۴۰۰) استفاده و چهار مؤلفه این الگو به شرح زیر دنبال می‌گردد:
- الف- واکاوی شرایط و وضعیت موجود
 - ب- ریشه‌یابی مسایل و عوامل مؤثر
 - ج- تشخیص راهبردهای مطرح برای بهبود شرایط
 - د- تعیین راهکارهای عملی و الزامات اجرایی کردن راهبرد(های) برگزیده

شرح مختصری از حاکمیت بر غذا و کشاورزی در سطح ملی

الف: شرایط و وضعیت موجود

حاکمیت غذایی را باید در چرخه از تولید تا مصرف مورد مطالعه قرارداد، و به‌طور محدود و مشخص‌تر لازم است حاکمیت غذایی در سه ضلع تولید - توزیع - مصرف کنکاش شود (نمودار شماره ۵ - ۱). در ادامه سر فصل موضوعات عمده‌ای که در هر یک از مؤلفه‌های حاکمیت غذایی و کشاورزی وجود دارند، به آنها اشاره می‌شود:



نمودار شماره ۵-۱: رابطه سه مؤلفه اصلی در حاکمیت غذایی

۱- مؤلفه تولید: چند مورد از حاکمیت بر عوامل تولید:

➤ حاکمیت بر آب: آب کشاورزی به‌عنوان نوعی از انفال در اختیار دولت است؛ حفر چاه (مجاز ولی غیرعلمی و ناصواب و غیرمجاز فراوان) و قوانین متنوع مربوطه؛ بهره‌برداری از آبهای جاری؛ سهم محیط زیست و دریاچه‌ها؛ دیپلماسی آب و آبهای مرزی و مشترک با دیگر کشورها و... مدیریت بر استحصال آب و توزیع و مصرف آن، قیمت‌گذاری و دریافت حقآبه (مهار و مدیریت نصب کنتور و روش‌های دیگر)

➤ حاکمیت بر اراضی کشاورزی: امور اراضی، اصلاحات ارضی، ارث و خُرد شدن واحدهای زراعی، چگونگی یکپارچه‌سازی اراضی، روستائیان بی‌زمین، واحدهای زراعی غیراقتصادی (کمتر از یک هکتار و...) ولی تأمین‌کننده اشتغال و معاش جمعیت زیادی، تغییر کاربری و واگذاری زمین‌های منابع طبیعی، تجاوز به مراتع و جنگل‌ها، حاکمیت و حقوق عشایر بر زمین‌های مرتعی ییلاق و قشلاق؛ فرسایش‌های خاکی و مسئولیت حاکمیتی

➤ حاکمیت بر نهاده‌ها: حاکمیت بر تولید و یا تأمین بذر، کود، سموم، ماشین‌ها و... جوجه، داروها، مواد شیمیایی، واکسن‌ها و... فرایند و بوروکراسی پیچیده تولید تا صدور مجوز توزیع بذر

اصلاح شده؛ نبود قرنطینه و آزمایشگاه در ورودی بذور از خارج، ضعف قانون و عدم اجرای کامل و صحیح قوانین

➤ حاکمیت بر اعتبارات و حمایت‌های دولتی: یارانه‌های تولید و یا مصرف؛ بیمه‌ها؛ وام و اعتبارات و سودهای سنگین بانکی؛ دلالت و پیش خرید کردن محصولات...؛ تعهدات و محدودیت‌های بین‌المللی در حمایت از بخش کشاورزی.

۲- مؤلفه توزیع و تجارت: چند مورد از حاکمیت بر توزیع:

➤ حاکمیت و ضوابط واردات: تعرفه‌های واردات (تعهد به سند ۲۰۳۰ و لزوم و اثرات حذف تعرفه‌های گمرکی واردات)؛ قاچاق واردات؛ واردات محصولات غذایی و کشاورزی لوکس غیرراهبردی (موز، سیب فرانسوی، خوراک‌های آماده انسانی و برای سگ و گربه و...)، دامپینگ

➤ حاکمیت و ضوابط صادرات: قاچاق دام و سایر تولیدات داخلی، تولید محصولات راهبردی یا محصولات صادراتی با ارزش‌های افزوده بالا (آب بر)

➤ حاکمیت بر میادین عرضه محصولات کشاورزی: مهار و مدیریت (کنترل) میزان عرضه، ایجاد کمبود تصنعی، اجحاف در تعیین قیمت، احتکار و...

➤ حاکمیت بر رعایت سلامتی فراورده‌های غذایی توسط کارگاه‌ها و کارخانجات: میزان افزودنی‌ها، صحت محتوا و ترکیبات ادعا شده و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی

➤ حاکمیت بر توزیع عادلانه در مناطق مختلف و محروم: روستاها و مناطق عشایری

➤ حاکمیت و بلای پنهان اقتصاد لیبرال: شرکت‌های زنجیره‌ای، رشد غیرقابل کنترل فروشگاه‌های بزرگ (از بقالی به مارکت، سوپر مارکت، هایپرمارکت، مال و شهر و یا غول‌های بازاری و دست اندازی به کل چرخه از تولید تا مصرف)

➤ حاکمیت و یارانه‌ها: یارانه نان، شیر، انرژی، و...

۳- مؤلفه مصرف: چند مورد از حاکمیت در مصرف مواد غذایی:

➤ حاکمیت بر تهیه و مصرف غذا براساس فرهنگ هر محل

➤ حاکمیت بر آداب غذا خوردن بر مبنای دستورات دینی

➤ حاکمیت بر محل‌های عرضه و مصرف غذا

➤ حاکمیت بر زمان‌های مصرف غذا

➤ حاکمیت بر انتخاب مواد غذایی متناسب با اقلیم و خرده فرهنگ‌ها

➤ حاکمیت بر مصرف تنقلات، میوه‌ها، خشکبار و غیره

نکته: مردم هر محل و منطقه الگوی غذایی و سبک مصرف خاص خود را دارند که طی سال‌ها در کنش و واکنش‌های اجتماعی-اقلیمی سازگار شده است. مردم منطقه‌ای به غذاهای تند، مردم منطقه دیگری به غذاهای چرب یا ترش یا شیرین عادت کرده و ترجیح می‌دهند. برخی از مردم به گوشت قرمز، گروه دیگری به گوشت ماهی یا مرغ و گروه دیگر به حبوبات عادت کرده و سازگار شده‌اند. در جامعه‌شناسی این تنوع در غذا و نوع مصرف را سرمایه فرهنگی هر قوم تلقی کرده و برای آن ارزش قایل هستند. حفظ و پایداری سبک‌های غذایی سالم و تجربه شده از مسئولیت‌های نهادهای اجتماعی است و گویای حاکمیت مردم هر منطقه بر امور خود.

ب: ریشه‌یابی مسایل؛ حاکمیت بر کشاورزی و غذا در ایران تحت چه شرایطی است؟

فرهنگ پرشتاب سرمایه‌داری، با زرق و برق‌های بسیار جذاب و خیره‌کننده عرصه را بر حاکمیت غذایی تنگ کرده و آنرا در گوشه رینگ مورد ضربات سهمگین خود قرار داده است. از سوی دیگر ضعف‌ها و موانع داخلی فرایند فوق را تشدید کرده و وضعیت را غیرقابل تغییر می‌نمایاند. فهرستی از این ضعف‌ها، موانع، مقاومت‌ها، یا مخالفت‌های با حاکمیت غذایی در پیرایند شماره ۵-۱ ارایه می‌گردد. از سوی دیگر روحیه و فرهنگ اسلامی انقلابی مردم خواهان مقاومت و استقلال بوده و در مقابل عوامل مذکور در این پیرایند ایستادگی نموده‌اند.

پیرایند شماره ۵-۱: فهرستی از موانع حاکمیت غذایی در ایران

- (۱) استیلای فرهنگ سرمایه‌داری لیبرال
- (۲) غلبه آموزه‌های نئولیبرالیسم بر رفتار مردم به‌ویژه جوانان
- (۳) گسترش فرهنگ اشرافیگری؛ مصرف‌گرایی؛ غرب‌زدگی، رفاه‌زدگی و..
- (۴) فعال بودن نظام واسطه‌گری و دلالتی در عرضه محصولات کشاورزی
- (۵) قدرت مافیای واردات محصولات کشاورزی و غذایی و همچنین انحصار واردات نهاده‌ها
- (۶) ضعف اخلاق حرفه‌ای بین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و فراآوری‌کنندگان
- (۷) نفوذ و لابی بازیگران بازار در تصمیم‌سازان و سیاست‌گزاران
- (۸) وجود زمینه‌های فساد (رشوه، رابطه بازی، رانت و غیره) در اکثر کارگزاران
- (۹) فعال شدن و سیطره شرکت‌های زنجیره‌ای بر عرضه غذا
- (۱۰) نبود عزم ملی به حمایت از تولیدات داخلی
- (۱۱) و....

ج: راهبردهای مطرح و مؤثر

برای هر یک از موارد پیرایند شماره ۱-۵، یعنی موانع برسر راه حاکمیت غذایی کشور می‌توان شرحی مبسوط ارائه کرد که از حوصله این نوشتار خارج است؛ لکن برای مهار و مدیریت (کنترل) آنها راهبرد و راهکارهای عملی که باید طراحی و اجرایی شود، به‌طور اجمال اشاره می‌گردد:

(۱) نظام سرمایه‌داری به‌طور جامع و همه‌جانبه برای اکثر دانش‌پژوهان و سیاستگذاران ما تبیین نشده است و این نظام سعی کرده است که مخالفین خود را در دنیا کمونیست یا حداقل سوسیالیست معرفی کرده و با این ترفند مارک زنی آنان را زشت جلوه داده و از صحنه خارج و منزوی کند. اسلام مکتبی است که نظام اقتصادی پاسخگو دارد؛ لکن بایستی از منابع غنی آن راهبردهای مؤثر را استخراج کرده، مدون نمود و به جامعه معرفی کرد.

(۲) مکتب لیبرالیسم با تزئینات و تبلیغات فراوان بسیار جذاب جلوه کرده و مورد پذیرش نوجوانان (تجددطلب‌های) دنیا قرار گرفته است. کارآمدی این مکتب و نظام سرمایه‌داری در کشورهای مسلط و برخوردار موجب جلب توجه روشنفکرانهای ظاهربین کشورهای ضعیف شده و در آنها امیدی ایجاد کرده که با الگوگیری از غرب، آنها هم به پیشرفت و رفاه برسند؛ غافل از اینکه این جریانات در دست مستکبرین مدیریت شده و کشورهای دیگر را همچنان به وابستگی فکری و اقتصادی محکم‌تر می‌نمایند.

(۳) از مظاهر سرمایه‌داری لیبرال مصرف‌گرایی است که برای کشور تولیدکننده کالا رشد در پی دارد، ولی برای کشور ضعیف واردکننده، بیچارگی مضاعف و درماندگی مزمن به‌دنبال خواهد داشت. در اشرافیگری اگر فرد خود برخوردار از امکانات لازم باشد ضمن مبتلا شدن به فسادهای گوناگون بر دیگران هم اثر می‌گذارد و اگر خود متمدن و صاحب امکانات نباشد و بخواهد ادای اشرافیون را در بیاورد که بدتر از گروه قبل ناگزیر به در یوزگی و تن دادن به هر ابتدالی گرفتار می‌شود. راهبرد مقابله با این جریانات نشان دادن واقعیت زشت آنان، تقبیح رفتارشان، دادن هشدار به خانواده‌ها و ایجاد محدودیت‌های رسانه‌ای که نتوانند با تبلیغات زیبا خود را موجه جلوه دهند.

(۴) برای انتقال محصولات کشاورزی و مواد غذایی از تولیدکننده به مصرف‌کننده، سال‌ها است که طرح‌های مختلفی در خارج و داخل ارائه و برخی هم اجرا شده است و همه به این امید که هزینه‌ها کاهش یابد و مصرف‌کننده ارزان‌تر نیازهای خود را دریافت کند و تولیدکننده نیز بیشترین بهره ممکن را از دسترنج خود ببرد. زمینه عرضه محصولات کشاورزی و مواد غذایی زمینه مساعد برای شرکت‌های بزرگ را فراهم کرده است. گرچه برخی از طرح‌ها بر حذف واسطه‌ها تمرکز داشته‌اند، ولی واقعیت این است که بجز در مواردی بسیار محدود برای بازار

رسانی محصولات و به دست مصرف کنندگان متنوع و در مکان های گوناگون نیاز به واسطه هست. ایجاد رقابت بین واسطه های خُرد، اعمال ضوابط عادلانه، ایجاد شرکت های تعاونی تولیدی و توزیعی- مصرفی نمونه هایی از راهبردهای جاری ساختن حاکمیت بر چرخه تولید تا مصرف است.

(۵) شرکت های بزرگ برای ادامه بهره کشی از کشورهای ضعیف از برنامه های متنوعی از جمله عامل های محلی^۱ استفاده می کنند. این عامل ها سود خود را بر منافع ملی ترجیح داده و در فعالیت های گوناگون به ویژه از طریق واردات سود سرشاری به دست می آورند. مهار و مدیریت (کنترل) این عامل ها می تواند حاکمیت را در کشور تقویت کند. محدود کردن سطح واردات هر عامل، افزایش تعداد واردکنندگان، زیاد کردن مبادی واردات (افزایش کشورهای صادرکننده به ایران)، تلاش به توسعه تولیدات داخلی و اجرای طرح جایگزینی (تهیه قند از شیر خرمای کاهش واردات شکر)

(۶) ضعف اخلاق در تولیدکنندگان و فرآوری کنندگان موجب عرضه کالای کم کیفیت، نا سالم و گران تر می شود؛ و این امر مصرف کنندگان را به سوی تهیه مواد وارداتی می کشاند. در صورت آموزش اصول اخلاقی و ارتقای فرهنگی این گروه ها موجب ارتقای نگرش آنان به رعایت خواست مصرف کنندگان می گردد؛ و در نتیجه اعتماد مردم بالا رفته و مورد حمایت عمومی و دولتی قرار گرفته و بهتر بر امور اعمال حاکمیت خواهد شد.

(۷) برای مهار و مدیریت (کنترل) بازیگران بازار و نفوذ آنان بین تصمیم سازان و سیاستمداران بایستی این گروه ها را نسبت به تضاد منافع پرهیز داد و از مشارکت مسئولین و کارگزاران در فعالیت های اقتصادی مرتبط با برنامه های اداری خود جلوگیری کرد.

(۸) رشوه و رابطه بازی، مسئولین را ناکارآمد کرده و حاکمیت امور را خدشه دار می کند، بنابراین با برخورد جدی با این مفسده ها می توان ارتقای حاکمیت بر کشاورزی و غذا را میسر کرد.

(۹) شرکت های بزرگ بین المللی الگویی در سایر کشورها ارایه کرده اند تحت عنوان شرکت های زنجیره ای و یا بازارهای بزرگ (از سوپر مارکت شروع و به هایپر مارکت و شهر لوازم زندگی رسیده است). این جریان عرضه، ضمن برخورداری از سرمایه های کلان، محصولات و تولیدات دیگران را پیش خرید کرده و یا با قیمت های خوب قرارداد خرید می بندند ولی با شروطی که تعیین می نمایند (مانند: شرط الصاق برچسب با برند مشهور خود و یا قیمت بیش از قیمت واقعی؛ و سپس کمی از قیمت واقعی خریداری شده را با تبلیغات تخفیفی به فروش می رسانند). این شرکت ها اختیار و حاکمیت را از تولیدکننده و هم مصرف کننده با شگردهای

متنوع سلب می‌کنند، و ضمن همراهی با شرکت‌های غذایی بین‌المللی (به‌خاطر ماهیت سودجویانه خود و انواع وابستگی‌هایی که با آن شرکت‌ها پیدا کرده‌اند) مانع حاکمیت مردمی بر امور خود می‌شوند. با حمایت مردم از طریق خرید از بقالی‌های ساده، توسعه شرکت‌های تعاونی مصرف برای گروه‌های مختلف مانند کارمندان هر اداره، افشای ترفندهای فریبنده و دروغ‌های تبلیغاتی آنها، اجرای ضوابط قانونی و مهار و مدیریتی بر آنها و غیره شاید بتوان حاکمیت غذایی را بهبود بخشید.

۱۰) هیچ برنامه خوبی بدون حمایت مردم به موفقیت نخواهد رسید؛ این اصل برای حاکمیت غذایی نیز صادق است. اگر مردم تحت تأثیر برنامه‌های طراحی شده استثماری شرکت‌های بزرگ بین‌المللی به خرید مایحتاج خود از واردات بپردازند بزرگ‌ترین مانع بر سر راه حاکمیت غذایی ایجاد کرده‌اند. با آموزش، تقبیح وابستگی، تشویق استقلال و نشان دادن اثرات حاکمیت غذایی در بلندمدت می‌توان عزم ملی را برای حاکمیت بر سر نوشت خود ارتقا داد.

د: الزامات اجرایی کردن راهبرد(های) برگزیده

هدف آرمانی کشور داشتن یک نظام کشاورزی و عرضه غذای سالم، گوارا، حلال (حلال یعنی = با رعایت حقوق تمامی دست‌اندرکاران - از تولیدکنندگان تا عرضه و مصرف‌کنندگان و حتی محیط زیست) با رعایت فرهنگ ایرانی اسلامی و تحت حاکمیت ملی/ مردمی در تمامی مراحل می‌باشد. برای دستیابی به هدف فوق بایستی برنامه‌های بلندمدت با اهداف کلان ترسیم شده و در آن اقدامات ایجابی و سلبی به‌طور شفاف تبیین گردد. اکثر برنامه‌های معمول شامل اقدامات ایجابی و آنچه باید انجام گیرد می‌باشد و فاقد اقدامات سلبی یعنی پیشگیری و پیش‌بینی موانع و جریانات مزاحم به‌همراه توصیه‌های رفع این مشکلات است؛ ولی در این نوشتار بر این اقدامات نوع دوم تأکید بیشتر می‌شود. دلیل این امر:

نظام فرمانروایی بر غذای جهان^۱ که طی ۱۰۰ سال اخیر با بهره‌گیری از علوم روان‌شناسی، رفتاری، جامعه‌شناختی، اقتصادی و سیاسی رشد کرده و منسجم شده است، برای توسعه فرهنگ وابسته خود در سطح جهان و رسیدن به اهداف استثماری خود از امکانات گوناگون و تبلیغی جذاب و بسیار پیچیده‌ای استفاده کرده و به‌طور مرموز، پنهان و خزنده در جهان نفوذ پیدا کرده و به‌مرور نهادینه شده است. چالش‌ها و موانع پیش روی حاکمیت غذایی و زمینه‌های تضعیف آن به‌طور مشروح ارایه شد و راهبردهای رفع آنها نیز مطرح گردید، ذیلاً توصیه‌هایی برای عملیاتی کردن راهبردها عرضه می‌شود:

- برای هر یک از راهبردهای فوق بایستی برنامه‌ای اجرایی تهیه کرد؛ لکن به دلیل اثرگذاری تعدادی از راهبردها برای رفع موانع حاکمیت در چند مورد مشابه باید یک برنامه جامع و دربرگیرنده تمامی راهبردها تدوین کرد و سپس برای موارد خاص برنامه‌های میان‌مدت و یا کوتاه‌مدت (برنامه تاکتیکی) تهیه نمود.
- پاسخ به سؤال همیشگی: از کجا آغاز کنیم؟؛ جواب: از خود آغاز کنیم؛ هم اکنون آغاز کنیم و فرصت‌ها را با گلایه از فرصت‌های از دست رفته گذشته از دست ندهیم؛ با هر کاری که می‌توانیم آغاز کرده و گسترش دهیم؛ و با آغاز کردن عملی، الگو و مَبْلَغ نشر و توسعه فرهنگ خود حاکمیتی در جامعه باشیم.
- فرهنگ استقلال‌طلبی و خود حاکمیتی را با آموزش‌های عمومی (رسانه‌های مکتوب، صدا و سیما و غیره)، آموزش در مدارس، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و کلیه مؤسسات آموزشی و پرورشی با بهترین وسایل و تولیدات هنری روز ارتقا داده و به عرصه‌های کشاورزی و غذایی تسری دهیم.
- عزم ملی و مشارکت عمومی را با تشویق اقدامات هدفمند، هشدار و ارایه نمونه‌های عبرت آموز از کشورهای وابسته به استکبار و حتی تشریح وضعیت کشاورزان خانوادگی درون آمریکا از طریق فیلم‌ها و نتایج تحقیقات و گزارش‌های جهانی ارتقا دهیم.
- باید سیاست‌های کلی حاکمیت غذایی وفق اصل ۱۱۰ قانون اساسی تهیه و مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدامات لازم را برای ابلاغ توسط مقام معظم رهبری به انجام رساند و متناسب با آن و در راستای تحقق آن سند حاکمیت غذایی تهیه و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی برسد و برنامه‌های عملیاتی برای پیاده‌سازی و اجرا توسط دولت و دستگاه‌های مرتبط به انجام برسد. این برنامه عملیاتی باید جامعیت لازم را داشته و در راستای سیاست‌های کلی تهیه شده و در واقع این سند بایستی جامع بوده و دربرگیرنده مفاهیم ارزشی مثبت رویکرد امنیت غذایی نیز باشد.
- کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی باید به بررسی راهکارهای عملی تقویت حاکمیت کشاورزی و غذایی پردازد و مواد قانونی لازم برای این مهم با کمک مرکز پژوهش‌های آن مجلس تهیه و به تصویب نمایندگان مردم برساند.
- مسئولین امنیتی کشور (سازمان پدافند غیرعامل، ستاد مشترک ارتش، و...) باید اطلاعات لازم در زمینه حاکمیت غذایی و ترفندهای استکبار برای نفوذ و استیلا بر کشاورزی و غذای کشور را بشناسند، و برنامه رصد و مهار و مدیریت (کنترل) کارآمد و سناریوهای مناسب برای هر احتمال را تدوین و عملیاتی نمایند.

➤ دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و مؤسسات علمی پژوهشی کشور نیز با اجرای پروژه‌های تحقیقاتی در ابعاد مختلف موضوع، باید منابع و پשתوانه‌های علمی و منطقی برای حاکمیت کشاورزی و غذایی کشور فراهم آورده و با برگزاری همایش‌ها، کرسی‌های نظریه‌پردازی، انتشار دستاوردها در قالب کتاب و یا هر نوع رسانه مکتوب و تصویری به نهادینه کردن این حرکت عظیم مبادرت ورزند.

➤ از زمینه‌ها و بُعدهای بسیار مهم حاکمیت کشاورزی و غذایی داشتن یک شاخص اندازه‌گیری و ارزیابی می‌باشد. با داشتن این شاخص حساس می‌توان رد پای جریان نفوذ و اقدامات پنهان نظام فرمانروایی بر غذای جهان را رصد کرده و هشدارهای لازم را به‌موقع ارایه کرد لذا توصیه اکید این نوشتار تدوین شاخصی علمی، جامع، بومی و مؤثر برای این منظور است.

معیارهای تشخیص میزان حاکمیت بر کشاورزی کشور و غذای مردم

در حاکمیت کشاورزی و غذایی باید اقدامات خوب را با اجرای خوب تدارک دید. برای درک اینکه تا چه حد کشاورزان در کار تولیدی خود و مصرف‌کنندگان غذا نیز در مصرف خوراک خود خوب عمل می‌کنند معیارهایی باید به کار گرفته شود؛ به عبارت دیگر معیارهای خوب بودن را باید مشخص کرد. فهرستی از این معیارها از منابع مختلف استخراج شد و طی یک نظرسنجی از چند محقق رشته ترویج و آموزش کشاورزی مورد ارزیابی قرار گرفت؛ و نتیجه برحسب میزان اهمیت در پیرامند شماره ۵-۲ ارایه می‌شود:

پیرابند شماره ۵-۲: معیارهای سنجش حاکمیت بر کشاورزی و غذا به ترتیب اهمیت

- (۱) ثبات، پایداری، اتقان و استحکام ضوابط و قوانین
- (۲) پیروی از ضوابط سالم و اخلاقی بودن
- (۳) پاسخگو بودن در برابر مردم
- (۴) رعایت ترم و هنجارهای فرهنگی و سنت و آداب اجتماعی
- (۵) تمرکززدایی و توجه به سطوح محلی
- (۶) شفاف بودن برنامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی
- (۷) رعایت عدالت و انصاف
- (۸) متناسب و سازگار با منابع طبیعی و شرایط اقلیمی کشور
- (۹) برخورداری از پویایی و زمینه‌های خود اصلاحی و تکاملی
- (۱۰) نوگرایی، به روز بودن و جوابگو به نیازهای روز جامعه
- (۱۱) دوری از رذایل اخلاقی (اسراف، تجملات، اشرافیگری ضد مردمی و...)
- (۱۲) رعایت اصول و احکام اسلامی
- (۱۳) میزان مشارکت مردمی در برنامه‌ها
- (۱۴) برخورداری از اراده ملی و اجماع در فعالیت‌ها
- (۱۵) دانش بنیان و پژوهش محور بودن؛ حکیمانه رفتار کردن
- (۱۶) رعایت ضوابط و قوانین کشور
- (۱۷) پایبندی به اصل خودکفایی و خوداتکایی
- (۱۸) ترجیح و اولویت منافع ملی بر منافع محلی و منافع فردی
- (۱۹) تقویت اقتصاد ملی و بهبود بخشیدن به تراز تجاری محصولات کشاورزی و مواد غذایی

سنجش میزان حاکمیت بر کشاورزی و غذا در ایران

برای ارزیابی جایگاه کشور نسبت به حاکمیت بر کشاورزی و غذا از یک یا ترکیبی از ۴ روش زیر می‌توان بهره گرفت؛ ضمناً هر روش خود یک مؤلفه یا بخشی از کل حاکمیت به حساب می‌آید:

(۱) روش سنجش خودکفایی؛ در این روش نسبت واردات محصولات عمده راهبردی به کل نیاز مصرفی نشانه خودکفایی است و برحسب درصد میزان خود حاکمیتی را تبیین می‌کند.

(۲) روش ارزیابی مداخله بیگانه؛ میزان مداخله و تأثیرگذاری (آشکار و پنهان) بیگانگان بر تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات عملی کشاورزان و کارگزاران بخش کشاورزی، با نظر و ارزیابی ذهنی افراد خبره کسب می‌گردد.

(۳) روش پیروی از حاکمیت ملی؛ در این روش نظر کارشناسان سه حوزه تولید، توزیع و تجارت و مصرف محصولات و مواد غذایی نسبت به میزان پیروی عاملین هر بخش از ضوابط و قوانین،

از آموزه‌های فرهنگی و ملی-مذهبی، از دستورالعمل‌های کارشناسان مربوطه یا عدم پیروی از برنامه‌ها و سیاست‌های بیگانه سنجیده می‌شود.

۴) روش مشارکت ملی در حاکمیت؛ با سنجش میزان مشارکت مردم و هر گروه از افراد ذیربط در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های بخش کشاورزی، از تولید تا عرضه و مصرف می‌توان به این مهم دست یافت.

حاکمیت جامع بر کشاورزی و غذای کشور را می‌توان از ترکیب ۴ روش فوق سنجید؛ و برای این مهم رابطه زیر به کار گرفته می‌شود.

$$y = \frac{(x1 + x2 + x3 + x4)100}{20}$$

شرح هر یک از روش‌ها یا مؤلفه‌های سنجش حاکمیت

۱- سنجش حاکمیت غذایی با روش تعیین خودکفایی

کشوری که بتواند نیازهای اساسی خویش را از طریق تولیدات داخلی تأمین کند بر کشاورزی و غذای خود حاکمیت دارد. بر پایه این تعریف، می‌توان معیار خودکفایی را شاخص حاکمیت غذایی قرار داد. در مبحث خودکفایی موضوعات دیگری مانند خوداتکایی و ترازنامه غذایی نیز مطرح می‌شود و در این مختصر ضمن توصیه به پژوهشگران جوان به تعمق در ترازنامه غذایی کشور، و به‌منظور بررسی انواع روابط از داده‌های ترازنامه، چند تعریف و گزارش (از خوداتکایی و...) برای درک میزان حاکمیت غذایی کشور عرضه می‌گردد. (الماسی ۱۴۰۰) ضریب خودکفایی را اینگونه تعریف می‌کند: "ضریب خودکفایی شاخصی است که درصد تولید داخلی را نسبت به مصرف محاسبه می‌کند. این شاخص برای هر محصول از طریق تقسیم مقدار تولید به عرضه داخلی (تولید به اضافه واردات منهای صادرات تقسیم بر ۱۰۰) به دست می‌آید و از آن به‌عنوان شاخص خودکفایی هر محصول استفاده می‌گردد. هر چه این ضریب به صفر نزدیک‌تر شود، خودکفایی کاهش یافته و هرچه به یک نزدیک شود، خودکفایی افزایش می‌یابد. ضریب خودکفایی = تولید داخلی / تولید داخلی + واردات - صادرات تقسیم بر ۱۰۰". وی در تحقیق خود پیرامون خودکفایی در گندم، جو و شلتوک بین سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۸ دریافت که: "همواره در طول دوره مورد مطالعه، خودکفایی شلتوک روند با ثباتی دارد و در جایگاه مناسبی قرار دارد؛ ولی خودکفایی گندم و جو طی ۱۰ سال اخیر به خصوص از سال ۱۳۸۷ به بعد، با نوسان زیادی همراه بوده است."

از معرف‌های خودکفایی ترازنامه غذایی است؛ کاظمی در مقدمه کتاب عبادی (۱۳۹۷) ترازنامه غذایی را این گونه معرفی می‌کند: "ترازنامه غذایی، تصویری جامع از الگوی عرضه اقلام غذایی،

مقدار عرضه غذا برای جمعیت، نیازمندی‌های تغذیه‌ای و میزان وابستگی به غذا در یک کشور طی دوره زمانی خاص را ارائه می‌دهد و از جمله مهمترین ابزارهای سیستم اطلاعاتی چند بخشی است که به‌عنوان راهنمای عملی حرکت در راستای امنیت غذایی و تأمین رفاه و سلامت جامعه در سطح ملی مطرح است. پایش وضع موجود عرضه غذا از طریق ترکیبی از اطلاعات ذخایر غذایی، تولید، واردات مواد غذایی، صادرات، خوراک دام و ضایعات عرضه شده در تراز غذایی کشور، ابزار مؤثری در سیاستگذاری و برنامه ریزی در نهادهای مختلف اجرایی و قانون‌گذاری کشور می‌باشد. عبادی (۱۳۹۷) نحوه محاسبه تراز غذایی را اینگونه شرح می‌دهد: "ترازنامه غذایی دوازده ماهه، از ترکیب اطلاعات مربوط به عرضه غذا به دست می‌آید. این اطلاعات معمولاً مرکب از شش جز اصلی است: ذخایر مواد غذایی (اول دوره) تولید و واردات مواد غذایی (عرضه) مصارف خوراک دام، صادرات و ذخایر آخر دوره (مصرف) است. ترازنامه غذایی در مورد هر یک از اقلام غذایی، منبع عرضه و استفاده از آن را نشان می‌دهد. کل غذای تولید شده در یک کشور به مقادیر وارد شده افزوده می‌گردد و با هرگونه تغییر در ذخایر که ممکن است در آغاز دوره‌ی زمانی مرجع اتفاق افتاده باشد تعدیل می‌گردد. به این ترتیب، عرضه‌ای را که طی دوره‌ی مورد نظر، فراهم شده را اعلام می‌دارد. از مقادیر عرضه شده، صادرات، خوراک دام، بذر، محصولات فرآوری شده و مصارف غیر غذایی، ضایعات کسر می‌شود. بدین ترتیب غذای در دسترس برای مصرف انسانی به دست می‌آید. پس از آن، عرضه سرانه غذایی با توجه به جمعیت و استفاده از جدول ترکیبات مواد غذایی به انرژی، پروتئین و چربی تبدیل می‌شوند."

عبادی (۱۴۰۱) تعاریف زیر را برای خودکفایی و خوداتکایی ارائه داده و سپس میزان خوداتکایی کشور را در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ محاسبه و درصد تغییرات برای محصولات عمده کشاورزی در جدول ۵-۱ عرضه می‌کند: "تأمین نیازهای اساسی محصولات کشاورزی از منابع تولید داخلی را خودکفایی در امر کشاورزی گویند. در خودکفایی، تأمین صد درصد نیازهای محصولات کشاورزی از محل تولید داخل صورت می‌گیرد، اما خوداتکایی به توانایی کشورها در تأمین اکثر منابع انرژی و مواد لازم برای زندگی و بقاء آنان از محل داخلی باز می‌گردد. بدین ترتیب منابع دیگر را می‌توان از طریق تجارت با سایر کشورها تأمین نمود."

اطلاعات جدول گویای آن است که کشور در حاکمیت غذایی با شاخص خوداتکایی در وضعیت مناسبی قرار دارد؛ گرچه میزان خوداتکایی نسبت به گندم کاهش شدید نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵-۱: تغییرات ضریب خوداتکایی محصولات اساسی طی سال‌های ۹۹-۱۳۹۸

(عبادی، ۱۴۰۱)

(واحد: درصد)

محصول	سال	۱۳۹۸	۱۳۹۹	درصد تغییرات
گندم		۹۶/۷۲	۸۰/۷۲	-۱۶/۵۴
برنج		۶۳/۶۲	۷۳/۹۹	۱۶/۳
قند و شکر		۳۳/۷۵	۶۱/۸۴	۸۳/۲۳
روغن نباتی		۱۰/۷۱	۱۰/۳۶	-۳/۲۷
گوشت قرمز		۸۶/۴	۹۸/۸۶	۱۴/۴۲
مرغ		۱۰۰	۱۰۲/۱۱	۲/۱۱
ماهی		۱۰۸/۱۶	۱۰۷/۱۲	-۰/۹۶
شیر		۱۰۰/۴۳	۱۰۰/۵۴	۰/۱۱
تخم‌مرغ		۱۰۵/۶۴	۱۰۶/۰۷	۰/۴۱
سیب‌زمینی		۱۱۰/۰۹	۱۲۰/۵۹	۹/۵۴
حبوبات		۸۲/۳۷	۸۲/۷۰	۰/۴

خوداتکایی غذایی برای کل محصولات کشاورزی برحسب انرژی و با محاسبه نسبت تولید کالری از منابع داخلی به کل انرژی غذایی عرضه شده در کشور نشان مشخص و توسط عبادی (۱۴۰۱) در جدول شماره ۵-۲ ارائه می‌شود. این شاخص با ۳/۹ درصد افزایش از ۷۷/۳۸ درصد به ۸۰/۴ درصد در سال ۱۳۹۹ رسیده است؛ گرچه میزان ۸۰ درصد خوداتکایی گویای ضعف کمی می‌باشد و زمینه آسیب‌پذیری حاکمیت غذایی را متذکر می‌شود، ولی ریز خوداتکایی به محصولات کشاورزی عمده گویای آنست که در برخی از محصولات وضعیت خوب ولی در برخی دیگر ضعیف هستیم. این ضعف‌ها نشانه‌ای از احتمال آسیب‌پذیری به حاکمیت غذایی دارد.

جدول شماره ۵-۲: تغییرات ضریب خوداتکایی برحسب انرژی طی سال‌های ۹۹-۱۳۹۸

سال	۱۳۹۸	۱۳۹۹	درصد تغییرات
ضریب خوداتکایی	۷۷/۳۸	۸۰/۴۰	۳/۹

نبود ثبات در تولید و عرضه محصولات کشاورزی نیز به حاکمیت غذایی خدشه وارد می‌کند؛ جدول ۵-۳ گویای تغییرات و فراز و فرود قابل توجه و متأثرکننده حاکمیت غذایی از نظر تولید و عرضه گندم می‌باشد. این جدول نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ تولید گندم از ۷

تا ۱۵.۸۸ میلیون تن (یعنی بیش از دو برابر سال بعد) و واردات گندم از ۱۰۰ (تقریباً هیچ) تا هفت میلیون و ۱۰۰ تن متغیر است. نسبت واردات به تولید سالیانه از صفر تا ۸۴/۵ متغیر می‌باشد (وارداتی که به ذخیره می‌انجامد، مصرف خوراک دام و ضایعات را اگر در محاسبات لحاظ شود دقت بررسی را بالا می‌برد). بنابراین میانگین دوره‌های بلندمدت می‌تواند معیار مناسب‌تری باشد و این معیار گویای آنست که در ۱۵ سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸ معادل ۲۶/۸ درصد از تولید، کشور ناگزیر به وارد کردن گندم شده است. در نتیجه کشور به‌طور میانگین نیاز به وارد کردن بالغ بر ۲۵ درصد از تولید خود می‌باشد؛ و نیاز به این میزان از واردات فقط از محصول گندم گویای خطرپذیری حاکمیت غذایی کشور است.

جدول شماره ۵-۳: میزان تولید و واردات گندم بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۸

(منبع داده‌ها: ترازنامه غذایی)

سال	تولید (میلیون تن)	واردات (میلیون تن)	تولید + واردات (میلیون تن)	درصد واردات نسبت به تولید
۱۳۸۴	۱۴/۳	۰/۱	۱۴/۴	۰/۷
۱۳۸۵	۱۴/۶۶	۱/۱۵	۱۵/۸۱	۷/۸۵
۱۳۸۶	۱۵/۸۸	۰/۱۹	۱۶/۰۷	۱/۲
۱۳۸۷	۷	۵/۹۲	۱۲/۹۲	۸۴/۵
۱۳۸۸	۱۲/۱	۵/۰۶	۱۷/۱۶	۴۱/۸
۱۳۸۹	۱۲/۱۴	۰/۸۷	۱۳/۰۱	۷/۲
۱۳۹۰	۸/۶۷	۰/۲۸	۸/۹۵	۳/۲۳
۱۳۹۱	۸/۸۱	۶/۷	۱۵/۵۱	۷۶
۱۳۹۲	۹/۳	۳/۹۶	۱۳/۲۶	۴۳
۱۳۹۳	۱۰/۵۷	۶/۷	۱۷/۲۷	۶۳
۱۳۹۴	۱۱/۵	۳/۳۱	۱۴/۸۱	۲۹
۱۳۹۵	۱۴/۵	۱/۵	۱۶	۱۰
۱۳۹۶	۱۲/۴	۰/۰۷۴	۱۲/۴۷	۶/
۱۳۹۷	۱۳/۳	۰/۰۰۰۴	۱۳/۳۰	۰
۱۳۹۸	۱۳/۷	۰/۵۵	۱۴/۲۵	۴
۱۳۹۹	۱۳/۵	۳/۳	۱۶/۸۰	۲۴/۵
۱۴۰۰	۱۱/۱	۷/۱	۱۸/۲	۶۴

۲- روش ارزیابی مداخله بیگانه

نظام سلطه از طرق و به کارگیری عوامل متنوعی سعی بر مداخله (عیان و پنهان) و یا تأثیرگذاری بر حاکمیت ملی کشورها از جمله در بخش کشاورزی و غذایی کشور ما دارد. به منظور سنجش میزان و سطح مداخله بیگانگان پرسشنامه‌ای تهیه (پیوست شماره ۳) و نظرات اساتید و متخصصین مجتمع آموزشی و تحقیقاتی بعثت (سازمان جهاد کشاورزی فارس) کسب و در جدول ۴-۵ عرضه شده است. محتوای جدول بیانگر بیشترین اثرگذاری بیگانگان بر حاکمیت کشاورزی و غذایی کشور از طریق تحمیل سیاست‌های استکبار و اعمال تحریم‌ها، نشر فرهنگ اشرافیگری و مصرف‌زدگی، ترویج مکتب اقتصاد لیبرال، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و ترویج سبک و الگوی مصرف مواد غذایی می‌باشد. میانگین کل این مقیاس (۳/۷۲) از دامنه ۱-۵) بیانگر این واقعیت است که آسیب‌پذیری حاکمیت کشاورزی و غذایی کشور در سطح متوسط به بالا است. بنابراین برای حفاظت از حاکمیت کشور بر کشاورزی و غذای خود باید آگاهی و حساسیت مردم و مسئولین نسبت به تمامی موارد و عوامل زمینه ساز مداخله استکبار و شرکت‌های مافیایی غذایی جهان بالا رود و روحیه ضد استثماری و استقلال خواهی تشویق شود؛ و فرهنگ وادادگی و تقلیدی تقبیح و از فرهنگ ایرانی زدوده گردد.

جدول شماره ۵-۴: تأثیرگذاری و مداخله بیگانگان بر کشاورزی و حاکمیت غذایی کشور

اولویت	عوامل اثرگذار و مداخله گر بر حاکمیت کشاورزی و غذایی	میانگین میزان اثرگذاری
۱	اعمال تحریم‌ها، تهدیدهای سیاسی و تحمیل سیاست‌ها	۴/۵
۲	گسترش فرهنگ اشرافیگری، رفاه‌زدگی، مصرف‌گرایی	۴/۳
۳	ترویج مکتب و فرهنگ اقتصاد لیبرال	۴/۲
۴	شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی	۴/۱
۵	ترویج سبک غذایی، گدکس آلیمنتاریوس، توصیه‌های پزشکی و...	۴/۱
۶	مطالب آموزشی و علمی، کتب، نشریات	۳/۹
۷	برنامه‌های سازمان جهانی تجارت در تعیین تعرفه‌های گمرکی	۳/۷۸
۸	معاهدات بین‌المللی، نظرات فائو، UNDP، سند ۲۰۳۰ و...	۳/۷۸
۹	تشویق و زمینه‌سازی برای ترویج فساد (رشوه، رابطه بازی، رانت...)	۳/۷۸
۱۰	نوآوری‌های علمی، تکنولوژی‌های نوین	۳/۷۰
۱۱	نیاز به واردات محصولات و مواد غذایی و ناگزیری قبول شرایط	۳/۷۰
۱۲	نبود یا ضعف قوانین برای پیشگیری و یا مدیریت مداخله	۳/۷۰
۱۳	ضعف در مذاکرات بین مسئولین کشورها، کنوانسیون‌ها، کمیته‌ها	۳/۶۷
۱۴	استانداردسازی و تبلیغ برای تولید، نوع و کیفیت عرضه و مصرف	۳/۶۰
۱۵	ضمیمه شدن شرایط با واردات نهاده‌های کشاورزی؛ بذر، سموم...	۳/۵۰
۱۶	عوامل و نمایندگان شرکت‌های تجاری بین‌المللی	۳/۴۴
۱۷	نبود آگاهی از برنامه‌های ملت‌ها برای مقابله و مدیریت مداخله	۳/۴۰
۱۸	رسانه‌ها مانند شبکه Me Shef, Gem food و معاند و...	۳/۳۰
۱۹	افراد نفوذی بیگانه در بدنه حاکمیتی کشور	۳/۱۰
۲۰	همایش‌های علمی بین‌المللی، کنفرانس‌ها و نشست‌ها	۲/۹۰
میانگین کل (از دامنه ۱-۵)		۳/۷۲

۳- روش پیروی از حاکمیت ملی

حاکمیت غذایی یک کشور را می‌توان میزان تبعیت و پیروی تولیدکنندگان، بازار و عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان مواد غذایی از توصیه‌ها و دستورالعمل‌های کارشناسان و کارگزاران مورد اعتماد آن کشور تعریف کرد. برای این منظور پرسشنامه‌ای تهیه (پیوست شماره ۱) و در اختیار جمعی از

صاحب‌نظران و اساتید رشته ترویج و آموزش کشاورزی قرار داده و نظرات آنان در جدول ۵-۵ منعکس شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود تولیدکنندگان از آموزه‌های دینی و اخلاقی، فرهنگ اصیل ایرانی؛ و قوانین و مقررات کشور در حد ضعیف تا متوسط پیروی می‌کنند. ولی اینان از نظرات کارشناسان بهتر تبعیت کرده، گرچه در حد مطلوب نیست. همچنین تولیدکنندگان ما تحت تأثیر تبلیغات بیگانه نکاتی را از آنان فراگرفته و در عمل به کار می‌گیرند (که می‌تواند مثبت یا منفی باشد).

وضعیت بازار و عرضه‌کنندگان مواد غذایی نسبت به تبعیت از حاکمیت در حد خوب ارزیابی شد؛ گرچه پیروی از اخلاق و فرهنگ ایرانی کمی بیش از سطح ضعیف بود لکن از معیارهای بیگانه در حد متوسط برآورد گردید، یعنی پیروی از معیارها و القانات بیگانه بیشتر از فرهنگ بومی و ضوابط کشور مورد توجه می‌باشد.

در باب مصرف‌کنندگان مواد غذایی یعنی عموم مردم نیز وضعیت مناسبی دیده نمی‌شود؛ یعنی تبعیت کل مصرف‌کنندگان از اصول حاکمیتی در حد متوسط است. جدول مذکور گویای آنست که مردم تحت تأثیر رسانه‌های داخلی و به‌همان اندازه معیارها و رسانه‌های خارجی سبک مصرف مواد خوراکی خود را شکل داده‌اند تا نسبت به تبعیت از آموزه‌های اخلاقی و فرهنگ و قوانین داخلی.

و در نهایت میزان تبعیت کل (مجموع هر سه مؤلفه) در حد متوسط برآورد شد، به عبارت دیگر وضعیت حاکمیت غذایی کشور با روش تعیین میزان تبعیت نسبتاً رضایت بخش است.

برای هر مؤلفه یک سؤال پیرامون پیروی از رسانه‌ها و منابع بیگانه نیز مطرح شده است (در همان جدول، ردیف‌های ۴، ۹ و ۱۴)؛ که میانگین نظرات بیش از متوسط می‌باشد؛ یعنی در مقابل پیروی از حاکمیت ملی، پیروی از منابع خارجی نیز وجود جدی دارد.

جدول شماره ۵-۵: ارزیابی حاکمیت غذایی بر مبنای میزان پیروی از دستورالعمل‌های کارشناسان داخلی

شماره	معیارهای سنجش پیروی از حاکمیت ملی	میانگین (۱-۵)
	الف- میزان پیروی تولیدکنندگان	۳
۱	- از اخلاق و آموزه‌های دینی و فرهنگ اصیل ایرانی	۲/۸
۲	- از قوانین و مقررات مربوطه کشور	۲/۸
۳	- از نظر کارشناسان و کارگزاران بخش کشاورزی	۳/۴
۴	(از نظرات بیگانه یا شرکت‌های تجاری خارجی عرضه‌کننده نهاده‌ها)	۳/۴
	ب- میزان پیروی عرضه‌کنندگان و بازار	۲/۳
۵	- از اخلاق و آموزه‌های دینی و فرهنگ اصیل ایرانی	۲/۲
۶	- از قوانین و مقررات مربوطه کشور	۲/۴
۷	- از نظر کارشناسان و کارگزاران بازرگانی، میدین، صنایع و غیره	۲/۲
۸	(از معیارها و فرهنگ بیگانه و مؤسسات بین‌المللی)	۳
	ج- میزان پیروی مصرف‌کنندگان مواد غذایی	۳/۲
۹	- از اخلاق و آموزه‌های دینی و فرهنگ اصیل ایرانی	۳
۱۰	- از نظر کارشناسان و کارگزاران بهداشتی و سلامت	۳
۱۱	- از توصیه‌های رسانه‌های داخلی،	۳/۶
۱۲	(از توصیه‌های رسانه‌های بیگانه و معیارهای خارجی)	۳/۶
میزان تبعیت کل		۲/۸۳

۴- روش مشارکت مردمی در حاکمیت

از معیارهای حاکمیت ملی بر کشاورزی و غذای کشور حضور و مشارکت افراد و گروه‌های مختلف مردمی (به‌ویژه جریان‌های ذیربط) در تصمیم‌سازی و برنامه‌های مربوطه می‌باشد. در این خصوص زمینه‌ها، معرف‌ها و سنجه‌هایی برای تعیین میزان مشارکت مردمی شناسایی شد و براساس آنها یک آزمون ارزیابی تهیه (پیوست شماره ۲) و از گروهی از متخصصین اقتصاد کشاورزی و ترویج و توسعه روستایی نظر خواهی گردید، و نتیجه در جدول ۵-۶ منعکس گردیده است. نتایج گویای آنست که میزان مشارکت جریانهای مختلف در برنامه‌ریزی‌ها و پیروی از ضوابط و قوانین که استحکام بخش حاکمیت غذایی و کشاورزی کشور است در حد بالاتر از متوسط می‌باشد (میانگین کل ۳/۱۹ از ۵). اطلاعات جدول مذکور همچنین گویای آنست که برای حفظ و ارتقای حاکمیت بر کشاورزی و غذای کشور بایستی قانون‌پذیری، مشارکت عمومی، همفکری متخصصین و همراهی مدیران و کارگزاران را به‌طور مستمر افزایش داده و پویا و متحرک کرد.

جدول شماره ۵-۶: میزان مشارکت نیروهای ذیربط در برنامه‌ریزی‌ها، اجرا و نظارت و ارزیابی‌ها

اولویت	زمینه‌ها و جریانات مشارکت‌کننده در حاکمیت کشاورزی و غذایی	میانگین نظرات
۱	هماهنگی بین کمیسیون کشاورزی مجلس با ارکان وزارت جهادکشاورزی	۳/۷
۲	مشارکت متخصصین و مدیران استان‌ها در برنامه‌ریزی‌های ملی	۳/۵
۳	مشارکت و همفکری نماینده کشاورزان و روستائیان در سطح استان	۳/۴
۴	مشارکت تشکلهای حرفه‌ای و صنفی کشاورزان، دامداران در برنامه‌ها	۳/۴
۵	همفکری و مشارکت کارکنان میدانی در برنامه‌ها در سطح شهرستان	۳/۳
۶	استفاده از نظرات شرکت‌های تجاری داخلی، میدین و بازار	۳/۳
۷	مشارکت و همفکری نماینده کشاورزان و روستائیان در سطح شهرستان	۳/۳
۸	مشارکت و همفکری نماینده کشاورزان و روستائیان در سطح ملی	۳/۲
۹	هم‌اندیشی مؤسسات تحقیقاتی و دانشکده‌های کشاورزی در برنامه‌ها	۳/۲
۱۰	مشارکت صاحبان صنایع (کشاورزی و مواد غذایی) در برنامه‌ریزی‌ها	۳/۲
۱۱	تبعیت و استفاده از قانون بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی	۳/۱
۱۲	همفکری و مشارکت کارشناسان و مدیران در برنامه‌های استانی	۳/۱
۱۳	مشارکت بسیج سازندگی، بسیج جامعه کشاورزان در برنامه‌ریزی‌ها	۳/۱
۱۴	تبعیت و استفاده از سیاست‌های ابلاغی نظام و قانون اساسی	۳
۱۵	مشارکت و همفکری کشاورزان و روستائیان در سطح روستا	۳
۱۶	تبعیت و استفاده از احکام و قوانین برنامه‌های توسعه پنج ساله	۲/۹
۱۷	هم‌اندیشی فرهنگستان علوم کشاورزی در بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها	۲/۹
۱۸	مشارکت انجمن‌های علمی در هم‌اندیشی و برنامه‌ریزی‌ها	۲/۸
۱۹	تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های کلی در سطح ملی	-
میانگین کل از دامنه ۵-۱		۳/۱۹

نقد و نق‌های گویای وضعیت حاکمیت غذایی و کشاورزی کشور

نظر و دیدگاه مردم، جوّ عمومی جامعه، گلایه‌های کشاورزان و روستائیان، نقدهای کارگزاران بخش کشاورزی و محققین و خبرگان جامعه می‌تواند اطلاعاتی از میزان حاکمیت کشور بر کشاورزی و غذای خود ارایه دهد. تحلیل این گونه از اطلاعات نیازمند روش‌شناسی خاص بوده و از حوصله این نوشتار بیرون است و توصیه می‌شود به‌طور مستقل توسط دانش‌پژوهان توانمند و علاقمند دنبال گردد. چند نمونه از این اطلاعات در پیوست‌های ۴ و ۵ ارایه شده است.

نتیجه‌گیری

در این فصل حاکمیت بر کشاورزی و غذایی کشور را در سه مؤلفه تولید، توزیع و مصرف بررسی و عناصر عمده هر یک برشمرده شد. برای سنجش میزان حاکمیت غذایی نیز ۴ روش مطرح و مشخص شد؛ که در روش تبیین خودکفایی، کشور وضعیت نسبتاً مناسبی به‌ویژه با معیار خوداتکایی مجموع محصولات دارد. خوداتکایی در برخی نیازهای غذایی مانند روغن بسیار ضعیف و در تأمین میوه و سبزیجات بسیار بالا و عالی ارزیابی شد. نتایج ارزیابی زمینه‌های مداخله بیگانه در امور کشاورزی و غذایی کشور نشان داد که وضعیت خوبی به‌دلیل روحیه ملی ضد استکباری حاکم است و ضرورت مراقبت و توجه جدی به عوامل و زمینه‌های تأثیرگذار تأکید شد. مطالعه میدانی برای ارزیابی میزان مشارکت عمومی و کارگزاران بخش کشاورزی در تصمیم‌سازی‌ها و برنامه‌ریزی‌های کشاورزی و غذایی و همچنین ارزیابی میزان پیروی از آموزهای مذهبی و فرهنگی و همچنین تبعیت از ضوابط و قوانین (قانون‌پذیری) از سطح متوسط با بالا بود که نیاز به مراقبت بیشتر را گوشزد می‌کند.

در مجموع میزان حاکمیت کل با لحاظ کردن ۴ روش سنجش فوق در فرمول زیر محاسبه و میزان ۷۲ درصد برآورد شد.

$$y = \frac{(x_1 + x_2 + x_3 + x_4)100}{20}$$

مجموع روش‌ها گویای آنست که حاکمیت کشور بر کشاورزی و غذای خود شرایط حساسی را می‌گذراند؛ یعنی فشارهای خارجی به‌طور پنهان و آشکار و همچنین با استفاده از ابزارها و راه‌های متنوع بسیار زیاد می‌باشد؛ و در مقابل فرهنگ عمومی مردم برای خودکفایی و ایستادگی در مقابل شرایط تحمیلی حاکمیت غذایی را بالا برده است. مطالعه وضعیت حاکمیتی غذایی کشورها گویای آنست که اگر کشوری بتواند بیش از ۶۰ درصد نیاز غذایی خود را از راه تولیدات داخلی تأمین کند می‌تواند بر کشاورزی خود سیاست‌های حاکمیتی اعمال کرده و با مشکل جدی روبرو نگردد. با این معیار ایران با بیش از ۸۰ درصد ضریب خوداتکایی جایگاه خوبی دارد. با ترکیب ۴ روش این جایگاه به ۷۲ درصد رسیده است. این امر نباید غرور کاذب ایجاد کند و از زمینه‌های آسیب‌پذیری غفلت شود.

فصل ششم

پروژه نفوذ برای دخالت در حاکمیت بر کشاورزی و غذای کشور

معرفی فصل

داشتن حاکمیت بر امور خویشتن از ارزش‌های متعالی است و این پدیده از خواست‌های همه انسان‌ها از گذشته تا حال بوده و خواهد بود. یکی از امور فردی و اجتماعی، برخورداری از حق انتخاب، تولید و تهیه و مصرف غذای خویشتن است؛ یعنی حاکمیت غذایی. این حق با ارزش همواره در جوامع مختلف مورد حمله سودجویان و سیطره طلبان بوده است زیرا از طریق غذا (از تولید تا عرضه و تا مصرف) می‌توان در ابعاد زندگی دیگران اثرگذار بود. برای تأثیرگذاری بر حاکمیت ملت‌ها بر کشاورزی و غذای خویش از رویکردهای متنوع و امکانات گوناگونی استفاده شده است؛ که یکی از شگردهای بسیار مؤثر ولی پیچیده آنها، برنامه نفوذ است. با نفوذ در ارکان هر نظام می‌توان حاکمیت آن نظام را مهار و مدیریت کرد و به کنترل درآورد.

این فصل با تعریف و مبانی نفوذ به‌طور اجمال آغاز می‌شود، سپس به بیان مختصری از مباحث زیر توجه خواهد شد: ویژگی‌های نفوذ، ابعاد و اشکال نفوذ، اهداف و عرصه‌های نفوذ در بخش کشاورزی، راهبردها و راه‌های نفوذ در ارکان بخش کشاورزی، اثرات، زمینه‌ها و عوامل سهل‌کننده برای نفوذ اهریمن در بخش کشاورزی و راهبردهای پیشگیری و کنترل نفوذ بر بخش کشاورزی.

تعریف نفوذ

نفوذ یعنی رخنه و راه‌یابی به درون یک شیء از طریق فضاهاى خالی بین آن موجود. صدری افشار و همکاران (۱۳۷۰) نفوذ را این گونه تعریف می‌کنند: "عمل یا فرایند فرورفتن چیزی، بدون تغییر ساختار آن؛ عمل یا فرایند راه یافتن به جایی یا در میان گروهی برای دستیابی به هدفی؛ وارد شدن از راه غلبه". نفوذ را می‌توان حضور پنهان و دخالت نرم بی‌نام و نشان در امور دیگران نیز نامید. در مبانی فکری و رویکردهای مقابله با نفوذ تشابه‌ای با نقش زنبورها ذکر کرده‌اند که چگونه زنبورهای مختلف هر یک تکلیف خود و عملیاتی را انجام داده و به خانه باز می‌گردند. برای درک بهتر مفهوم نفوذ می‌توان انسان یا هر موجودی را که نفوذپذیر است را با انسان یا موجودی نفوذناپذیر مقایسه کرد (جدول شماره ۶-۱).

جدول شماره ۶-۱: مقایسه مفهومی نفوذپذیر با نفوذناپذیر

انسان یا شیء نفوذناپذیر	انسان یا شیء نفوذپذیر
دارای تفکر زیربنایی	دارای تفکر رو بنایی
پُر و کم نیاز	متخلخل و نیازمند
دارای آرمان‌های متعالی و برنامه بلندمدت	فاقد آرمان و برنامه بلندمدت
محکم و ایستادگی در بحران‌ها	شکل‌پذیر و نرم
سنگ و سخت	اسفنجی
برنده و شفاف	بی‌خاصیت
مستقل و منسجم	سازگار با هر جریانی
مقاوم	ضربه‌پذیر و شکل‌پذیر
ماندگار	کم‌دوام
متحد و یکپارچه	تفرقه و تقسیم‌پذیر
قیمتی	ارزان
پیروی از رهبران شایسته	پیروی از هر صاحب قدرتی
کارآیی در زمینه‌های گوناگون	کاربرد موقت و موردی
جامع و عمیق	ساده و سطحی
قوی	ضعیف
ظاهری روشن و واقعی	ظاهری مدعی و فریبنده

تعریف نفوذ در بخش کشاورزی و غذایی

راه‌یابی پنهانی، صبورانه، تدریجی دشمن از محل ضعف‌ها و نیازمندی‌های جامعه با هدف تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا در کلیه ابعاد از تولید تا مصرف مواد غذایی و ارکان بخش کشاورزی.

الگوی فرایند نفوذ

پروژه نفوذ سه رکن کلی دارد (نمودار شماره ۶-۱):

✓ عامل نافذ یا نفوذکننده

✓ موجود نفوذپذیر

✓ محیط و شرایط عمل نفوذ

به عبارت دیگر باید موجود نفوذپذیری با ضعف و شرایطی خاص وجود داشته باشد، شرایط محیطی مناسب مهیا باشد و نفوذکننده‌ای مجهز به اسباب و امکانات لازم به میدان آید تا مؤثر واقع شده و حاکمیت ملی را در اختیار گیرد.



نمودار شماره ۶-۱: الگوی سه رکنی نفوذ

در فرایند نفوذ مراحل حساب شده طی می‌شود و از الگوهای علمی تغییر رفتار^۱ بهره گرفته می‌شود؛ برای نمونه مراحل زیر در فرایند نفوذ دنبال می‌شود:

- ۱) حساسیت‌شناسی – کسب اطلاعات از ارزش‌های محلی و نوع گرایش‌ها (خوراک‌های بومی و آداب و رسوم تهیه و مصرف آنها)
- ۲) حساسیت زدایی – القای بی‌خیالی، بی‌اهمیت جلوه دادن ارزش‌های بومی و مسخره کردن مصرف‌کنندگان غذاهای محلی
- ۳) حساسیت‌سازی – ایجاد حساسیت جدید و ارزش‌های قلبی با تبلیغات (مصرف فست فودها همراه با زرق و برق لذائی و حتی نمایش‌های شهوانی)

اهداف نفوذ

در گذشته استعمارگران با نیروی نظامی، کشورها و ملت‌ها را در کنترل و مدیریت خود در می‌آوردند ولی با افزایش آگاهی و روحیه مقاومت ملت‌ها، شکل‌های جدیدی برای این اهداف به کار گرفته شده است. اهداف بسیاری برای نفوذکنندگان مطرح است که معمولاً به صورت ترکیبی و یا چندجانبه از دو یا چند مورد زیر می‌باشد:

- ۱) حضور و دخالت در تصمیم‌سازی‌ها (سیاست‌گذاری‌های کلان و جزئی، برنامه‌ریزی‌ها و غیره)
- ۲) تغییر اولویت‌ها و القای ایده‌های ظاهراً موجه ولی ناکارآمد
- ۳) کسب اطلاعات و دزدی منابع فرهنگی و جاسوسی (جاسوسی آگاهانه و ارادی، یا ناخودآگاه)
- ۴) برنامه‌ریزی برای تخریب و ضربه زدن یا کاهش بهره‌وری بخش کشاورزی
- ۵) مدیریت، کنترل و مهار ارکان حاکمیت
- ۶) ایجاد و تحکیم وابستگی‌ها (وابستگی به واردات؛ مواد غذایی، نهاده‌های تولیدی، علم و تکنولوژی)

۷) تغییر رفتار ذی‌نقشان بخش کشاورزی؛ القای نومی‌دی، بی‌برنامگی، مهاجرت روستائیان و خالی کردن روستاها از تولیدکنندگان حافظ خودکفایی و محیط زیست.

۸) ایجاد تشّت و پراکندگی فکری بین نخبگان و بین مسؤولین که برای مثال برای حل مشکلات خشکسالی نظرات بسیار متنوع و برخی اوقات ضد و نقیض مطرح می‌شود که تصمیم‌گیری را مشکل کرده و مجریان برای دوری از انتقادهای احتمالی ضعیف‌ترین راهبرد را بر می‌گزینند که در عمل نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت.

ویژگی‌های نفوذ

- ✓ هدفمند و با برنامه
- ✓ ورود زیرکانه و عمدتاً پنهانی در عرصه‌های هدف
- ✓ خاموش و بی‌سر و صدا
- ✓ بی‌اهمیت و ناچیز خواندن شروع نفوذ و بی‌توجهی به آن (چون ناپیدا و احساس برانگیز نیست)
- ✓ تدریجی، ملایم، گام به گام و با حوصله
- ✓ نفوذ از روزنه کوچک و گسترش و رخنه در تمامی زمینه‌ها
- ✓ برخاسته از فرهنگ استیلاطلب و خوی مداخله‌جویانه غرب و نظام استکباری
- ✓ کنشی تأثیرگذار
- ✓ بدون اعمال زور
- ✓ از یک منبع قدرت به یک میدان ضعیف
- ✓ گسترش و ویروس ماند؛ از یک منفذ وارد شده و سپس در زمینه‌های گوناگون توسعه عمقی و عرضی می‌یابد
- ✓ دارای بار منفی و در صورت افشا موجب تنفر عموم

انواع نفوذ در بخش کشاورزی

نفوذ در اشکال متنوعی ممکن است تحقق یابد، مانند:

- ۱) **نفوذ اقتصادی**؛ نیازمندی به مواد غذایی و نهاده‌های کشاورزی شرایط را برای نفوذ بیگانه در مراکز اقتصادی مانند بانک‌ها، بازار و غیره را تسهیل می‌کند؛ همچنین برای تأثیرگذاری بر نوع، کیفیت، قیمت، و سایر ابعاد کالاهای مورد نیاز یا صادراتی.
- ۲) **نفوذ ساختاری**؛ با حضور مستقیم به‌عنوان مشاور، طراح و یا مجری طرح؛ یا غیرمستقیم و واسطه‌ای، مانند گماردن نیروهای بومی در تشکیلات اداری.

خبرگزاری انا (۱۳۹۸) نمونه‌هایی از نفوذ بیگانگان در ساختارهای دولتی از جمله سازمان محیط زیست را گزارش می‌دهد: "سازمان محیط زیست از دوران ریاست معصومه ابتکار، به واسطه ذهنیت حاکم بر مدیران و ضعف شدید نظارت در این حوزه، به یکی از شاهراه‌های نفوذ بیگانه تبدیل شده است و این روند در دوره عیسی کلانتری با همان شدت ادامه یافته است. نفوذ موسسات زیر نظر محمد بن زاید (ولیعهد ابوظبی و حاکم غیررسمی امارات) در حوزه محیط زیست به بهانه پروژه‌های حفاظت از گونه‌های خاص در سالیان اخیر گسترش یافته است، آن هم در حالی که امارات متحده عربی، متحد عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در پیشبرد نقشه‌های نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران است و امارات تبدیل به یک قطب فعالیت‌های جاسوسی و ضدامنیتی علیه ایران شده است، از شاهکارهای ریاست خانم معصومه ابتکار و دکتر عیسی کلانتری بر سازمان حفاظت است که مشرق پیش از این در گزارشی (۱۶ فروردین ۹۷) به تفصیل این نفوذ اماراتی‌ها را بررسی کرد. یکی دیگر از مصادیق تبدیل سازمان محیط زیست به معبر نفوذ، نفوذ و دسترسی‌هایی بود که یک موسسه غیردولتی با نام «حیات وحش میراث پارسیان» از ابتدای دولت روحانی و با حمایت‌های دولتی در این حوزه پیدا کرد."

۳) **نفوذ فرهنگی؛** تمسخر رفتار روستائیان، دهاتی و عقب مانده خواندن کشاورزان (کشاورزی یعنی رنج و زحمت و بیچارگی)؛ ایجاد دلزدگی و نومیدی در تولیدکنندگان غذای مردم؛ ترویج مصرف‌گرایی و...

۴) **نفوذ شناختی؛** از طریق نفوذ شناختی بر فکر و دانش اندیشمندان، دانشمندان، نهادهای علمی و پژوهشی، مسئولین و حتی عموم مردم اثرگذار می‌شوند. انتخاب موضوع تحقیق، انتخاب مجله مناسب برای گزارش تحقیقات که باب طبع مجله باشد، همایش‌های بین‌المللی، بورسیه‌های تحصیلی، ارتباط علمی مؤسسات پژوهشی بین‌المللی، نهادهای سازمان ملل متحد (فائو یا یوان‌دی‌پی و غیره) همگی مجراهای نفوذ و سپس القای سیاست‌هایی هستند که در حاکمیت بر کشاورزی و غذای کشور اثرگذار خواهند بود؛ القای اجتناب‌ناپذیری جهانی شدن بخش کشاورزی. (موارد خوب و ارزنده‌ای که اگر مراقبت نشود می‌تواند منشاء نفوذ گردد: الگوگیری از برنامه‌های آموزشی، فرصت‌های مطالعاتی، خواهرخواندگی دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی کشاورزی، بازدیدهای علمی و مانند اینها)؛ معرفی تکنولوژی‌های ظاهراً خوب ولی وابسته‌ساز (بسته‌بندی‌های شیک محصولات غذایی مردم پسند که نیازمند به واردات مواد و دستگاه از خارج است؛ و صنایع تبدیلی از زمینه‌های بسیار مساعد برای نفوذ است، زیرا مردم مرتباً به دنبال

دریافت مواد غذایی با کیفیت بالاتر و نحوه عرضه زیباتر هستند و این صنایع باید خود را با این خواسته‌ها تطبیق بدهند تا در بازار رقابت دوام بیاورند).

۵) **نفوذ روانی**؛ از طریق احساسات و تغییر نگرش می‌توان بر حاکمیت بر کشاورزی و غذای کشور اثر گذاشت: القای عدم توان در رسیدن به خودکفایی؛ تحمیل مصرف‌گرایی، ذائقه‌سازی (سبک غربی در مصرف غذا و نوع آن مانند اسلو فودها و KFC) ترویج اسراف و اشرافی‌گری در مصرف خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها (برنامه‌های آشپزی شبکه‌های تلویزیونی داخلی، GEM Food, Me, Chef).

۶) **نفوذ اجتماعی**؛ با حضور و یا تأثیر بر تشکل‌های کشاورزان و سایر گروه‌های مرتبط با کشاورزی و یا انواع تعاونی‌ها می‌توانند وضعیت اجتماعی را متأثر کنند (تشویق به مهاجرت و خالی کردن روستاها، ایجاد توقعات بیش از حد در زنان روستایی و بروز نارضایتی‌ها و تزلزل خانواده‌ها،...؛ دو قطبی کردن جامعه (فقیر و غنی؛ دهاتی و شهری) و در نتیجه تضعیف انسجام ملی.

۷) **انواع دیگر نفوذ**؛ برخی تقسیم‌بندی‌های دیگر در مبحث نفوذ نیز مطرح می‌باشد که فقط به ذکر چند عنوان بسنده می‌شود: نفوذ پنهان - آشکار؛ نفوذ مستقیم - غیرمستقیم؛ نفوذ راهبردی - تاکتیکی؛ نفوذ موردی - چند موردی - همه‌جانبه و جامع؛ نفوذ فردی - جریانی و یا شبکه‌ای؛ نفوذ مفهومی - ساختاری - عملکردی؛ نفوذ عادی - عامدانه؛ نفوذ فکری (ارایه مطالب علمی همراه با نکته‌ی پنهان گمراه‌کننده) - نفوذ فیزیکی (انسانی مانند: اعزام کارشناس و محقق و یا تاجر؛ ابزاری مانند: رسانه‌ها، نشریات، فضای مجازی، ماهواره‌ها و از راه دور)؛ نفوذ سخت‌افزاری - نرم‌افزاری.

زمینه‌ها و شرایط مناسب برای نفوذ

یکی از سه رکن اساسی نفوذ وجود شرایط و زمینه لازم برای تحقق نفوذ است. موارد زیر می‌تواند زمینه ساز نفوذ بیگانه بر حاکمیت کشاورزی و غذایی کشور را فراهم کند:

➤ نیازمندی؛ فاصله بین وضعیت مطلوب با وضعیت موجود را نیاز نامیده‌اند. این فاصله خلاءای را می‌نمایند که زمینه‌ساز نفوذ است. وقتی کشوری به غذا یا نهاده‌های تولیدات کشاورزی نیازمند باشد ناگزیر به تأمین مایحتاج خود از خارج است و اگر امکانات رفع نیاز در اختیار و یا تحت مدیریت و دخالت دشمن قرار داشته باشد امکان نفوذ فراهم می‌شود.

➤ غفلت؛ بی‌توجهی از کید دشمن و نداشتن آگاهی همراه با حساسیت نسبت به احتمال نفوذ از مجاری متنوع، شرایط را برای ضربه خوردن و تضعیف حاکمیت بر کشاورزی و غذا را مهیا می‌کند.

➤ ضعف اطلاعاتی؛ نداشتن علم و دانش کافی در زمینه‌های کشاورزی و اوضاع غذا در جهان، موجب می‌شود که کارشناس بی‌سواد یا بی‌اطلاع، نظر طرف مقابل در جلسات یا کنفرانس‌های بین‌المللی را بپذیرد.

➤ وجود نفوذکننده خبره و با تجربه؛ فرهنگ سلطه گر که با مطالعات عمیق و تجربیات جهانی رشد کرده و سال‌ها است که با شگردهای گوناگون در کشورها و فرهنگ‌های مختلف ورود کرده و مداخله نموده است، آمادگی دارد که از کوچکترین فضای خالی و فرصت برای ورود و اثرگذاری بر حاکمیت کشاورزی ما استفاده نماید.

➤ وجود افراد منافق، غرب‌گرا، مزدور بیگانه، متظاهر، خائن و به‌طور کلی ناباب که واسطه و فراهم‌کننده شرایط برای حضور و نفوذ اجنبی می‌شود. برخی از این افراد در توجیه و تشویق ورود بیگانه ید طولایی داشته و آنچنان حق به جانب صحبت می‌کنند که گویی کشور بدون دخالت بیگانه لنگ خواهد ماند؛ نمونه‌های بسیاری در وزارت کشاورزی در گذشته می‌توان نام برد. هر یک از گروه‌های فوق را بایستی بخوبی شناخت و مدیریت کرد؛ برای مثال: افراد منافق که از یک سو خود را دلسوز کشاورزی کشور می‌نمایند و از سوی دیگر با بیگانه مرتبط بوده و در جلسات و مذاکرات محرمانه از آنان خط گرفته و به‌عنوان تکنوکرات فهیم نظرات بیگانه را القا و به کشور تحمیل می‌کند. از جمله کارهای فرد منافق سست کردن جبهه نیروهای سازنده، توجیه و تطهیر چهره نفوذکننده، دادن اطلاعات به بیگانه و عامل و دلال یا واسطه‌گری می‌باشد.

➤ شکاف طبقاتی؛ فاصله بین اغنیا و فقرا رو به افزایش است و فقر زمینه تحمیل‌پذیری را تسهیل می‌کند، و نفوذ بر کشاورزان و روستائیان فقیر راحت می‌شود.

➤ نوکیسه‌های تجمل‌گرا؛ انسان تنوع طلب و فریفته جذابیت‌های کاذب به‌خوبی آغوش را برای وسوسه شیطان باز کرده و راه‌های نفوذ را برای مواد غذایی و کالاهای پر زرق و برق مهیا می‌سازد،

➤ سیاسی کاری برخی از مسئولین اجرایی و متکی بودن آنها به تکنوکرات‌ها، ترجیح شعارهای جناحی بر منافع ملی، دادن امتیازات ویژه مانند اعطای وام‌های بدون بهره یا کم بهره یا زمین و سایر امکانات به اعضای جناح خود که توجیه گر ارتباط و همکاری با جریان نفوذ هستند.

➤ ضعف مدیریتی، شتابزدگی در تصمیم‌گیری و برخی اوقات مسامحه (در جریان کشت فراسرزمینی آنقدر کوتاهی کردند که زمین‌های کشورهای آسیای میانه توسط چین و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس یا خریداری یا به اجاره‌های بلندمدت رفت، ولی ایران نتوانست به حد لازم از این فرصت استفاده کند)؛ این وضعیت زمینه نیازمندی که خود مقدمه نفوذ و قبول شرایط تحمیلی است را فراهم می‌آورد.

- تقلید و اقدامات بدون کارشناسی؛ کارشناسی ضعیف و بدون مطالعه جامع طرح‌ها و پروژه‌های مطرح در جهان شرایط را برای نفوذ ایده‌های مخرب لابلای موارد خوب فراهم می‌سازد.
- خودمحوری و مشارکت ندادن نیروهای ذیربط؛ معمولاً برخی از مسئولین به دنبال طرح‌های زود بازده برای تبلیغات هستند و برای این هدف خود را از مشاورت و مشارکت دیگران محروم می‌کنند، این امر موجب قبول و اجرایی کردن پروژه‌هایی می‌شود که حاوی عناصر نفوذی است.
- ترجمه‌ای بودن مطالب علمی و تکنولوژیکی؛ پرواضح است که مطالب علمی غرب براساس فرهنگ و نیاز خودشان تدوین و منتشر می‌شود و اگر قبل از مطالعه بومی نشده باشد می‌تواند منتقل‌کننده مطالب غیرمفید و زمینه‌ساز نفوذ باشد.
- ضعف اخلاق در گروه‌های مختلف مانند اخلاق کشاورزی، اخلاق حرفه‌ای کارگزاران، اخلاق علمی محققین و غیره
- نهادها و معاهدات بین‌المللی؛ سازمان‌ها و مؤسسات علمی و خدماتی بین‌المللی از یک سو و با اهدافی موجه می‌توانند منشاء خیر و بهره باشند و از سوی دیگر شرایطی برای نفوذ اهریمن در نظام اجرایی کشور. استکبار در پروژه جهانی‌سازی از راهبرد نفوذ و مدیریت کشاورزی جهان از طریق نهادهای بین‌المللی نیز بهره می‌گیرد. این نهادها و مؤسسات از اعضای خود اطلاعات از تولید تا نیازهای مصرفی و حتی ذخیره مواد غذایی طلب کرده و این آمار و اطلاعات تنظیم و مدون شده و بنحوی آشکار در اختیار طالبان مربوطه قرار می‌گیرد. برخی از پیامدهای دیگری که از نفوذ و تأثیرگذاری این مؤسسات بر امور کشاورزی کشور بروز می‌کند عبارتند از:
 - ✓ دسترسی به مسائل واقعی بخش کشاورزی،
 - ✓ شناسایی نیروهای علمی و سوءاستفاده از تخصص و اطلاعات آنها؛ جذب مهره‌های مؤثر به کشور خود،
 - ✓ گرفتن ابتکار عمل در تهیه مصوبات بنفع خود،
 - ✓ تحمیل هزینه‌ها بر کشورهای عضو،
 - ✓ سوءاستفاده از اطلاعات در سایر زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.

شگردهایی برای ناگزیر کردن کشورها برای عضو شدن در مؤسسات بین‌المللی

برای حضور و عضویت کشورها در مؤسسات بین‌المللی، مشوق‌های متنوع و تنبیه‌گوناگون در نظر گرفته می‌شود تا کشورها ناگزیر به تبعیت از تصمیمات مدیریت این گونه مؤسسات شوند. از جمله تنبیهات، محروم کردن غیرعضوها از خدمات علمی و مشاوره‌ای، تبلیغات منفی علیه کشورهای غیرعضو و منزوی کردن آنها، استفاده از سازوکارهای حقوقی و غیره. از مشوق‌ها: وعده کمک‌های مالی، اعزام کارشناس، اعطای وام، ارسال ابزار و تکنولوژی.

ابزار نفوذ

معمولاً بیگانه‌ها برای نفوذ از یک یا چند وسیله برای نفوذ خود استفاده می‌کنند، در فرصتی دیگر می‌توان نمونه‌هایی از به‌کارگرفتن هر یک از ابزار زیر را تشریح کرد:

(۱) پول و اعتبارات، وام‌ها، کمک‌های نقدی، هدیه‌ها، جایزه‌ها و مانند این‌ها که نفوذ فکری را با خود همراه دارد.

(۲) غذا و مواد خوراکی؛ و عرضه نهاده‌های تولیدی کشاورزی،

(۳) اطلاعات؛ اطلاعات دستکاری شده و هدف مند، ابزار جاسوسی و...

(۴) اعطای پُست و مقام در نهادهای بین‌المللی و داخل کشورها (کشور هدف یا کشور میزبان)

راهبردهای شیطنانی برای نفوذ بر بخش کشاورزی کشور

راهبردهای نفوذ را می‌توان تحت چهار گروه عمده دسته‌بندی کرد: زر - زور - تزویر - تزئین. در این زمینه نظرات فراوانی ارایه شده است. حجت‌الاسلام دکتر شریفانی در جلسه‌ای فهرستی از راهبردهای شیطان برای نفوذ بر انسان بحث کردند که در اینجا با تطبیق به بخش کشاورزی به آنها اشاره می‌شود. آیات قرآن گویای آنست که شیطان از راه‌های متنوعی برای نفوذ بر انسان و متأثر و منحرف کردن او از مسیر هدایت استفاده می‌کند. راهبردها و راه‌های شیطنانی استکبار نیز برای مهار و مدیریت (کنترل) بخش کشاورزی نیز با برنامه‌های شیطان رجیم هماهنگ است؛ بنابراین به‌طور اجمال به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

❖ **ایجاد خوف؛** آل عمران، ۱۷۵: **إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**

در واقع این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند پس اگر مؤمنید از آنان مترسید و از خدا برترسید؛ مصداق‌ها: تهدیدهای استکبار به تحریم مواد غذایی، نهاده‌ها (آنتی بیوتیک‌ها، جوجه، و...)

- ❖ **وسوسه؛** مؤمنون، ۹۷: وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ = بگو: ای پروردگار من، از وسوسه‌های شیطان به تو پناه می‌آورم. مصداق‌ها: از طریق رسانه‌های گوناگون انسان‌ها را به سبک تهیه و مصرف مواد غذایی با فرهنگ غربی ترغیب می‌کنند، نشان دادن غیرواقعی خیر افراد، ناصح و دلسوز جلوه دادن خود و جلب اعتماد و سپس القای خواست‌های شیطانی خود
- ❖ **ترساندن از فقر،** البقره، ۲۶۸: الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ = شیطان، شما را (به هنگام انفاق)، وعده فقر و تهیدستی می‌دهد؛ مصداق: در گزارش‌های مختلف استکبار و تبلیغاتش از کمبود مواد غذایی در ایران بحث می‌شود. از مصداق‌های دیگر: استفاده از اهرم قوانین نهادهای بین‌المللی که خود تأسیس کرده‌اند و مواجه کردن کشورها با فشارها و جو سازی جهانی تا شرایط را بپذیرند؛ مثلاً در جریان معاهده تغییر اقلیم بر ایران تحمیل کردند که برای کاهش گازهای گلخانه‌ای از گاو داری‌های خود بکاهد.
- ❖ **ترویج فحشا،** نور، ۲۱: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ = ای مؤمنان! از گام‌های شیطان پیروی نکنید؛ و هر که از گام‌های شیطان پیروی کند [هلاک می‌شود] زیرا شیطان به کار بسیار زشت و عمل ناپسند فرمان می‌دهد؛ مصداق: استفاده از مواد خوراکی برای تهیه مشروبات و سیگار و سایر روان گردان‌ها و ترویج آنها، زیرا انسان طبیعتاً لذت جو است و آمادگی استفاده از این گونه مواد را دارد.
- ❖ **هم‌نشینی شیطان؛** نسا، ۳۸: وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا = و هر کس شیطان همدم او باشد بی‌تردید بد همدمی است. مصداق: شرکت در همایش‌های بین‌المللی و مذاکرات مسئولین با همتایانشان از برخی کشورها و هم صحبت شدن با برخی از بیگانگان مرموز موجب تغییر رویه و نگرش نسبت به شیطان‌ها و برنامه‌های ظاهراً فریبنده آنان می‌شود.
- ❖ **زیبا جلوه دادن رفتارهای مورد نظر،** انعام، ۴۳: وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ = شیطان آنچه را انجام می‌دادند برایشان آراسته می‌کند؛ مصداق: استکبار به جریاناتی که مقلدین کامل او هستند مرتباً تجلیل می‌کند، مثلاً کسانی که در چارچوب تعیین شده و موضوعات مورد علاقه استکبار تحقیق و مقاله تهیه کنند در محافل جهانی به‌عنوان دانشمندان برگزیده تجلیل می‌شوند. استفاده کنندگان از غذاها و سبک غربی زیبا نمایش داده می‌شود و مصرف و سبک تغذیه بومی زشت و غیربهداشتی و حتی ضد انسانی معرفی می‌گردد.
- ❖ **ایجاد غرور کاذب،** اسراء، ۶۴: وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا [۶۴] = ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده‌ای به آن‌ها نمی‌دهد. مصداق: وعده‌های رفع تحریم‌ها که به هیچ کدام عمل نکرده است.

- ❖ **ایجاد فراموشی، کهف، ۶۳:** وَمَا أَنَسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ = و آن را جز شیطان از یادم نبرد. مصداق: شرکت جنرال الکتریک که هیچ تخصص و دانش و تجربه‌ای و ارتباطی ندارد ولی در سال‌های قبل از انقلاب برنامه توسعه کشاورزی برای ایران نوشت که یکی از توصیه‌های آنان حذف بُز از مراتع و نظام دامداری ایران بود، اکنون با شعارها و تبلیغات این خیانت‌ها را بفراموشی می‌سپارد.
- ❖ **ترویج مصرف‌گرایی و اسراف، اسرا ۲۷:** إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ = بی‌تردید اسراف‌کنندگان و ولخرجان، برادران شیاطین اند. مصداق: فیلم‌های آمریکایی عموماً براساس مکتب سرمایه‌داری لیبرال حول مصرف‌گرایی و ریخت و پاش دور می‌زند، آمار دور ریز خوراک در آمریکا گویای آنست که با آن می‌شود سه کشور آمریکای مرکزی را تغذیه کرد.
- ❖ **مذاکرات محرمانه برای ایجاد حُزن، مجادله ۱۰:** إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا = چنان نجوایی صرفاً از [القاءت] شیطان است تا کسانی را که ایمان آورده‌اند دلتنگ گرداند. مصداق: جلسات محرمانه‌ای که سران کفر علیه ایران برگزار می‌کنند و یا مذاکراتی که با منافقین و سرکرده‌های معاندین برای اعمال تحریم‌ها علیه ایران دارند.
- ❖ **ایجاداختلاف و تفرقه بین مردم، مائده، ۹۱:** إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصَدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ = همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا. مصداق: رقابت‌هایی که بین کشورهای منطقه در توسعه ظاهری ایجاد کرده و موجب تفرقه بین آنها شده است، خانواده‌هایی که در مراسم عروسی شراب عرضه می‌کنند موجب دزدگی و قهر گروهی از مجلس خود شده و از سوی دیگر درگیری بین عیاش‌ها شده‌اند.
- ❖ **راهبردهای دیگر؛ افزون بر موارد فوق می‌توان به راهبردهای زیر نیز توجه داشت:**
- ✓ استفاده از افراد ضعیف؛ کسانی که اطلاعات علمی کمی دارند براحتی ایده ظاهراً موجه طرف مقابل را می‌پذیرند، نمونه: کارشناسان کم‌سواد و کم‌تجربه‌ای که برای شرکت در محافل علمی بین‌المللی عزیمت می‌کنند ایده‌های بعضاً نامناسب را برای رفع مشکلات کشاورزی کشور پذیرفته و در جلسات داخلی آنچنان مطرح می‌کنند که گویی کشفی بزرگ نموده‌اند.
 - ✓ بهره‌گیری از لایه‌های دوم یا سوم مدیریتی که عموماً از تکنوکرات‌های نفوذپذیر هستند و توان القا و تأثیرگذاری بر مدیران سطح بالاتر را دارند
 - ✓ تضعیف نیروهای قوی، مقاوم و کارآمد و جایگزین کردن آنها با افراد نرم بی‌خاصیت ولی نفوذپذیر

- ✓ ترکیب و همراه کردن نفوذ با ارسال و عرضه مواد غذایی، نهاده‌های تولیدی کشاورزی و غیره
- ✓ اعمال سیاست‌های نفوذ از طریق نهادهای بین‌المللی مانند سازمان جهانی تجارت، سند ۲۰۳۰ و مانند اینها
- ✓ داد و ستد با برخی از شرکت‌های فراملیتی (تهیه نهاده‌ها کشاورزی، مواد غذایی،...) و قبول شرایط تحمیلی آنها (مانند گزارش ذخیره‌های غذایی کشور و آمار نیازها و نوع تقاضاهای مردمی، قبول استانداردهای مواد غذایی آنها)
- ✓ ایجاد شبکه‌های اجتماعی با مدیریت و تولید محتوای هدفمند، کانال‌های دریافت اطلاعات و فناوری‌های نوین، اینترنت و فضای مجازی
- ✓ ترویج فرهنگ لیبرالیسم و سکولاریسم؛ تربیت و تقویت نوکیسه‌های بورژوا که توجیه گر و مبلغ شرایط نفوذ هستند (پیاده نظام استکبار و عامل و مزدور آن)
- ✓ تحول در نظام کشاورزی؛ رفتن از کشاورزی سنتی کم بازده به سوی کشاورزی صنعتی پُر بازده که با مصرف مواد شیمیایی و سایر نهاده‌ها همراه است و باید اصول و فنون مربوطه را از کانال‌های مشکوک دریافت کند. درحالی‌که اگر کشاورزی سنتی را با اصول کشاورزی بوم‌گرا و علمی بومی ترقی داده شود هم تولید افزایش می‌یابد و هم از پیامدهای منفی کاسته می‌شود.
- ✓ ترویج فساد و مبتلا کردن کارگزاران ضعیف به رشوه و دریافت پاداش‌های گوناگون (بورس تحصیلات با مدرک‌های رسمی یا دوره‌های کارآموزی و غیره در مؤسساتی مانند مرکز تحقیقات برنج (ایری) در فیلیپین که زیر نظر بنیاد راکفلر اداره می‌شود.
- ✓ راهبرد تظاهر به خیرخواهی، جلب اعتماد، صمیمی شدن (لبخندهای تصنعی دوستانه ولی سمی).
- ✓ جنگ دیپلماتیک؛ و مذاکره و چانه زنی؛ مذاکره انوعی دارد: مافوق با مادون؛ مادون با مافوق؛ دو نیروی هم سطح. استکبار خود را مافوق می‌داند و در مذاکره با گروه مادون نییات خود را القا و تحمیل می‌کند.
- ✓ تضعیف روحیه مقاومت و نفوذناپذیری با جنگ‌های روانی؛ برای مثال: نشر اینکه نمی‌شود کشور را منزوی کرد، یا "کشورهای در کمپ آمریکا پیشرفته هستند" (گرچه کشورهایی چون مصر و مکزیک و غیره وضعیتی بسیار شکننده دارند و برخی کشورهای آسیای شرقی با تلاش و فرهنگ کار و ایثار مردم خود توانسته‌اند به پیشرفت‌هایی برسند).

- ✓ اعزام خبرنگار بخصوص خبرنگارهای حرفه‌ای و خبره برای جمع‌آوری اطلاعات و گزارش‌های رسانه‌ای زمینه‌ساز نفوذ، جوساز و تأثیرگذار بر سیاسیون و مسئولین
- ✓ اعزام گردشگرهای مرموز به‌ویژه توریست‌های روستایی برای شناخت و کسب اطلاعات میدانی از عرصه‌های کشاورزی کشور و مذاکره با کشاورزان و از این طریق القای افکار ضد حاکمیتی
- ✓ ساختن فیلم‌های سینمایی و مستندهای هنری از روستاها و منابع طبیعی و اوضاع کشاورزی

آسیب‌ها و اثرات نفوذ بر بخش کشاورزی

مهمترین اثری که نفوذ بر بخش کشاورزی دارد تضعیف حاکمیت بر کشاورزی و غذای کشور است، این اثر، خود عامل بروز نتایج منفی فراوانی شده که معمولاً مزمن و پایدار خواهند بود، در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- کاهش تولید محصولات راهبردی در داخل کشور
- پائین آوردن سطح خودکفایی و خوداتکایی در کشاورزی
- دخالت در نظام زمین‌داری و مالکیت اراضی کشاورزی (خرید مزارع کوچک توسط شرکت‌ها و ساختن باغشهر و ویلا و کلبه‌های تفریحی؛ و در نتیجه مهاجرت کشاورزان از روستاها)
- کشیده شدن به سمت واردات و تجارت از خارج و ناگزیر به پذیرفتن ضوابط تحمیلی شرکت‌های بزرگ فرامیلتی؛ واردات نهاده‌ها مانند بذور (پرتولید یا تراریخته) سم و کود و ماشین‌ها و ادوات و پیچیده‌تر از همه تکنولوژی‌ها
- کاهش صادرات محصولات کشاورزی و در نتیجه کاهش درآمدهای ارزی از این طریق؛ و وابستگی روزافزون به نفت و از سوی دیگر تک‌محصولی شدن
- توجیه و نشر اقتصادی نبودن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی
- گسترش مکتب و تفکر لیبرالیسم در جامعه و در نتیجه گسترش فاصله طبقاتی
- تحمیل فکر نمی‌توانیم، نداریم، نمی‌شود، نمی‌گذارند و... که برای تلاش به‌منظور خودکفایی و خوداتکایی و داشتن حاکمیت بر کشاورزی خویشتن دنبال می‌شود.
- مهاجرت روستائیان و تخلیه روستاها و در نتیجه تضعیف سرمایه‌های اجتماعی روستایی
- ترویج فرهنگ تجمل و مصرف‌گرایی و اسراف و تبذیر در مصرف مواد غذایی به‌ویژه مواد خوراکی در بسته‌بندی‌های شیک وارداتی؛ تغییر ذائقه و معرفی استانداردهای غذایی غربی که دائماً در حال تغییر است و مصرف‌کنندگان را بخود مشغول کرده و به‌دنبال می‌کشد.

- تضعیف باورهای اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی ملی در راستای رفع نیازهای غذایی و حفظ استقلال و در نتیجه ایجاد زمینه ورود و شکل‌گیری سبک و راه و روش‌های انحرافی در بخش کشاورزی
- رفتن به‌سوی تک محصولی شدن؛ چه در سطح کلان (فقط نفت و وابستگی به آن برای تأمین غذا) و یا در بخش کشاورزی که هر مزرعه به یک محصول اختصاص یابد تا اقتصادی باشد ولی در بلندمدت چسبندگی آن به شرکت‌های چند ملیتی غذایی برای تهیه نهاده‌ها مانند بذر و فروش تولیدات خود تحمیل‌پذیر می‌شود.
- انتشار آفات و بیماری‌های گیاهی و حیوانی با شگردهای مختلف و فنی شده به‌ویژه در قالب بیوتروریسم.
- تحمیل سیاست‌های استعماری و استثماری؛ مانند سیاست‌های کنترل گازهای گلخانه‌ای که توسط کارخانجات صنعتی کشورهای غربی تولید می‌شود ولی کاهش آن را با طرح کاشت درخت در آفریقا دنبال کرده و پول‌های راكد بانک‌های غربی برای حقوق کارشناسان غربی و خرید تجهیزات غربی به‌کارگرفته شد و باز پرداخت وام مربوطه را به کشورهای آفریقایی تحمیل کرده‌اند. جالب است که همیشه در این طرح‌ها، بنیادهای ظاهراً خیریه و فرهنگی مانند بنیاد راکفلر و یا در سال‌های اخیر بنیاد بیل و میلیندا گیتس محرک و عامل توجیه‌کننده این برنامه‌ها به‌عنوان خدمات انسان دوستانه می‌شوند.

راهبردهای مقابله با نفوذ

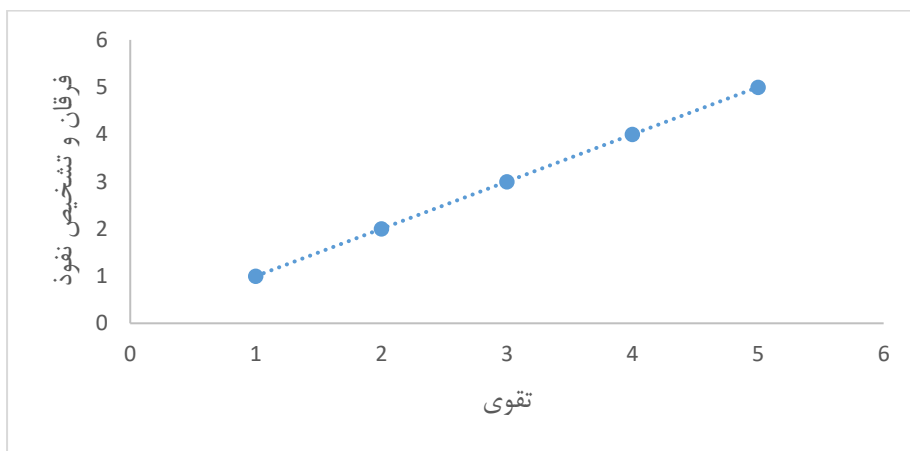
- در مقابله با نفوذ رویکردهای متنوعی مطرح شده است، مانند:
- الف- رویکرد فعال و سازنده؛ با شناخت جامع و حضور فعال، سعی به مشارکت در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و نهایتاً بهره‌گیری از فرصت‌ها و ندادن باج؛ و مدیریت آگاهانه انواع نفوذ و تأثیرگذاری در روابط بین‌المللی.
 - ب- رویکرد غافلانه؛ با بی‌اهمیت شمردن موضوعات و عدم مشارکت و حضور جدی، کار را رها کرده و هرچه پیش آید را امری عادی و اجتناب‌ناپذیر می‌خواند.
 - ج- رویکرد منفعلانه؛ گرچه برخلاف رویکرد غافلانه از موضوع شناخت دارد، لکن تسلیم وضعیت تحمیلی شده و با سیاسی کاری و توجیه همراهی با جریانات بین‌المللی به فرمان‌های آنان عمل می‌نماید.

نحوه دیگر بررسی رویکردهای مواجهه با نفوذ به شرح زیر است:

- (۱) رویکرد انزوایی؛ یعنی به‌طور کامل از نظام نفوذی و سلطه دوری کردن؛ که ممکن است مقداری از اثرات تخریبی نفوذ را بکاهد ولی محرومیت‌هایی نیز بر جامعه تحمیل می‌کند؛ برای مثال

- عضویت در برخی از سازمان‌هایی بین‌المللی اگر قطع شود شاید در پیچه نفوذ بسته گردد، ولی از دستاوردهای علمی و آگاهی‌های روز نیز محروم می‌شویم. این رویکرد قابل قبول نیست.
- (۲) رویکرد اعتماد بی‌ملاحظه؛ ساده انگاری و توهم خواندن نفوذ موجب می‌شود که تسلیم فریب، ظاهر و تبسم‌ها و مشوق‌های کوتاه‌مدت دشمن شویم. این رویکرد هم مطرود است.
- (۳) رویکرد برخورد منطقی؛ که ضمن حفظ ارتباط فعال با جهان بایستی با آگاهی و استفاده از راهبردهای زیر نفوذ بیگانه را مهار و مدیریت (کنترل) کرد:
- راهبرد ترویج تقوا؛ افراد متقی ضمن داشتن استعداد نفوذشناسی اقدام مناسب و به‌موقع را نیز برای مهار و مدیریت نفوذ معمول می‌دارند. به عبارت دیگر تقوا موجب فرقان یعنی بینش و روشن بینی می‌گردد (نمودار ۶-۲)؛
 - بصیرت افزایی، داشتن روش‌شناسی علمی مفید برای شناخت و تحلیل نفوذ، درک عوامل مربوطه و برنامه‌ریزی مقابله
 - حساسیت‌زایی؛ داشتن عرق ملی و تعصب مثبت، انسان را حساس کرده بنحوی که از کوچکترین نشانه نفوذ به برنامه مخدوش کردن حاکمیت بر کشاورزی کشور پی برده و واکنش نشان داده می‌شود.
 - فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن ارزش‌های استقلال طلبانه در کشور؛ تحریک غیرت و تعصب مثبت ملی - مذهبی مردم و نفوذناپذیری را به خواست تمامی مردم تبدیل کردن.
 - مطالبه از مجلس شورای اسلامی، شورای انقلاب فرهنگی، سازمان پدافند غیرعامل، دولت و سایر نهادهای مؤثر کشور که نظارت و مواظبت دائمی هوشمند بر اوضاع داشته باشند.
 - عایق‌بندی امور، پیش‌گیری، ایجاد موانع و گُندکننده‌ها (واگذار کردن تصمیم‌ها به کمیته‌ها و فرایند طولانی و یا چندجانبه...) ایجاد خاکریزهای پنهان و عیان بر سر راه‌های بیگانگان مشکوک
 - در دست گرفتن ابتکار عمل و آرایه طرح‌های مبتکرانه در حفظ محیط زیست و زمینه‌های تأمین غذای مردم و همچنین جهانیان
 - پیروی کامل از راهبرد مدح: م = مقاومت؛ د = دفاع؛ ح = حمله. مقاوم‌سازی افراد و بستن راه‌های نفوذ با آموزش نیروهای درگیر موجب می‌شود که طرح‌های نفوذ بی‌اثر گردد. دفاع یعنی خنثی کردن اقدامات و تلاش‌های بیگانه برای نفوذ، به عبارت دیگر اگر نفوذی واقع شده باشد و یا برنامه‌ای برای نفوذ طراحی و در دست اجرا باشد، باید آنرا متوقف کرده و از کار انداخت. حمله نیز یعنی گرفتن ابتکار عمل در دست، داشتن حضور در جریانات مشکوک به نفوذ و کسب اطلاعات برای مواظبت و برخورد به‌موقع در برابر بیگانه مرموز.

- افشای نفاق و سایر جریان‌های منفی نفوذپذیر
- تبدیل تهدیدها به فرصت؛ از برنامه‌های نفوذ مبتکرانه استفاده کرده و جنبه‌های مثبت را باید مورد توسعه قرار داد
- مدیریت جهادی، مسئولانه و آگاهانه
- ترویج اخلاق حرفه‌ای (ساده زیستی، فساد ستیزی، پُر کاری)؛ و رشد فکری و احساسی نیروها
- راه‌اندازی نظام اطلاعات و آمار معتبر در بخش کشاورزی و با دسترسی گروه‌های خاص و هوشمندانه به اطلاعات طبقه‌بندی شده
- شناسایی اصول کشاورزی بوم‌گرای (آگرواکولوژی) مناسب و عملیاتی کردن آنها مانند کشت گیاهان ارگانیک؛ ترویج الگوی کشت علمی و مناسب هر منطقه و در نتیجه احساس به بی‌نیازی از بیگانه.



نمودار شماره ۶-۲: رابطه تقوا با فرقان و روشن بینی و تشخیص نفوذ

فصل هفتم

**جمع‌بندی و برنامه حفظ و ارتقای حاکمیت کشور
بر کشاورزی و غذای مردم و توصیه‌ها**

معرفی فصل

داشتن حق حاکمیت بر کلیه امور کشاورزی از تولید تا عرضه و تا تمامی فرایند فراوری و چگونگی مصرف مواد غذایی از ارزش‌های ناب اعطایی خالق رازق می‌باشد. از آنجا که این حق توسط سودجویان همواره مورد تجاوز قرار گرفته است؛ و از سوی دیگر مقاومت و مقابله با ترفندها و اقدامات سودجویان نیز محقق گشته است، ضرورت داشت که این دو جریان پویا و رو به رشد را مورد کنکاش قرار داده تا بتوان بنحو مطلوب از آن حق حاکمیت دفاع و از آن در بحران‌ها و کشمکش‌های سیاسی جهان پر آشوب حفاظت نمود.

جمع‌بندی کلی از نتایج و تحلیل‌های فصول گذشته گویای آنست که نظام اقتصاد لیبرال با تسلط بر نظام غذایی جهان و سازماندهی رژیم فرمانروایی مربوطه، ضمن کسب بالاترین سود و چپاول منابع دیگران، به فرهنگ بومی ملت‌ها نیز خدشه وارد کرده و در امور سیاسی آنان به‌طور آشکار مداخله می‌نماید. در این شرایط، وضعیت ایران با توجه به روحیه استکبار ستیزی و فرهنگ مقاومت و استقلال‌طلبی مردم توانسته است حاکمیت خود را بر کشاورزی و غذای مردمش تثبیت نماید؛ لکن راهبردها و روش‌های پیچیده برخاسته از مطالعات علوم انسانی که توسط "نظام فرمانروایی غذایی" طراحی و اجرا می‌شود و به‌طور پنهان و خزنده در فرهنگ و سایر ارکان جوامع رسوخ کرده است ضرورت هشیاری و نگرانی را تأکید می‌کند، و نباید از مکر شیطان بزرگ غافل شد.

در این فصل نکاتی از فصول گذشته فهرست وار ارایه می‌شود، و سپس توصیه‌هایی برای تقویت نظام حاکمیت بر کشاورزی و غذایی کشور تقدیم می‌گردد:

- (۱) از نیازهای اساسی و حیاتی انسان غذا است،
- (۲) جمعیت جهان در حال رشد است،
- (۳) تقاضا برای غذا به دو دلیل رو به گسترش است: ۱. افزایش جمعیت و ۲. افزایش انتظار برای غذای با کیفیت بالاتر و کمیت بیشتر،
- (۴) منابع و امکانات تولید غذا در کشورهای ضعیف در حال فرسایش و تخریب است،
- (۵) از ۷ میلیارد جمعیت جهان بالغ بر ۱۲ درصد در فقر و گرسنگی بسر می‌برند،
- (۶) حدود ۲ میلیارد نفر هم مبتلا به پُرخوری هستند، بنابراین غذا به‌حد کافی تولید می‌شود.
- (۷) دانشمندان معتقدند که گرسنگی به‌دلیل کمبود غذا نیست بلکه نتیجه توزیع ناعادلانه امکانات تولید، توزیع ناعادلانه غذا و ضعف قدرت خرید فقرا است.
- (۸) در دوره قدیم غذا از روستا به شهر عرضه می‌شد، سپس از مناطق کشاورزی به کشورها و شهرهای صنعتی. سپس با توسعه علم و فناوری و حرکت کشاورزی سنتی به کشاورزی صنعتی

- و برخورداری از منابع طبیعی و آب فراوان در کشورهای آمریکای شمالی و برخی کشورهای اروپایی و از سوی دیگر نیازمندی و گرسنگی در کشورهای ضعیف، حرکت غذا برعکس شد؛ یعنی غذا از برخی از کشورهای برخوردار صنعتی به کشورهای ضعیف ارسال گردید.
- ۹) جابجایی و عرضه غذا توسط پیلهوران آغاز و دنبال می‌شد و به‌مرور به تجارتی پُرسود تبدیل گشت؛ و در نتیجه شرکت‌های مدرن وارد صحنه شدند. رقابت شرکت‌ها و زمینه مساعد برای توسعه فعالیت موجب به‌کارگیری نتایج مطالعات متنوع شد و این جریان به شکل‌گیری شرکت‌های بین‌المللی و عظیم انجامیده و همچنان در حال منسجم‌تر شدن، سیاسی‌تر شدن، همه‌جانبه‌تر شدن و رشد تمام عیار بی‌انتهای گردیده است. حاصل این جریان‌ها بوجود آمدن تعدادی شرکت بسیار بزرگ (بین ۳ تا ۵ شرکت تعیین‌کننده و تعدادی شرکت کوچکتر، رقیب ولی تابع سیاست‌های شرکت‌های اصلی) شده است. شرکت‌های بزرگ جریانی را شکل داده‌اند که توسط منتقدین به "نظام (رژیم) فرمانروایی غذایی جهان" نامیده شده است.
- ۱۰) منتقدین بسیاری عملکرد شرکت‌های بزرگ غذایی (کوپریت‌ها) را خسارت‌زا بر کشاورزان خرده پا، تخریب روستاها، نابودی تنوع زیستی، فرسایش محیط زیست و فشار اقتصادی بر مصرف‌کنندگان برشمردند؛ لکن دانشمندان دیگری اثرات مثبت این شرکت‌ها را ذکر و عملکرد آنها را در توسعه جوامع، رفع گرسنگی و فقر، حمایت از تحقیقات، پشتوانه مالی دولت‌ها و غیره ستوده‌اند.
- ۱۱) نظام فرمانروایی غذایی جهان از مکتب فکری سرمایه‌داری لیبرال و نئولیبرالیسم خط مشی عملیاتی گرفته و تغذیه فکری می‌شود.
- ۱۲) اولین قربانیان نظام سرمایه‌داری لیبرال، کشاورزان خانوادگی ایالات متحده آمریکا می‌باشند؛ در نتیجه اقدامات شرکت‌های بزرگ تقریباً تمامی مزارع آمریکا تک محصولی شده‌اند، کشاورزان ناگزیراند تمامی نهاده‌های خود را از این شرکت‌های خریداری کرده و محصولات خود را از طریق این شرکت‌ها بفروشند. این اجبار به‌صورت تدریجی و نرم ایجاد شده و کشاورز راهی جز پذیرش برنامه‌های این شرکت‌ها (قیمت، نوع، کیفیت محصول و غیره) را ندارد.
- ۱۳) با شکل‌گیری تجارت غذا، نقدها و ایرادات بر آن نیز آغاز گشت و سودجویی تَجَّار غذا فریاد کشاورزان و تولیدکنندگان از یک سو و از سوی دیگر شکوه مصرف‌کنندگان غذا فضا را پر نمود. برای نجات نظام سرمایه‌داری لیبرال، مکتب اصلاحات (فرمیست‌ها) به میدان آمده و با ارائه ایده‌ها و برنامه‌های راهبردی مانند سوپاپ اطمینان عمل کرده و تا حدی نقدها را کاهش داد و یا به‌سوی موضوعاتی دیگر منحرف نمود (ابداع رویکرد امنیت غذایی محصول فکری مکتب اصلاحات بود) و این دو مکتب پشتوانه "نظام فرمانروایی غذایی جهان" شده‌اند.

۱۴) رویکرد امنیت غذایی که واژه‌ای مناسب است مورد سوءاستفاده شرکت‌های تجاری، تولیدکنندگان سم، بذر، کود، ماشین‌ها و سایر نهاده‌های زراعی، باغی و دامی قرار گرفت و موجه‌سازی اِزاری برای صادرات محصولات و مواد غذایی از کشورهای برخوردار شد نتیجه آن رشد اقتصادی این کشورها و سود کلان شرکت‌های بزرگ شد؛ عرضه نهاده‌ها و محصولات به کشورهای نیازمند با تحمیل سیاست‌های اقتصادی و سیاسی و چپاول منابع و ثروت‌های مادی و معنوی این کشورها گردید.

۱۵) نفوذ شرکت‌های بزرگ و نظام فرمانروایی غذایی بر دولت‌ها روزبه‌روز بیشتر شده و از سوی دیگر نهاده‌های بین‌المللی مانند فائو، بهداشت جهانی، بانک جهانی، بنیادهای به ظاهر خیریه مثل؛ راکفلر، میلیندا و بیل گیتس وسیله‌های مناسبی برای توجیه فعالیت‌های این شرکت‌ها شده‌اند.

۱۶) اعتراض کشاورزان و نقد عالمانه آزاد اندیشان ضد نظام سرمایه‌داری نیز منسجم شده است و در مبارزه با نظام فرمانروایی غذایی جهان رشد یافته است. محصول این حرکت نیز دو مکتب فکری است: الف) مکتب ترقی خواه (پروگرسوئیسم) که مبارزه با نظام فرمانروایی غذایی را با سیاست‌هایی مانند توسعه و ترویج کشاورزی بوم‌گرا، پروژه انقلاب سبز، حذف واسطه‌ها با برقراری ارتباط بین تولیدکننده و مصرف‌کننده، توسعه انواع تعاونی‌ها و غیره دنبال می‌کند؛ و ب) مکتب تحول اساسی (رادیکالیسم) که معتقد است با حرکت‌های فرهنگی و فنی ملایم نمی‌توان نظام فرمانروایی غذایی را مهار و مدیریت (کنترل) کرد، بلکه بایستی با مبارزه‌ای جامع و سخت ریشه‌های آن نظام را در جهان خشکاند.

۱۷) همزمان با شکل‌گیری این دو مکتب فکری مبارز، نهضتی نیز تحت‌عنوان "راه و روش کشاورزان" (لا ویا کامپسینا) توسط کشاورزان و محققین به‌ویژه از آمریکای جنوبی بوجود آمده و کشاورزان و حامیانی از دانشمندان روشنفکر ایالات متحده و اروپایی نیز به این نهضت پیوسته‌اند. این نهضت با بیش از ۸۰ کشور عضو، هر ۴ سال یک نشست جهانی دارد. از اقدامات جدی این نهضت، مطرح کردن رویکرد حاکمیت غذایی است. این رویکرد سعی به اصلاح رویکرد امنیت غذایی داشته و تکمیل‌کننده آن است.

۱۸) رویکرد حاکمیت غذایی (موضوع این نوشتار) بر حق ملت‌ها به اخذ تصمیم و اعمال برنامه‌های تولیدی، توزیعی و مصرف خوراک مناسب با فرهنگ، نیاز و امکانات خود در هر محل به‌دور از تحمیل سیاست‌ها و فشارهای شرکت‌های بزرگ تأکید دارد. این رویکرد از کشاورزی خانوادگی و کشاورزان خرده پا حمایت می‌کند. کشاورزی خانوادگی که ۷۰ درصد غذای جهان را تهیه می‌کنند و در حال حاضر از کمترین حمایت‌های دولت‌ها برخوردارند.

۱۹) تفکر حاکمیت غذایی توسط کشورهای بسیاری پذیرفته شده و برخی به قانون اساسی خود افزوده‌اند و برنامه‌های عملیاتی برای آن به اجرا درآورده‌اند.

۲۰) ایده و اصول حاکمیت غذایی به سایر زمینه‌ها نیز تسری یافته است؛ برای حفاظت از خاک، مبارزه با زمین خواری، توزیع زمین بین روستائیان بی‌زمین زراعی ایده حاکمیت خاک مطرح شده است. و برای مدیریت و مهار یا کنترل بذر که از ابزار بسیار قوی در دست نظام فرمانروایی غذایی است برنامه‌های مختلفی تحت‌عنوان حاکمیت بذر شکل گرفته است.

۲۱) نهضت راه و روش کشاورزان، نشست‌های جهانی پیرامون حاکمیت غذایی و تولیدات علمی و نقد دانشمندان از نظام سرمایه‌داری سازمان‌های بین‌المللی را ناگزیر به پذیرش اصلاحاتی کرده است. برای نمونه، نهضت مذکور شعاری انقلابی علیه سازمان جهانی تجارت سر لوحه فعالیت‌های خود در جهان قرار داده است، با این مضمون: کشاورزی را از چنگال سازمان جهانی تجارت آزاد کنید.

۲۲) راهبردهای متنوعی برای مقابله با نظام فرمانروایی غذایی توسط دانشمندان آمریکایی و سایر کشورها و همچنین بوسیله نهضت راه و روش کشاورزان ارایه گردیده است؛ برخی معتقدند که دانشمندان عرصه‌های مرتبط با غذا و تجارت، در تبیین ریشه مشکلات هم‌صدا هستند ولی در قبول راهبردهای رفع مشکلات و یا مقابله با نظام فرمانروایی غذایی با یکدیگر توافق چندانی ندارند.

۲۳) از راهبردهای مداخله شرکت‌های بزرگ در کشاورزی و غذای ملت‌ها راهبرد نفوذ است؛ ابعاد و عناصر نفوذ بیگانه در کشاورزی کشور در یک فصل مستقل تحلیل شد و توصیه‌هایی برای عایق‌بندی و پیشگیری از نفوذ و از سوی دیگر حضور فعال در تعاملات و داد و ستدهای بین‌المللی عرضه گردید.

۲۴) به‌منظور تبیین وضعیت ایران از نظر حاکمیت بر کشاورزی خود و غذای مردم، بالغ بر ۲۰ معیار مشخص شد. سپس ۴ روش برای اندازه‌گیری میزان حاکمیت با سنجه‌های مناسب طراحی گردید. در روش اول که با معیار خودکفایی عمل گردید، میزان خوداتکایی کشور برای محصولات عمده محاسبه شد و معلوم گشت برای برخی محصولات مانند میوه و سبزیجات در وضعیت عالی ولی برای محصولاتی مانند روغن وضعیتی آسیب‌پذیر داریم. برای روش مشارکت عمومی و کارگزاران در برنامه‌ها، روش پیروی از قوانین و دستورالعمل‌ها و روش مداخله بیگانگان در امور کشاورزی و غذایی کشور نیز آزمون‌هایی تدوین و نظر متخصصین اقتصاد کشاورزی و ترویج کشاورزی کسب و پس از جمع‌بندی، میزان حاکمیت غذایی ایران بیش از ۷۲ درصد برآورد شد. این رقم گرچه ایده‌آل نیست ولی از سطح آسیب‌پذیری (زیر ۵۰ درصد)

بالتر است و مؤلفه‌ها و سنجه‌های هر روش نشان داد که بایستی در چه زمینه‌هایی مراقبت بیشتری صورت گیرد و برنامه‌های حفظ و ارتقای حاکمیت تهیه و اجرا شود.

توصیه‌هایی برای حفظ و ارتقای حاکمیت بر کشاورزی کشور و غذای مردم

از تحلیل و بررسی‌های این مطالعه و همچنین تجربیات و ایده‌های جهانی می‌توان فهرست وار توصیه‌های زیر را عرضه داشت، تا انشاءالله مورد توجه جریان‌های مختلف علمی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی قرار گرفته و برای هر موضوع برنامه‌ای برای پیشگیری از لطمه دیدن حاکمیت غذایی و تقویت آن تدوین و اجرا شود.

(۱) آگاهی و احساس مسئولیت آحاد جامعه ضامن حفظ و ارتقای حاکمیت غذایی کشور است؛ در این خصوص باید:

❖ شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به تهیه و تدوین برنامه‌ای آرمانی نسبت به حاکمیت غذایی اقدام نماید.

❖ دانشمندان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور از اهداف و رسالت خود انجام مطالعات جامع پیرامون حاکمیت غذایی دانسته و در تبیین علمی موضوع برای جامعه تلاش کنند.

❖ ارتقای دیدگاه سیاسی دانشجویان و دانش‌پژوهان جوان از طریق تدوین و ارائه دروسی در زمینه حاکمیت غذایی، تمرکز پایان‌نامه‌ها و برگزاری نشست‌های تحلیلی و غیره در ابعاد مختلف حاکمیت غذایی و معرفی نظام فرمانروایی (مافیایی) بر غذای جهان بسیار مفید می‌باشد.

❖ آموزش و پرورش روحیه استقلال‌طلبی و حاکمیت‌خواهی جامع با مثال‌هایی از وضعیت کشاورزی و تأمین غذا، در کودکان و جوانان کشور تقویت نماید

❖ رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما به‌طور مستمر موضوع حاکمیت غذایی، تجربیات جهانی و سوابق و اهمیت بحث را با شیوه‌های متنوع از جمله تهیه فیلم‌های مستند و یا داستانی به جامعه عرضه دارد.

(۲) با توجه به تأثیر فرهنگ کشورها بر یکدیگر و ضرورت حمایت از سایر بلاد و همسایگان، باید تجربیات و دستاوردهای علمی کشور در زمینه حاکمیت غذایی و کشاورزی، از طرق متنوع در اختیار آنها قرار گیرد.

۳) نیازمندی مهمترین زمینه نفوذپذیری و از دست دادن حاکمیت بر غذای کشور است، بنابراین با هدف آرمانی خودکفایی در تمامی محصولات به‌خصوص محصولات راهبردی و عمده باید سیاست‌های آرمانی خودکفایی با برنامه کوتاه‌مدت خوداتکایی تدوین و عملیاتی شود.

۴) مردم آزاده جهان و سایر کشورها مدتهاست که در زمینه حاکمیت غذایی کارهای علمی، نهضت‌های اجتماعی و اقدامات جدی و گنجاندن حاکمیت غذایی در قانون اساسی خود را دنبال کرده‌اند. استفاده از تجربیات و دستاوردهای آنان، پیوستن به نهادهای و تشکلهای حاکمیت غذایی (راه و روش کشاورزان)، و برقراری ارتباط پایدار با آنان از ضروریات است.

سخن پایانی

سه رویکرد برای تأمین غذای مردم و جامعه مطرح شده و پیرامون هر یک زیربنای فکری و منابع علمی فراوانی عرضه شده است. رویکرد "حاکمیت غذایی" برای رفع کاستی‌های "رویکرد امنیت غذایی" و "رویکرد رزق حلال و طیب" با جامعیت خود تکمیل‌کننده آن دو رویکرد به‌ویژه در ابعاد معنوی نمود پیدا کرده است. بنابراین:

بهره‌گیری،

از رویکرد امنیتی غذایی نیازی است که واقعیت دارد؛

از رویکرد حاکمیت غذایی حکمتی است که ضرورت دارد؛

از رویکرد رزق حلال و طیب نعمتی است که جامعیت دارد.

پس باید:

واقعیت‌ها را پذیرفت،

به ضرورت‌ها عمل کرد،

و نعمت‌ها را پاس داشت.

وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى

منابع

- اسلامزاده، وحید، وهانیه مغانی. (۱۳۹۵). گزارش نخستین همایش از امنیت غذایی تا حاکمیت غذایی در چارچوب حکمرانی مطلوب. خبرگزاری کشاورزی ایران (ایانا)، ۱۳۹۵/۱۲/۱۰.
- الماسی، فاطمه. (۱۴۰۰). ارتباط شاخص خودکفایی با مزیت‌های مقیاس و کارایی محصولات زراعی ایران (مطالعه موردی: گندم، جو و شلتوک). دوازدهمین کنفرانس ملی اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شهرکرد، اسفند ۱۴۰۰.
- انتظار مهدی، ر.، نوری سعیدلو، س.، و بابایی، ف. (۱۳۹۳). سند تغذیه و امنیت غذایی استان آذربایجان غربی. آذربایجان غربی: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی آذربایجان غربی، معاونت امور آموزشی.
- بختیاری، فرانک. (۱۴۰۱). دور ریز مواد غذایی در ایران. رسانه تهران تایمز. ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲.
- پزشکی، علی. (۱۳۹۰). حاکمیت غذایی کلید دستیابی به حکمرانی خوب. پایگاه اطلاعاتی موسسه غذا و تغذیه ایران ما - سه شنبه هفتم تیر، ۱۳۹۰.
- خبرگزاری انا. (۱۳۹۸). محیط زیست ایران، بهشت جاسوسان. کد خبر: ۴۱۴۳۹۷. ۱۶ شهریور ۱۳۹۸ - ۰۹:۲۶.
- خبرگزاری علم و فرهنگ (سینا پرس). (۱۳۹۷). امنیت غذایی یا حاکمیت غذایی؟ ۱۵:۴۳ / ۱۸ اسفند ۱۳۹۷.
- دنیای اقتصاد (۱۴۰۰). ۳۵٪ محصولات کشاورزی تبدیل به ضایعات می‌شود. شماره روزنامه ۵۴۰۸، سه‌شنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۰.
- روانبخش سنگجویی، مکرم، ۱۳۸۹، آینده احتمالی اکوسیستم‌ها در سناریوهای ارزیابی اکوسیستم هزاره، چهارمین همایش و نمایشگاه تخصصی مهندسی محیط زیست، تهران. <https://civilica.com/doc/93168>
- زمانی، غلامحسین. (۱۴۰۱). نظام مطلوب تأمین غذای جامعه. (از مجموعه اسناد مرتبط با سند ملی و راهبردی تحول امنیت غذایی). ناشر: نشر آموزش کشاورزی، ۳۱۸ صفحه.
- زمانی، غلامحسین. (۱۴۰۰). رهیافت هدایتی انسان (رها)؛ الگوی مطلوب برای فعالیت‌های علمی شناختی. نشر عرشه اندیشه، قم. ۸۷ صفحه.
- زمانی، غلامحسین. (۱۳۹۸). جهانی‌سازی کشاورزی - و القای اجتناب‌ناپذیری. نشر عرشه‌اندیشه، قم. ۲۱۲ صفحه.
- صادقی گرمارودی، کیمیا. (۱۳۹۸). حق غذا در نظام حقوق بین‌الملل. پایگاه اطلاعاتی راسخون - جمعه ۲۱ تیر ۱۳۹۸.
- صدری افشار، غلامحسین، نسرین حکمی، و نسترن حکمی. (۱۳۷۰). فرهنگ زبان فارسی امروز. مؤسسه نشر کلمه. چاپ سه‌م. ص ۹۵۸.

- عبادی، فرزانه. (۱۳۹۷). ترازنامه غذایی کشور (برنامه اول تا پنجم توسعه). مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی. ۳۷۷ ص.
- عبادی، فرزانه. (۱۴۰۱). بررسی وضعیت شاخص‌های امنیت غذایی در ایران طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۸ (ترازنامه غذایی ۱۳۹۹). وزارت جهاد کشاورزی- مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.
- عصر اسلام. (۱۴۰۰). داستان کشف برنج کاظمی و برنج‌های می. تاریخ انتشار: ۰۶ مهر ۱۴۰۰. کد خبر: ۲۷۵۴۶.
- کیانپور، روجا. (۱۴۰۰). ارزیابی امنیت غذایی ایران و ارائه اقدامات پیشنهادی به‌منظور بهبود امنیت غذایی ایران. مرکز ملی مطالعات راهبردی کشاورزی و آب اتاق ایران- جامعه اندیشکده‌ها؛ فروردین ۱۴۰۰.
- کریمی تفرشی، مهدی. (۱۴۰۰). الگوی مصرف مواد غذایی در ایران در مقایسه با سایر کشورها. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره روزنامه: ۵۲۹۳. تاریخ چاپ: ۲۸/۰۷/۱۴۰۰، شماره خبر: ۳۸۰۸۶۱۹.
- ملک‌زاده، رضا. (۱۴۰۰). تعداد افراد چاق در ایران ۵.۵ برابر شده است. خبرگزاری جمهوری اسلامی. کد خبر ۸۴۳۴۳۶۲۶. خرداد ۱۴۰۰، ۱۱:۴۷.
- سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد آینده کشاورزی و غذا (روندها و چالش‌ها)، (۲۰۱۷) مترجم مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی

References

- Abukhalaf, A.H.I. (2021). Bridging the Gap: U.S Waste Management System. *Academia Letters*, Article 1680. <https://doi.org/10.20935/AL1680>.
- Altieri, M.A (2009). Agroecology, small farms and food sovereignty. *Mon Rev* 61:102–111.
- Altieri, M.A., and Toledo, V.M. (2011). The agroecological revolution in Latin America. *J. Peasant Study*, 38:587–612.
- Anderson, C. R., R. Binimelis, M. P. Pimbert, and M. G. Rivera-Ferre. (2019). Introduction to the symposium on critical adult education in food movements: learning for transformation in and beyond food movements—the why, where, how and the next? *Agriculture and Human Values*, <https://doi.org/10.1007/s10460-019-09941-2>.
- Basilico, Stefano. (2015). The Slow Food challenge: Italian glocalism as a response to globalization. *The Politics of Global Change*, POL8029. Newcastle University, 140593200.
- Chappell, MJ., Wittman H, and Bacon CM et al. (2013). Food sovereignty: an alternative paradigm for poverty reduction and biodiversity conservation in Latin America [v1; ref status: indexed, <http://f1000r.es/23s>] *F1000Research* 2013, 2:235 (doi:10.12688/f1000research.2-235.v1).
- Cline, W. (2007). *Global Warming and Agriculture: Impact Estimates by Country*. Peterson Institute, Washington DC.
- Connelly, S., Markey, S., and Roseland, M. (2011). Bridging sustainability and the social economy: achieving community transformation through local food initiatives. *Critical Social Policy*, 31(2), 308e324.
- Coolsaet, Brendan. (2016). Towards an agroecology of knowledges: Recognition, cognitive justice and farmers' autonomy in France. *Journal of Rural Studies*, no.47, 165-171.
- Dimitri, c., Effland, A., and Conklin, N. (2005). The 20th Century Transformation of Agriculture and Farm Policy. USDA, Economic Information Bulletin No.3.
- Duddigan, S.; Collins, C.D.; Hussain, Z.; Osbahr, H.; Shaw, L.J.; Sinclair, F.; Sizmur, T.; Thallam, V.; Ann Winowiecki, L. (2022). Impact of Zero Budget Natural Farming on Crop Yields in Andhra Pradesh, SE India. *Sustainability*. <https://doi.org/10.3390/su14031689>.
- Economic Research Service (ERS), U.S. Department of Agriculture (USDA). *Food Dollar Series*, (March 2021).
- El Bilali, H., Callenius, C., Strassner, C., & Probst L. (2018). Food and nutrition security and sustainability transitions in food systems. *Food and Energy Secur*; e00154. <https://doi.org/10.1002/fes3.154>.
- El Bilali, Hamid. (2019). *Innovation-Sustainability Nexus in Agriculture Transition: Case of Agroecology*.
- Falk, Richard. (1997): Resisting 'globalisation-from-above' through 'globalisation-from-below', *New Political Economy*, 2:1, 17-24.
- FAO. (2018). *Dynamic development, shifting demographics, changing diets*. Bangkok. 172 p. Licence: CC BY-NC-SA3.0 IGO.

- FAO. (2008). Climate Change and Food Security: A Framework Document 20 available at <ftp://ftp.fao.org/docrep/fao/010/a1508e/a1508e00.pdf>.
- FAO. (2009). First Fruits of Plant Gene Pact, (June 21, 2009), <http://www.fao.org/news/story/0/item/20162/icode/en/>.
- FAO. (2011). Global food losses and food waste extent, causes and prevention. Rome: FAO. Retrieved from <http://www.fao.org/docrep/014/mb060e/mb060e.pdf>.
- FAO, IFAD and WFP. (2013). The State of Food Insecurity in the World 2013. The multiple dimensions of food security. Rome, FAO.
- FAO. (2015). The FAO Hunger Map 2014. Retrieved March 19, 2015, from <http://www.fao.org/hunger/en/>.
- FAO. (2021). World Food and Agriculture - Statistical Yearbook 2021. Rome. <https://doi.org/10.4060/cb4477en>
- Figuerola-Helland, Leonardo, Cassidy Thomas, and Abigail Pérez Aguilera. (2018). Decolonizing Food Systems: Food Sovereignty, Indigenous Revitalization, and Agroecology as Counter-Hegemonic Movements. *Perspectives on Global Development and Technology*, 17: 173-201.
- Fraser, Evan, Alexander Legwegoh, Krishna KC, Mike CoDyre, Goretty Dias, Shelley Hazen, Rylea Johnson, Ralph Martin, Lisa Ohberg, Sri Sethuratnam, Lauren Sneyd, John Smithers, Rene Van Acker, Jennifer Vansteenkiste, Hannah Wittman, and Rickey Yada. (2016). Viewpoint Biotechnology or organic? Extensive or intensive? Global or local? A critical review of potential pathways to resolve the global food crisis. *Trends in Food Science & Technology*, Volume 48, Pages 78-87.
- Fries, Lorin. (2019). "A Farmer-Centered Approach to Agritech." *Forbes*. 9 Sept. 2018. Web.
- Gonzalez, Carmen G. (2014) Climate Change, Food Security, and Agrobiodiversity: Toward A Just, Resilient, And Sustainable Food System. *Climate Change and Global Food*, Vol22, Pp493-523.
- Growing America. (2019). "Farmers' Share of Food Dollar Continues to Decline, Expert Explains Why. By: Politifact.com. Posted: April 9, 2019.
- Hes, Dominique, and Nick Rose. (2019). Shifting from farming to tending the earth: A discussion paper. *Journal of Organics*, 6(1).
- Holt-Gimenez, Eric. (2002). Measuring Farmers' Agroecological Resistance After Hurricane Mitch in Nicaragua: A Case Study in Participatory, Sustainable Land Management Impact Monitoring, *93 Agric., Ecosystems and Env't*, 87-93.
- Holt-Giménez, Eric, Miguel A. Altieri, and Peter Rosset. (2006). "Ten Reasons Why the Rockefeller and the Bill and Melinda Gates Foundations' Alliance for Another Green Revolution Will Not Solve the Problems of Poverty and Hunger in Sub-Saharan Africa", *Food First*. Archived November 9, 2020. Archive.vn URL: <https://archive.vn/KUKov>.
- Holt Giménez, Eric, and Shattuck, Annie. (2011). 'Food crises, food regimes and food movements: rumblings of reform or tides of transformation? *Journal of Peasant Studies*, 38: 1, 109 — 144.
- Holt -Giménez, Eric, Annie Shat t uck, Miguel Altieri, Hans Herren and Steve Gliessman. (2012). We Already Grow Enough Food for 10 Billion People ... and Still Can't End Hunger, *Journal of Sustainable Agriculture*, 36:6, 595-598.

- Hussaini, Ibrahim H Udale. (2021). Sustainable Development and the Ethical Issue of Human Morality; an Overview. *Academia Letters*, Article 456. <https://doi.org/10.20935/AL456>.
- Jaideep, Hardika. (2021). *Ramrao: The Story of India's Farm Crisis*. Publisher : Harper Collins India.
- Kapoor, Ravi Shanker. (2021). Myth of exploitation by 'corporates'. *Sunday Guardian live*, TSG.
- Kassam, KA. (2009). "Viewing Change through the Prism of Indigenous Human Ecology: Findings from the Afghan and Tajik Pamirs." *Human Ecology*, 37 (6): 677–690.
- Kusters, K. and Lammers, E. (2013). *Rich Forests – The future of forested landscapes and their communities*. Both ENDS, Amsterdam.
- La Via Campesina. (2003). Food sovereignty. Available at: <<https://viacampesina.org/en/food-sovereignty/>>.
- Lee, J.-W and McKibbin, Warwick. (2004). Estimating the Global Economic Costs of SARS. *Learning from SARS: Preparing for the Next Disease Outbreak - Workshop Summary*. 92-109.
- Lin, Scott Y. (2017). The Evolution of Food Security Governance and Food Sovereignty Movement in China: An Analysis from the World Society Theory. *Journal of Agricultural and Environmental Ethics*, volume 30, pages 667–695.
- McCune, Nils, and Marlen Sánchez. (2018). Teaching the territory: agroecological pedagogy and popular movements. *Agriculture and Human Values*, <https://doi.org/10.1007/s10460-018-9853-9>.
- McMichael, Philip. (2014). Rethinking Land Grab Ontology* *Rural Sociology*, 79(1), pp. 34–55.
- McMichael, Philip. (2009). "A Food Regime Genealogy." *Journal of Peasant Studies*, 36 (1): 139–169.
- Mills, Elyse N. (2018). Implicating 'fisheries justice' movements in food and climate politics. *Third World Quarterly*, International Institute of Social Studies, Erasmus University Rotterdam, The Hague, The Netherlands.
- Morens, D.M. and Fauci, A.S. (2013). Emerging infectious diseases: Threats to human health and global stability. *PLOS Pathogens*, 9(7): 7–9. <https://doi.org/10.1371/journal.ppat.1003467>
- Myers, Norman. (1997). Biodiversity's Genetic Library, in *Nature's Services: Societal Dependence on Natural Ecosystems*. 255-259. (Gretchen C. Daily ed.,).
- Noll, S., and Murdock, E. G. (2019). Whose Justice is it Anyway? Mitigating the Tensions Between Food Security and Food Sovereignty. *Journal of Agricultural and Environmental Ethics*, 33, 1-14.
- Pimbert, Michel. (2009). *Towards food sovereignty*. International Institute for Environment and Development. Pages:1-20
- Picone, Christopher M. and David Van Tassel. (2002) *Agriculture and Biodiversity Loss: Industrial Agriculture, in Life On Earth: An Encyclopedia of Biodiversity, Ecology, and Evolution* 100 (Niles Eldredge ed.).

- Popkin, Barry M., Linda S. Adair, and Shu Wen Ng. (2012). Now and Then: The Global Nutrition Transition: The Pandemic of Obesity in Developing Countries. *Nutr Rev.*; 70(1): 3–21.
- Pretty, Jules N. et al. (2006). Resource-Conserving Agriculture Increases Yields in Developing Countries, 40 *Envtl. Sci. & Tech.* 1114.
- Roman-Alcalá, Antonio. (2017). Looking to food sovereignty movements for postgrowth Theory. *Ephemera Journal*, volume 17(1): 119-145.
- Schiavoni, C. (2009). "The Global Struggle for Food Sovereignty: From Nyeleni to New York." *Journal of Peasant Studies*, 36 (3): 682–689.
- Simonsen, L., Spreeuwenberg, P., Lustig, R., Taylor, R.J., Fleming, D.M., Kroneman, M., Van Kerkhove, M.D., et al. (2013). Global mortality estimates for the 2009 influenza pandemic from the GLaMOR project: A modeling study. *PLoS Medicine*, 10(11). <https://doi.org/10.1371/journal.pmed.1001558>.
- Stacker (web). (2022). 50fascinating facts about farming in America.
- Thakur, N. (2021). Food Security, Safety and Environmental Concerns: Restoring Long-term Agricultural Sustainability. *Academia Letters*, Article 888. <https://doi.org/10.20935/AL888>.
- Transparency Market Research (TMR). (2012). Animal feed and feed additives market: Global industry size, market share, trends, analysis and forecast 2011–2018. (also available at <https://www.transparencymarketresearch.com/animal-feed-and-feed-additives-market.html>).
- USDA. (2021). Economic Research Service, Food Dollar Series.
- Valeria García López, Omar Felipe Giraldo, Helda Morales, Peter M. Rosset and José María Duarte. (2019). Seed sovereignty and agroecological scaling: two cases of seed recovery, conservation, and defense in Colombia, *Agroecology and Sustainable Food Systems*, DOI:10.1080/21683565.2019. 1578720
- Vivero-Pol, Jose Luis. (2017). "Transition towards a food commons regime: re-commoning food to crowd-feed the world." *Perspectives on Commoning: Autonomist Principles and Practices*. Ed. Guido Ruivenkamp and Andy Hilton. London: Zed Books Ltd, 325–380. Bloomsbury Collections.
- Valente, Flavio Luiz Schieck, & Denisse Córdova Montes. (2016). The human right to adequate food and nutrition within a framework of food sovereignty: towards social inclusion and the reduction of inequalities. *J. Policy in Focus*, 13(2).
- Westminster College, Salt Lake City Lfigueroa helland@westminstercollege.edu, Issue 13, No. 2 •, October (2016).
- Wittman, Hannah. (2011). Food Sovereignty a New Rights Framework for Food and Nature? *Environment and Society: Advances in Research*, 2 (2011): 87–105.
- World Food Program. (2010). *Revolution: From food aid to food assistance* (Rome: United Nations).

پیوست‌ها

پیوست شماره ۱: فرم ارزیابی پیروی از حاکمیت

یکی از تعاریف حاکمیت غذایی بر پیروی تولیدکنندگان، بازار و عرضه‌کنندگان، و مصرف‌کنندگان مواد غذایی از توصیه‌ها و دستورالعمل‌های کارشناسان و کارگزاران مربوطه تأکید دارد. لطفاً در جدول زیر میزان پیروی هر گروه را مشخص فرمائید؛ (برای خیلی کم ۱، ... خیلی زیاد ۵).

شماره	سنجه	۱	۲	۳	۴	۵
	الف- میزان پیروی تولیدکنندگان					
۱	- از اخلاق و آموزه‌های دینی و فرهنگ اصیل ایرانی					
۲	- از قوانین و مقررات مربوطه کشور					
۳	- از نظر کارشناسان و کارگزاران بخش کشاورزی					
۴	- از نظرات بیگانه یا شرکت‌های تجاری خارجی عرضه‌کننده نهاده‌ها					
۵	-					
	ب- میزان پیروی عرضه‌کنندگان و بازار					
۶	- از اخلاق و آموزه‌های دینی و فرهنگ اصیل ایرانی					
۷	- از قوانین و مقررات مربوطه کشور					
۸	- از نظر کارشناسان و کارگزاران بازرگانی، میادین، صنایع و غیره					
۹	- از معیارها و فرهنگ بیگانه و مؤسسات بین‌المللی					
۱۰	-					
	ج- میزان پیروی مصرف‌کنندگان مواد غذایی					
۱۱	- از اخلاق و آموزه‌های دینی و فرهنگ اصیل ایرانی					
۱۲	- از نظر کارشناسان و کارگزاران بهداشتی و سلامت					
۱۳	- از توصیه‌های رسانه‌های داخلی،					
۱۴	- از توصیه‌های رسانه‌های بیگانه و معیارهای خارجی					
۱۵	-					

پیوست شماره ۲: فرم ارزیابی میزان مشارکت مردم و نیروهای ذیربط در حاکمیت بر کشاورزی و غذای کشور

از معیارهای حاکمیت بر کشاورزی و غذای کشور حضور و مشارکت افراد و گروه‌های مختلف مردمی (به‌ویژه جریان‌های ذیربط) در تصمیم‌سازی و برنامه‌ها می‌باشد. لطفاً ارزیابی خود را از میزان مشارکت هر یک از گروه‌ها و یا موارد مذکور در جدول زیر را با ارزش ۵ برای بیشترین و ۱ برای کمترین میزان مشارکت تعیین فرمائید.

شماره	زمینه‌ها و جریانات مشارکت‌کننده در حاکمیت کشاورزی و غذایی	۱	۲	۳	۴	۵
۱	تبعیت و استفاده از سیاست‌های ابلاغی نظام و قانون اساسی					
۲	تبعیت و استفاده از قانون بهره‌وری بخش کشاورزی					
۳	تبعیت و استفاده از احکام و قوانین برنامه‌های توسعه پنج ساله					
۴	همفکری و مشارکت کارکنان میدانی در برنامه‌ها در سطح شهرستان					
۵	همفکری و مشارکت کارشناسان و مدیران در برنامه‌های استانی					
۶	مشارکت متخصصین و مدیران استان‌ها در برنامه‌ریزی‌های ملی					
۷	هماهنگی بین کمیسیون کشاورزی مجلس با ارکان وزارت کشاورزی					
۸	مشارکت انجمن‌های علمی در هم‌اندیشی و برنامه‌ریزی‌ها					
۹	مشارکت تشکل‌های حرفه‌ای و صنفی کشاورزان، دامداران در برنامه‌ها					
۱۰	مشارکت صاحبان صنایع (کشاورزی و مواد غذایی) در برنامه‌ریزی‌ها					
۱۱	استفاده از نظرات شرکت‌های تجاری داخلی، میادین و بازار					
۱۲	هم‌اندیشی فرهنگستان علوم کشاورزی در بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها					
۱۳	هم‌اندیشی مؤسسات تحقیقاتی و دانشکده‌های کشاورزی در برنامه‌ها					
۱۴	مشارکت بسیج سازندگی، بسیج جامعه کشاورزان در برنامه‌ریزی‌ها					
۱۵	مشارکت و همفکری کشاورزان و روستائیان در سطح روستا					
۱۶	مشارکت و همفکری نماینده کشاورزان در سطح شهرستان					
۱۷	مشارکت و همفکری نماینده کشاورزان و روستائیان در سطح استان					
۱۸	مشارکت و همفکری نماینده کشاورزان و روستائیان در سطح ملی					

پیوست شماره ۳: ارزیابی میزان مداخله بیگانگان در حاکمیت کشاورزی و غذایی کشور

نظام سلطه از طرق و به کارگیری عوامل متنوعی سعی بر مداخله (عیان و پنهان) و یا تأثیرگذاری بر حاکمیت ملی ما در بخش کشاورزی و غذایی دارد. لطفا میزان اثرگذاری هر یک از عوامل زیر را با ارزش ۱ برای کمترین و ۵ برای بیشترین اثرگذاری مشخص فرمائید.

شماره	عوامل اثرگذار و مداخله گر بر حاکمیت کشاورزی و غذایی	میزان اثرگذاری				
		۱	۲	۳	۴	۵
۱	برنامه های سازمان تجارت جهانی در تعیین تعرفه های گمرکی و...					
۲	معاهدات بین المللی، نظرات فائو، UNDP، سند ۲۰۳۰ و...					
۳	ترویج سبک غذایی، کدکس آلیمنتریوس، توصیه های پزشکی و...					
۴	مطالب آموزشی و علمی، کتب، نشریات					
۵	همایش های علمی بین المللی، کنفرانس ها و نشست ها					
۶	نوآوری های علمی، تکنولوژی های نوین					
۷	اعمال تحریم ها، تهدیدهای سیاسی و تحمیل سیاست ها					
۸	گسترش فرهنگ اشرافیگری، رفاه زدگی، مصرف گرایی					
۹	ترویج مکتب و فرهنگ اقتصاد لیبرال					
۱۰	از طریق مذاکرات بین مسئولین کشورها، کنوانسیون ها، کمیته ها					
۱۱	شبکه های اجتماعی و فضای مجازی					
۱۲	نیازمندی به واردات محصولات و مواد غذایی و ناگزیری قبول شرایط					
۱۳	ضمیمه شدن شرایط با واردات نهاده های کشاورزی؛ بذر، سموم و...					
۱۴	عوامل و نمایندگان شرکت های تجاری بین المللی					
۱۵	افراد نفوذی بیگانه در بدنه حاکمیتی کشور					
۱۶	استانداردسازی و تبلیغ برای تولید، نوع و کیفیت عرضه، و مصرف					
۱۷	تشویق و زمینه سازی برای ترویج فساد (رشوه، رابطه بازی، رانت...)					
۱۸	نبود یا ضعف قوانین برای پیشگیری و یا مدیریت مداخله					
۱۹	رسانه ها مانند شبکه Gem food، و معاند و...					
۲۰	نداشتن آگاهی از برنامه های ملت ها برای مقابله و مدیریت مداخله					

پیوست شماره ۴: نمونه‌ای از نقدها گویای و نشانه تأثیرگذاری بر حاکمیت غذایی

نظر تولیدکنندگان بخش کشاورزی در مرکز پژوهش‌های مجلس

در آذرماه ۱۴۰۱ جمعی از تولیدکنندگان بخش کشاورزی به دعوت مرکز پژوهش‌های مجلس به تحلیل وضعیت کشاورزی کشور پرداخته‌اند؛ که در این جاکتاتی از درد و دل‌های آنان ذکر می‌گردد. ضمناً باید توجه داشت که در نقد وضعیت فقط جنبه‌های منفی بزرگ نمایی می‌شود، ولی می‌توان در راستای تبیین حاکمیت غذایی کشور از این اطلاعات استفاده کرد:

- سرانه مصرف خوراکی هر فرد ایرانی از کالاهای خارجی در سال ۱۳۹۶ حدود ۲۰ کیلوگرم بوده که در سال ۱۴۰۰ به ۳۰ کیلوگرم رسیده است.
- الان یک گوسفند را ۸ میلیون تومان به دامدار بیچاره می‌فروشند. درحالی‌که خارجی‌ها به ما نژاد خالص نمی‌دهند بلکه هیبرید می‌دهند که فقط نسل اول آن بدرد می‌خورد و نسل‌های بعدی مناسب نیستند. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌گوید کارهای ما باید درونزا و برون نگر باشد. آیا واردات نژاد خارجی اینگونه است؟ یا صرفاً برای پر کردن جیب برخی افراد است؟ ما آنقدری که نگران کف خیابان هستیم ۱۰۰ برابر باید نگران مدیران نفوذی باشیم. الان قصاب گوشت درجه یک و دو را به قیمت ۲۶۰ تا ۳۵۰ هزار تومان می‌فروشد، درحالی‌که از دامدار کیلویی ۱۶۵ هزار تومان خریداری کرده است.
- تفکر و گروهی که مدافع مافیای واردات هستند مشکل کشور است. به‌طور مثال می‌گویند امسال برنامه تولید ۱۴ میلیون تن گندم داریم و بر این اساس با ارز دولتی نهاده واردات می‌کنند. نهایتاً پس از تولید ۸-۶ میلیون تن گندم مابقی نهاده‌ها را با ارز آزاد مجدداً صادر می‌کنند.
- شرکت دولتی X با مافیای واردات نهاده زدوبند می‌کند تا سایر واردکنندگان را حذف کنند و صرفاً واردات در انحصار چند نفر است (م، ...، ا، ر، ط، ... و ا... ی).

نظر متخصصین اقتصاد کشاورزی

- در ۲۶ دیماه ۱۴۰۱ در جمعی از پژوهشگران و اساتید مجتمع آموزشی و تحقیقاتی کشاورزی بعثت (جهادکشاورزی فارس) موضوع حاکمیت غذایی مطرح شد؛ و تحلیل‌ها و نظرات آنان فهرست وار در اینجا ارایه می‌گردد:
- آب کشاورزی از موضوعات تعیین‌کننده می‌باشد؛ صادرات محصولات کشاورزی آب بر یا کم آب بر؛ واردات آب مجازی و آب سبز؛ آب‌های مشترک بین کشورها و همسایگان؛ مدیریت توزیع و

- مصرف آب و قیمت‌گذاری آب مورد نیاز کشاورزان و مانند این‌ها بر حاکمیت غذایی اثرگذار هستند، بنابراین تصمیم‌گیری صحیح تضمین‌کننده حاکمیت غذایی است.
- نقدهای سازنده، قاطعانه و شجاعانه بر برنامه‌ها و سیاست‌های بخش کشاورزی راه انحراف و نفوذ بیگانه را می‌بندد، بنابراین باید زمینه گفتگوی کشاورزان و کارگزاران بخش کشاورزی بیشتر گردد تا حاکمیت بر کشاورزی پایدار بماند.
- عرضه محصولات کشاورزی و نهادهای مورد نیاز بخش کشاورزی از طریق بورس و فراهم کردن امکانات لازم برای دستیابی کاربران حضور فعال کشاورزان را که حامی حاکمیت غذایی هستند میسر می‌سازد.
- در سیاست‌گذاری‌های توسعه کشاورزی بایستی از فناوری محوری به سمت انسان محوری برنامه‌ها حرکت کنیم.
- برای توسعه کشاورزی نیاز است که رشته و مکتب فلسفی توسعه کشاورزی ایجاد شود، تا بینش عمیق، جامع و منطقی در سیاست‌گذاری‌ها جاری شود و حاکمیت غذایی را ریشه‌ای تقویت نماید.
- در تبیین (ازجمله جهاد تبیین) باید از روش‌شناسی جامع که عناصر و موضوعات مثبت و منفی را تحلیل علمی و جذاب کند بهره گرفت.
- وقتی نیازی چه مادی یا معنوی (فرهنگی، عاطفی...) وجود داشته باشد و برای رفع آن اقدامی صورت نگرفته باشد، راه نفوذ و پذیرش القائاتی که بر حاکمیت غذایی اثرگذار هستند فراهم می‌شود؛ بنابراین ضروری است عناصر فرهنگی (در تولید، توزیع، و با تأکید در مصرف مواد غذایی) مناسب ترویج گردد تا زمینه ورود عناصر مسئله‌ساز محدود گردد.
- سیاست‌زدگی و حل مشکلات با ترفندهای سیاسی باید اصلاح شود؛ برخی اوقات تصمیم‌گیری‌ها خلاف تصمیم‌سازی‌ها اتفاق می‌افتد، که این امر موجب یأس تصمیم‌سازان شده و آنان را به بی‌تفاوتی می‌کشاند.
- بایستی از تجربیات جهانی بیشتر استفاده کنیم؛ برای مثال قانون Franchising فرنچایز در مالزی شرایط را برای ارتباط جهانی و بهره‌گیری از دستاوردهای تکنولوژیکی و فناوری‌های نوین (پس از بومی‌سازی و اعمال ضوابط و شرایط فرهنگی مالزی) مهیا ساخته و کشور را همگام با پیشرفت‌های جهانی به پیش می‌برد.

پیوست شماره ۵: نمونه تحلیل نظام مصرف غذای ایرانیان

مهدی کریمی تفرشی (۱۴۰۰) عضو هیات‌مدیره کانون انجمن‌های صنایع غذایی کشور اظهار می‌دارد: "یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده الگوی غذایی هر جامعه مجموعه عادات و فرهنگ غذایی آن جامعه است. ایرانیان مردمی خوش ذائقه و دارای تنوع غذایی بسیار بالا هستند، اما در این میان آنچه قابل تامل است، الگوی تغذیه‌ای ماست. سطح سلامت جامعه وابستگی زیادی به تغذیه مناسب و سالم دارد. الگوی تغذیه کشور ما دستخوش تغییرات زیادی شده است و به گفته کارشناسان، وضعیت تغذیه ایرانیان در حد مطلوبی نیست. میزان مصرف نان در ایران رقم خیره‌کننده‌ای دارد. سرانه مصرف نان هر ایرانی در سال در حالی ۱۶۰ کیلوگرم است که این آمار در جهان تنها ۲۵ کیلوگرم است. در واقع ایرانی‌ها ۶ برابر آمار جهانی نان می‌خورند و از این لحاظ در صدر جهان قرار دارند... سرانه مصرف برنج در کشور ما ۴۰ کیلوگرم اعلام شده و این در حالی است که در سه دهه گذشته، این میزان ۱۵ تا ۲۰ کیلوگرم بوده است. اما این مقدار نسبت به میانگین جهانی ۲۵ کیلوگرم هم پایین‌تر است. پرمصرف‌ترین کشور جهان در برنج، تایلند است که سرانه مصرف برنج در این کشور ۱۴۰ کیلوگرم است. این در حالی است که این آمار در ترکیه فقط ۸ کیلوگرم است... سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (فائو) در دسامبر ۲۰۱۲ سرانه مصرف گوشت (قرمز و سفید) در جهان را ۴۱ کیلوگرم اعلام کرد. این در حالی است که ایرانی‌ها سالانه حدود ۳۶ کیلوگرم گوشت مصرف می‌کنند. این میزان از آمار جهانی کمتر و از میانگین آسیا بالاتر است. همچنین ایران از لحاظ مصرف گوشت بین ۱۹۶ کشور جهان در رتبه ۹۸ قرار دارد. سرانه مصرف شکر ایرانی‌ها بین ۲۱ تا ۲۴ کیلوگرم است. در حالی که میانگین جهانی آن، فقط ۵ کیلوگرم است. این، یعنی ایرانی‌ها ۵ برابر مردم جهان از شکر استفاده می‌کنند. ایرانی‌ها علاوه بر شکر، در مصرف نمک هم زیاده‌روی می‌کنند. سازمان جهانی بهداشت، میانگین مصرف نمک را برای هر فرد در جهان، ۱۰ گرم عنوان کرده و این میزان را دو برابر میزان توصیه شده این سازمان دانسته است، اما ایرانی دو تا سه برابر بیشتر نمک مصرف می‌کنند... سرانه مصرف روغن در کشور ۲۱ کیلوگرم است. این در حالی است که وزیر بهداشت روز چهارشنبه ۲۳ مهرماه از اضافه شدن سالانه ۳ کیلوگرم روغن به سرانه مصرف ایرانی‌ها خبر داده است... سرانه مصرف تخم‌مرغ در ایران ۱۹۰ عدد است. این در حالی است که میانگین جهانی، ۲۵۰ عدد تخم‌مرغ است و ایرانی‌ها سالانه ۶۰ تخم‌مرغ کمتر از میانگین جهانی می‌خورند. هرچند رقم‌های دیگری هم در این باره اعلام شده و به‌عنوان مثال، سال گذشته معاون بهبود تولیدات دامی سازمان جهادکشاورزی چهارمحال و بختیاری در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس گفت: «سرانه مصرف تخم‌مرغ کشور ۱۶۰ و در جهان ۳۰۰ عدد است... سرانه مصرف روغن زیتون، این داروی طبیعی در کشور فقط ۲۲۰ گرم است.

این در حالی است که در برخی کشورهای جهان سرانه مصرف این کالا به ۲۷ کیلوگرم نیز می‌رسد. سوریه بالاترین آمار مصرف روغن زیتون را با ۲۷ کیلوگرم در سال به خود اختصاص داده است که به دلیل مصرف بالای این ماده طبیعی با کمترین مشکل بیماری‌های قلبی و عروقی مواجه است. ایرانی‌ها در نوشیدن مضرترین نوشیدنی جهان نیز با اقتدار در صدر ایستاده‌اند. سرانه مصرف نوشابه در کشور ما ۴۲ لیتر است. در حالی که مردم جهان به زور ۱۰ لیتر نوشابه در سال می‌خورند.... سرانه مصرف شیر در ایران ۷۰ کیلوگرم اعلام شده است. اما طبق آمار جهانی متوسط مصرف شیر در جهان ۱۹۰ کیلوگرم و در کشورهای اروپایی بین ۳۰۰ تا ۴۵۰ کیلوگرم اعلام شده است. این آمار در کشورهای توسعه یافته جهان به ۵۰۰ کیلوگرم هم می‌رسد. البته مصرف شیر در استان‌های چهارمحال و بختیاری، آذربایجان غربی و شرقی از متوسط کشور بیشتر است.... با بررسی آمار مصرف مواد غذایی کشور و میانگین‌های جهانی به روشنی پیداست که ایران در وضعیت غذایی درستی قرار ندارد. حتی می‌توانیم عنوان بدغذاترین کشور جهان را از آن خود کنیم. بنابراین اصلاح الگوی تغذیه‌ای با آموزش‌های بنیادین و آگاه کردن مردم از تبعات الگوی غذایی غلط شاید بتواند به بهبود وضعیت غذایی جامعه به‌ویژه نسل‌های بعد کمک کند."

کیانپور (۱۴۰۰) پیرامون وضعیت تغذیه ایرانیان مطالبی را به شرح زیر ارایه و توصیه کرده است:

- "تدوین برنامه بلندمدت توسعه کشاورزی به عنوان بسته‌ای از استراتژی کلان پیشرفت کشور و حرکت در چارچوب آن
- تأمین و تحقق سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز بخش کشاورزی، افزایش توانایی‌های علمی و تکنولوژیکی، افزایش ظرفیت و توان مدیریتی و بهبود فضای کسب و کار در بخش
- تلاش و کوشش کلیه بخش‌ها به‌طور هماهنگ و مرتبط باهم در جهت تأمین عرضه مستمر و پایدار آن
- تغییر نگرش مسئولین از سطح کلان امنیت غذایی (عرضه در سطح ملی) به مصرف در خانوار مبتنی بر سبد مطلوب غذایی و پایش مستمر وضعیت غذا و تغذیه در جامعه و تعیین سالانه خط فقر غذایی
- تعریف جامع و تدوین مکانیسم‌های حمایتی از اقشار زیر خط فقر غذایی
- دستیابی کلیه افراد جامعه به غذای کافی و مطلوب و سلامت تغذیه‌ای و متناسب‌سازی سهم فرآورده‌های حیوانی و گیاهی در سبد غذایی خانوارها."

***** نکته:** می‌توان معیارها و استانداردهای برگرفته از نظام غذایی غرب را در توصیه‌ها و اظهارات متخصصین داخلی دید. به عبارت دیگر جای پای غرب در متأثر کردن حاکمیت غذایی را باید از اینگونه معیارهای غذایی استنباط کرد. ضمن تأیید و تأکید بر ضرورت بهره‌گیری از توصیه‌ها و دستاوردهای علمی مفید جهان بایستی مواظب خود باختگی و غفلت‌ها نیز بود؛ لذا اگر نقدی بر اظهار نظر متخصصین صورت می‌گیرد، نفی جنبه‌های مثبت نیست، بلکه هشدار برای قبول آگاهانه استانداردهای مناسب با فرهنگ ایرانی می‌باشد. و امید آنکه همگام با متفکران آزاده جهان و با اتکا به مبانی ارزشی و آموزه‌های اسلامی ایرانی بتوانیم معیارها و استانداردهای بومی لازم را تولید نمائیم.

پیوست شماره ۶: کتاب‌شناسی و منابع علمی پیرامون نقد کشاورزی سرمایه‌داری،
معرفی کشاورزی بوم‌گرا، و نهضت‌های مردمی برای غذا

Beyond Capitalist Agribusiness:

Toward Agroecology & Food Justice — A Basic Bibliography

Patrick S. O'Donnell (2021)

I have several related compilations that may interest some readers (embedded links):

(i) Animal Ethics, Rights & Law, (ii) César Chávez & the United Farm Workers ... and the Struggle of Farm Workers in the U.S., and (iii) Ecological & Environmental Politics, Philosophies, and Worldviews.

با آدرس فوق اصل کتاب‌شناسی را می‌توان دریافت کرد؛ چند نمونه در این صفحه معرفی می‌گردد:

- ❖ Ackerman-Leist, Philip. *Rebuilding the Foodshed: How to Create Local, Sustainable, and Secure Food Systems*. White River Junction, VT: Chelsea Green Publishing, 2013.
- ❖ Adams, Jane, ed. *Fighting for the Farm: Rural America Transformed*. Philadelphia, PA: University of Pennsylvania Press, 2003.
- ❖ Akram-Lodhi, A. Haroon. *Hungry for Change: Farmers, Food Justice and the Agrarian Question*. Sterling, VA: Kumarian Press, 2013.
- ❖ Alkon, Alison Hope. *Black, White, and Green: Farmers Markets, Race, and the Green Economy*. Athens, GA: University of Georgia Press, 2012.
- ❖ Altieri, Miguel A. and Susanna B. Hecht, eds. *Agroecology and Small Farm Development*. Boca Raton, FL: CRC Press, 1990.
- ❖ Anr  e, Peter, et al. *Globalization and Food Sovereignty: Global and Local Change in the New Politics of Food*. Toronto: University of Toronto Press, 2014.
- ❖ Ayeb, Habib and Ray Bush. *Food Insecurity and Revolution in the Middle East and North Africa: Agrarian Questions in Egypt and Tunisia*. London: Anthem Press, 2019..
- ❖ Barlow, Maude. *Blue Covenant: The Global Water Crisis and the Coming Battle for the Right to Water*. New York: The New Press, 2008.
- ❖ Barlow, Maude. *Blue Future: Protecting Water for People and the Planet Forever*. New York: The New Press, 2014.
- ❖ Barlow, Maude and Tony Clarke. *Blue Gold: The Fight to Stop the Corporate Theft of the World's Water*. New York: The New Press, 2004.
- ❖ Bello, Walden. *The Food Wars*. London: Verso, 2009.
- ❖ Benedict, Murray. *Farm Policies of the United States, 1790-1950: A Study of Their Origins and Development*. New York: The Twentieth Century Fund, 1953.
- ❖ Bennett, Jon (with Susan George). *The Hunger Machine*. Cambridge, UK: Polity Press, 1987.
- ❖ Bernstein, Henry. *Class Dynamics of Agrarian Change*. West Hartford, CT: Kumarian Press, 2010.

- ❖ Bittman, Mark. *Animal, Vegetable, Junk: A History of Food, from Sustainable to Suicidal*. New York: Houghton Mifflin Harcourt, 2012.

Abstract

One of the the serious needs of today's society is to inform farmers and other active forces of the agriculture sector in various fields about economic and socio-political affairs. These matters have been effective on the production, supply, and even consumption of agricultural and food products, and the scope of these factors and the extent of their impacts have been continuously increased. The current study, with archival methodology and content analysis, has investigated the economic trend controlling and managing agriculture and the supply of food products in the world, which, while resulting some benefits, have imposed many negative effects on the world. The second trend or movement resisting and defending against the first trend has emerged contemporaneously with the first trend. The first trend is called the World Food Corporation Regime, and the second one is called the World Food Movement. For this purpose, firstly, the influential factors and some major challenges of the agricultural sector are raised, and then the comments and criticisms that have been made on the regime, especially from the food movement, accompanying with examples from the USA agriculture. In the next part, the history and process of the formation of the regime, and the schools of thought supporting both trends, such as the schools of neoliberalism, reformism, progressives, and radical change are presented. The strategies proposed in different countries to defend and support rural producers as well as the local consumers are cited. Then some of approaches proposed in different countries are offered to defend and support rural producers and local consumers. At the end, the state of food sovereignty in Iran is reviewed and recommendations are made to strengthen the position of sovereignty over agriculture and the country's food system.

Key words: Small rural farmers, Large multinational food companies, La via campesina, Food crisis, Food sovereignty.

In the Name of Al-Razzaq

**Sovereignty over Agriculture and Delightful Food;
Global Corporate Food Regime –
Penetration Project and National Positions.**

بهره‌گیری،

از رویکرد امنیّت غذایی نیازی است که واقعیت دارد؛
از رویکرد حاکمیت غذایی حکمتی است که ضرورت دارد؛
از رویکرد رزق حلال و طیب نعمتی است که جامعیت دارد.

By:

Professor Gh. Zamani

Shiraz University

Mojtaba Palouj

Associated Professor at Ministry of Jihad Keshavarzi

Marjaeelm pub
2023

SOVEREIGNTY OVER AGRICULTURE AND DELIGHTFUL FOOD

GLOBAL CORPORATE FOOD REGIME
PENETRATION PROJECT AND NATIONAL POSITIONS

بهره‌گیری،

از رویکرد امنیت غذایی نیازی است که واقعیت دارد؛
از رویکرد حاکمیت غذایی حکمتی است که ضرورت دارد؛
از رویکرد رزق حلال و طیب نعمتی است که جامعیت دارد.

GHOLAMHOSSEIN ZAMANI
PROFESSOR OF SHIRAZ UNIVERSITY

MOJTABA PALOUJ
ASSOCIATED PROFESSOR AT MINISTRY OF JEHAD KESHAVARZI

www.marjaeelm.ir

ISBN : 978-622-7766-29-5



9 786227 766295

